

ما خون را دیدیم چراغ مژده‌ای
۱۳۰۴ / ۱۱ / ۱۳

مذاکره با قاتلان مردم یا مدیریت زمان برای ضربه نهایی؟

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۲۰۱۵ (۵۴۹)
۱۷ تا ۲۳ بهمن ۱۴۰۴
۶ تا ۱۲ فوریه ۲۰۲۶



مذاکره با قاتلان مردم یا
مدیریت زمان برای ضربه نهایی؟

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا
لفظاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirnia.com Email: pirnia@pirnia.com

آگهی استخدام کارمند قراردادی

بنیان فرهنگی ژاله اصفهانی برای کارهای اداری و رسانه‌های اجتماعی نیاز به کمک پاره وقت براساس قرارداد یکساله دارد.
ساعات کار: ۱۰ ساعت در هفته بطور متوسط
دستمزد: ۱۵ پوند در ساعت
محل کار: دور کاری، با احتمال حضور در برخی جلسات داخلی و خارجی.
مدت قرارداد: یکسال
متقاضیان می‌بایند علاقمند به مسائل فرهنگی باشند.
شروع کار: ماه فوریه.
شرح وظایف اصلی:
آماده سازی مطالب وبسایت و به روز رسانی و مدیریت شبکه‌های اجتماعی (فیس بوک، اینستاگرام، ایکس و یوتیوب)
تهیه، آماده سازی و به روز رسانی پوسترها و اطلاعیه‌های کار گروه‌ها و رویدادهای فرهنگی
ارائه خدمت عمومی اداری برای فعالیتهای بنیاد: از جمله رزرو محل برگزاری رویدادها، کمک به سازماندهی فعالیتها با هماهنگی کار گروه‌های بنیاد، اطلاع رسانی و تبلیغ رویدادها از طریق ارسال ایمیل و یا شبکه‌های اجتماعی، پاسخ گویی به ایمیل‌ها و در صورت لزوم مشورت با هیئت امناء و انجام سایر امور اداری.

تجارب مورد نیاز:
آشنایی به امور اداری و سازماندهی
آشنایی با کار با کامپیوتر، امور وبسایت و شبکه‌های اجتماعی، طراحی و ادیت وبسایت
داشتن تجارب سازماندهی و ارتباطی
دقت و توجه به جزئیات، قابل اعتماد بودن و علاقمندی به فعالیت‌های فرهنگی
تسلط به زبان فارسی و انگلیسی

نحوه درخواست:
لطفاً رزومه خود را همراه نامه به ایمیل اداری زیر ارسال نمایید:
hr@jalehastehani.com

مهلت ارسال درخواست:

درخواست‌ها می‌باید حداکثر تا روز دو شنبه ۹ فوریه دریافت شود.
بودجه این پست توسط سازمان خیریه لاتاری تأمین شده است.



کیهان

فهرست مطالب

۴	سر مقاله - مذاکره؟ ملت ایران به دنبال «سرنگونی» جمهوری اسلامی است... / روشنگ آسترکی
۴-۵	تیتز هفته - مذاکره با قاتلان مردم یا مدیریت زمان برای ضربه نهایی؟... /
۶-۷	یادداشت وبسایت شبکه «ولت» آلمان: رضا پهلوی می تواند رهبر دوران گذار باشد، امروز مسئولیت... /
۷	دعوت از شاهزاده رضا پهلوی برای حضور در کنفرانس امنیتی مونیخ... /
۸	روزنامه «تلگراف»: روسیه برای حمایت از حکومت ایران از سال ۲۰۱۸ میلیون هادولار اسکناس... /
۹	چرا ترکیه موافق بقای جمهوری اسلامی است؟!... / اینهم محمدی
۹	اولیتما توم تر آمپ به جمهوری اسلامی: مهلت نهایی برای توافق روبه پایان است... /
۱۰-۱۱	رویترز: خیابان های خاموش، خشم انباشته؛ حاکمیت ایران تکران بازگشت اعتراضات پس از... /
۱۱	تصحیح کنید!... / خبراندیش (احمد/حرار)
۱۲-۱۴	۶۱ سال پس از شهر یور ۲۰، سه نظر متفاوت درباره اشغال ایران... / دکتر امیر اصلان افشار
۱۴	تجمع ایرانیان مقابل سفارت ایالات متحده در لندن... /
۱۵	وزیر دفاع عربستان: عدم اقدام نظامی ترامپ علیه رژیم ایران آنها را گستاخ تر می کند... /
۱۶-۱۷	پولیتیکو: ایرانیان تاریخ می سازند؛ اروپا باید اکنون اقدام کند... /
۱۷-۱۸	تداوم تحصن و تحریم امتحانات در چندین دانشگاه بزرگ کشور... /
۱۹	وقتی درمان کردن جرم می شود... / دکتر مهدی میر سعیدی
۲۰	فریدریش می ترسد در جریان سفر به خاور میانه: حکومت ایران نامشروع است و باید پایان یابد... /
۲۰-۲۱	اورشلیم پست: آمریکا و اسرائیل یک کانال نظامی برای هماهنگی درباره ایران ایجاد کرده اند... /
۲۱	بیانیه جمعی از روزنامه نگاران ایرانی خارج از کشور در حمایت از مبارزات آزادی خواهانه ملت ایران... /
۲۲	به دستور خامنه ای طرح های استیضاح وزرای دولت در مجلس شورای اسلامی متوقف شد... /
۲۳	نمای نزدیک: شکست مقاومت ایدئولوژیک در برابر واقعیت اجتماعی... / فرید خلیفی
۲۳	نمای نزدیک: رد پای سرکوب شیمیایی مردم در ایران... / فرید خلیفی
۲۳	نمای نزدیک: چگونه استارلینک ها را پیدای کنند؟... / فرید خلیفی
۲۴-۲۵	سرکوب قهرمانان: روایت نیویورک پست از بازداشت و کشتار روز شکار معترض در ایران... /
۲۵-۲۶	ضرورت حمایت هر چه قوی تر از فراخوان شاهزاده رضا پهلوی در ۱۴ فوریه... / احیف حیدر نژاد
۲۶-۲۷	آکسیوس: ترامپ بادر خواست جمهوری اسلامی برای تغییر محل مذاکرات از ترکیه به عمان... /
۲۷	مارکوریو: جمهوری اسلامی قادر نیست به مطالبات مردم ایران پاسخ دهد... /
۲۸-۲۹	ائتلاف فرا حزبی در مجلس اعیان بر بنابا: زمان تعامل با اپوزیسیون ایران فرا رسیده است... /
۲۹	«فرانکفورتر رونیون» عملیات فریب بانا و آبراهام لینکلن... /
۳۰-۳۳	در اعتراضات دی ماه ۴۰۴ چه گذشت: بخش چهارم و پنجم... / روشنگ آسترکی
۳۳-۳۴	ضرورت حمایت هر چه قوی تر از فراخوان شاهزاده رضا پهلوی در ۱۴ فوریه... / احیف حیدر نژاد
۳۴-۳۵	واکنش یک حقوقدان به سومین بیانیه ۱۷ فعال سیاسی و فرهنگی: سرنگونی جمهوری... / فریورده نوردستروم
۳۶	موج گسترده بازداشت و احضار کادر درمان به علت معالجه مجروحان اعتراضات دی ۴۰۴... /
۳۷	نامه سرگشاده فعالان حقوق کودک به رئیس سازمان زندان ها: خشونت علیه کودکان پایان دهید... /
۳۸	از هو لو کاست تا کشتارهای ایران در ۲۰۲۶: وقتی جهان می دانست و سکوت کرد... / دکتر فرامرز نوروزی
۳۹	وال استریت ژورنال: زمان معامله با حکومت ایران گذشته، اکنون وقت «تغییر رژیم» است... /
۴۰-۴۱	از استانبول تا عمان: مذاکره زریه سابق های تندرو و پیهاد... / حمیدرضا سلیمانی
۴۱	نمای نزدیک: چگونه استارلینک ها را پیدای کنند؟... / فرید خلیفی
۴۲-۴۳	تورم ۱۰۰ درصدی در راه است؟!... /
۴۳	گزارش «وال استریت ژورنال» درباره ادعای «لایگری» تریتا پاری برای جمهوری اسلامی... /
۴۴	اختصاصی: حسن شاخصی در اعتراضات ۱۸ دی ماه هنگام کمک به مجروحان هدف... /
۴۴	اختصاصی: بی خبری از حسین مزینانی، بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴... /
۴۵	اختصاصی: علی زند به برزی ۲۵ ساله اهل ملایر که از پشت بام سرش را نشانه گرفتند... /
۴۵	محمد هادی مهر تاشفر قرار بوده به آلمان برود ولی مأموران سرکوب قلبش را نشانه گرفتند... /
۴۶	دو هفته پس از قتل عام مردم ایران: پزشکین: به عراقچی دستور دادیم مینه مذاکره با آمریکا... /
۴۶-۴۷	وحشت از صندوق رأی: آزمون دموکراسی خواهی اپوزیسیون ایران... / دکتر رضا سعیدی فیروز آبادی
۴۷	آزمایش موشکی سپاه پاسداران همزمان با مذاکره عراقچی و ویتکاف در عمان... /
۴۸	رئیس حزب لیبرال دموکرات های بلژیک: ائتلاف بین المللی باید از مردم ایران در مقابل رژیم... /
۴۸	سرگئی لاوروف: وضعیت میان جمهوری اسلامی و آمریکا نامرز انفجار پیش رفته است... /
۴۹-۵۰	بودن یا نبودن: نقد تاریخی و تحلیلی سلبی های حکومتی در جمهوری اسلامی... / سارا پور صبری
۵۰-۵۱	دانشجویان در ده ها دانشگاه ایران در اعتراض به کشتار دی ۴۰۴ امتحانات را تحریم کردند... /
۵۲	گفت و گو با شاکیه ماکار یان خواننده پر اهنر مندی در دوران درخشان پر ای ایران... / آدوم صابو نیچان
۵۳	نشست اندیشه هنر و ادب «بوهمیا»: خیزش هادر ایران... /
۵۳	یادبود بهرام بیضایی در کانون فرهنگی پارس... /
۵۴-۵۵	روز جهانی تالاب ها: شهروندان ایرانی قربانیان خاموش بحران ۱۱ تالاب خشک شده... / فریورده نوردستروم
۵۵	آمریکاشماری از افراد و شرکتهای حکومتی مرتبط با سرکوب مردم ایران را تحریم کرد... /
۵۶	هشدار درباره گسترش فقر غذایی در ایران: طرح بارانه کالابرگ شکست خورده است... /
۵۷	دفاع نماینده مجلس شورای اسلامی از مصادره اموال شهروندان به بهانه حمایت از اعتراضات... /
۵۸	قیمت دلار ظرفیت افزایش تا ۱۸۰ هزار تومان را دارد... /
۵۹	آرایش متناسب با وضعیت جنگی در بازارهای مختلف ایران... /
۶۰	آغاز اثرات تورمی حذف ارز ترجیحی و گرانی دلار بر بازار مواد غذایی... /
۶۱	قطع اینترنت و واردات کالاهای اساسی و زنجیره تأمین در ایران را مختل کرده است... /
۶۲-۶۳	خبر های کوتاه... /
۶۴	پشت جلد - عکس هفته / مبارزه ملی علیه جمهوری اسلامی ادامه دارد



باز نشر
باز نشر

مذاکره با قاتلان مردم یا مدیریت زمان برای ضربه نهایی؟



● مذاکرات مسقط در حالی برگزار شد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، طی یک ماه گذشته بارها به مردم ایران وعده داده بود که از آنان در برابر سرکوب‌های جمهوری اسلامی حمایت خواهد کرد. هرچند اعزام حجم بی‌سابقه‌ای از تجهیزات و نیروهای نظامی آمریکا و متحدانش به خاورمیانه، احتمال اقدام نظامی سنگین علیه جمهوری اسلامی را افزایش داده است، اما هم‌زمان انتقادات از عملکرد دولت آمریکا به دلیل نشست پای میز مذاکره با «قاتلان مردم ایران»، به شدت بالا گرفت.

هیأت آمریکایی اضافه شده بود. اندکی پس از آغاز مذاکرات، سپاه پاسداران اقدام به برگزاری یک مانور موشکی کرد. در چندین شهر ایران، تصاویر متعددی از پرتاب موشک‌های بالستیک ثبت شد؛ آن هم در شرایطی که ایالات متحده پیش‌تر تأکید کرده بود علاوه بر پرونده هسته‌ای، موضوع برنامه موشکی جمهوری اسلامی و حمایت آن از شبه‌نظامیان منطقه‌ای نیز باید در دستور کار مذاکرات قرار گیرد.

این مذاکرات پیش از برگزاری، برای چند ساعت از سوی طرف آمریکایی لغو شده بود. دلیل این تعلیق، تغییر محل گفت‌وگوها از استانبول به مسقط از سوی جمهوری اسلامی و اعلام رسمی تهران مبنی بر خودداری از مذاکره درباره مسائل موشکی و منطقه‌ای عنوان شد. با این حال، آمریکا در نهایت و با فشار و اصرار دولت‌های عربی و مسلمان منطقه، پذیرفت پیشنهادهاى جمهوری اسلامی را بشنود.

مذاکرات مسقط در حالی برگزار شد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، طی یک ماه گذشته بارها به مردم ایران وعده داده بود که از آنان در برابر سرکوب‌های جمهوری اسلامی حمایت خواهد کرد. هرچند اعزام حجم بی‌سابقه‌ای

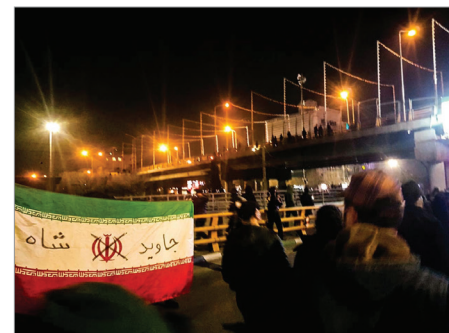
نخستین دور مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در عمان به پایان رسیده و نشانه‌هایی از ادامه گفت‌وگوها مشاهده می‌شود. هم‌زمان، هشدار فوری به شهروندان آمریکایی و جابه‌جایی نیروهای نظامی، نگرانی‌ها درباره احتمال درگیری را افزایش داده است. منطقه در وضعیت آماده‌باش است و فشارهای دیپلماتیک و نظامی هم‌زمان سناریویی پیچیده از تهدید، تسلیم یا فرسایش نیروها را پیش روی حکومت جمهوری اسلامی قرار داده است.

یک ماه پس از قتل‌عام مردم ایران به دست جمهوری اسلامی، نمایندگان ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران با میانجی‌گری عمان، به صورت غیرمستقیم در مسقط پای میز مذاکره نشستند.

صبح جمعه ۱۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۴ این مذاکرات آغاز شد؛ گفت‌وگوهایی که طبق روال همیشگی «غیرمستقیم» بود و هیأت‌ها از طریق بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان، یادداشت‌های خود را به طرف مقابل منتقل می‌کردند. در یک سوی میز، عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، قرار داشت و در سوی دیگر، استیو ویتکاف فرستاده دونالد ترامپ، به‌همراه جرد کوشنر، داماد و مشاور رئیس‌جمهور آمریکا؛ همچنین ژنرال برد کوپر، فرمانده سنتکام، که به

مذاکره؟ ملت ایران به دنبال «سرنگونی» جمهوری اسلامی است

نخستین روز از دور جدید مذاکرات میان جمهوری اسلامی و دولت دونالد ترامپ دقیقاً ۳۰ روز پس از کشتار خونین شهروندان معترض در دی ۴۰۴ برگزار شد. در حالیکه این مذاکرت برای جمهوری اسلامی همچون دستاویزی در یافتن شانس «بقای نظام» است، شماری از مقامات و حامیان حکومت آن را به اعتراضات مردم پیوند زده و یک پیروزی در برابر ملت معترض ایران می‌دانند که چهار هفته پیش بزرگترین



اعتراضات ضدحکومتی در تاریخ جمهوری اسلامی را رقم زدند و البته به وحشیانه‌ترین شکل ممکن سرکوب شدند. با اینهمه جنگ، مذاکره و صلح میان آمریکا و جمهوری اسلامی سه‌گانه‌ای است که در معادله‌ای خارج از مبارزات آزادخواهانه ضد حکومتی مردم ایران در جریان است.

جنبش آزادخواهانه کنونی مردم ایران ریشه در ارزش‌های ملی، تاریخی و اجتماعی ایرانیان دارد و در سالهای گذشته با تأکید بر یکپارچگی، همبستگی و منافع همه ملت به‌عنوان یک «امر ملی» نزد شهروندان دیده شده است؛ آثار ایستادن جنبش بر پایه‌های ملی در شعارها، نمادهای مبارزه و حتی واکنش خانواده‌های جان‌باختگان نمایان است. از پراکندگی گسترده جغرافیایی آن در سطح کشور و مشارکت شهروندان در بیش از ۲۰۰ شهر در اعتراضات اخیر، تا برافراشتن پرچم شیروخورشید در اعتراضات و تأکید بر هدیه شدن جان‌باختگان پرپر شده به «میهن».

پیوند زدن جنبش آزادخواهانه ایرانیان با هر عاملی خارج از اراده و توان ملی، از جمله مذاکره و توافق، می‌تواند روند جنبش را فرسایشی کرده و یا نقش محوری و تعیین‌کننده مردم را تقلیل دهد.

حکومتی که امروز به زائده‌ای چرکین و متصل به جامعه ایران تبدیل شده در دو سطح دچار درگیری است: نظام بین‌الملل و نظام ملی ما.

مرز میان جمهوری اسلامی و مردم ایران، مرزی از جنس خون است. جمهوری اسلامی بارها و به‌ویژه در اعتراضات دی ۴۰۴ نشان داده فقط به سرنیزه و ماشین کشتار و سرکوب تکیه دارد؛ حتی بسیاری از تحلیلگران حکومتی که نگران حیات نظام هستند نیز پُر شدن دره عمیق میان حکومت و مردم را غیرممکن ارزیابی می‌کنند.

در آنسو ممکن است جمهوری اسلامی با نرمش و چرخش نگرانی نظام بین‌الملل و آمریکا و شرکایش را بکاهد یا بکوشد اختلافات با آنها را دسته‌بندی کند تا راحت‌تر کنترل و مدیریت شود اما واقعیت اینست که در هر حال، مسئله‌اش با نظام ملی ما زمانی حل می‌شود که دیگر نباشد!

در نتیجه، مبارزه ملت ایران با جمهوری اسلامی چه در حالت جنگ حکومت با آمریکا و چه رسیدن به صلح با دولت دونالد ترامپ، تا سرنگونی جمهوری اسلامی پابرجا می‌ماند.

که قاتل هزاران ایرانی است، بی‌معناست؛ به‌ویژه اگر این مذاکرات از سوی سیاستمداری صورت گیرد که بارها مدعی حمایت از مردم ایران در برابر رژیم ملاحا بوده است. دیدگاه‌های مختلفی درباره مذاکرات و احتمالات آینده مطرح است. برخی معتقدند این مذاکرات بیشتر شبیه اتلاف وقت توافقی برای صحنه‌آرایی است؛ فرصتی برای فراهم‌کردن شرایط مناسب، ایجاد هماهنگی سازمانی و

روزنامه «والاستریت ژورنال» گزارش داد که جمهوری اسلامی در مذاکرات مسقط حاضر به توقف کامل غنی‌سازی نشد. خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی نیز تأیید کرد که ایران پیشنهاد «غنی‌سازی صفر» را رد کرده است. هم‌زمان، منابع اسرائیلی اعلام کردند سکوت هیأت آمریکایی درباره محتوای مذاکرات و نتایج آن، امری غیرعادی به نظر می‌رسد.

از تجهیزات و نیروهای نظامی آمریکا و متحدانش به خاورمیانه، احتمال اقدام نظامی سنگین علیه جمهوری اسلامی را افزایش داده است، اما هم‌زمان انتقادهای از عملکرد دولت آمریکا به دلیل نشست پای میز مذاکره با «قاتلان مردم ایران»، به شدت بالا گرفت. در حالی که برخی کارشناسان و تحلیلگران معتقدند هر اقدام مؤثر علیه جمهوری اسلامی نیازمند تدارکات گسترده



چیدمان دقیقی ادوات نزد هر دو طرف. این گروه می‌گویند مذاکره در این شرایط نه برای توافق، بلکه برای مدیریت زمان است؛ ابزاری برای آن‌که وضعیت رو به انفجار منطقه، پیش از موعد از کنترل خارج نشود. احتمالاً جمهوری اسلامی بر این باور است که ایالات متحده در بلندمدت قادر نخواهد بود این حجم گسترده از نیرو و ادوات نظامی را در خاورمیانه حفظ کند و در نهایت این فرصت وجود دارد که با وقت‌کشی و دادن امتیازات خفیف، دونالد ترامپ را وادار به عقب‌کشیدن نیروها کند. راهبرد آمریکا ممکن است مبتنی بر فشار نظامی دائمی بر سر حکومت باشد تا آن را مجبور به تسلیم یا فروپاشی از درون کند، و یا حداقل نیروها و منابع آن را تحت فشار قرار دهد.

در چنین وضعیتی، محتمل‌ترین گزینه، حمله نظامی است؛ اما این‌که نتیجه آن به سرنوشت جمهوری اسلامی منتهی شود یا خیر، به عوامل متعددی بستگی دارد که اصلی‌ترین آن، خواست مردم ایران است؛ اینکه تا چه اندازه توازن قدرت در خیابان به نفع آنها تغییر کند؛ مردمی که حدود سه هفته با دست خالی، در برابر گلوله ایستادند.

برای مردم ایران، مذاکره با ملاحا بی‌معناست
از نگاه بسیاری از مردم ایران، قتل‌عام گسترده معترضان در جریان خیزش ملی، یکی از پیامدهای مستقیم ۲۳ سال مذاکره و سیاست مداخلات غرب با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است. آنان می‌پرسند چگونه ممکن است در حالی که مارکو روبریو، وزیر خارجه آمریکا، علناً جمهوری اسلامی را رژیم تروریستی، جنایتکار و «دزدسالار» می‌نامد، نمایندگان ایالات متحده همچنان با نمایندگان این حکومت بر سر میز مذاکره بنشینند؟ این پرسش همچنان بی‌پاسخ مانده است؛ تا کجا قرار است با رژیمی که دستانش به خون ایرانیان و دیگر مردم منطقه آلوده است، مدارا شود؟

برخی تحلیلگران معتقدند مذاکرات عمان نه برای ارفاق به حکومت، بلکه با هدف وادار کردن علی خامنه‌ای به تسلیم طراحی شده است. از نگاه آنان، ترامپ با تکیه بر «اهرم نظامی معتبر» می‌کوشد خواسته‌های آمریکا را به جمهوری اسلامی تحمیل کند و در صورت شکست، گزینه حمله نظامی را در دستور کار قرار دهد. با این حال، برای بخش بزرگی از ملت ایران، هرگونه مذاکره با حکومتی

و زمینه‌سازی‌های پیچیده برای یک عملیات بزرگ است، منتقدان ترامپ تأکید می‌کنند که او در اوج اعتراضات مردمی، ایرانیان را به تسخیر مراکز حکومتی فراخواند و وعده پشتیبانی داد، اما این حمایت‌ها هرگز به‌موقع محقق نشد. از نگاه این منتقدان، از سرگیری کانال گفت‌وگو نه تنها به تضعیف رژیم منجر نشد، بلکه آن را جسورتر کرد. پیش از آغاز مذاکرات عمان، شاهزاده رضا پهلوی در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «تنها توافق قابل قبول، توافقی است که در آن جمهوری اسلامی در برابر ملت ایران تسلیم شود. ما برای چنین توافقی که صلح را به منطقه و جهان خواهد آورد، آماده‌ایم.»

نتیجه دقیق مذاکرات به‌طور شفاف اعلام نشد، اما عباس عراقچی پس از پایان گفت‌وگوها گفت: «حقوق و منافع ما در جو بسیار خوبی مطرح شد. شروع خوبی بود، اما ادامه آن منوط به مشورت‌هایی است که باید در پایتخت‌ها انجام شود و سپس درباره چگونگی ادامه مسیر تصمیم‌گیری کنیم. قرار شد مذاکرات ادامه یابد... اکنون در مرحله‌ای هستیم که پس از جنگی که پشت سر گذاشتیم، دوباره روند گفت‌وگو آغاز شود.»

یادداشت وبسایت شبکه «ولت» آلمان: رضا پهلوی می‌تواند رهبر دوران گذار باشد، امروز مسئولیت چپ‌های ایرانی درک این واقعیت است



تظاهرات ایرانیان در دوسلدورف آلمان، دی ۱۴۰۴

را درک نکرده است».

شروع به قیام علیه حاکمان اسلام‌گرا کردند، همزمان پنجاهمین سالگرد فرانسیسکو فرانکو دیکتاتور اسپانیا، بود. اسپانیا به یاد می‌آورد که چگونه دهه‌ها حکومت او پایان یافت و دوران گذار آغاز شد. چرا در آلمان، وقتی صحبت از ایران و رضا پهلوی می‌شود، تشخیص این شباهت‌های تاریخی تا این حد دشوار است؟

نویسنده توضیح می‌دهد که اسپانیا در سال ۱۹۷۵ به شدت دچار شکاف بود. هنگامی که پس از مرگ فرانکو، خوان کارلوس به پادشاهی رسید، به‌ویژه چپ‌ها به او بی‌اعتماد بودند. سوسیالیست‌ها، کمونیست‌ها و جمهوریخواهان او را نه نماد امید، بلکه ادامه‌دهنده دیکتاتوری و سرکوب می‌دانستند. این بی‌اعتمادی بی‌دلیل نبود: خوان کارلوس از سوی خود فرانکو به‌عنوان جانشین انتخاب و از نظر سیاسی تربیت شده بود.

دقیقاً به همین دلیل، تحول بعدی او چشمگیر است. خوان کارلوس اول از موقعیتش برای تثبیت قدرت استفاده نکرد، بلکه قدرت خود را محدود کرد. او کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها را قانونی کرد، انتخابات آزاد را پذیرفت و از قانون اساسی حمایت کرد که نقش خودش را نیز محدود می‌ساخت. چپ‌ها منتقد باقی ماندند، اما دریافتند که یک گذار منظم از ایدئولوژی مهم‌تر است.

زینب المسرار در ادامه می‌نویسد، ایران امروز با آزمونی مشابه روبه‌روست، هرچند نقش چپ متفاوت است. چپ‌های ایرانی -که به طور معنوی توسط رفقای مارکسیست و ضدامپریالیست غربی حمایت می‌شدند- نقشی تعیین‌کننده در به قدرت رسیدن ملاها داشتند. بسیاری از آنان هسته ارتجاعی جنبش دینی را تشخیص ندادند. دهه‌ها تبلیغات شوروی چنان ذهن فعالان مارکسیست را تیره کرده بود که به این نتیجه رسیدند اسلام‌گرایان می‌توانند متحدان بالقوه باشند؛ نتیجه‌ای که حتی اتحاد جماهیر شوروی هم تا آن حد پیش نرفت. بسیاری از کنشگران چپ علیه شاه مبارزه کردند، اما سپس توسط حاکمان جدید تعقیب

زینب المسرار (Sineb El Masrar) نویسنده، روزنامه‌نگار و فعال اجتماعی آلمانی مراکشی‌تبار در مقاله‌ای تحت عنوان «رضا پهلوی، رهبر دوران گذار» که چهارشنبه ۴ فوریه (۱۵ بهمن) در وبسایت شبکه آلمانی «ولت» (welt) منتشر شد عنوان کرد با اشاره به اهمیت جایگاه شاهزاده رضا پهلوی در بین مردم داخل ایران و ایرانیان در تبعید، نوشت که او می‌تواند مرحله گذار در ایران را رهبری کند و همان نقش تاریخی را داشته باشد که خوان کارلوس پادشاه اسپانیا برای ایجاد دموکراسی در آن کشور داشت.

در مقدمه این مقاله آمده، شجاعت مردم ایران، تظاهرات و جانباختگان آن، باید بیشترین احترام را از سوی هر ناظری برانگیزد. درباره اینکه آیا و چگونه گذار به ایرانی نو ممکن است، سناریوهای مختلف قابل بحث است. من می‌خواهم دیدگاهی از مراکش را به این بحث اضافه کنم: کشوری که در سال ۱۹۷۹ به شاه و خانواده‌اش پناهگاه موقت داد، من از آنجا دائم به اسپانیا، کشوری در فاصله چند کیلومتری، می‌نگرم و آرزو می‌کنم آنچه پنجاه سال پیش در اسپانیا رخ داد، برای مردم ایران اتفاق بیفتد.

زینب المسرار می‌نویسد، سال‌هاست که شاهزاده رضا پهلوی در میان مردم ایران از حمایت روزافزون برخوردار است. با این حال، بازتاب رسانه‌ای این موضوع در آلمان به‌طرزی شگفت‌آور محتاطانه است. جایگاه او برای مردم داخل ایران و ایرانیان تبعیدی اغلب کم‌اهمیت جلوه داده می‌شود. تحلیل‌ها و اظهارنظرها تقریباً فقط به حکومت اقتدارگرایی پدرش و نبود حمایت مردمی اشاره می‌کنند و چنین القا می‌شود که تنها «ناامیدی» باعث طرح نام او شده است. این نوع روایت‌ها بسیار مجهول‌اند، زیرا واقعیت سیاسی امروز ایران را نادیده می‌گیرند و برگرفته از نقاط کور تفکر غربی به‌ویژه تحت تأثیر اندیشه چپ قرار دارند. وقتی مردم ایران در اواخر سال ۲۰۲۵ [دی‌ماه ۱۴۰۴]

● زینب المسرار (Sineb El Masrar) نویسنده، روزنامه‌نگار و فعال اجتماعی آلمانی مراکشی‌تبار در مقاله‌ای تحت عنوان «رضا پهلوی، رهبر دوران گذار» که چهارشنبه ۴ فوریه (۱۵ بهمن) در وبسایت شبکه آلمانی «ولت» (welt) منتشر شد عنوان کرد با اشاره به اهمیت جایگاه شاهزاده رضا پهلوی در بین مردم داخل ایران و ایرانیان در تبعید، نوشت که او می‌تواند مرحله گذار در ایران را رهبری کند و همان نقش تاریخی را داشته باشد که خوان کارلوس پادشاه اسپانیا برای ایجاد دموکراسی در آن کشور داشت.

● «خوان کارلوس اول از موقعیتش برای تثبیت قدرت استفاده نکرد، بلکه قدرت خود را محدود کرد. او کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها را قانونی کرد، انتخابات آزاد را پذیرفت و از قانون اساسی حمایت کرد که نقش خودش را نیز محدود می‌ساخت. چپ‌ها منتقد باقی ماندند، اما دریافتند که یک گذار منظم از ایدئولوژی مهم‌تر است».

● «ایران امروز با آزمونی مشابه روبه‌روست، هرچند نقش چپ متفاوت است. چپ‌های ایرانی -که به طور معنوی توسط رفقای مارکسیست و ضدامپریالیست غربی حمایت می‌شدند- نقشی تعیین‌کننده در به قدرت رسیدن ملاها داشتند. بسیاری از آنان هسته ارتجاعی جنبش دینی را تشخیص ندادند».

● «هرکسی رضا پهلوی را رد می‌کند، این واقعیت را نادیده می‌گیرد که اسلام‌گرایان نمی‌توانند گذار دموکراتیک را ممکن سازند. ادعای قدرت آن‌ها مطلق، مبتنی بر مشروعیت دینی و ناسازگار با کثرت‌گرایی است».

● «رضا پهلوی بیرون از این نظام قرار دارد. او می‌تواند گذار را رهبری کند، زیرا از نظر سیاسی مشروعیت کافی دارد. اسلام‌گرایان برای چنین گذاری باید قدرت خود را زیر سؤال ببرند؛ کاری که از نظر ساختاری قادر به انجامش نیستند. هر کسی این عدم‌تقارن را نادیده بگیرد یا صرفاً از سر ضدیت با پادشاهی آن را رد کند، واقعیت سیاسی ایران

یا حذف شدند.

امروز بخشی از چپ اروپا راهبردهایی مشابه را دنبال می‌کند. آن‌ها خواهان گفتگو با بازیگران اسلام‌گرا هستند. بنیاد رزا لوکزامبورگ در «مواد ۱۷ گفت‌وگو با اسلام سیاسی ۲» به‌صراحت توصیه می‌کند «به‌طور انتقادی با اسلام‌گرایان صحبت شود». آن‌ها به‌عنوان کنشگران مشروع سیاست اجتماعی تلقی می‌شوند و ساختارهای اقتدارگرا و ضدکثرت‌گرایی‌شان نادیده گرفته می‌شود.

افزون بر این، افسانه نقش تعیین‌کننده غرب، به‌ویژه آمریکا، در سرنگونی نخست‌وزیر ایران، محمد مصدق، در سال ۱۹۵۳ وجود دارد. مشارکت سی‌آی‌آی و سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا در بازگرداندن شاه به قدرت، از نظر تاریخی ثابت شده است. اما نتیجه گرفتن از این امر که غرب «دموکراسی را از ایران گرفت» و جمهوری اسلامی را به‌وجود آورد، ساده‌سازی است. این روایت مدت‌ها برای نسبی‌سازی حاکمیت اقتدارگرایی اسلامی به کار رفته است.

رضا پهلوی بیرون از این نظام قرار دارد

نویسنده در ادامه این مقاله تأکید می‌کند، هرکسی رضا پهلوی را رد می‌کند، این واقعیت را نادیده می‌گیرد که اسلام‌گرایان نمی‌توانند گذار دموکراتیک را ممکن سازند. ادعای قدرت آن‌ها مطلق، مبتنی بر مشروعیت دینی و ناسازگار با کثرت‌گرایی است. اصلاحات همواره فقط ادعا شده، اما هرگز اجرا نشده است؛ تاریخ ایران از انقلاب ۱۹۷۹ این را نشان می‌دهد. حتی به‌اصطلاح «اصلاح‌طلبان» درون نظام نیز جایگزینی واقعی نیستند؛ نه قدرت‌ش را دارند و نه اراده تغییر نظام را. با این حال، سال‌ها به‌طور رسانه‌ای و سیاسی به‌عنوان امید معرفی شدند.

رضا پهلوی بیرون از این نظام قرار دارد. او می‌تواند گذار را رهبری کند، زیرا از نظر سیاسی مشروعیت کافی دارد. اسلام‌گرایان برای چنین گذاری باید قدرت خود را زیر سؤال ببرند؛ کاری که از نظر ساختاری قادر به انجامش نیستند. هر کسی این عدم‌تقارن را نادیده بگیرد یا صرفاً از سر ضدیت با پادشاهی آن را رد کند، واقعیت سیاسی ایران را درک نکرده است.

خوان کارلوس توسط یک دیکتاتور برای ادامه یک نظام اقتدارگرا پرورش یافته بود، اما در نهایت راهی دیگر برگزید و با عملکرد او به اسپانیا به یک کشور دموکرات تبدیل شد. رضا پهلوی امروز با آزمونی مشابه روبه‌روست؛ با این تفاوت که او نه قدرت نهادی دارد، نه ارتش و نه دولت. پیشنهاد او بازگرداندن سلطنت نیست، بلکه میانجی‌گری است و دقیقاً همین نکته است و او را به شخصیتی مهم بدل می‌کند.

در پایان این مقاله آمده، پنجاه سال پس از مرگ فرانکو، روشن می‌شود که دموکراسی‌ها در کمال اخلاقی مطلق، زاده نمی‌شوند، بلکه از دل مصالحه‌های دشوار شکل می‌گیرند. چپ اسپانیا برای دستیابی به دموکراسی، پادشاهی برخاسته از دوران دیکتاتوری را پذیرفت. چپ ایران -چه در داخل کشور و چه در تبعید- امروز با این وظیفه روبه‌روست که با تاریخ خود و رابطه‌اش با اسلام‌گرایی مواجه شود.

نگاه به نمونه اسپانیا نشان می‌دهد که یک ولیعهد می‌تواند بخشی از راه‌حل باشد و چپی که مسئولیت‌پذیر باشد، می‌تواند موتور دموکراسی شود. مسئله اصلی این نیست که آیا ایرانیان می‌توانند الگوی اسپانیا را کپی کنند یا نه، بلکه این است که آیا می‌توانند از تاریخ درس بگیرند؟ و این‌که آیا گراشگری در غرب بالاخره صدای مردم و تجربه‌های آنان را جدی می‌گیرد، به‌جای آن‌که آن‌ها را نصیحت کند؟ هر کس به این مهم دست یابد، به مردم ایران فرصت می‌دهد آینده‌شان را خودشان به دست بگیرند.

دعوت از شاهزاده رضا پهلوی برای حضور در کنفرانس امنیتی مونیخ؛ پلیس آلمان: احتمالاً تا ۱۰۰ هزار نفر به مونیخ می‌آیند

را آغاز کرده است و احتمال می‌رود همزمان با حضور او در کنفرانس مونیخ ایرانیان گردهمایی برگزار کنند. یک مقام پلیس آلمان گفت که مقامات انتظار دارند جمعیت قابل توجهی از ایرانیان در مونیخ تجمع کنند، به ویژه آنکه پس از حضور گسترده ایرانی‌ها در راهپیمایی لس‌آنجلس و تورنتو، اکنون سایر آنها نیز برای برگزاری گردهمایی‌های بزرگ انگیزه پیدا کرده‌اند.

شاهزاده رضا پهلوی خیزش ملی ایران را «انقلاب شیروخورشید» نامید و از همه ایرانی‌ها در سراسر دنیا دعوت کرده است که برای حمایت از مردم داخل ایران، تجمع کنند. پلیس مونیخ پیش‌بینی کرده است که همزمان با حضور رضا پهلوی یکی از بزرگ‌ترین گردهمایی‌های سال‌های اخیر در این شهر برگزار شود. تخمین زده می‌شود بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر در تجمع مونیخ شرکت کنند.

پس از قتل‌عام مردم که شمار آن بین ۱۲ تا ۳۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود، با فشار ایرانیان در تبعید چند دعوت از



گردهمایی ایرانی‌ها در «مارین پلاتز» (Marienplatz) مونیخ

نمایندگان جمهوری اسلامی از جمله در اجلاس مجمع جهانی اقتصاد (داووس) لغو شد. برگزارکنندگان این اجلاس اعلام کردند به دلیل قتل‌عام مردم ایرات توسط حکومت دعوت از عباس عراقچی را پس گرفتند. کنفرانس مونیخ نیز برای نمایندگان رژیم دعوت‌نامه ارسال نکرد.

یک سال قبل در بهمن‌ماه سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در اتحادیه دانشگاه کمبریج در لندن و کنفرانس امنیتی مونیخ لغو شد. شاهزاده رضا پهلوی ۱۸ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ در پیامی که در «ایکس» منتشر شد نوشت، «در برلین تصمیمی گرفته شده است که مردم ایران را به حاشیه براند، صدای آنان را خاموش و از جمهوری اسلامی دلجویی کند».

اکنون با گذشت یک سال وضعیت کاملاً دگرگون شده است تا جایی که فریدریش مئرس صدر اعظم آلمان، در کمتر از یک ماه سه بار در سخنرانی‌ها و دیدارهای خود با رهبران آسیایی خواهان پایان یافتن رژیم ایران شد و حکومت ملاها را «نامشروع» خواند.

صدر اعظم آلمان، مشروعیت جمهوری اسلامی را به طور کامل زیر سؤال برد و اعلام کرد که برلین دیگر «سیاست مدارا» را دنبال نمی‌کند. او با اشاره به سرکوب خونین معترضان در اعتراضات دی‌ماه و تداوم تهدیدات موشکی تهران، اعلام کرد که آلمان رهبری ائتلافی در اروپا را بر عهده گرفته است.

● براساس گزارش منابع آلمانی برگزارکنندگان کنفرانس امنیتی مونیخ از شاهزاده رضا پهلوی برای حضور در این کنفرانس دعوت به عمل آوردند. پلیس تخمین زده است که احتمالاً ۱۰۰ هزار ایرانی از نقاط مختلف دنیا برای حضور در گردهمایی مونیخ حاضر شوند.

● روزنامه «بیلد» سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴ گزارش داد، پلیس تمهیدات تأمینی برای حضور احتمالی رضا پهلوی در مونیخ را آغاز کرده است و احتمال می‌رود همزمان با حضور او در کنفرانس مونیخ ایرانیان گردهمایی برگزار کنند.

● یک مقام پلیس آلمان گفت که مقامات انتظار دارند جمعیت قابل توجهی از ایرانیان در مونیخ تجمع کنند، به ویژه آنکه پس از حضور گسترده ایرانی‌ها در راهپیمایی لس‌آنجلس و تورنتو، اکنون سایر آنها نیز برای برگزاری گردهمایی‌های بزرگ انگیزه پیدا کرده‌اند.

براساس گزارش منابع آلمانی برگزارکنندگان کنفرانس امنیتی مونیخ از شاهزاده رضا پهلوی برای حضور در این کنفرانس دعوت به عمل آوردند. پلیس تخمین زده است که احتمالاً ۱۰۰ هزار ایرانی از نقاط مختلف دنیا برای حضور در گردهمایی مونیخ حاضر شوند.

روزنامه «بیلد» سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴ گزارش داد، پلیس تمهیدات تأمینی برای حضور احتمالی رضا پهلوی در مونیخ

روزنامه «تلگراف»: روسیه برای حمایت از حکومت ایران از سال ۲۰۱۸ میلیون‌ها دلار اسکناس با قطار به تهران فرستاده است



از دیدارهای علی خامنه‌ای و پوتین در تهران

و احتمالاً از سر «ناچاری» انجام شده‌اند. بانک خصوصی Promsvyazbank در سال ۲۰۱۷ توسط کرملین تصاحب شد و به عنوان بانکی ویژه برای تامین مالی بخش دفاعی و دور زدن تحریم‌های آمریکا استفاده شد. پتر فرادکوف فرزند رئیس سابق سرویس اطلاعات خارجی روسیه، در زمان این پرداخت‌ها ریاست بانک را برعهده داشت و در ژانویه ۲۰۱۸ منصوب شده بود. پس از حمله تمام‌عیار روسیه به اوکراین در ۲۰۲۲، فرادکوف از سوی بریتانیا و آمریکا تحریم شد. محموله‌های نقدی از Promsvyazbank به بانک مرکزی ایران در تهران تحویل داده شدند، طبق سوابق تجاری که توسط ImportGenius در اختیار تلگراف قرار گرفته است. عبدالناصر همتی، رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در آن زمان، بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ دوران پرتلاطمی را مدیریت کرد و با پیامدهای تحریم‌های ترامپ روبه‌رو شد. ریچارد نیو، معاون فرستاده ویژه آمریکا برای ایران، گفت که دلایل متعددی برای چنین پرداخت‌هایی وجود دارد و احتمالاً هدف آن تثبیت اقتصاد ایران بوده است. پس از سرکوب خونین اعتراضات، که طبق گروه‌های حقوق بشری دست‌کم ۶۰۰۰ نفر کشته شدند، آمریکا در واکنش به ایران، نیروهای نظامی خود را در خلیج فارس افزایش داده است. روابط مسکو و تهران پس از حمله روسیه به اوکراین گسترش یافته و شامل همکاری‌های نظامی و خرید پپیادهای شاهد برای جنگ شده است. همتی دوباره دی‌ماه ۱۴۰۴ به ریاست بانک مرکزی منصوب شد و این احتمال را مطرح می‌کند که انتقال‌های مشابه بین روسیه و ایران ممکن است دوباره در حال انجام باشد. کارشناسان هشدار می‌دهند که این پرداخت‌ها ممکن است حتی در سال جاری نیز ادامه داشته باشند و روسیه نقش مهمی در حمایت از رژیم ایران ایفا می‌کند، به ویژه در زمان اعتراضات گسترده که بی‌سابقه هستند.

روش‌های پرداخت سنتی، رژیم ایران را سرپا نگه می‌دارند. نگرانی‌هایی وجود دارد که چنین پرداخت‌هایی ممکن است امروز نیز انجام شود، زیرا ایران میلیارد‌ها دلار پیپادهای «شاهد-۱۳۶» و موشک‌های کوتاه‌برد «فتاح-۳۶۰» به روسیه می‌فرستد تا جنگ این کشور در اوکراین را حمایت کند. ارسال‌های نقدی روسیه پس از سرکوب شدید اعتراضات مردمی در ایران درباره مشکلات اقتصادی کشور در سال ۲۰۱۸ آغاز شد. بانک Promsvyazbank که مسکو برای دور زدن تحریم‌ها از آن استفاده می‌کرد، اولین محموله خود را در ۱۳ اوت ۲۰۱۸ ارسال کرد، یعنی یک هفته پس از آن که ترامپ فرمان اجرایی تحریم‌های تهران را امضا کرد. این محموله شامل ۱۱۰ کیلوگرم پول نقد به ارزش ۵۷/۳ میلیون دلار بود که احتمالاً با قطار به بندر آستراخان و سپس با کشتی از دریای خزر به بندر امیرآباد و دوباره با قطار به تهران منتقل شد. اعتقاد بر این است که پول‌ها به صورت اسکناس‌های ۵۰۰ یورویی بوده‌اند، با توجه به وزن و ارزش هر محموله، هرچند ارزش آن‌ها به دلار ثبت شده بود. آنا بورشچفسکایا، کارشناس سیاست روسیه در خاورمیانه، می‌گوید، که این انتقال‌ها نشان می‌دهد چگونه مسکو در مواقع بحران راه‌های خلاقانه‌ای برای حمایت از رژیم ایران پیدا می‌کند. او گفت: «این تفکر وجود دارد که رژیم نیاز به حمایت دارد. روسیه ممکن است در مداخله نظامی تردید کند، اما کارهای زیادی وجود دارد که می‌توان برای تقویت یک رژیم انجام داد.» آشا کسل‌بری-هرناندز، مشاور ارشد سابق خاورمیانه وزارت امور خارجه آمریکا، نیز می‌گوید که محموله‌های نقدی به مسکو امکان می‌دهد حمایت خود از تهران را به صورت «مخفیانه» ادامه دهد. او افزود که این محموله‌ها نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری کرملین در بقای رژیم ایران است

● روزنامه انگلیسی «تلگراف» روز جمعه ۶ ژانویه (۱۷ بهمن ۱۴۰۴) با استناد به اسناد محرمانه گزارش داد، روسیه مخفیانه میلیارد‌ها دلار پول نقد به ایران فرستاده بود تا رژیم این کشور را تقویت کند؛ «قطارهایی مملو از اسکناس» از جمله راهکارهای کرملین برای دور زدن تحریم‌ها و حمایت از متحدش است. در این گزارش آمده، یک بانک دولتی روسیه، چند روز پس از آن که دونالد ترامپ در دوران ریاست جمهوری اول خود تحریم‌های سختگیرانه‌ای علیه تهران وضع کرد، ارسال پالت‌های پول نقد به ارزش حدود ۲/۵ میلیارد دلار به جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد. ● در مجموع، نزدیک به پنج تن اسکناس در ۳۴ محموله عمده طی یک دوره چهارماهه در سال ۲۰۱۸ ارسال شد. طبق اسنادی که به دست روزنامه تلگراف رسیده است، هر محموله به ارزش بین ۵۷ تا ۱۱۵ میلیون دلار بین بانک Promsvyazbank در خیابان Smirbovskaya و مسکو و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در بلوار میرداماد تهران منتقل شده است. ● محموله‌های نقدی از مسکو در نهایت به تهران رسیدند و شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد ممکن است این ارسال‌ها حتی امروز هم ادامه داشته باشد. ● آشا کسل‌بری-هرناندز، مشاور ارشد سابق خاورمیانه در وزارت امور خارجه آمریکا، نیز می‌گوید که محموله‌های نقدی به مسکو امکان می‌دهد حمایت خود از تهران را به صورت «مخفیانه» ادامه دهد. او افزود که این محموله‌ها نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری کرملین در بقای رژیم ایران است و احتمالاً از سر «ناچاری» انجام شده‌اند.

روزنامه انگلیسی «تلگراف» روز جمعه ۶ ژانویه (۱۷ بهمن ۱۴۰۴) براساس اسناد محرمانه گزارش داد، روسیه مخفیانه میلیارد‌ها دلار پول نقد به ایران می‌فرستاده تا رژیم این کشور را تقویت کند؛ «قطارهایی مملو از اسکناس» از جمله راهکارهای کرملین برای دور زدن تحریم‌ها و حمایت از متحدش است. در این گزارش آمده، یک بانک دولتی روسیه، چند روز پس از آن که دونالد ترامپ در دوران ریاست جمهوری اول خود تحریم‌های سختگیرانه‌ای علیه تهران وضع کرد، ارسال پالت‌های پول نقد به ارزش حدود ۲/۵ میلیارد دلار به جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد. در مجموع، نزدیک به پنج تن اسکناس در ۳۴ محموله عمده طی یک دوره چهارماهه در سال ۲۰۱۸ ارسال شد. طبق اسنادی که به دست روزنامه تلگراف رسیده است، هر محموله به ارزش بین ۵۷ تا ۱۱۵ میلیون دلار بین بانک Promsvyazbank در خیابان Smirbovskaya و مسکو و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در بلوار میرداماد تهران منتقل شده است. محموله‌های نقدی از مسکو در نهایت به تهران رسیدند و شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد ممکن است این ارسال‌ها حتی امروز هم ادامه داشته باشد. تلگراف می‌نویسد، این پرداخت‌های مخفیانه نشان‌دهنده رابطه‌ای عمیق‌تر بین روسیه و رژیم ایران است تا آنچه قبلاً شناخته شده بود؛ مسکو و تهران با دور زدن تحریم‌ها و

اولتیماتوم ترامپ به جمهوری اسلامی: مهلت نهایی برای توافق رو به پایان است



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

از این گزینه‌ها «طرح بزرگ» نام دارد. بر اساس این طرح، ارتش ایالات متحده در یک کارزار همپاران گسترده تأسیسات جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران را هدف قرار می‌دهد. شنیده‌ها حاکی از آن است که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی قرار است به زودی درباره وضعیت ایران، مواضع خود را بیان کند.

گروهی از کارشناسان معتقدند ترامپ در پی زدن یک ضربه مهلک به جمهوری اسلامی است که یا سرنگون شود و یا چاره‌ای به جز پذیرفتن شروط آمریکا نداشته باشد. در همین ارتباط مقامات امریکایی به وال‌استریت‌ژورنال گفته بودند که کاخ سفید و پنتاگون به صورت مشترک گزینه‌هایی را برای حمله به ایران طراحی و به ترامپ ارائه کرده‌اند. یکی

● دونالد ترامپ در تازه‌ترین موضع‌گیری خود، اعلام کرده است آمریکا «به طور جدی» در حال مذاکره با جمهوری اسلامی است اما همزمان با اشاره به ناوهای ارتش مستقر در خاورمیانه اولتیماتوم داد که مهلت نهایی برای توافق رو به پایان است.

● وبسایت «آکسیوس» گزارش داد که مقام‌های آمریکایی احتمال دستیابی به راهکار دیپلماتیک با جمهوری اسلامی را بسیار کم می‌دانند.

● برخی منابع غیررسمی گزارش دادند که جمهوری اسلامی با انتقال بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی به روسیه موافقت کرده است.

دونالد ترامپ در تازه‌ترین موضع‌گیری خود، اعلام کرده است آمریکا «به طور جدی» در حال مذاکره با جمهوری اسلامی است اما همزمان با اشاره به ناوهای ارتش مستقر در خاورمیانه اولتیماتوم داد که مهلت نهایی برای توافق رو به پایان است.

وبسایت «آکسیوس» گزارش داد که مقام‌های آمریکایی احتمال دستیابی به راهکار دیپلماتیک با جمهوری اسلامی را بسیار کم می‌دانند. همزمان شیخ محمد بن عبدالرحمن آل ثانی نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر، در سفر به تهران با عباس عراقچی وزیر خارجه و علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی دیدار کرد و کمتر از ۲۴ ساعت بعد تهران را ترک کرد. برخی منابع گزارش دادند او حامل پیام فوری از سوی آمریکا بود. برخی منابع غیررسمی گزارش دادند که جمهوری اسلامی با انتقال بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی

به روسیه موافقت کرده است. همچنین روزنامه اسرائیلی «هآرتس» به نقل از یک مقام ترکیه ای نوشت که «آنکارا ممکن است پیشنهاد دهد اورانیوم غنی شده ایران به خاک ترکیه منتقل شود، بدون آنکه به ایران بازگردانده شود.»

علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی که به دلیل دخالت در سرکوب مردم ایران در فهرست تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار گرفت ۱۱ بهمن ۱۴۰۴ در «ایکس» نوشت «برخلاف فضا سازی جنگ رسانه‌ای مصنوعی، شکل‌گیری ساختاری برای مذاکرات در حال پیشرفت است.» برخی می‌گویند حکومت برای زمان خریدن و به تأخیر انداختن حمله نظامی غیرمستقیم خود را درگیر مذاکره با آمریکا کرده است.

همزمان با این رویداد اما در مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه ۱۲ بهمن‌ماه محمدباقر قالیباف رئیس مجلس، در نطقی با محکوم کردن اقدام اروپا برای تروریستی شناختن سپاه، تهدید کرد که جمهوری اسلامی نیز ارتش‌های اروپایی را تروریستی اعلام می‌کند. نماینده‌های مجلس در صحن علنی یونینفرم سپاه پاسداران پوشیدند و علیه آمریکا، اسرائیل و اروپا شعار سر دادند. یک «مقام آگاه» در واشنگتن به سی‌ان‌ان گفته است که تیم امنیت ملی ترامپ دو مسیر موازی را پیش می‌برد: مسیر نظامی برای فشار حداکثری و مسیر دیپلماتیک برای ایجاد شکاف در جبهه تهران.

روزنامه «وال‌استریت‌ژورنال» اما به نقل از مقامات آمریکایی نوشته بود که ترامپ از دستیارانش گزینه‌های حمله سریع، قاطع و تمیز خواسته است که خطر کشیده شدن به جنگ بلندمدت در خاورمیانه را نداشته باشد.

چرا ترکیه موافق بقای جمهوری اسلامی است؟!



رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه و هاکان فیدان وزیر خارجه این کشور در روزهای اخیر به شدت در تلاش هستند با لابی‌گری و تماس‌های متعدد با دونالد ترامپ او از حمله نظامی به جمهوری اسلامی منصرف کنند؛ حمله‌ای که پیامد آن می‌تواند سرنگونی این رژیم باشد. همچنین خبرهایی وجود دارد که دولت اردوغان برخی از ایرانیان مخالف رژیم را در ترکیه بازداشت و به جمهوری اسلامی تحویل داده است.

رجب! تو باید طرف من باشی!
ما در ایران حاکم نباشیم و پهلوی
بیار، اون ۱۸ میلیارد طلا برکت
سال‌ها قبل بالا کشیدی رو ارتش
می‌گیره. ایران از دست ما آزاد
بشه هیچ تور نیست ایرانی به ترکیه
نغو اهر رفت. کالاهای شهاب دیکه...

آفندی خودم خوب
می‌دونم! همین الان
زنگ می‌زنم
به ترامپ...

رویترز: خیابان‌های خاموش، خشم انباشته؛ حاکمیت ایران نگران بازگشت اعتراضات پس از سرکوب خونین



حملات هدفمند به نیروهای امنیتی و رهبران برای برانگیختن معترضان می‌شود. این در حالی است که مقامات اسرائیلی و عرب تأکید کرده‌اند اتکای صرف به قدرت هوایی، به تنهایی قادر به سرنگونی حاکمان روحانی نخواهد بود.

یک مقام پیشین: «مردم به شدت خشمگین هستند»
هرگونه خیزش احتمالی در پی یک حمله ایالات متحده، در تضاد آشکار با واکنش ایرانیان به حملات هوایی اسرائیل و آمریکا به برنامه هسته‌ای ایران در ماه ژوئن گذشته خواهد بود. حملاتی که پس از آن‌ها هیچ گونه تظاهرات ضد حکومتی شکل نگرفت.

اما یک مقام ارشد میانه‌رو پیشین گفته است: «از زمان سرکوب اوایل ژانویه، شرایط به کلی دگرگون شده است.» او تأکید کرد: «مردم به شدت خشمگین هستند» و افزود: «یک حمله ایالات متحده می‌تواند ایرانیان را بار دیگر به قیام وادارد. دیوار ترس فرو ریخته و دیگر هراسی باقی نمانده است.»

تنش‌ها میان تهران و واشنگتن به اوج رسیده است. ورود یک ناو هواپیمابر ایالات متحده و ناوهای جنگی پشتیبان آن به خاورمیانه، پس از تهدیدهای مکرر دونالد ترامپ به مداخله در واکنش به سرکوب خونین در ایران، دامنه توان او برای اقدام نظامی را در صورت تمایل گسترش داده است.

نخست وزیر پیشین: «بازی تمام شده است»
چندین چهره مخالف، که پیش از این بخشی از ساختار حاکمیت جمهوری اسلامی بودند، اما بعدها از آن جدا شدند، به رهبری هشدار داده‌اند که «خشم در حال جوش افکار عمومی» می‌تواند به فروپاشی نظام اسلامی بینجامد. میرحسین موسوی، نخست وزیر سابق، که از سال ۲۰۱۱ بدون برگزاری دادگاه در حصر خانگی به سر می‌برد،

است که ترس و هراس دیگر کارکرد بازدارنده پیشین خود را از دست داده است.

به گفته این مقامات، به علی خامنه‌ای گفته شده است که شمار زیادی از ایرانیان آماده‌اند بار دیگر با نیروهای امنیتی رویارویی کنند و این که فشارهای خارجی، از جمله یک حمله محدود ایالات متحده، می‌تواند آنان را جسورتر سازد و آسیب‌هایی جبران ناپذیر به بنیان‌های حاکمیت سیاسی وارد کند.

یکی از این مسئولین به خبرگزاری رویترز گفته است: «دشمنان ایران در پی برانگیختن اعتراضات بیشترند تا به حیات جمهوری اسلامی پایان دهند و متأسفانه در صورت وقوع یک خیزش، خشونت‌های بیشتری نیز در راه خواهد بود.»

او که همچون دیگر مقام‌های طرف گفتگو در این گزارش به دلیل حساسیت موضوع نخواست نامش فاش شود، گفته است: «یک حمله نظامی، در کنار تظاهرات مردمی خشمگین، می‌تواند به فروپاشی نظام حاکم بینجامد. این اصلی‌ترین نگرانی در میان مقامات ارشد است و دقیقاً همان چیزی است که دشمنان ما می‌خواهند.»

اهمیت این اظهارات گزارش شده از آن روست که نشان می‌دهد در درون رهبری حاکم، تردیدها و نگرانی‌های پنهانی وجود دارد که با موضع علنی و چالش‌جویانه تهران در قبال معترضان و ایالات متحده در تضاد است.

منابع از بیان این که علی خامنه‌ای به این گزارش‌ها چه پاسخی داده است خودداری کردند. وزارت امور خارجه ایران نیز به درخواست خبرگزاری رویترز برای اظهارنظر درباره این روایت از نشست‌ها، بلافاصله پاسخی نداد.

چندین منبع، هفته گذشته به خبرگزاری رویترز گفته‌اند که دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، در حال بررسی گزینه‌هایی علیه جمهوری اسلامی است که از جمله شامل

● رهبری جمهوری اسلامی ایران به طور فزاینده‌ای نگران آن است که حمله‌ای نظامی از سوی ایالات متحده بتواند با بازگرداندن مردمی که پیش‌تر و در پی سرکوب خونین اعتراضات ضدحکومتی به شدت خشمگین شده‌اند، آنان را بار دیگر به خیابان‌ها بکشانند و بدین‌سان پایه‌های قدرت حاکمیت را متزلزل کند؛ نگرانی‌ای که به گفته شش مقام کنونی و پیشین، در سطوح بالای نظام به روشنی احساس می‌شود.

● چندین منبع، هفته گذشته به خبرگزاری رویترز گفته‌اند که دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، در حال بررسی گزینه‌هایی علیه جمهوری اسلامی است که از جمله شامل حملات هدفمند به نیروهای امنیتی و رهبران برای برانگیختن معترضان می‌شود.

● هرگونه خیزش احتمالی در پی یک حمله ایالات متحده، در تضاد آشکار با واکنش ایرانیان به حملات هوایی اسرائیل و آمریکا به برنامه هسته‌ای ایران در ماه ژوئن گذشته خواهد بود. حملاتی که پس از آن‌ها هیچ گونه تظاهرات ضد حکومتی شکل نگرفت.

● یکی از مقامات جمهوری اسلامی به خبرگزاری رویترز گفته است که هرچند مردم خشمگین‌تر از گذشته‌اند، اما اگر حاکمیت در معرض حمله ایالات متحده قرار گیرد، از شیوه‌هایی به مراتب خشن‌تر علیه معترضان استفاده خواهد کرد. او افزود پیامد چنین وضعیتی چیزی جز «حمام خون» نخواهد بود.

به گفته چهار مقام کنونی که در جریان این گفت‌وگوها قرار داشته‌اند، مسئولان ارشد در نشست‌های سطح بالا به رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه‌ای، هشدار داده‌اند که خشم عمومی ناشی از سرکوب ماه گذشته - خونین‌ترین سرکوب از زمان انقلاب اسلامی - ۱۳۵۷ به نقطه‌ای رسیده



تصحیح کنید!

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۸۶) آذر ۱۳۸۶



پیامبرگونه رهبر، محلی را در نزدیکی دهکده «نیکولسکوایه» در ایالت «پنزا» مناسب تشخیص دادند. از اطراف و اکناف به آنجا کوچیدند و خانه‌های متروکه را به قیمت گران خریدند و بدون سر و صدا، در زیر تپه‌های پوشیده از برف پناهگاهی به وسعت چهار کیلومتر مربع احداث کردند. طبق سنت محلی برگرفته از فضای زیست پرندگان غارنشین، پس از آماده شدن دخمه، مواد غذایی و وسایل مورد نیاز برای اقامت طولانی، از قبیل عسل و گاز، بدانجا منتقل و ذخیره‌سازی کردند. آنگاه خودشان هم تدریجاً در این غار منزل گزیدند.

«والتینا ولچکوا» دادستان شهرستان می‌گوید: «ما نمی‌دانیم دقیقاً از چه زمان آنها زندگی در دخمه را آغاز کرده‌اند. می‌دانیم که ۲۹ نفرند، اکثرشان زن، و نیز چهار کودک، که خردسالترینشان یکساله است. آنها تهدید کرده‌اند که هرگاه برای بیرون کشیدنشان به‌زور متوسل شویم با استفاده از گاز، خودشان و پناهگاهشان را منفجر خواهند کرد. ما فعلاً از طریق یک هواکش با آنها گفت و گو می‌کنیم.»

و اما مقام رهبری هنوز به جمع مردان غارنشین خود نپیوسته است. عالیجناب «کوزنتسف» فعلاً تحت معاینات روانپزشکی قرار دارد تا معلوم شود این پیام آسمانی از کجا به وی رسیده است. از قرار معلوم، «رهبر» تحت تأثیر القائات همسرش، از چندین سال پیش دچار «شیزوفرنی» شده و شروع به ابلاغ وحی کرده است. از آن تاریخ او شیها در یک تابوت می‌خوابید که زنش چون این را کافی نمی‌دانست، از وی جدا شد.

پس بدانید که چرا عیسی مسیح تأهل اختیار نکرد و در تجرد زیست! شاعر فرماید: چو عیسی گر توانی خفت بی‌جفت مده نقد تجرد را ز کف، مفت

تاریخی را که قبلاً به‌عرضتان رساندم (جمعه ۲۱ نوامبر ۱۹۱۲) لطفاً تصحیح کنید. پایان دنیا از قرار معلوم نزدیکتر از آن است که روی سایتهای اینترنتی منعکس شده بود. روابط نزدیک روسیه و ایران، به روسها امکان داده است در مسائلی از این قبیل به اقوال علمای ما بیشتر اعتماد کنند تا رمالان و پیشگویان و ستاره‌شماران غربی.

پروفسور دکتر احمدی‌نژاد، همانطور که در مقاله پیشین اشاره شد (قیامت نزدیک است/کیهان ۲۰۱۳) تاریخ ظهور را نزدیکتر از آن می‌داند که غربیها پیش‌بینی کرده‌اند و البته ایشان هم بی‌مأخذ حرف نمی‌زند. قطعاً از درون چاه جباران ندا رسیده یا مراجع محترم قم واسطه انتقال پیام آسمانی بوده‌اند. باری، دولت ولادیمیر پوتین در آستانه انتخابات پارلمانی روسیه با مشکلی روبرو شد که پیروان یک فرقه مذهبی معتقد به فرا رسیدن آخرالزمان در ماه مه ۱۹۰۸ - فقط شش ماه دیگر - به‌وجود آورده‌اند.

قضیه بدین گونه است: به‌فاصله چند هفته، تعدادی از ساکنان «نیکولسکوایه» (Nikolskoye) در پانصد کیلومتری مسکو، یکی از بعد از دیگری ناپدید شدند. راز این مفقود شدن برملا نشد مگر وقتی که دختر یکی از ناپدیدشدگان به پلیس و مقامات قضائی اطلاع داد که مادرش عضو یک فرقه مذهبی بوده است.

این فرقه مذهبی را که «کلیسای واقعی ارتدوکس» نام دارد، یک مذهب‌گرای ۴۳ ساله - پتر کوزنتسف - فرزند خانواده‌ای به‌شدت مذهبی بنیان نهاده و همو به پیروان خود خبر داده است که «آپوکالیپس» در ماه مه آینده به‌وقوع خواهد پیوست.

بر مبنای این کشف، اعضای فرقه تصمیم گرفتند پناهگاهی بسازند و در روز واقعه، از بلایایی که کتاب مقدس خبر داده است، مانند طوفان و سیل و زلزله و ابرهای مرگبار و بخارهای مسموم‌کننده، در امان بمانند. طبق رهنمودهای

در بیانیه‌ای که وب سایت اصلاح طلب «کلمه» آن را منتشر کرده، گفته است:

«رود خون گرمی که در ماه سرد ژانویه بر زمین ریخته شد، تا زمانی که مسیر تاریخ را دگرگون نکند، از جوشش باز نخواهد ایستاد.»

موسوی در ادامه این بیانیه افزوده است: «مردم به چه زبانی باید بگویند که این نظام را نمی‌خواهند و دروغ‌های شما را باور ندارند؟ پس است، دیگر بس است. بازی تمام شده است.»

به گفته شاهدان عینی و نهادهای حقوق بشری، در جریان اعتراضات اوایل ژانویه، نیروهای امنیتی با بکارگیری قوه قهریه مرگبار، تظاهرات را درهم کوبیدند که در نتیجه آن هزاران تن کشته و شمار زیادی نیز مجروح شدند. تهران مسئولیت این خشونت‌ها را متوجه «تروریست‌های مسلح» مرتبط با اسرائیل و ایالات متحده دانست!

دونالد ترامپ اگرچه از عملی‌کردن تهدیدهای خود برای مداخله عقب نشست، اما از آن زمان خواستار امتیازدهی هسته‌ای از سوی جمهوری اسلامی شده است. در عین حال، هم تهران و هم واشنگتن آمادگی خود را برای احیای دیپلماسی در خصوص مناقشه دیرپای هسته‌ای اعلام کرده‌اند.

خشم فروخته، «خطر خون‌ریزی»

تحلیلگران و منابع آگاه می‌گویند هرچند خیابان‌ها فعلاً آرام به نظر می‌رسند، اما نارضایتی‌های عمیق و ریشه دار از میان نرفته‌اند.

ناخرسندی عمومی - ناشی از افول اقتصادی، سرکوب سیاسی، شکاف فزاینده طبقاتی میان غنی و فقیر، و فساد ریشه‌دار - به‌تدریج انباشته شده و جامعه‌ای را شکل داده است که بسیاری از شهروندان آن در نظامی گرفتارند که نه تسکینی عرضه می‌کند و نه چشم‌اندازی برای پیشرفت.

حسین رسام، تحلیلگر مقیم لندن، می‌گوید: «این شاید پایان کار نباشد، اما دیگر صرفاً آغاز ماجرا هم نیست.»

به گفته شش مقام کنونی و پیشین جمهوری اسلامی، اگر اعتراضات بار دیگر و هم‌زمان با تشدید فشارهای خارجی از سر گرفته شود و نیروهای امنیتی مجدداً با زور واکنش نشان دهند، این نگرانی وجود دارد که معترضان جسورتر از ناآرامی‌های پیشین عمل کنند؛ جسارتی برآمده از تجربه‌های گذشته و احساسی فراگیر که گویی دیگر چیز چندانی برای از دست دادن باقی نمانده است.

یکی از این مقامات به خبرگزاری رویترز گفته است که هرچند مردم خشمگین‌تر از گذشته‌اند، اما اگر حاکمیت در معرض حمله ایالات متحده قرار گیرد، از شیوه‌هایی به‌مراتب خشن‌تر علیه معترضان استفاده خواهد کرد. او افزود پیامد چنین وضعیتی چیزی جز «حمام خون» نخواهد بود.

شماری از شهروندان عادی ایران که با خبرگزاری رویترز گفتگو کرده‌اند، اظهار داشته‌اند انتظار دارند حاکمان ایران هرگونه اعتراض تازه‌ای را با سرکوبی سخت و قاطع پاسخ دهند.

یکی از ساکنان تهران که پسر ۱۵ ساله‌اش در جریان اعتراضات ۹ ژانویه کشته شد، گفت: معترضان تنها خواهان یک زندگی عادی بودند، اما پاسخشان «گلوله» بود. او افزود: «اگر آمریکا حمله کند، برای گرفتن انتقام خون پسر و کودکانی که این رژیم کشته است، دوباره به خیابان‌ها بازخواهم گشت.»

منبع: رویترز- کیهان لایف
ترجمه: کیهان لندن



دکتر امیراصلاح افشار

۶۱ سال پس از شهریور ۲۰، سه نظر متفاوت در باره اشغال ایران

(تاریخ نشر در کیهان لندن: شهریور ماه ۱۳۸۱ - شماره ۹۲۰)

خلاصه بیوگرافی دکتر امیراصلاح افشار قاسملو از کتاب Who's Who متولد - تهران، تحصیلات: ابتدائی، تهران مدرسه زرتشتیان متوسطه: مدرسه یهیندنبورگ در برلن - آلمان دانشگاه: دانشگاه برلن - گرایفس والد وین و ژنو دکتر در علوم سیاسی از دانشگاه وین دکتر افتخاری از دانشگاه پوتا ایالات متحده امریکا مشاغل: کارمند سیاسی سفارت شاهنشاهی ایران در هلند - نماینده ایران در کمیته اقتصادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک - نماینده ایران در کنفرانس کشورهای آسیائی - افریقائی باندونگ اندونزی - به مدت یک سال به دعوت آیزنهاور برای مطالعه در ایالات متحده امریکا آجودان کشوری اعلیحضرت شاهنشاه - دو دوره نماینده مجلس شورای ملی از مراغه سفیر

شاهنشاه در اتریش - سفیر شاهنشاه در واشنگتن - سفیر شاهنشاه در مکزیک - سفیر شاهنشاه در آلمان - پرزیدنت (رئیس) شورای حکام سازمان انرژی اتمی بین المللی در وین اتریش از بین ۵۴ کشور عضو سازمان - ریاست کل تشریفات اعلیحضرت شاهنشاه رئیس نمایندگی ایران در کنفرانس یونیدو - کنفرانس استفاده از فضا - کنفرانس دیپلماتیک و واشنگتن - کنفرانس علائم و جاده‌ها - کنفرانس INTELSAT - کنفرانس علائم و پارتنت و چند کنفرانس دیگر - در حال حاضر Governor سازمان بیوگرافی امریکا. انتشارات: کتاب قانون اساسی آلمان نازی به زبان آلمانی - کتاب مقررات دولتی آلمان نازی به زبان آلمانی کتاب گزارش در باره امریکا به زبان انگلیسی - کتاب امکانات بهبود اقتصاد ایران به زبان آلمانی کتاب افسران علیه هیتلر به زبان فارسی - شرکت ایران

در سازمانهای بین المللی به زبان فارسی نشان ۱: نشان فرهنگ - نشان پاس - نشان ۲۵ سال سلطنت پهلوی - نشان ۵۰ سال سلطنت پهلوی نشان ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران - نشان ۵ نشان ۴ تاج نشان ۳ تاج نشان ۲ همایون نشان یک همایون با حمایل - نشان لژیون دونور فرانسه - نشان دانهارک - نشان تایلند دو نشان هلند - نشان رومانی - سه نشان و یک نشان درجه یک با حمایل اتریش - نشان درجه یک با حمایل اسپانیا - نشان درجه ۲ و یک با حمایل اردن هاشمی - سه نشان و یک نشان درجه یک با حمایل از آلمان و چند نشان دیگر. محل اقامت: نیس فرانسه به علت جریانات ایران روز ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۶ دی ۱۳۵۷) تهران را در رکاب شاهنشاه ترک گفته و تا روز درگذشت معظم له در مصر در خدمتشان بودم

دوست محترم و گرامی آقای دکتر پرویز عدل در ماهنامه روزگار نو (چاپ پاریس) مجدداً مساله اشغال ایران را در شهریور ۲۰ مطرح کرده و با توجه به تلگرافهای مرحوم ساعد سفیر وقت در مسکو، مطالبی نوشته‌اند که از لحاظ تحقیقات تاریخی در خور بحث و دقت می‌باشد. چون اینجانب با قرابت نزدیک و آشنائی کامل با مرحوم ساعد و مذاکرات در باره حوادث تابستان ۱۳۲۰ منجر به اشغال ایران گردید و نقش رضا شاه و بخصوص نخست‌وزیر وقت رجبعلی منصور (منصورالملک) که وزارتخارج را نیز وسیله کفالت جواد عامری یدک می‌کشید، مورد بحث مجدد همکاران سابقم آقایان عدل و احمد توکلی قرار گرفته، در حالیکه همکار سابق دیگرم دکتر منتظم این مطلب را بجای تابستان ۱۳۲۰ (اوت ۱۹۴۱) از آغاز جنگ در اروپا (اول سپتامبر ۱۹۳۹) مورد بررسی قرار داده است می‌خواهم در اینجا مجموعه خاطرات خود را از مرحوم ساعد و اقداماتش و همچنین مقابله نظرات این سه همکار گرامی سابقم را به اطلاع خوانندگان کیهان لندن و علاقمندان به تاریخ برسانم. سالیان درازی است که رضا شاه کبیر و محمد رضا شاه که در همه چیز متفاوت بودند جز در آرزویشان برای پیشرفت هرچه بیشتر ایران روی در نقاب خاک کشیده‌اند. پادشاهی رضا شاه با اشغال ایران از جانب جنوب و شمال در شهریور ۱۳۲۰ پایان یافت و پادشاهی محمد رضا شاه با بلوای موسوم به «انقلاب اسلامی» در بهمن ۱۳۵۷ ولی نویسندگان متعدد دروغریزی و پروغریزی مانند آقایان عاملی، الموتی، سیروس غنی همچنان در نوشته‌های خود به مسائل مختلف سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷ می‌پردازند مانند تغییر حکومت در سوم حوت ۹۹، یا به غلط رایج «کودتای سوم حوت»، تجدید قرار داد نفت جنوب در ۱۹۳۳، هجوم نیروهای انگلیس و شوروی در ۱۳۲۰ و غیره که البته این بحثها برای روشن شدن حوادث تاریخی مفید است.



دکتر امیراصلاح افشار

توفیق رشدی ارس در روزنامه «حریّت» از قول او می‌نویسد: در سفارت لندن روابط نزدیکی با وزارت خارجه انگلیس و شخص آنتونی ایدن داشتیم و اغلب در جریان نیات باطنی آنها در باره بعضی از مسائل قرار می‌گرفتم که از آن جمله مساله ایران بود. من به رضا شاه به مناسبت علاقه‌ای که به او به عنوان دوست محترم کمال آتاتورك داشتم خبر دادم که انگلیسها در مورد لزوم اخراج آلمانیها و ضرورت حفظ امنیت مناطق نفتی بلوف می‌زنند، اگر این بهانه رفع نشود قصد تجاوز به ایران را دارند؛ بهتر است با آنها در برابر گرفتن امتیازات سازش کنید. متأسفانه رضا شاه به پیغام من ترتیب اثر نداد و روزی که خبر حمله روس و انگلیس را به ایران شنیدم زار زار گریه کردم.

پس از این نقل قول از رشدی ارس به مرحوم محمد ساعد سفیر روسی‌دان ایران در مسکو پرداخته و می‌نویسد: محمد ساعد به رضا شاه طی گزارش محرمانه‌ای اطلاع می‌دهد که روسها از حیث مهمات و آذوقه و لوازم از قبیل کفش و لباس قشون و وسایط نقلیه در مضیقه و تنگنای شدید می‌باشند و مرتب به متفقین فشار می‌آورند که چنانچه ایران اجازه ندهد این وسایل و لوازم از خاک آن کشور عبور کند ایران را اشغال کنند. آقای ساعد در این گزارش خاطر نشان می‌کند همانطوری که دولت سوئد با

حفظ بی‌طرفی ناچار شده در برابر گرفتن امتیازاتی اجازه بدهد مهمات آلمانی از خاک کشور بگذرد ما هم که عملاً در محاصره متفقین می‌باشیم بهتر است با آنها کنار بیاییم و اجازه بدهیم نیازمندیهای شوروی را از خاک ایران برسانند و گرنه خطر حمله آنها به ایران یک موضوع جدی است. چون در آن زمان آلمان در جنبه‌های جنگ فاتح به نظر می‌رسید و رضا شاه نمی‌خواست آنها را برنجاند و ساعد از این دو دلی شاه آگاه بود در گزارشش تأکید می‌کند همانطوری که متفقین موقعیت دشوار سوئد را درک کرده و از خصومت با آن کشور خودداری کرده‌اند آلمانیها نیز متوجه موقعیت حساس ایران شده و از سازش ایران با متفقین که از راه ناچاری می‌باشد نخواهند رنجید زیرا می‌دانند که در غیر این صورت متفقین با توسل به زور و اشغال خاک ایران خواسته‌های خود را به دست می‌آورند. از وزارت امورخارج به آقای ساعد جوابی می‌دهند که ده پانزده پاراگراف داشته و هر پاراگراف با جمله

«مگر نمی‌دانید که...» شروع می‌شد:

مگر نمی‌دانید که ایران قدرتمند امروز ایران ناتوان دیروز نیست؟ مگر نمی‌دانید که ارتش نیرومند شاهنشاهی حافظ مرزهای کشور است؟

مگر نمی‌دانید که در اثر توجهات ذات اقدس ملوکانه هیچ کشوری جرأت تجاوز به ایران را ندارد؟ و یک دوجین از این قبیل «مگر نمی‌دانید که...» ها.

وصول این نامه آقای ساعد را سخت پریشان و اندوهناک می‌کند. تلگرافی اجازه می‌خواهد به تهران آمده و اوضاع روز و وخامت وضع را به شرف عرض برساند که متأسفانه با این تقاضا موافقت نمی‌شود.

و سپس از قول یکی دیگر از همکاران سابق آقای احمد توکلی بدون ذکر منبع اطلاع او می‌نویسد:

انگلیسها قبلاً از ورود ارتش سرخ به شمال ایران نگران و ناراحت بودند و تلاش فراوان کردند تا بلکه رضا شاه را به وخامت اوضاع متوجه و به همکاری وادار نمایند. آنتونی ایدن وزیرخارج انگلیس در یکی از ضیافتها به محمد علی مقدم وزیر مختار ایران در لندن می‌گوید اگر مساله واگذاری راه برای حمل مهمات و لوازم به جبهه روسیه حل شود از اقداماتی که ممکن است عواقب وخیمی برای ایران در برداشته باشد جلوگیری خواهیم کرد. متأسفانه رضا شاه به این گزارش و هشدار ترتیب اثر نمی‌دهد. شاید هم دو دلی که به آن اشاره شد یکی از موجبات عدم توجه به این

در باره اشغال ایران و استعفاي رضا شاه در شهریور ۲۰ دو تن از همکاران سابقم در وزارت امور خارجه و دوستان نزدیکم، آقایان دکتر پرویز عدل و دکتر حسین منتظم، در نوشته‌های خود در باره نقش دولت و نخست‌وزیر و سفیر ایران در مسکو مرحوم محمد ساعد بر اساس منابع متفاوتی نظر مخالف و احياناً متضادی داده‌اند که جلب توجه می‌نماید.

آقای دکتر عدل در کتابش (چاپ لس‌آنجلس) و مقاله خود در ماهنامه روزگار نو (شهریور ۸۰) به استناد به خاطرات

→ هشداریها بوده است.

در مورد انوشیروان سپهبدی که افتخار داشتیم در قاهره راین مطبوعاتی ایشان باشم و تا حدودی به خصوصیات اخلاقی وی پی برده و او را مردی وطن پرست و هوشمند یافتیم باید بگویم که از ایشان شنیدم که به هنگام سفارتش در آنکارا ابراز نگرانیهای مقامات ترک را از امکان اشغال ایران به اطلاع دربار و وزارت خارجه می‌رسانیده ولی هرگز جوابی نمی‌گرفته است. در خاطره آقای دکتر عدل مسئولیت را متوجه رضا شاه کرده و نتیجه می‌گیرد که:

البته از رهبری خودکامه که به پارلمان و افکار عمومی بی‌اعتنا بوده و از مشاورت افراد مطلع و یک پارلمان ملی و دولت منتخب پارلمان برخوردار نبوده است. جز این هم نمی‌توان انتظار داشت.

اسناد و سوابق

بالعکس آقای دکتر حسین منتظم خاطرات افراد را که غالب آنها سالها پس از پایان جنگ در جراند مختلف چاپ شده کنار گذاشته و رفته است سراغ اسناد سَری و محرمانه وزارت خارجه لندن که پس از ۲۵ سال یا سی سال از طرف همان دستگاه انتشار می‌یابد. مرحوم عبدالحسین مفتاح معاون وزارت امور خارجه در زمان مصدق و سپس سفیر ایران در هلند و نروژ و تونس که پس از بازنشستگی گاهی نزد فرزند خود در لندن و گاهی در جنوب فرانسه می‌زیست در یکی از سفرهای خود به لندن از اسناد مزبور فتوکپی برداشته و امانتاً در اختیار آقای دکتر منتظم نهاد که براساس آن اسناد نوشتار مفصلی تهیه کرده که در فصلنامه ره‌آورد (لس آنجلس) شماره بهار ۱۳۶۷ چاپ شده است. آقای دکتر منتظم در مقدمه می‌نویسد که آغاز جنگ مصادف بود با نخست وزیری شادروان محمود جم که فوراً طی اعلامیه‌ای خطاب به کلیه خارجیان مقیم ایران بیطرفی ایران و لزوم رعایت آنرا خاطرنشان کرد که انصافاً باید گفت که بیگانگان که زیر نظارت کامل شهربانی بودند آنرا بخوبی تا هنگام اشغال کشور در دو سال بعد رعایت کردند و همچنین مصادف بوده است با وزیرمختاری سهروراس سیمور که در گزارشهای خود رعایت بیطرفی را از طرف ایران تأیید می‌کرده است.

مرحله دوم چند ماه نخست وزیری دکتر احمد متین‌دفتری تحصیلکرده آلمان و آمدن سرریدر بولارد هست بجای هوراس سیمور که ناگهان لحن گزارشهای سفارت انگلیس به لندن تغییر کرد و شروع به ابراز «نگرانی» از حضور اتباع آلمان که تعدادشان به مراتب کمتر از انگلیسها بود نزد مقامات ایرانی و «نگرانی» از اشغال فرودگاههای شمال ایران توسط شوروی!! در گزارشهای ارسالی به لندن می‌شود.

پیش از انتصاب منصورالملک به نخست‌وزیری، مظفراعلم با وزیر مختار آلمان مذاکره کرد و موافقت برلین را کسب می‌نماید که اتباع آلمان از طریق ترکیه مراجعت نمایند. ولی این توافق مصادف می‌شود با آغاز نخست وزیری رجبعلی منصور (منصور الملک) که وزیر خارجه را نیز برداشته و بجایش یکی از نزدیکان خود جواد عامری را به کفالت آن وزارتخانه در زیر نظر خود منصوب می‌نماید. نباید فراموش کرد که منصور در وزارت خارجه سابقه داشته و خود هنگام انعقاد قرار داد ۱۹۱۹ کفیل آنجا بوده و آن قرار داد را پاراف کرده بود.

منصور بازگشت آلمانها را زائد شمرده و مرتباً در قبال شاه «خاطر مبارک آسوده باشد» پیش می‌گیرد و هنگامی که در تیر و مرداد ۱۳۲۰ که شاه از دریافت هشداریهایی از مسکو توسط محمد ساعد و از ترکیه ابراز نگرانی می‌کند منصور با همان جمله و این که کاملاً مراقب هستیم خاطر شاه را

تسکین می‌دهد.

در حالی که تحریکات بولارد سفیر انگلیس ادامه داشته و به موجب گزارش ارسالی به لندن از ملاقاتهای سَری شاه و سفیر آلمان برای استفاده از فرودگاهها و نفت ایران سخن می‌رانده است که بکلی تحریک آمیز به نظر می‌رسد و صحت ندارد. این گزارشهای بی‌اساس در لندن موجب تقویت جناحی می‌شد که از آغاز جنگ مانند ژنرال وول نایب‌السلطنه هندوستان طرفدار اتصال ارضی نیروهای بریتانیا از مدیترانه تا به هند از راه ایران و بین‌النهرین بوده و پس از قیام رشید عالی گیلانی در بغداد بیشتر معتقد به ضرورت اشغال ایران می‌بودند که حمله آلمان به شوروی ناگهان فرصت مناسبی را برای این کار پیش آورد. در حالی که از ابتدای حمله مزبور رئیس جمهور امریکا اعلام کرد که می‌خواهد از طریق بنادر شرقی شوروی در اقیانوس آرام به آن کشور کمک نظامی برساند ولی نقشه بریتانیا با همکاری با شوروی مسیر امداد رسانی را از اقیانوس آرام به خلیج فارس تبدیل نمود. (این جزو مطلب در خاطرات مرحوم محمد ساعد نیز نقل شده است صفحه ۱۰۲)

وجه اشتراك نظریه آقایان دکتر عدل و دکتر منتظم این

اتلاف وقت بسیار گرانبها در زمان جنگ چه می‌خواستند و می‌توانستند بگویند؟ آیا می‌توانستند بخواهند: اولاً اجازه عبور و مرور نیروهای زمینی ما از هند به عراق از طریق ایران و بالعکس؟ دوم استفاده مجانی از تمام بنادر جنوب؟ سوم استفاده رایگان از راه‌آهن ها و راههای ایران برای رساندن کمک به شوروی؟ الخ... و آیا رضا شاه یا هر دولت دیگری این قبیل پیشنهادات را می‌توانست بپذیرد؟ اینک با اشغال آسان ایران تمام این برنامه‌ها مجانی اجرا شد و نه تنها محصولات ایران را می‌بردند بلکه چنانکه هنگام خلع ید زمان مصدق از شرکت نفت کشف شد که یک لوله زیرزمینی و زیر رودخانه از یک چاه نفت به آن طرف شط العرب کشیده بودند که نفت از آنجا ده سال تمام مجانی می‌رفت...!

تمام این نکات، به خوبی حاکی است که قضاوت در باره رویه رضا شاه در تابستان ۱۳۲۰ چندان آسان نیست و نیاز به مطالعات بیشتری دارد. در این مورد مقاله آقای دکتر منتظم در فصلنامه «ره‌آورد» خیلی مفصل است که می‌توان بدان مراجعه کرد (شماره بهار ۱۳۶۷)



محمدرضا شاه پهلوی در بین آجودان‌های شاهنشاه - سال ۱۳۵۶

آنچه از ساعد شنیدم

اینک چون هر سه نویسنده ذکری از مرحوم ساعد کرده‌اند و با توجه به خویشاوندی و آشنائی نزدیکی که با آن شادروان داشتم ذیلاً چند سطری از مذاکراتی که با ایشان داشتم در زیر می‌نگارم. نظیر این اظهارات را نیز می‌توان در کتاب خاطرات سیاسی محمد ساعد مراغه‌ای نوشته «محمدساعد» بکوشش آقای دکتر باقر عاقلی یافت.

مرحوم ساعد به من می‌گفت از روزی که جنگ شروع شد و بخصوص از روزیکه آلمان به شوروی حمله کرد تمام نگرانی من نقض بی طرفی ایران بود. در ابتدا قبل از حمله آلمان مولوتف وزیر خارجه شوروی در یک ملاقاتی که با وی داشم از اینکه ایران بی طرفی خود را اعلام کرد بسیار اظهار خوشحالی کرد اما پس از حمله آلمان به شوروی دیگر بی طرفی ما برای شوروی مفهومی نداشت.

اما چندی قبل از حادثه شهریور ۲۰ تلگراف رمزی به تهران کردم که من چنین استنباط می‌کنم که انگلیس ها می‌خواهند کمک به شوروی برسانند و این امر ممکن است ناراحتی هائی برای ایران به وجود بیاورد و چه حتی باعث اشغال ایران شود بهتر است دولت اقدامی نکند که این دو کشور تحریک شوند.

پاسخی از تهران رسید بدین مضمون فقط در چند

است که هر دو اشغال ایران را پس از حمله آلمان به شوروی اجتناب ناپذیر شمرده‌اند و هر دو اذعان دارند که هشداریهایی از مسکو (توسط مرحوم ساعد) و از ترکیه در ماههای تیر و مرداد یعنی پس از آغاز حمله آلمان (۲۱ ژوئن ۱۹۴۱) به تهران رسیده است. ولی در سایر قسمتها اختلافاتی میان این دو نظر است که بکلی نتیجه گیری را دگرگون می‌سازد. زیرا اگر بپذیریم که فکر اتصال ارضی نیروهای بریتانیا در هند و بین‌النهرین از ابتدای جنگ در اول سپتامبر ۱۹۳۹ وجود داشته و پس از شورش رشید عالی گیلانی در بغداد که انگلیس به زحمت قوای از هند واز راه دریا به عراق رسانده و آن را سرکوبی کردند، این فکر و نقشه صورت «ضرورتی» برای ستاد ارتش بریتانیا یافته است، در این صورت دیگر مساله منحصر به کمک رساندن به شوروی نبوده بخصوص که رئیس جمهوری امریکا می‌خواسته از طریق خاورودر که آبهای دریائی دو کشور به یکدیگر پیوسته‌اند، انجام دهد، بلکه مساله امداد شوروی برای بریتانیا بهترین فرصت برای اجرای نقشه «دیرین» اتصال ارضی نیروهای بریتانیا از مدیترانه از طریق فلسطین، اردن، بین النهرین و ایران به هند می‌بود که مطلقاً حاضر به مذاکره و از دست دادن این فرصت نبوده‌اند.

به علاوه اگر فرضا باب مذاکره را می‌گشودند صرفنظر از

تجمع ایرانیان مقابل سفارت ایالات متحده در لندن



ویدئو

با توجه به اینکه روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی در بریتانیا به کندی انجام می‌گیرد، نخست وزیر، استارمر، چند روز پیش برای اولین بار به طور شفاف و علنی اعلام کرد که از متحد خود آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی حمایت کامل می‌کنیم.

اظهارنظر نخست وزیر بریتانیا، در کنار تصمیم چند روز پیش اتحادیه اروپا برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، باعث انگیزه بیشتر ایرانیان شده است تا دولت بریتانیا را تحت فشار بگذارند که هرچه زودتر اقدام مشابهی را علیه جمهوری اسلامی در دستور کار قرار دهند.

من بطور تفصیل از روابط ایران و شوروی صحبت کردم و از اینکه دولت شوروی پس از انقلاب بنگاه‌های روسیه و خط تلگرافی مشهد - سیستان - استراباد - انزلی - تهران، کارخانه برق، خط آهن جلفا را در اختیار ایران گذاشته تشکر نمودم و گفتم با این روابط حسنه بین دو کشور حمله به ایران عمل دوستانه نیست و اگر از آلمانها صحبت می‌کنید آنها قشونی ندارند که سرحدات جنوب شما در خطر باشد. از شما خواهش می‌کنم دستور فرمائید قشون شوروی متوقف و به خاک ما تجاوز نکند.

این بود خلاصه‌ای از جریانات که متاسفانه بالاخره به اشغال ایران تمام شد البته دنباله وقایع بر همه روشن است در اینجا شاید بجا باشد که از وطن پرستی، درستی و وفاداری ساعد گفته شود که در روزهای آخر شهریور مولوتف در کاخ کرملین به ساعد گفت ما تصمیم گرفته‌ایم رژیم ایران را از مشروطه سلطنتی به جمهوری تبدیل کنیم. دولت انگلیس هم موافق است و مایل است فروغی رئیس جمهور شود ولی فروغی تمایلی به این سمت ندارد لذا به این ترتیب شما کاندیدای منحصر بفرد برای ریاست جمهوری هستید. ساعد گفت من به محض شنیدن این پیشنهاد برآشفتم و گفتم ایران يك کشور پادشاهی است. پادشاه ایران سمبل اتحاد و همبستگی ملت ایران است و نظریه شما برای ایران بسیار مضر است و با اقامه دلائل متعدد مولوتف را راضی کردم از نظریه خودش عدول نماید.

شمار زیادی از ایرانیان ساکن بریتانیا روز شنبه ۳۱ ژانویه ۲۰۲۶ برابر با ۱۱ بهمن ۱۴۰۴ و در سی و پنجمین روز از آغاز اعتراضات دی ۴۰۴ مقابل سفارت ایالات متحده در لندن تجمع کردند. سفارت ایالات متحده آمریکا در لندن، پس از سفارت جمهوری اسلامی و دفتر نخست وزیری بریتانیا از مهمترین پایگاه‌هایی است که در هفته‌های گذشته ایرانیان مقابل آنها، دست به تحصن و اعتراض و اعتصاب غذا زدند. ایرانیان درتجمع مقابل سفارت بریتانیا در لندن، به ویژه از پرزیدنت ترامپ درخواست دارند تا به تعهدنامه RYP برای کمک نظامی به مردم ایران، به صورت فوری، عمل کند.

در من اثر گذاشت که اولین ناراحتی قلبی را پیدا کردم. ساعد اضافه کرد من که در تمام مدت انقلاب کمونیستی و جنگهای خیابانی در قفقاز بودم و زانوی راستم با گلوله سوراخ شد و در نزاعهای خونی در کوچه‌های باکو زیر رگبار گلوله بیرق ایران را بدوش گرفته و به سراغ اتباع ایران می‌رفتم و جان آنها را نجات می‌دادم و برادر جوانم ابراهیم درگیریهایی خیابانی کشته شد آنقدر ناراحت نشدم که به چشم خودم خطر بزرگی که کشور را تهدید می‌کرد می‌دیدم و ناراحت از اینکه شاه را در کمال بی‌اطلاعی نگهداشته‌اند.

برای چند روز استراحت به اتفاق آقای اعتصامی به خانه ییلاقی سفارت که در ۴۰ کیلومتری مسکو واقع شده رفتم و از آنجا کارهای سفارت را انجام می‌دادم و هیچ تلگرافی از تهران نمی‌رسید. يك شب در ساعت يك بعد از نصف شب رئیس اداره خاورمیانه وزارت خارجه شوروی به آنجا تلفن کرد و به من گفت فردا مولوتف را در کاخ کرملین ملاقات نمایم. طی این ملاقات طولانی و بسیار ناراحت کننده مولوتف گفت اقامت اتباع آلمانی در ایران که همه آنها جاسوس هستند خطراتی برای سرحدات جنوبی شوروی ایجاد کرده و بدین جهت نیروهای ما در همین ساعت در حال گذشتن از مرزهای ایران هستند و متن یادداشت حمله ارتش شوروی به ایران را در دست من گذاشت (کتاب خاطرات محمد ساعد مراغه‌ای بکوشش دکتر باقر عاقلی)

کلمه: «این استنباط شما از کجا سرچشمه گرفته؟» معلوم شد دستگاه دولتی ایران اصلا متوجه وخامت اوضاع نیست. در جواب گفتم استنباط من از مذاکرات با تعدادی از سفرا و آشنایان روسی است بخصوص با «سر استافورد کریس» سفیر انگلیس در شوروی که با او دوستی دارم و بدون اینکه نا مبرده صحبتی از ایران بکند در باره راههای کمک به شوروی با من مذاکره می‌کرد. دیگر جوابی از تهران نرسید. با خودم فکر می‌کردم اگر انگلیس در صدد پیدا کردن يك راه مطمئن برای رساندن کمک به شوروی باشد از همه آسانتر از راه ایران است. راه شمال به شوروی چند ماه از سال یخبندان است و علاوه بر این جولانگه هواپیماها و زیردریایهای آلمانی است. در شرق ژاپن هم پیمان آلمان نشسته و در جنوب غربی داردانل مدیترانه و جبل الطارق هست پس مطمئن‌ترین راه همان راه از ایران است.

طی تلگرافی مجدداً به تهران نوشتم برای اینکه انگلیسها و روسها بهانه‌ای نداشته باشند بهتر است از آلمانی‌های مقیم ایران بخواهیم که ایران را دوستانه ترك کنند، حقوق سه ماه آنها را بدهیم و از آنها از خدماتی که کرده‌اند تشکر کنیم و هنگام ترك ایران به همسرانشان دسته گل بدهیم و بدینوسیله از این بهانه جلوگیری کنم و با انگلیسها و روسها وارد مذاکره دوستانه شویم. در غیر این صورت من مطمئن هستم آن دو کشور به ایران حمله خواهند کرد و معلوم نیست کشور ما تاکی در اشغال آنها ماند.

ضمناً خواستم که جناب آقای منصور نخست وزیر این امر را بخصوص مورد توجه قرار دهند. تلگرافی در پاسخ آمد بدین مضمون: مگر نمی‌دانید ایران امروز ایران ۲۰ سال قبل نیست. مگر نمی‌دانید ارتش قوی ایران تا آخرین قطره خون از خاک ایران دفاع خواهد کرد. مگر نمی‌دانید که ما رسماً بی‌طرفی خود را اعلام کرده‌ایم و مورد قبول تمام کشورها واقع شد. مرحوم ساعد اضافه کرد که این تلگراف مرا تکان داد و بی‌نهایت ناراحت کرد. فوری پاسخ دادم اجازه بفرمائید برای عرض گزارش فوری چندروز به تهران بیایم پاسخ از جناب نخست‌وزیر رسید که در این موقع حساس وجود شما در محل بسیار ضروری است که خلاصه یعنی لازم نیست بیائید. ساعد گفت نمی‌دانید چقدر از این پاسخ ناراحت شدم. فکر کردم آیا همه در خواب هستند، آیا نمی‌دانند در دنیا چه می‌گذرد؟ چه ضرری داشت اگر من بجای اینکه ساعتها تلگراف دراز و بلند بالا را با آن کتاب مشکل قدیمی رمز تهیه کنم دو روز به تهران می‌رفتم و مراتب را مستقیماً به عرض شاه می‌ساندم. کم کم این فکر در سر من خطور کرد که سیاستی در کار است که نمی‌خواهند شاه از جریانات باخبر باشد و تلگرافات به من را هم طوری پاسخ می‌دهند که فکر کنم اوامر شاه است.

اتفاقاً فکر هم چندان نادرست نبود چون وقتی پس از خاتمه ماموریت مسکو به تهران رفتم و وزیر خارجه و سپس نخست‌وزیر شدم پرونده‌های مربوط به آن زمان را خواستم (در این موقع آقای ساعد به من گفت البته این موضوع را فقط به شما می‌گویم) و با کمال تعجب دیدم تلگرافات من بخصوص تلگرافی که با دلسوزی گوشزد کرده بودم که ممکن است به ایران حمله کنند در پرونده نبود. این تلگراف نمی‌توانسته به مقصد نرسیده باشد چون این فکر را هم من قبلاً کرده بودم که شاید تلگرافخانه مسکو تلگرافات رمز مرا یا دیر یا اصلاً به مقصد نفرستد. از این رو از سفیر ترکیه درمسکو که خیلی با او دوست بودم خواهش کردم تلگرافات رمز مرا به آنکارا ارسال نماید و وزارت خارجه ترکیه عین تلگراف را به تهران به سفارت ترکیه مخابره کند و آنها تلگراف را به وزارت خارجه ایران بفرستند. بی‌اعتنایی دستگاه به این پیشنهادها و عرایض من بقدری

وزیر دفاع عربستان: عدم اقدام نظامی ترامپ علیه رژیم ایران آنها را گستاخ تر می کند



دیدار وزیر دفاع آمریکا و وزیر خارجه آمریکا در واشنگتن/ ژانویه ۲۰۲۶

-خالد بن سلمان پنجشنبه در کاخ سفید نشست های طولانی با مارکو روبریو وزیر خارجه، پیت هگست وزیر دفاع، دن کین رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا و استیو ویتکاف فرستاده ویژه دونالد ترامپ برگزار کرد. به گفته یک منبع آگاه، تمرکز اصلی این نشست ها حمله احتمالی آمریکا به ایران بود.

-به گفته منابع حاضر در جلسه، خالد بن سلمان گفت: «در این مقطع، اگر این اتفاق نیفتد، فقط رژیم ایران را گستاخ تر می کند.»

-به گفته این منابع، وزیر دفاع عربستان سعودی گفت که معتقد است ترامپ پس از هفته ها تهدید ناچار به انجام اقدام نظامی علیه ایران است، اما همزمان باید بکوشد ریسک تشدید تنش ها در منطقه را هم کاهش دهد.

با افزایش تنش ها در منطقه پس از سرکوب خونین اعتراضات در ایران و افزایش احتمال اقدام نظامی آمریکا توسط جمهوری اسلامی، عربستان سعودی اعلام کرد اجازه نمی دهد از خاک و حریم هوایی اش برای اقدام نظامی علیه ایران استفاده شود، اما «آکسیوس» گزارش داد که وزیر دفاع عربستان سعودی در یک جلسه خصوصی گفته است که عدم حمله آمریکا به ایران، جمهوری اسلامی را جسورتر خواهد کرد.

پایگاه خبری «آکسیوس» جمعه شب ۳۰ ژانویه (۱۰ بهمن) به نقل از چهار منبع آگاه گزارش داد، خالد بن سلمان وزیر دفاع عربستان سعودی در جلسه خصوصی در واشنگتن گفت که اگر دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا تهدیدهای خود علیه ایران را عملی نکند، جمهوری اسلامی در نهایت گستاخ تر خواهد شد.

برخی ناظران این مواضع را، چرخش عربستان سعودی در قبال حمله به جمهوری اسلامی دانسته اند به ویژه آنکه خالد بن سلمان، برادر کوچکتر محمد بن سلمان ولیعهد سعودی و نزدیک ترین معتمد اوست.

روزنامه «وال استریت ژورنال» پیشتر گزارش داده بود رقبای عرب جمهوری اسلامی در آن سوی خلیج فارس، به رهبری عربستان سعودی، در حال لابی کردن با دولت دونالد ترامپ هستند تا مانع از حمله نظامی به تهران شوند.

محمد بن سلمان، پیشتر در گفتگوی تلفنی با مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی مدعی شده بود که عربستان سعودی اجازه نخواهد داد از حریم هوایی یا خاک این کشور برای اقدام نظامی علیه ایران استفاده شود.

اینهمه در حالیست که، آمریکا در حال تقویت گسترده قوای نظامی خود در خاورمیانه است. با این حال به گفته مقامات کاخ سفید، رئیس جمهوری آمریکا هنوز برای حمله به ایران تصمیم نگرفته و همچنان مایل است مسیر دیپلماسی را بررسی کند. اما به گزارش «آکسیوس»، در حال حاضر گفتگوی جدی میان ایران و آمریکا در جریان نیست. به گفته مقامات آمریکایی، به نظر نمی رسد که ایران به حصول توافقی بر اساس شروط حداکثری آمریکا تمایل

در کاخ سفید را بدون درک روشن از راهبرد یا نیت دولت آقای ترامپ در قبال ایران ترک کرده است.

یک مقام حوزه خلیج فارس گفت که منطقه در وضعیتی گیر کرده است که از سویی حمله آمریکا به ایران ممکن است به «نتایج بدی» منجر شود، اما از سوی دیگر، انجام ندادن آن به این معناست که «رژیم ایران از این ماجرا قوی تر بیرون آید.»

به گفته مقامات آمریکایی، عربستان سعودی سه هفته پیش عملاً از آمریکا التماس می کرد که به ایران حمله نکند و هشدار می داد چنین اقدامی ریسک جنگ منطقه ای را به همراه دارد.

به گزارش آکسیوس، یکی از دلایل احتمالی این تغییر موضع می تواند این باشد که سعودی ها به این نتیجه رسیدند که دونالد ترامپ تصمیم به حمله به ایران گرفته است و نمی خواهند در موضع مخالفت با این اقدام دیده شوند.

سه منبع حاضر در نشست خالد بن سلمان، گفتند که او اصرار داشت عربستان سعودی در حال فاصله گرفته از اسرائیل و حرکت به سوی اخوان المسلمین نیست.

او همچنین نگرانی های حضار را درباره افزایش گرایش های ضد اسرائیلی در رسانه ها و شبکه های اجتماعی عربستان سعودی، رد کرد.

یکی از افراد حاضر در این جلسه گفت: «او چندین بار گفت که این حرف بی معنی است. هرچه بیشتر تاکید می کرد، کمتر اطمینان بخش به نظر می رسید.»

همزمان با این تحولات، پنتاگون روز جمعه اعلام کرد که وزارت خارجه آمریکا با فروش موشک های رهگیر «باتریوت» و تجهیزات مرتبط به ارزش تقریبی ۹ میلیارد دلار به عربستان سعودی موافقت کرده است.

داشته باشد.

یک مقام کشورهای حوزه خلیج فارس گفت: «ایران همیشه می خواهد معامله کند. اما مشکل این است که چه نوع معامله ای می خواهید انجام دهید. ایران چه نوع معامله ای می خواهد و آمریکا چه نوع معامله ای را می پذیرد؟ این سوال خیلی خوبی است و ما در این مقطع نمی بینیم که این ها به هم برسند.»

خالد بن سلمان پنجشنبه در کاخ سفید نشست های طولانی با مارکو روبریو وزیر خارجه، پیت هگست وزیر دفاع، دن کین رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا و استیو ویتکاف فرستاده ویژه دونالد ترامپ برگزار کرد. به گفته یک منبع آگاه، تمرکز اصلی این نشست ها حمله احتمالی آمریکا به ایران بود.

به گزارش «آکسیوس» به نقل از چهار منبع آگاه، خالد بن سلمان روز جمعه در جلسه ای یک ساعته با حضور ۱۵ کارشناس امور خاورمیانه و نمایندگان پنج سازمان یهودی لحنی متفاوت نسبت به موضع علنی عربستان سعودی در قبال حمله آمریکا به ایران اتخاذ کرد.

به گفته این منابع، وزیر دفاع عربستان سعودی گفت که معتقد است ترامپ پس از هفته ها تهدید ناچار به انجام اقدام نظامی علیه ایران است، اما همزمان باید بکوشد ریسک تشدید تنش ها در منطقه را هم کاهش دهد.

به گفته منابع حاضر در جلسه، خالد بن سلمان گفت: «در این مقطع، اگر این اتفاق نیفتد، فقط رژیم ایران را گستاخ تر می کند.»

دو منبع گفتند برداشتشان این بود که خالد بن سلمان در حال بازتاب پیامی است که به کاخ سفید منتقل کرده بود. با این حال، وزیر دفاع عربستان سعودی گفت که نشست ها

پولیتیکو: ایرانیان تاریخ می‌سازند؛ اروپا باید اکنون اقدام کند



● مردم ایران بهای این لحظه تاریخی را با جان خود می‌پردازند و اتحادیه اروپا دیگر نمی‌تواند پشت تشریفات اداری و ملاحظات پنهان شود. اکنون زمان مسئولیت‌پذیری و عمل است و وقتی برای تعویق و توجیه نیست.

● جهان آزاد دیگر نمی‌تواند به‌طور قابل‌قبولی مدعی بی‌اطلاعی از آنچه در جریان است شود، و نه می‌تواند در برابر آنچه رخ داده، ادعای بی‌طرفی کند. ایرانیان از دیگران نمی‌خواهند به‌جای آنان سخن بگویند، بلکه می‌خواهند توانمند شوند تا آنچه را آغاز کرده‌اند، به سرانجام برسانند.

● برای دهه‌ها، مردم ایران آماج خشونت سازمان یافته از سوی حکومت خود بوده‌اند. آنچه جریان دارد «اجرای قانون» نیست. این جنگی یک طرفه علیه جمعیتی غیرنظامی است. جنگی که با اعدام‌های فراقضایی، ناپدیدسازی‌های اجباری، اعتراف‌گیری، شکنجه، سانسور گسترده و به کارگیری عامدانه محروم سازی به مثابه ابزار سرکوب شناخته می‌شود.

● خطرات پیش رو بسیاری فوری‌اند. هزاران معترض بازداشت شده با تهدید قریب‌الوقوع اعدام روبرو هستند. مقامات عالی رتبه قضایی رژیم ایران هشدار داده‌اند که تداوم اعتراضات به ویژه در صورتی که با ادعای «حمایت خارجی» همراه باشد، به معنای محاربه یا «جنگ با خدا» تلقی خواهد شد. اتهامی که مجازات آن مرگ است.

● اروپا باید یک اولویت‌ماتم روشن صادر کند و خواستار دسترسی فوری، نامحدود و زمان بندی شده به سازمان‌های مستقل غیردولتی بشردوستانه و حقوق بشری در داخل ایران شود. اگر این دسترسی در یک بازه زمانی مشخص اعطا نشود، باید به رسمیت شناختن دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران را لغو کند.

«یک ماه از خیزش سراسری می‌گذرد و مردم ایران همچنان تاریخ می‌آفرینند. تاریخی به بهای جان خود.»

جهان آزاد دیگر نمی‌تواند با ادعای «ابهام در واقعیت‌های میدانی» از مسئولیت‌شانه خالی کند، و نه می‌تواند در برابر آنچه رخ داده، مدعی بی‌طرفی باشد. ایرانیان از دیگران نمی‌خواهند به جای آنان سخن بگویند؛ آنان خواهان توانمندسازی‌اند تا بتوانند آنچه را آغاز کرده‌اند به سرانجام برسانند. و فوریت اقدام بین‌المللی، بیش از هر زمان دیگری افزایش یافته است.

در هفته جاری، سرانجام مسیر بحث در اروپا دگرگون شد. ایتالیا به طور رسمی به جمع کشورهای پیوست که خواستار محکومیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و با این تصمیم، میدان سیاست در درون اتحادیه اروپا تنگ‌تر شد. اکنون فرانسه و اسپانیا تنها دو کشور عضوی هستند که مانع از آن‌اند تا اتحادیه اروپا به صورت جمعی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد.

پرسش امروز بروکسل دیگر این نیست که آیا شرایط لازم فراهم شده است یا نه؟ پرسش واقعی آن است که آیا اتحادیه اروپا، پس از تحقق این شرایط، اراده اقدام خواهد داشت یا خیر؟

برای دهه‌ها، مردم ایران آماج خشونت سازمان یافته از سوی حکومت خود بوده‌اند. آنچه جریان دارد «اجرای قانون» نیست. این جنگی یک طرفه علیه جمعیتی غیرنظامی است. جنگی که با اعدام‌های فراقضایی، ناپدیدسازی‌های اجباری، اعتراف‌گیری، شکنجه، سانسور گسترده و به کارگیری

جان‌بازداشت‌شدگان را در معرض خطر آشکار و قابل پیش بینی قرار می‌دهد و به این گونه، سطح تعهد و مسئولیت جامعه بین‌المللی را بیش از پیش تشدید می‌کند.

مردم ایران با شجاعتی کم نظیر به رویارویی با آزمونی برخاسته‌اند که در برابرشان نهاده شده است و با کنشگری آگاهانه، همبستگی اجتماعی و اراده‌ای استوار، توان و اختیار خویش را به نمایش گذاشته‌اند. بر پایه اصل «مسئولیت حمایت»، اکنون بار مسئولیت از درون به بیرون منتقل می‌شود نخست برای یاری رسانی، و در صورت لزوم، برای اقدام جمعی. آنگاه که خود دولت، به عامل ارتکاب جنایات فجیع بدل می‌گردد.

شش اقدام مشخص مستقیماً از این تعهدات ناشی می‌شود: نخست، باید با تضعیف توان رژیم در ارتکاب جنایات، از غیرنظامیان حفاظت شود. این امر مستلزم آن است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با توجه به نقش محوری‌اش در اعمال خشونت سازمان یافته علیه شهروندان، چه در داخل ایران و چه فراتر از مرزها، به طور رسمی در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار گیرد. چنین اقدامی کاملاً با معیارهای حقوقی اروپا همخوان است.

ایتالیا در این مسیر گام برداشته است. اکنون نوبت فرانسه و اسپانیاست که از این تصمیم پیروی کنند تا اتحادیه اروپا بتواند با صدایی واحد و اراده‌ای مشترک دست به اقدام بزند. دوم آن که اتحادیه اروپا باید مجموعه‌ای هماهنگ و پایدار از اقدامات اقتصادی را، منطبق با اصل «مسئولیت حمایت» به اجرا بگذارد. این اقدامات شامل مسدود سازی جهانی دارایی‌های رژیم در چارچوب نظام تحریم‌های اتحادیه اروپا و نیز شناسایی، توقیف و برچیدن ناوگان پنهان موسوم به «نفتنک‌های شبح» است. شبکه‌ای که با تأمین مالی سرکوب و دور زدن تحریم‌ها، به تداوم ماشین خشونت، یاری می‌رساند.

سومین تعهد، تضمین حق دسترسی به اطلاعات است. قطع سراسری و هدفمند اینترنت در ایران، نقضی فاحش از آزادی‌هایی به شمار می‌رود که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد حمایت قرار گرفته‌اند. دسترسی آزاد، ایمن ←

عامدانه محروم سازی به مثابه ابزار سرکوب شناخته می‌شود. در یک سو، دولتی تمامیت‌خواه ایستاده است و در سوی دیگر، شهروندانی بی‌سلاح.

با وجود قطع گسترده و شدید ارتباطات، همچنان ویدئوها و شهادت‌های عینی از دل ایران به بیرون درز می‌کند و بدین سان، ابعاد خشونت دیگر جای تردید ندارد. بر پایه گزارش‌های تحقیقی و به نقل از منابعی در داخل کشور، از آغاز اعتراضات در ۲۸ دسامبر تاکنون، ممکن است بیش از ۳۶ هزار و ۵۰۰ تن به دست نیروهای حکومتی جان باخته باشند.

سازمان‌های برجسته حقوق بشری نیز مرگ هزاران تن را تأیید کرده‌اند، هرچند که هشدار می‌دهند تمامی آمارهای موجود، به احتمال قوی کمتر از واقعیت است. چرا که محدودیت‌های دسترسی و قطع اینترنت، ثبت کامل قربانیان را عملاً ناممکن ساخته است.

ابعاد، سازمان یافتگی و قصد نهفته در این سرکوب، به روشنی با آستانه حقوقی «جنایت علیه بشریت» آن گونه که در اساسنامه رم ۱۹۹۸، سند بنیان‌گذار دیوان کیفری بین‌المللی، تعریف شده انطباق دارد. افزون بر این، بر پایه اصل «مسئولیت حمایت» در چارچوب سازمان ملل متحد، اصلی که که هدف آن تضمین حفاظت از جمعیت‌ها در برابر جنایات گسترده و فجیع است و اتحادیه اروپا رسماً آن را پذیرفته، رسیدن به این سطح از خشونت، تعهد آشکار جامعه جهانی را برای اقدام ایجاد می‌کند.

در چنین مرحله‌ای، خودداری از اقدام، دیگر به معنای خویشتن‌داری نیست بلکه به شکست اخلاقی، سیاسی و حقوقی بدل می‌شود. خطرات پیش رو بسیاری فوری‌اند. هزاران معترض بازداشت شده با تهدید قریب‌الوقوع اعدام روبرو هستند. مقامات عالی رتبه قضایی رژیم ایران هشدار داده‌اند که تداوم اعتراضات به ویژه در صورتی که با ادعای «حمایت خارجی» همراه باشد، به معنای محاربه یا «جنگ با خدا» تلقی خواهد شد. اتهامی که مجازات آن مرگ است و در گذشته بارها برای توجیه اعدام‌های گسترده پس از ناآرامی‌ها به کار گرفته شده است.

بازداشت‌های خودسرانه و فقدان کامل دادرسی عادلانه،

تداوم تحصن و تحریم امتحانات در چندین دانشگاه بزرگ کشور



تجمع دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد

کشور از جمله دانشگاه علوم پزشکی مشهد، شیراز و اصفهان، دانشکده دندانپزشکی و داروسازی دانشگاه تبریز، دانشگاه علوم پزشکی ایران، سوره، دانشگاه فردوسی، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و دانشکده پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز، چندین تجمع اعتراضی برگزار کردند.

این تحصن‌ها در اعتراض به کشتار شمار زیادی از دانشجویان و تداوم بازداشت و بی‌خبری از دانشجویان بازداشت شده در جریان خیزش ملی ۴۰۴ برگزار شد که با وجود محاصره نیروهای امنیتی مستقر در این دانشگاه‌ها با خروش جمعیت دانشجویان معترض و سردادن شعارهای کوبنده همراه بوده و همچنان نیز ادامه دارد.

خروش جمعیت دانشجویان علوم پزشکی، فردوسی و آزاد مشهد

حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، از ساعت ۱۲ ظهر روز گذشته سه‌شنبه ۱۴ بهمن‌ماه، برای چهاردهمین روز متوالی، با برگزاری تحصن و تجمعی مسالمت‌آمیز در مقابل دانشکده داروسازی، اعتراض خود را اعلام کردند.

این تجمع که به‌صورت خودجوش و بدون فراخوان رسمی شکل گرفته و با اطلاع‌رسانی نفر به نفر برگزار شده بود و تا حدود ساعت یک و نیم بعدازظهر ادامه داشت در ابتدا با سکوت همراه بود اما پس از حضور مسئولان دانشگاه و طرح سخنان «غیرمنطقی»، دانشجویان با پشت کردن به آنها و سر دادن شعار، اعتراض خود را ادامه دادند.

در حالیکه دانشجویان، این تجمع را برای همدردی با جان‌باختگان اعتراضات، از جمله جاویدنام پارسا صفار، برگزار کرده بودند برخی از نیروهای امنیتی حاضر در این محل، با نیشخند، تجمع‌کنندگان را مسخره می‌کردند. ←

● در دو هفته گذشته دانشجویان چندین دانشگاه بزرگ کشور از جمله دانشگاه علوم پزشکی مشهد، شیراز و اصفهان، دانشکده دندانپزشکی و داروسازی دانشگاه تبریز، دانشگاه علوم پزشکی ایران، سوره، دانشگاه فردوسی، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و دانشکده پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز، چندین تجمع اعتراضی برگزار کردند.

● این تحصن‌ها در اعتراض به کشتار شمار زیادی از دانشجویان و تداوم بازداشت و بی‌خبری از دانشجویان بازداشت شده در جریان خیزش ملی ۴۰۴ برگزار شد که با وجود محاصره نیروهای امنیتی مستقر در این دانشگاه‌ها با خروش جمعیت دانشجویان معترض و سردادن شعارهای کوبنده همراه بوده و همچنان نیز ادامه دارد.

● حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، از ساعت ۱۲ ظهر روز گذشته سه‌شنبه ۱۴ بهمن‌ماه، برای چهاردهمین روز متوالی، با برگزاری تحصن و تجمعی مسالمت‌آمیز در مقابل دانشکده داروسازی، اعتراض خود را اعلام کردند.

● همچنین روز گذشته سه‌شنبه ۱۴ بهمن‌ماه، سیل عظیمی از دانشجویان سفیدپوش دانشکده پزشکی شیراز در چهارمین روز اعتصاب خود یکی از بزرگترین تجمعات اعتراضی خود را برگزار کردند.

در پی تداوم خیزش ملی ۴۰۴ و انقلاب شیر و خورشید ایران، روز گذشته سه‌شنبه ۱۴ بهمن‌ماه، اعتراضات دانشجویی با تحریم کامل کلاس‌ها و امتحانات و تحصن هم‌زمان در چندین دانشگاه کشور با وجود محاصره مأموران امنیتی، لباس شخصی‌ها، گشت‌های موتوری و جنگ روانی امنیتی‌ها برگزار شد.

در دو هفته گذشته دانشجویان چندین دانشگاه بزرگ

و پیوسته به اینترنت باید از طریق استقرار گسترده ارتباطات ماهواره‌ای و فناوری‌های امن ارتباطی تضمین شود. همچنین اتخاذ تدابیر دفاعی سایبری برای جلوگیری از قطع‌های خودسرانه شبکه‌های ارتباطی غیرنظامیان، ضرورتی فوری و اجتناب ناپذیر است.

چهارم، اتحادیه اروپا باید برای پایان دادن به مصونیت دولتی از مجازات، مسیر پاسخگویی حقوقی را به طور جدی در پیش گیرد. این امر مستلزم اخراج نمایندگان رژیم که در سرکوب شهروندان دست داشته اند از پایتخت‌های اروپایی است و نیز آغاز پیگردهای قضایی علیه عاملان جنایت علیه بشریت بر پایه اصل «صلاحیت قضایی جهانی». اصلی که هم اکنون از سوی چندین کشور عضو اتحادیه اروپا به رسمیت شناخته شده است.

پنجم، اتحادیه اروپا باید آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی را مطالبه کند. افرادی که بازداشت آنان آشکارا در نقض تعهدات بین المللی ایران در حوزه حقوق بشر صورت گرفته است.

و در نهایت، اروپا باید یک اولتیماتوم روشن صادر کند و خواستار دسترسی فوری، نامحدود و زمان بندی شده به سازمان‌های مستقل غیردولتی بشردوستانه و حقوق بشری در داخل ایران شود. اگر این دسترسی در یک بازه زمانی مشخص اعطا نشود، باید به رسمیت شناختن دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران را لغو کند.

عدم به رسمیت شناختن، واکنشی قانونی به رژیم است که با حمله سیستماتیک به مردم خود، مشروعیت خود را از دست داده است. این امر همچنین نشان دهنده حمایت آشکار از حق مردم ایران برای داشتن دولتی نماینده و پاسخگو خواهد بود.

حمایت از ایرانیان نه صدقه است و نه دخالت. بلکه تحقق تعهدات حقوقی و سیاسی اتحادیه اروپا است که قبلاً پذیرفته شده است.

رژیم تهران ۴۷ سال است که به تروریسم دولتی دست زده، خشونت را به بیرون از مرزها صادر کرده، منطقه را بی ثبات و به تشدید تهدیدات هسته‌ای دامن زده است. پایان دادن به این مسیر، اقدامی ایدئولوژیک نیست، بلکه ضرورتی مستقیم برای امنیت اروپا و جهان به شمار می‌رود. برای اتحادیه اروپا، دیگر هیچ بهانه رویه‌ای باقی نمانده است. شواهد قاطع‌اند. چارچوب حقوقی روشن است. فرانسه و اسپانیا اکنون تنها موانع میان اتحادیه و اقدام جمعی علیه سپاه پاسداران‌اند. آنچه در خطر است، دیپلماسی نیست؛ اعتبار اروپا است. و این که آیا اصولی را که به آن‌ها استناد می‌کند، هنگامی که تاریخ آن‌ها را می‌آزماید، به اجرا خواهد گذاشت یا نه.

امضاکنندگان:

نازنین انصاری، روزنامه نگار، مدیرعامل و سردبیر نشریه کیهان لندن (فارسی) و کیهان لایف (انگلیسی)

نازنین بنیادی، فعال حقوق بشر، بازیگر و عضو هیئت مدیره مرکز حقوق بشر عبدالرحمن برومند برای ایران، برنده جایزه صلح سیدنی ۲۰۲۳

لادن برومند، فعال حقوق بشر، تاریخ پژوه، بنیانگذار مرکز حقوق بشر عبدالرحمن برومند برای ایران

شیرین عبادی، حقوقدان، برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۰۳
شهرزاد سمسار- دو بویسیزون، کارآفرین و مدیرعامل پیشین «پولیتیکو اروپا» و رئیس هیئت مدیره مرکز حقوق بشر عبدالرحمن برومند برای ایران

منبع: پولیتیکو

ترجمه: کیهان لندن

همزمان با برگزاری این تجمع، نیروهای حراست و بسیج از پیش در اطراف دانشکده داروسازی، حضور داشته‌اند. در میدان علوم این دانشگاه نیز ماموران لباس شخصی با دزدست داشتن بی‌سیم، جو حاکم بر فضای داخل و خارج دانشگاه را به شدت ملتهب و امنیتی کرده بودند.

همچنین بنابر گزارش منتشر شده از سوی خبرنگار امیرکبیر، روز شنبه، ۱۱ بهمن، نزدیک به هزار نفر از دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه فردوسی مشهد به‌جز دانشکده پزشکی در اعتراض به جان‌باختن هم‌کلاسی‌های خود، «پارسا صفار» دانشجوی پزشکی و «محمد مهدی سالاری» دانشجوی مهندسی، و همچنین تداوم بازداشت دانشجوی دیگر این دانشگاه با نام «امین پورفرهنگ»، در حضور مسئولان دانشکده و دانشگاه، مقابل دانشکده پزشکی این دانشگاه، دست به تحصن زدند.

این دانشجویان معترض، علاوه بر سر دادن شعار، از شرکت در امتحانات خودداری کردند. به گفته شاهدان، آنها به‌صورت نمادین پشت به مسئولان دانشگاه و پرچم‌ها نشسته بودند.

این تجمع بزرگ دانشجویی در حالی برگزار شده بود که نیروهای امنیتی با حضور در ورودی‌های دانشگاه فردوسی مشهد قصد داشتند تا از پیوستن افراد خارج از دانشگاه به این تجمع بزرگ دانشجویی جلوگیری کنند. این تحصن به توقف برگزاری امتحانات در این دانشگاه منجر شد.

در ادامه موج اعتراضات دانشجویی دانشجویان در چند دانشگاه مهم مشهد، دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد مشهد نیز با برگزاری تجمعی اعتراضی، یاد و نام جاوید نام فائزه حسین‌نژاد، دانشجوی ورودی ۱۴۰۲ رشته مامایی این دانشگاه را گرامی داشتند.

در روزهای اخیر، دانشگاه آزاد مشهد شاهد افزایش حضور نیروهای امنیتی بوده است؛ با این حال، دانشجویان معترض اعلام کرده‌اند که یاد و نام جان‌باختگان این راه، خاموش‌شدنی نیست و صدای اعتراض از دل دانشگاه‌ها همچنان طنین‌انداز خواهد ماند.

دانشجویان علوم پزشکی شیراز در چهارمین روز تحصن اعتراضی

براساس گزارشی که از سوی دانشجویان مستقل دانشگاه علوم پزشکی شیراز به خبرنگار امیرکبیر رسیده است؛ روز گذشته سه‌شنبه ۱۴ بهمن‌ماه، سیل عظیمی از دانشجویان سفیدپوش دانشکده پزشکی شیراز در چهارمین روز اعتصاب خود یکی از بزرگ‌ترین تجمعات اعتراضی خود را برگزار کردند.

این همه درحالیست که نیروهای حراست این دانشگاه، با بستن درها و ایجاد سد فیزیکی، مانع از پیوستن دانشجویان سایر دانشگاه‌های شیراز به این دانشگاه شد که برای همبستگی به سمت دانشکده پزشکی آمده بودند. با این همه، نیروهای لباس شخصی با هجوم به ورودی‌های این دانشگاه، شروع به فیلمبرداری و شناسایی چهره‌های دانشجویان حاضر در این تجمع اعتراضی کرده بودند.

از سوی دیگر حراست دانشگاه علوم پزشکی شیراز نیز برای ترساندن خانواده‌ها و شکستن تحصن اعتراضی دانشجویان، با برقراری تماس‌های تهدیدآمیز با شماره‌های ناشناس، خانواده‌های دانشجویان معترض را به «پرونده‌سازی امنیتی»، «اخراج فوری» و «سوزاندن آینده شغلی» تهدید کرده‌اند.

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز روز گذشته فضای دانشکده علوم پزشکی را با شعارهای کوبنده‌ای چون «فکر

نکنین به روزه، وعده ما هر روزه» «می‌جنگیم، می‌میریم، ذلت نمی‌پذیریم» «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان» «دانشجو داد بزن، حقت رو فریاد بزن» «جان ما جان ما، فدای دوستان ما»

«سکوت ما، ننگ ما» «پزشک با شرافت، آزاد باید گردد» و «سعید جوانبخت، آزاد باید گردد» لرزانده بودند.

دانشجویان معترض در این دانشگاه، ضمن تحریم کامل کلاس‌ها و امتحانات، اعلام کردند تا زمان آزادی همکاران دربند و تضمین امنیت کادر درمان، روپوش‌های سفید خود را نه در کلاس‌های درس، بلکه به عنوان پرچم اعتراض در خیابان‌ها بر تن خواهند داشت.

روز یک‌شنبه ۱۲ بهمن نیز تجمعی اعتراضی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز در اعتراض به بازداشت پزشکان و کادر درمان و مرگ مشکوک دو دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران برگزار شده بود.

سومین روز تحصن و اعتصاب دانشجویان علوم پزشکی شیراز نیز با تشدید فضای امنیتی همزمان بود.

براساس گزارش منتشر شده از سوی خبرنگار امیرکبیر، جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز صبح روز دوشنبه ۱۳ بهمن‌ماه، سومین روز از تحصن و اعتصاب خود را در واکنش به وضعیت موجود، تداوم بازداشت‌ها و فشار بر کادر درمان برگزار کرده بودند.

براساس گزارش‌های میدانی و پیام‌های دریافتی از دانشجویان متحصن حاضر در دانشکده پزشکی این دانشگاه، این تجمع اعتراضی با حضور گسترده دانشجویان و تدابیر شدید امنیتی و حراستی همراه بوده است.

همچنین دانشجویان علوم پزشکی شیراز با صدور یک بیانیه در آن روز، اعلام کردند که در همبستگی با کادر درمان و اعتراض به «بحران فراگیر در جامعه و دانشگاه»، از شرکت در امتحانات خودداری کرده و آن‌ها را تحریم می‌کنند.

تداوم اعتراض و تحصن دانشجویان در تبریز

بنابر گزارش انجمن دانشجویان دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تبریز، جمعی از دانشجویان این دانشکده، روز سه‌شنبه ۱۴ بهمن، در اعتراض به کشتار مردم و دانشجویان به دست ماموران سرکوب جمهوری اسلامی دست به تجمع اعتراضی و تحصن زدند.

در این تجمع، دانشجویان، ضمن برگزاری مراسم یادبودی برای دانشجویان جان‌باخته در جریان خیزش ملی ۴۰۴ خواستار آزادی دانشجویان بازداشت‌شده، از جمله دانشجویان دانشگاه تبریز شدند.

پیش‌تر، روز یک‌شنبه ۱۲ بهمن دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه تبریز با برگزاری تحصن به یاد دانشجویان جان‌باخته، اعتراض خود را نسبت به سرکوب دانشجویان و بازداشت‌های اخیر اعلام کرده بودند.

روز دوشنبه ۱۳ دی‌ماه نیز جمعی از دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه تبریز، از حدود ۸ و نیم صبح تا ۱۲ ظهر، با حضور و نشست در لابی این دانشکده، دست به اعتراض زدند و با پهن کردن پارچه‌های سیاه و روشن کردن شمع، به سوگواری برای جان‌باختگان خیزش ملی ۴۰۴ پرداختند و خواستار آزادی فوری دانشجویان بازداشتی شدند.

در ادامه برگزاری تجمع‌های اعتراضی دانشجویان در چندین دانشگاه بزرگ کشور، جمعی از دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه هنر اسلامی تبریز با انتشار بیانیه‌ای، نگرانی شدید خود را نسبت به بازداشت و وضعیت نامعلوم پنج هم‌دانشگاهی خود به نام‌های احمدرضا افشاری‌نژاد، سهند عباس‌نیا، محمد محمدزاده، علی‌اصغر عبادی و

امیرحسین محمدی، ابراز کردند.

بر اساس گزارش‌های رسیده به کانال دانشجویی دانشجویان متحد، تاکنون بیش از ۴۰۰ دانشجوی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، با این بیانیه همراهی کرده‌اند.

همچنین بر اساس ویدیوی منتشر شده در وبسایت ایران‌اینترنشنال، دانشجویان علوم پزشکی اصفهان نیز روز سه‌شنبه ۱۴ بهمن در مقابل ساختمان مجتمع آزمون‌ها و کلاس‌های آموزشی تحصن کردند.

تحریم امتحانات و تحصن گسترده در دانشگاه‌های جندی‌شاپور اهواز و بهشتی

بر اساس ویدیوی رسیده به خبرنگار امیرکبیر، روز شنبه ۱۱ بهمن دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز در پشتیبانی از تحریم امتحانات و در اعتراض به کشتار مردم در جریان خیزش ملی ۴۰۴ دست به تجمع زدند و از شرکت در امتحانات خودداری کردند.

روز یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۴ نیز جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران، در اعتراض به کشتار و بازداشت دانشجویان و به یاد پزشکان و پرستاران، با سر دادن شعارهای انقلاب شیر و خورشید، دست به تحصن اعتراضی زدند و با تأکید بر حق اعتراض و آزادی بیان، خواستار پاسخ‌گویی مسئولان نسبت به وضعیت موجود شدند. در جریان این تجمع اعتراضی، دانشجویان معترض با مداخله و برخورد خشونت‌آمیز نیروهای حراست دانشگاه از ادامه تجمع بازماندند.

در پی تداوم خیزش ملی و انقلاب شیر و خورشید ایران و در پی اعلام تحریم امتحانات از سوی دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه پزشکی دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی)، روز پنج‌شنبه ۱۱ بهمن‌ماه، دانشجویان این دانشکده با برگزاری تحصن مقابل سالن‌های امتحانات این دانشکده از شرکت در آزمون‌ها خودداری کردند.

روز دوشنبه ۶ بهمن نیز دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران در اعتراض به قتل جاوید نام آیدا حیدری تجمع یادبود اعتراضی در محوطه این دانشگاه برگزار کرده بودند در حالی که پیش‌تر، این مراسم یادبود، تحت فشار نهادهای امنیتی لغو شده بود.

در ادامه اعتراضات و تحریم امتحانات و تحصن دانشجویی، هیچ‌یک از دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه تهران نیز روز ۱۱ بهمن در امتحانات، شرکت نکردند و تنها یک صندلی خالی، به نمادی از دادخواهی و یادآوری بدل شد.

در ادامه موج اعتراضات دانشجویان دانشگاه‌های مختلف کشور، دانشجویان دانشگاه سوره نیز در شرایطی به انقلاب شیر و خورشید ایران پیوستند که نهادهای امنیتی و حراست این دانشگاه، در تماس‌های مختلف و به شیوه‌های گوناگون، طیف وسیعی از فعالان دانشجویی این دانشگاه را به دلیل انتشار بیانیه حمایت از دانشجویان جان‌باخته و بازداشت شده و مردم معترض، تهدید کرده بودند.

همچنین بر اساس گزارش‌های منتشر شده در ۱۳ بهمن‌ماه، ساعتی پس از انتشار بیانیه اعتراضی انجمن علمی مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف علیه «سکوت در برابر بی‌ارزش‌شدن جان انسان»، پس از فشار مستقیم وزارت اطلاعات، این بیانیه از تمامی حساب‌های کاربری رسمی این انجمن حذف شد.

در همین حال، شوراهای صنفی دانشجویان شماری از دانشگاه‌های تهران با انتشار بیانیه‌ای مشترک، نسبت به تصمیم احتمالی برای مجازی شدن ترم آینده واکنش نشان دادند و آن را محدود کننده حقوق بنیادین دانشجویان دانستند.

وقتی درمان کردن جرم می‌شود



تأکید می‌کنند که درمان بیمار نباید جرم تلقی شود. پزشک نباید به خاطر نجات جان انسان مجازات شود و بیمارستان نباید محل ترس و تعقیب باشد.

پزشک؛ میان وجدان و ترس

تصور کنید پزشکی را که مقابل بیماری ایستاده که در حال خونریزی است. او دو انتخاب دارد: درمان کند و خطر بازداشت را بپذیرد، یا درمان نکند و شاهد مرگ انسان باشد. هیچ جامعه‌ای نباید پزشکانش را در چنین موقعیتی قرار دهد. درمان خونریزی، جراحی برای آسیب مغزی، یا کمک به بیماری که نمی‌تواند نفس بکشد، «موضع سیاسی» نیست؛ این‌ها ساده‌ترین و بنیادی‌ترین شکل انسان بودن است.

وقتی ترس وارد بیمارستان می‌شود

هدف قرار دادن کادر درمان فقط به پزشکان آسیب نمی‌زند. این کار کل جامعه را زخمی می‌کند. وقتی مردم بترسند به بیمارستان بروند، مرگ‌های قابل پیشگیری افزایش می‌یابد. همزمان، وقتی پزشکان نتوانند آنچه را می‌بینند ثبت کنند، بخشی از حقیقت تاریخ از بین می‌رود. پزشکی فقط درمان نیست؛ شاهد بودن است، ثبت کردن و یادآوری کردن است.

سکوت، بی‌طرفی نیست

تاریخ نشان داده است که جامعه پزشکی جهانی در برابر نقض گسترده حقوق بشر همواره سکوت نکرده است. در آفریقای جنوبی دوران آپارتاید، در میانمار و در سوریه، پزشکان و سازمان‌های پزشکی فقط درمان نکردند؛ شهادت دادند.

امروز هم پرسش همان است: وقتی درمان کردن جرم شود، سکوت چه معنایی دارد؟

شاید در نهایت، مسئله تنها مسایل کنونی ایران نباشد. مسئله این است که آیا هنوز باور داریم بعضی ارزش‌ها باید بالاتر از سیاست بایستند؟ اگر پاسخ «بله» باشد، آنگاه دفاع از بی‌طرفی پزشکی دیگر فقط وظیفه پزشکان نیست؛ وظیفه همه ماست.

سیاست معنایی ندارد. ایدئولوژی معنایی ندارد. تنها یک چیز اهمیت دارد: زنده ماندن یک انسان.

اما امروز، گزارش‌هایی بسیار دردناک از ایران شنیده می‌شود که برای هر انسانی، و بویژه برای هر پزشک، تکان‌دهنده است. گزارش‌هایی که نشان می‌دهد تعدادی از پزشکان هموطن تنها به دلیل رسیدگی به مجروحان انقلاب شیروخورشید، بازداشت شده‌اند. این گزارش‌ها ثابت می‌کند که ما با چیزی فراتر از سرکوب سیاسی روبه‌رو هستیم. ما با شکستی یکی از قدیمی‌ترین و انسانی‌ترین اصول تمدن بشری مواجه شده‌ایم.

شاید بهترین واژه برای این جنایات «پوگروم ایرانی» است؛ اصطلاحی برای توصیف الگویی از خشونت سازمان‌یافته و هدایت‌شده علیه شهروندان. واژه‌ای با بار سنگین سیاسی، اما متناسب با روایت‌هایی که از حجم خشونت و فشار حکومتی منتشر شده است.

پشت این اعداد، انسان‌ها هستند

دسترسی به آمار دقیق در شرایط کنونی ایران دشوار است، اما گزارش‌هایی وجود دارد که از ده‌ها هزار کشته و صدها هزار مجروح سخن می‌گویند. این‌ها فقط عدد نیستند؛ هر کدام یک زندگی، یک خانواده و یک داستان نیمه‌تمام هستند. در بسیاری از شهرها، بیمارستان‌ها ناگهان به میدان جنگ تبدیل شدند؛ نه با سلاح، بلکه با موج بی‌پایان مجروحان. پزشکان و پرستارانی که سوگند خورده‌اند جان انسان‌ها را نجات دهند، مجبور شدند در شرایطی کار کنند که ترس، فشار امنیتی و کمبود امکانات همزمان بر آن‌ها سایه انداخته بود.

بیمارستان باید پناهگاه باشد

بی‌طرفی پزشکی یک ایده انتزاعی نیست. این اصل بعد از فجایع انسانی قرن بیستم شکل گرفت؛ این باور که حتی در بدترین شرایط، باید جایی وجود داشته باشد که انسان صرفاً «بیمار» باشد، نه «دشمن»، نه «مجرم»، نه «تهدید امنیتی». قوانین بین‌المللی، از جمله کنوانسیون‌های ژنو، به‌صراحت

گاهی تاریخ نه در میدان‌های جنگ، بلکه در اتاق‌های اورژانس نوشته می‌شود. جایی که پزشکی با دستانی خسته اما مصمم، تلاش می‌کند انسانی را که خون از بدنش می‌رود، به زندگی برگرداند. در آن لحظه، سیاست معنایی ندارد. ایدئولوژی معنایی ندارد. تنها یک چیز اهمیت دارد: زنده ماندن یک انسان.

دسترسی به آمار دقیق در شرایط کنونی ایران دشوار است، اما گزارش‌هایی وجود دارد که از ده‌ها هزار کشته و صدها هزار مجروح سخن می‌گویند. این‌ها فقط عدد نیستند؛ هر کدام یک زندگی، یک خانواده و یک داستان نیمه‌تمام هستند.

شاید بهترین واژه برای این جنایات «پوگروم ایرانی» است؛ اصطلاحی برای توصیف الگویی از خشونت سازمان‌یافته و هدایت‌شده علیه شهروندان. واژه‌ای با بار سنگین سیاسی، اما متناسب با روایت‌هایی که از حجم خشونت و فشار حکومتی منتشر شده است.

بی‌طرفی پزشکی یک ایده انتزاعی نیست. این اصل بعد از فجایع انسانی قرن بیستم شکل گرفت؛ این باور که حتی در بدترین شرایط، باید جایی وجود داشته باشد که انسان صرفاً «بیمار» باشد، نه «دشمن»، نه «مجرم»، نه «تهدید امنیتی».

قوانین بین‌المللی، از جمله کنوانسیون‌های ژنو، به‌صراحت تأکید می‌کنند که درمان بیمار نباید جرم تلقی شود. پزشک نباید به خاطر نجات جان انسان مجازات شود و بیمارستان نباید محل ترس و تعقیب باشد.

تاریخ نشان داده است که جامعه پزشکی جهانی در برابر نقض گسترده حقوق بشر همواره سکوت نکرده است. در آفریقای جنوبی دوران آپارتاید، در میانمار و در سوریه، پزشکان و سازمان‌های پزشکی فقط درمان نکردند؛ شهادت دادند.

دکتر مهدی میرسعیدی - گاهی تاریخ نه در میدان‌های جنگ، بلکه در اتاق‌های اورژانس نوشته می‌شود. جایی که پزشکی با دستانی خسته اما مصمم، تلاش می‌کند انسانی را که خون از بدنش می‌رود، به زندگی برگرداند. در آن لحظه،

اورشلیم پست: آمریکا و اسرائیل یک کانال نظامی برای هماهنگی درباره ایران ایجاد کرده‌اند



دیدار رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل با فرمانده سنتکام، بهمن ۱۴۰۴

● روزنامه «اورشلیم پست» ۱۰ فوریه (۱۱ بهمن) گزارش داد، ایال زمر رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل آخر هفته گذشته سفری محرمانه به واشنگتن انجام داد. او با مقامات ارشد دفاعی آمریکا دیدار کرد تا درباره گزینه‌های نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران اطلاعات حساس اطلاعاتی ارائه دهد، با این هدف که بر مذاکرات دیپلماتیک میان دولت ترامپ و حکومت ایران تأثیر بگذارد.

● برخی منابع گزارش دادند که در جریان دیدار مقامات نظامی اسرائیل طرفین بر سر ایجاد یک کانال نظامی برای هماهنگی درباره ایران توافق کردند.

ژنرال ایال زمر رئیس ستاد ارتش اسرائیل در سفر محرمانه اخیرش به واشنگتن در دیدار با مقام‌های آمریکایی درباره گزینه‌های نظامی علیه جمهوری اسلامی گفتگو کرده است. روزنامه «اورشلیم پست» ۱۰ فوریه (۱۱ بهمن) گزارش داد، زمر آخر هفته گذشته سفری محرمانه به واشنگتن انجام داد. او با مقامات ارشد دفاعی آمریکا دیدار کرد تا درباره گزینه‌های نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران اطلاعات حساس اطلاعاتی ارائه دهد، با این هدف که بر مذاکرات دیپلماتیک میان دولت ترامپ و حکومت ایران تأثیر بگذارد. برخی منابع گزارش دادند که در جریان دیدار مقامات نظامی اسرائیل طرفین بر سر ایجاد یک کانال نظامی برای هماهنگی درباره ایران توافق کردند.

به گفته زمر، حمله احتمالی آمریکا ممکن است در بازه‌ای بین دو هفته تا دو ماه آینده رخ دهد. این یعنی که با وجود تهدیدهای دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و همچنین ورود ناوگروه ضربتی ناو هوایمبار «یواس اس آبراهام لینکلن» در هفته گذشته به خاورمیانه، انتظار حمله‌ای فوری وجود ندارد.

در مقابل، جنگ ۱۲ روزه علیه رژیم ایران غافلگیرکننده بود؛ زمانی که جمهوری اسلامی و آمریکا، دست‌کم در ظاهر، هنوز در میانه مذاکرات فشرده درباره یک توافق هسته‌ای احتمالی قرار داشتند.

فریدریش مرتس در جریان سفر به خاورمیانه: حکومت ایران نامشروع است و باید پایان یابد



فریدریش مرتس در کنار محمد بن سلمان ولیعهد عربستان / عکس: رویترز

عهده گرفته است که هدف آن تغییر بنیادین رفتار تهران و پاسخگو کردن مقامات آن در قبال جنایات داخلی و ناامنی‌های منطقه‌ای است.

مرتس در سخنان خود سه محور کلیدی را به عنوان پیش‌شرط‌های اصلی آلمان و متحدان اروپایی‌اش مطرح کرد: «توقف فوری سرکوب داخلی» و توقف «برنامه‌های اتمی و موشکی». او تأکید کرد که رژیم ایران باید به خشونت سیستماتیک علیه مردم معترض پایان دهد. صدر اعظم آلمان همچنین ساخت موشک‌های بالستیک که امنیت اسرائیل و کشورهای منطقه را مستقیماً تهدید می‌کند، «غیرقابل قبول» خواند.

مرتس همچنین با بیانی صریح اظهار داشت که این ساختار حکومتی باید پایان یابد تا ثبات به منطقه بازگردد. او گفت: «این حکومت نامشروع باید پایان پذیرد. دقیقاً به همین دلیل بود که آلمان در بروکسل برای قرار گرفتن نام سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی فشار آورد؛ هدفی که سال‌ها برای آن تلاش کردیم.»

همزمانی سفر صدر اعظم آلمان به خلیج فارس با مذاکرات مسقط و این اظهارات تند در حالی مطرح می‌شود که گزارش‌هایی مبنی بر مذاکرات غیرمستقیم میان نمایندگان تهران و واشنگتن در مسقط به گوش می‌رسد. با این حال، موضع‌گیری قاطع مرتس نشان می‌دهد که آلمان به عنوان بزرگترین قدرت اقتصادی اروپا، قصد ندارد اجازه دهد پرونده حقوق بشر و تهدیدات موشکی تحت‌الشعاع مذاکرات هسته‌ای احتمالی قرار گیرد. تحلیلگران معتقدند آلمان با تقویت شراکت‌های امنیتی با عربستان سعودی، قطر و امارات، در حال چیدمان بلوک جدیدی علیه نفوذ منطقه‌ای ایران است.

صدر اعظم آلمان پیش‌تر در جریان سفر به هندوستان نیز با اشاره به سرکوب خونین معترضان در ایران به خبرنگاران گفته بود، «وقتی یک رژیم فقط با توسل به خشونت می‌تواند خود را در قدرت نگه دارد، در واقع به پایان راه رسیده است.» او افزود: «من بر این باورم که اکنون دقیقاً شاهد آخرین روزها و هفته‌های این رژیم هستیم.»

● در شرایطی که گفته می‌شود نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا قرار است جمعه ۱۷ بهمن ۱۴۰۴ در مسقط مذاکره کنند، فریدریش مرتس صدر اعظم آلمان، در جریان یک تور راهبردی به کشورهای حوزه خلیج فارس در موضعی تند صراحتاً خواهان پایان یافتن رژیم ایران شد و آن را حکومتی «نامشروع» خواند. او تأکید کرد که آلمان اکنون آماده است تا فشارها را بر تهران به سطحی بی‌سابقه برساند.

● صدر اعظم آلمان، مشروعیت جمهوری اسلامی را به طور کامل زیر سؤال برد و اعلام کرد که برلین دیگر «سیاست مدارا» را دنبال نمی‌کند. او با اشاره به سرکوب خونین معترضان در اعتراضات دی ماه و تداوم تهدیدات موشکی تهران، اعلام کرد که آلمان رهبری ائتلافی در اروپا را بر عهده گرفته است که هدف آن تغییر بنیادین رفتار تهران و پاسخگو کردن مقامات آن در قبال جنایات داخلی و ناامنی‌های منطقه‌ای است.

● او تأکید کرد که رژیم ایران باید به خشونت سیستماتیک علیه مردم معترض پایان دهد. صدر اعظم آلمان همچنین ساخت موشک‌های بالستیک که امنیت اسرائیل و کشورهای منطقه را مستقیماً تهدید می‌کند، «غیرقابل قبول» خواند.

در شرایطی که گفته می‌شود نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا قرار است جمعه ۱۷ بهمن ۱۴۰۴ در مسقط مذاکره کنند، فریدریش مرتس صدر اعظم آلمان، در جریان یک تور راهبردی به کشورهای حوزه خلیج فارس در موضعی تند صراحتاً خواهان پایان یافتن رژیم ایران شد و آن را حکومتی «نامشروع» خواند. او تأکید کرد که آلمان اکنون آماده است تا فشارها را بر تهران به سطحی بی‌سابقه برساند.

صدر اعظم آلمان، مشروعیت جمهوری اسلامی را به طور کامل زیر سؤال برد و اعلام کرد که برلین دیگر «سیاست مدارا» را دنبال نمی‌کند. او با اشاره به سرکوب خونین معترضان در اعتراضات دی ماه و تداوم تهدیدات موشکی تهران، اعلام کرد که آلمان رهبری ائتلافی در اروپا را بر

بیانیه جمعی از روزنامه نگاران ایرانی خارج از کشور در حمایت از مبارزات آزادی خواهانه ملت ایران



برسانیم.

جمهوری اسلامی طی دهه‌ها با سرکوب سیستماتیک، کشتار معترضان، اعدام‌های سیاسی و بی‌اعتنایی آشکار به جان انسان‌ها، کارنامه‌ای سنگین از فجایع انسانی بر جای گذاشته است. کشتارهای جمعی اخیر به‌جای پاسخ‌گویی، انکار به‌جای مسئولیت‌پذیری، و امنیتی‌سازی مطالبات مدنی، نه‌تنها زخم‌های جامعه را عمیق‌تر کرده، بلکه کرامت انسانی و اعتماد عمومی را فرسوده است. تاریخ این اعمال را فراموش نخواهد کرد و هیچ قدرتی نمی‌تواند حقیقت خون‌های ریخته‌شده و رنج خانواده‌ها را پاک کند.

ما روزنامه‌نگاران ایرانی، می‌کوشیم و آرزو داریم روزی فرا برسد که هیچ روزنامه‌نگاری در ایران به خاطر انجام وظیفه‌اش تهدید نشود، هیچ شهروندی به خاطر بیان عقیده‌اش هزینه ندهد و ایران به سرزمینی بدل شود که در آن آزادی و حقیقت، نه مطالبه‌ای پرهزینه، بلکه حقی بدیهی باشد.

زنده باد آزادی
پاینده باد ایران

اسامی روزنامه‌نگاران به ترتیب حروف الفبا:

سیاوش آذری- شهلا آراسته- روشنگ آسترکی- پری اباصلتی- اردشیر اسدی آذربایجانی- هوشنگ اسدی- نوشابه امیری- نازنین انصاری- الاهی بقراط- ابراهیم بی‌پروا- محمد پاشازاده- منصوره پیرنیا- محمدرضا حمیدی- مهدی ذکایی- مهناز ذکایی- مولود زهتاب- پریسا ساعد- شایان سمیعی- حمیدرضا سیفی- منصور شمس- الاهی شه پرست- نادر صدیقی- نیکول صدیقی- دکترحسن صفوی- امیر طاهری- علیرضا طاهری- مصطفی عرب- اختر قاسمی- مازیار قویدل- فرهنگ قومی- جواد مصطفوی- زیبا منصوری- حمید نور- علیرضا نوری زاده.

● ما، جمعی از روزنامه‌نگاران ایرانی خارج از کشور، با باور به رسالت حرفه‌ای خود در دفاع از حقیقت، آزادی بیان و کرامت انسانی، همبستگی عمیق خود را با مردم ایران که برای دستیابی به حقوق بنیادین و آزادی‌های اساسی مبارزه می‌کنند، اعلام می‌داریم.

● ما روزنامه‌نگاران ایرانی، در سال‌هایی که سانسور، سرکوب و محدودیت‌های شدید بر رسانه‌ها و اهل قلم در ایران سایه افکنده‌است، صدای آزادی‌خواهی آنها را بازتاب داده‌ایم و معتقدیم که این صدایی است که نه با حذف رسانه‌ها خاموش شده و نه با تهدید و فشار از میان خواهد رفت.

● ما روزنامه‌نگاران ایرانی، بر این باوریم که مبارزات آزادی‌خواهانه مردم ایران، ریشه در خواست مشروع و انسانی برای زندگی در جامعه‌ای آزاد، عادلانه و مبتنی بر قانون دارد و شه‌ریار ایران رضاپهلوی در مقام رهبری این پیکار چه در داخل کشور و چه در میان ایرانیان آزادی‌خواه در سراسر جهان، نماد اراده جمعی و آگاهی تاریخی ملتی است که هرگز از اندیشه آزادی دست نکشیده است.

● ما روزنامه‌نگاران ایرانی، از سرزمین‌های دور اما با قلبی نزدیک به میهن، تلاش‌های بی‌امان هم‌میهن‌ان را پی می‌گیریم، ارج می‌نهیم و وظیفه خود می‌دانیم که همچنان روایت‌های واقعی، دردها، امیدها و خواسته‌های آنان را بازتاب دهیم و در برابر هرگونه تحریف، سانسور یا خفقان می‌ایستیم. ما متعهدیم که صدای مردم ایران را به جهان برسانیم.

ما، جمعی از روزنامه‌نگاران ایرانی خارج از کشور، با باور به رسالت حرفه‌ای خود در دفاع از حقیقت، آزادی بیان و کرامت انسانی، همبستگی عمیق خود را با مردم ایران که برای دستیابی به حقوق بنیادین و آزادی‌های اساسی مبارزه می‌کنند، اعلام می‌داریم.

ما روزنامه‌نگاران ایرانی، در سال‌هایی که سانسور، سرکوب و محدودیت‌های شدید بر رسانه‌ها و اهل قلم در ایران سایه افکنده‌است، صدای آزادی‌خواهی آنها را بازتاب داده‌ایم و معتقدیم که این صدایی است که نه با حذف رسانه‌ها خاموش شده و نه با تهدید و فشار از میان خواهد رفت.

ما روزنامه‌نگاران ایرانی، بر این باوریم که مبارزات آزادی‌خواهانه مردم ایران، ریشه در خواست مشروع و انسانی برای زندگی در جامعه‌ای آزاد، عادلانه و مبتنی بر قانون دارد و شه‌ریار ایران رضاپهلوی در مقام رهبری این پیکار چه در داخل کشور و چه در میان ایرانیان آزادی‌خواه در سراسر جهان، نماد اراده جمعی و آگاهی تاریخی ملتی است که هرگز از اندیشه آزادی دست نکشیده است. این رهبری، نه بر پایه قدرت، بلکه بر اساس مشروعیت اخلاقی، خواست عمومی و پیوند عمیق با رنج‌ها و امیدهای مردم شکل گرفته است.

ما روزنامه‌نگاران ایرانی، از سرزمین‌های دور اما با قلبی نزدیک به میهن، تلاش‌های بی‌امان هم‌میهن‌ان را پی می‌گیریم، ارج می‌نهیم و وظیفه خود می‌دانیم که همچنان روایت‌های واقعی، دردها، امیدها و خواسته‌های آنان را بازتاب دهیم و در برابر هرگونه تحریف، سانسور یا خفقان می‌ایستیم. ما متعهدیم که صدای مردم ایران را به جهان

اورشلیم‌پست می‌نویسد با وجود گفتگوهای گسترده میان طرف‌های اسرائیلی و آمریکایی، مقامات ارشد اسرائیل - و احتمالاً حتی مقامات ارشد نظامی آمریکا - هنوز از نیت دقیق ترامپ آگاهی کامل ندارند.

اوضاع ممکن است در اواسط فوریه (اواخر بهمن) نیز تغییر کند، اگر معترضان بار دیگر به صورت گسترده به خیابان‌ها بازگردند تا در مراسم چهل‌م جانباختگان شرکت کنند. زمیر در جریان سفر خود به آمریکا، اطلاعات جدیدی ارائه داد که نشان می‌داد ایران در حال پیشرفت در بازسازی توانمندی‌های نظامی خود است.

او تأکید کرد آمریکا نباید اجازه دهد ایران اورانیوم غنی‌شده خود را حفظ کند. براساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، جمهوری اسلامی بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده را پس از جنگ ۱۲ روزه پنهان کرده و در مورد مکان و وضعیت آن پاسخگو نیست.

رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل به‌طور ویژه بر این موضوع تمرکز داشت و در بحث‌های اخیر ارتش اسرائیل نیز بر افزایش تولید موشک‌های بالستیک متعارف توسط ایران تأکید شد. اگرچه جمهوری اسلامی ایران هنوز به سطح ۲۵۰۰ موشک -دائمی زردخانه‌های موشکی رژیم تا جنگ ۱۲ روزه بازنگشته-، اما پس از آن‌که این تعداد در جریان جنگ ۱۲ روزه حدوداً به نصف کاهش یافت، اکنون دوباره در حال نزدیک شدن به آن سطح است.

اسرائیل نگران است که دولت ترامپ با تهران به توافقی برای توقف غنی‌سازی اورانیوم برسد، اما تهدید موشک‌های بالستیک را به‌طور کامل در نظر نگیرد.

این نگرانی از زمان «عملیات طلع شیرام» برای زمیر وجود داشته است؛ عملیاتی که بخش عمده برنامه هسته‌ای ایران را نابود کرد، اما تنها حدود نیمی از تهدید موشک‌های بالستیک را از بین برد.

در واقع، توافقی با حکومت آیت‌الله‌ها ممکن است حتی از توافقات گذشته نیز مشکل‌سازتر باشد، زیرا ترامپ ممکن است در اعمال محدودیت‌ها بر اسرائیل برای حمله به برنامه موشکی بالستیک، سخت‌گیرانه‌تر عمل کند.

علاوه بر این، زمیر در واشنگتن خطرات هر سناریویی را تشریح کرد که در آن آمریکا به ایران اجازه دهد حدود ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده و همچنین مقادیر زیادی اورانیوم با غنای ۲۰ درصد را حفظ کند.

اندیشکده‌های مختلف برآورد کرده‌اند که این میزان اورانیوم از پیش غنی‌شده، در صورت تبدیل به سلاح، می‌تواند برای ساخت حدود ۹ تا ۱۰ مپ هسته‌ای کافی باشد. در اسرائیل نگرانی‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه ترامپ ممکن است با توقف غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران موافقت کند، اما به این کشور اجازه دهد اورانیوم غنی‌شده موجود را نگه دارد.

از یک منظر، توقف غنی‌سازی می‌تواند جمهوری اسلامی را تا حد قابل توجهی از توانایی تولید حتی یک سلاح هسته‌ای دور نگه دارد.

اما از سوی دیگر، با در اختیار داشتن چنین حجم زیادی از اورانیوم غنی‌شده، اگر ایران موفق به راه‌اندازی یک تأسیسات مخفی جدید غنی‌سازی شود، ممکن است بتواند این اورانیوم را با سرعت بالا و با تعداد بسیار کمتری سانتریفیوژ - نسبت به نزدیک به ۲۰ هزار سانتریفیوژی که اسرائیل و آمریکا احتمالاً در ژوئن ۲۰۲۵ نابود کردند - به سطح مورد نیاز تسلیحاتی تبدیل کند.

زمیر در دیداری که روز یکشنبه در اسرائیل برگزار شد، اسرائیل کاتر وزیر دفاع را در جریان آخرین تحولات سفر خود به آمریکا قرار داد.

به دستور خامنه‌ای طرح‌های استیضاح وزرای دولت در مجلس شورای اسلامی متوقف شد



● مصطفی پوردهقان، عضو فراکسیون مستقلین مجلس شورای اسلامی، روز پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۴ اعلام کرد «استیضاح برخی وزرا به توصیه علی خامنه‌ای عقب افتاده است».

● پیشتر نیز علیرضا سلیمی عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اعلام کرده بود که به خواست خامنه‌ای و با هدف کار دو برابر وزرا، فعلاً استیضاح وزرا متوقف شده است.

● علی خامنه‌ای ۲۷ دی‌ماه و در سخنرانی خود پس از اعتراضات گسترده ضدحکومتی که با سرکوب خونین و کشتار معترضان روبرو شد، گفت: «نباید اینگونه باشد که برخی با بی‌اطلاعی از فعالیت‌ها صرفاً ایراد بگیرند؛ من از اینکه به رؤسای کشور، به رئیس‌جمهور و دیگران در چنین شرایط مهم بین‌المللی و داخلی اهانت شود، به شدت پرهیز می‌دهم و افرادی را که ممکن است در مجلس یا بیرون از آن باشند از این کار نهی و منع می‌کنم».

● پیش از اعتراضات و حتی در نخستین روزهای آغاز اعتراضات نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح استیضاح شش وزیر کابینه پزشکian را در دست بررسی داشتند.

● شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی معتقد بودند علت بروز اعتراضات مشکلات اقتصادی ناشی از عملکرد نامطلوب تیم اقتصادی دولت پزشکian است و وزرا باید پاسخگوی بی‌عملی خود باشند.

در حالیکه پیش از آغاز اعتراضات دی ۴۰۴ طرح استیضاح دست‌کم شش وزیر دولت پزشکian در مجلس شورای اسلامی پیگیری می‌شد، پس از اعتراضات ضدحکومتی خامنه‌ای برای اجرای غایب «وحدت» در حکومت دستور توقف طرح‌های استیضاح را داد.

مصطفی پوردهقان، عضو فراکسیون مستقلین مجلس شورای اسلامی، روز پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۴ اعلام کرد «استیضاح برخی وزرا به توصیه علی خامنه‌ای عقب افتاده است».

پیشتر نیز علیرضا سلیمی عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اعلام کرده بود که به خواست خامنه‌ای و با هدف کار دو برابر وزرا، فعلاً استیضاح وزرا متوقف شده است. عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی با اشاره به تأکید علی خامنه‌ای بر همکاری مجلس شورای اسلامی با دولت گفته «مجلس فرصتی به وزرا برای کار دوبرابری می‌دهد و با استفاده از ابرار نظارتی‌اش، وزرا را وادار به کار می‌کند. در این شرایط اگر وزرا دو برابر کار نکنند، مجلس از ابزار نظارتی خود استفاده می‌کند».

علیرضا سلیمی تأکید کرده بود «با این رویکرد، فرصت موقتی به وزرا داده شده تا کار بیشتری انجام دهند که در غیراین صورت استیضاح‌ها به جریان می‌افتد چون استیضاح وزرا منتفی نشده، بلکه متوقف شده است».

دستور خامنه‌ای برای توقف پیگیری طرح استیضاح وزرای دولت پزشکian تنها چند روز پس از آن صادر شد که احمد نادری عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی در هفته آخر دی‌ماه خبر از ارجاع تقاضای استیضاح احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به کمیسیون اجتماعی داد. احمد نادری در توضیح محورهای استیضاح گفته بود

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، نیز در نشست علنی روز یکشنبه ۳۰ آذرماه مسعود پزشکian را به استیضاح وزرا تهدید کرد و گفت: «آنچه امروز مهمتر است به آن بپردازیم دغدغه‌ها و نگرانی‌های مردم در گرانی افسارگسیخته کالاهای معیشتی مخصوصاً افزایش قیمت ارز و طلاست که یا بخشی از دلایل یا بهانه‌ی گرانی‌ها محسوب می‌شود».

او از برگزاری نشست‌هایی میان مجلس و اعضای کابینه پزشکian درباره گرانی‌ها و افزایش قیمت ارز طی روزهای گذشته و آتی خبر داد و تأکید کرد «مجلس با جدیت این مسئله را پیگیری کرده و پیگیری خواهد کرد» و «در صورتیکه این اقدامات به نتیجه نرسد برای رسیدن به کمترین زمان و تنش اولویت با ترمیم کابینه توسط دولت است و اگر اصلاحات ضروری توسط دولت صورت نگیرد، نمایندگان مجبور به آغاز فرآیند استیضاح خواهند شد».

چند روز پیش از آغاز اعتراضات و در دوم دی‌ماه نیز در نشست غیرعلنی مجلس شورای اسلامی که با حضور تیم اقتصادی دولت پزشکian برگزار شد، میان برخی نمایندگان و رئیس کل بانک مرکزی درگیری کلامی و تشنج ایجاد شد. شماری از نمایندگان به عملکرد محمدرضا فرزین رئیس وقت بانک مرکزی انتقاد داشته و معتقد بودند اگر تیم اقتصادی دولت پزشکian نتواند مشکلات اقتصادی از جمله گرانی و تورم را ساماندهی کند، استیضاح وزرا در دستور کار قرار خواهد گرفت.

فشار نمایندگان مجلس شورای اسلامی و همچنین غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه سبب برکناری محمدرضا فرزین رئیس بانک مرکزی تنها چند روز پس از آغاز اعتراضات در هفتم دی‌ماه شد. با اینهمه افزایش قیمت ارز و طلا ادامه داشته و تورم روند فزاینده را طی کرده است. عبدالناصر همتی رئیس جدید بانک مرکزی اجرای سیاست تک‌نرخ کردن ارز را در دستور کار قرار داده و اجرای این سیاست موجی از تورم در کالاها و خدمات مختلف را به دنبال داشته است.

«مواردی همچون بی‌ثباتی مدیریتی، عدم کارآمدی لازم در صندوق‌ها و هلدینگ‌ها، ادغام غیرقانونی صندوق‌های بانزشتگی، زیان‌ها در هلدینگ‌ها و شرکت‌های وابسته، بی‌برنامگی در حوزه تعاون و اشتغال، اشکالات گسترده در دهک‌بندی پرداخت یارانه‌ها، ضعف جدی عملکرد در نحوه اجرای طرح کالا برگ و نارضایتی بانزشتگان و معلولان از وضعیت حمایتی از محورهای استیضاح‌ها وزیر کار است».

علی خامنه‌ای ۲۷ دی‌ماه و در سخنرانی خود پس از اعتراضات گسترده ضدحکومتی که با سرکوب خونین و کشتار معترضان روبرو شد، گفت: «مسئولین ذی‌ربط هم در این دوران وسط میدان بوده و کار کردند. بنده از این اینکه در چنین شرایطی به رئیس‌جمهور و دیگران اهانت شود بشدت پرهیز می‌کنم. می‌دانم که معیشت مردم دچار مشکل است و مسئولین هم باید دوبرابر همیشه کار کنند».

رهر جمهوری اسلامی تأکید کرده بود «نباید اینگونه باشد که برخی با بی‌اطلاعی از فعالیت‌ها صرفاً ایراد بگیرند؛ من از اینکه به رؤسای کشور، به رئیس‌جمهور و دیگران در چنین شرایط مهم بین‌المللی و داخلی اهانت شود، به شدت پرهیز می‌دهم و افرادی را که ممکن است در مجلس یا بیرون از آن باشند از این کار نهی و منع می‌کنم».

این در حالیست که پیش از اعتراضات و حتی در نخستین روزهای آغاز اعتراضات نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح استیضاح شش وزیر کابینه پزشکian را در دست بررسی داشتند. شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی معتقد بودند علت بروز اعتراضات مشکلات اقتصادی ناشی از عملکرد نامطلوب تیم اقتصادی دولت پزشکian است و وزرا باید پاسخگوی بی‌عملی خود باشند.

عباس پای‌زاده عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه دوم دی‌ماه و در حاشیه نشست غیرعلنی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و در گفتگو با تیم اقتصادی دولت، بر استفاده مجلس از ابزار استیضاح وزرا در صورت تداوم ناکارآمدی مدیریتی دولت در حل مشکلات اقتصادی تأکید کرد.



ویدئو

تظاهرات خودتان را برگزار کنید، امروز با واقعیتی انکارناپذیر
در خیابان‌های خود ایران روبرو شده‌اند که اعتراضات
ایرانیان در خارج کشور چیزی جز بازتاب آن نیست.
تهیه و تنظیم از فرید خلیفی

نمای نزدیک؛ شکست مقاومت ایدئولوژیک در برابر واقعیت اجتماعی

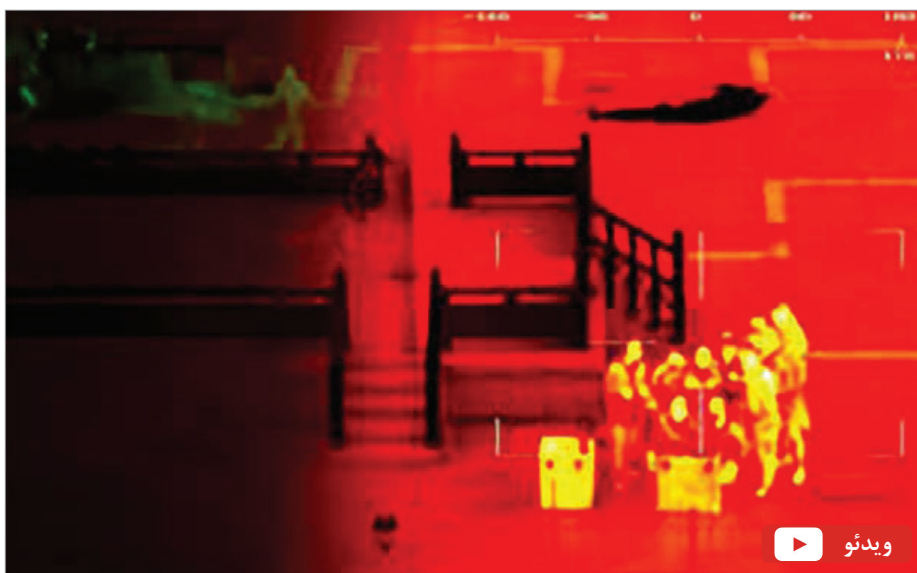
اعتراضات دی ۴۰۴ چگونه شکل گرفت؟
همزمان با انقلاب ملی شیروخورشید، صدها هزار ایرانی از
کانادا و آمریکا تا قلب شهرهای اروپا و استرالیا با برافراشتن
پرچم ملی ایران همبستگی کم‌نظیری با مردم داخل ایران به
نمایش گذاشتند. آنهایی که با هدف فرقه‌ای کردن تظاهرات
ایرانیان خارج کشور و با سوء استفاده از تظاهرات ۲۲ اکتبر
۲۰۲۲ که برای پشتیبانی از اعتراضات مردم ایران و جنبش
۴۰۱ در برلین برگزار شد و امواج خروشان شیروخورشید
در آن نیز به حرکت در آمد، می‌گفتند بروید اگر می‌توانید



ویدئو

نمای نزدیک؛ ردّ پای سرکوب شیمیایی مردم در ایران

اعتراضات دی ۴۰۴ چگونه شکل گرفت؟
در پی خیزش سراسری دی ۴۰۴، گزارش‌های متعددی از
سوی نهادهای حقوق بشری و مقامات بین‌المللی مبنی
بر استفاده احتمالی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی از
سموم شیمیایی علیه معترضان منتشر شده است. شاهدان
عینی در چندین شهر بزرگ ایران توصیف کرده‌اند نیروهای
امنیتی موادی فراتر از گاز اشک‌آور متعارف به سمت
جمعیت پرتاب کرده‌اند.
تهیه و تنظیم از فرید خلیفی



ویدئو

نمای نزدیک؛ چگونه استارلینک‌ها را پیدامی‌کنند؟

اعتراضات دی ۴۰۴ چگونه شکل گرفت؟
در پی گسترش جغرافیایی اعتراضات و مضمون اهداف
و شعارهای سیاسی در دیماه ۱۴۰۴ که واضحت از همیشه
براندازی نظام را نشانه گرفت، از شامگاه ۱۸ دی، ترافیک
اینترنت در اپراتورهای همراه اول، ایرانسل و مخابرات با
سقوط ۹۰ تا ۱۰۰ درصدی مواجه شد. هدف اصلی این «جنگ
دیجیتال»، پنهان نمودن ابعاد خشونت حکومت علیه معترضان
و جلوگیری از هماهنگی میان مردم است که شمار کشته‌شدگان
آنها مطابق شواهد و قرائن، بی‌سابقه توصیف شده.
تهیه و تنظیم از فرید خلیفی

سرکوب قهرمانان؛ روایت نیویورک پست از بازداشت و کشتار ورزشکاران معترض در ایران



علیرضا نجاتی

به گفته‌ی «ایران اینترنشنال»، یک رسانه‌ی مستقل فارسی‌زبان مستقر در لندن، این پارانویا به موجی از بازداشت‌ها، حبس‌های طولانی‌مدت و حتی اعدام شمار زیادی از چهره‌های ورزشی توسط مقامات رژیم منجر شده است.

بازرگان افزود: «کشتی‌گیران و بدن‌سازان از محبوب‌ترین قهرمانان ورزشی کشورند و اغلب ده‌ها هزار دنبال‌کننده در شبکه‌های اجتماعی دارند؛ موضوعی که تهدیدی برای اقتدار روحانیون حاکم به شمار می‌رود.»

نیما فر، فعال حقوق بشر، از نهادهای بین‌المللی ورزشی – از جمله کمیته‌ی بین‌المللی المپیک – خواست تا بازداشت‌ها و اعدام‌هایی را محکوم کنند که به گفته‌ی او «باشگاه‌ها، ورزشگاه‌ها و تشک‌های کشتی ایران را به شکارگاه‌های یک دیکتاتوری وحشت‌زده از قهرمانان خودش تبدیل کرده است.» او این اظهارات را در پستی در شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرد.

یک روز پس از انتشار این گزارش در «نیویورک پست»، کمیته‌ی بین‌المللی المپیک بیانیه‌ای صادر کرد: «در این مقطع، به‌طور ویژه نگران وضعیت ورزشکاران ایرانی تحت تأثیر رویدادهای جاری در کشورشان هستیم – همان‌گونه که نگران همه‌ی ورزشکارانی هستیم که در دیگر نقاط جهان با درگیری‌ها و تراژدی‌ها روبه‌رو هستند. متأسفانه به دلیل دوقطبی‌شدن روزافزون شرایط جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، گزارشات بیشتری با این مضمون به دست ما می‌رسد.»

به گفته‌ی مخالفان ایرانی و گروه‌های حقوق بشری، از زمان آغاز اعتراض‌ها در پی تورم افسارگسیخته در اواخر دسامبر، بین ۶ هزار تا ۳۶ هزار معترض توسط نیروهای امنیتی کشته شده‌اند. گزارش دقیق شمار قربانیان دشوار است، زیرا رژیم اینترنت و دیگر راه‌های ارتباطی را در کشور قطع کرده است.

نوید افکاری را، پس از اتهام قتل یک مأمور امنیتی در جریان اعتراض‌های سال ۲۰۱۸ اعدام کرد. افکاری با وجود درخواست‌ها از دولت ایران برای عفو او – از جمله درخواست رئیس‌جمهور وقت آمریکا، دونالد ترامپ و کمیته‌ی بین‌المللی المپیک – اعدام شد.

کشتی‌گیران و بدن‌سازان برجسته در ایران به دلیل محکوم کردن جنایات رژیم حاکم، هدف اعدام قرار گرفته‌اند. با شدت گرفتن اعتراض‌ها در سراسر ایران در اوایل این ماه، علیرضا نجاتی، کشتی‌گیر المپیک، پیامی را برای بیش از ۷۸ هزار دنبال‌کننده‌اش در اینستاگرام منتشر کرد که بنا بر اطلاعات به‌دست‌آمده توسط «نیویورک پست»، تنها دو روز بعد به بازداشت خشونت‌آمیز، شکنجه و زندانی شدن او انجامید.

این قهرمان ۲۷ ساله‌ی کشتی فرنگی در استوری اینستاگرام خود در ۷ ژانویه نوشت: «برای همه آخر هفته‌ای زیبا، پر از موفقیت و انرژی خوب آرزو می‌کنم. این پایان است.» اگرچه این پیام در ظاهر بی‌ضرر به نظر می‌رسد، اما به گفته‌ی مخالفان ایرانی، برای رهبر جمهوری اسلامی، آیت‌الله علی خامنه‌ای، در شرایط کنونی کشور دارای بار معنایی خطرناکی است؛ چرا که به‌عنوان «سیگنالی سیاسی» برای تشویق معترضان به تشدید اعتراض‌ها علیه دولت تعبیر می‌شود.

لادن بازرگان، مدیر ائتلاف علیه توجیه‌گران رژیم اسلامی ایران (AAIRIA) – یک سازمان غیرانتفاعی متشکل از زندانیان سیاسی پیشین ایران و خانواده‌هایشان – این‌طور می‌گوید: «در ظاهر، این جمله کاملاً بی‌خطر است و دقیقاً نکته همین‌جاست. در ایران امروز هر اشاره‌ای به پایان، جمع‌بندی یا گذار می‌تواند انقلابی تلقی شود؛ زیرا رژیم در وضعیت پارانویا و هراس شدید بسر می‌برد.»

● کشتی‌گیران و بدن‌سازان از محبوب‌ترین قهرمانان ورزشی کشورند و اغلب ده‌ها هزار دنبال‌کننده در شبکه‌های اجتماعی دارند؛ موضوعی که تهدیدی برای اقتدار روحانیون حاکم به شمار می‌رود.

● کمیته‌ی بین‌المللی المپیک پس از انتشار گزارش «نیویورک پست»، طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «در این مقطع، به‌طور ویژه نگران وضعیت ورزشکاران ایرانی تحت تأثیر رویدادهای جاری در کشورشان هستیم – همان‌گونه که نگران همه‌ی ورزشکارانی هستیم که در دیگر نقاط جهان با درگیری‌ها و تراژدی‌ها روبه‌رو هستند...»

● به گفته‌ی مخالفان ایرانی و گروه‌های حقوق بشری، از زمان آغاز اعتراض‌ها در پی تورم افسارگسیخته در اواخر دسامبر، بین ۶ هزار تا ۳۶ هزار معترض توسط نیروهای امنیتی کشته شده‌اند. گزارش دقیق شمار قربانیان دشوار است، زیرا رژیم اینترنت و دیگر راه‌های ارتباطی را در کشور قطع کرده است.

● در ۹ ژانویه، همان روزی که «نجاتی» بازداشت شد، نیروهای امنیتی شهاب فلاح‌پور، کشتی‌گیر ۱۹ ساله، را در جریان اعتراض‌های خیابانی در شهر اندیمشک در جنوب‌غربی کشور کشتند. ایران اینترنشنال به نقل از منابعی نوشت که او توسط تک‌تیراندازی از روی پشت‌بام هدف قرار گرفته بود.

● به گزارش سازمان حقوق بشری هنگا، یاشار سلطانی‌راد، ستاره‌ی نوظهور ۲۶ ساله‌ی کشتی نیز در جریان اعتراض‌های ۹ ژانویه در تهران با شلیک گلوله کشته شد. این سازمان همچنین اعلام کرد که مجید جلیلیان، ورزشکار ۳۹ ساله کراس‌فیت و پدر یک کودک خردسال، در همان روز در تهران به‌شدت توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب‌وشتم قرار گرفت و با شلیک گلوله جان باخت. ● در سال ۲۰۲۰، جمهوری اسلامی کشتی‌گیر قهرمان،

ضرورت حمایت هرچه قوی‌تر از فراخوان شاهزاده رضا پهلوی در ۱۴ فوریه



فرامسلکی دارد. این ماده فرصتی است برای همه نیروهای دموکراتیکی که به آینده ایران و نجات کشور می‌اندیشند تا این فراخوان را به‌عنوان فرصتی برای حمایت از رضا پهلوی تلقی کرده و فارغ از اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک، از او پشتیبانی کنند.

● ماده ششم، یعنی درخواست از رهبران کشورهای مختلف برای «آمادگی به رسمیت شناختن دولت انتقالی مشروع برای گذار ایران به دموکراسی»، مهم‌ترین خواست این فراخوان است. این بند پیام روشنی دارد: ایران پس از جمهوری اسلامی قرار نیست به هرج‌ومرج یا جنگ داخلی کشیده شود و به کانون بحرانی جدید در خاورمیانه تبدیل گردد.

● ماده ششم و تأکید بر «دولت انتقالی» نشان می‌دهد که رضا پهلوی به‌خوبی به ضرورت ایجاد و تأسیس چنین دولتی آگاه است و می‌داند در صورت اعلام رسمی آن، نقش او به‌عنوان رهبر آلترناتیو از سوی کشورهای مختلف جهان، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و متحدانش، بسیار جدی‌تر گرفته خواهد شد.

حنیف حیدرنژاد- رضا پهلوی در پیام خود با عنوان «روز جهانی اقدام در همبستگی با انقلاب شیروخورشید ایران»، در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۴۰۴ / ۲ فوریه ۲۰۲۶، خطاب به «ایرانیان خارج از کشور و آزادی‌خواهان جهان»، از آنان درخواست کرد «شنبه ۱۴ فوریه، در همراهی با مردم ایران به پا خیزید» و تأکید کرد: «همبستگی شما اهمیت دارد. وقتی متحد باشیم، دولت‌ها ناچار به شنیدن‌اند.»

● رضا پهلوی در پیام خود با عنوان «روز جهانی اقدام در همبستگی با انقلاب شیروخورشید ایران»، در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۴۰۴ / ۲ فوریه ۲۰۲۶، خطاب به «ایرانیان خارج از کشور و آزادی‌خواهان جهان»، از آنان درخواست کرد «شنبه ۱۴ فوریه، در همراهی با مردم ایران به پا خیزید» و تأکید کرد: «همبستگی شما اهمیت دارد. وقتی متحد باشیم، دولت‌ها ناچار به شنیدن‌اند.»

● حضور ایرانیان خارج از کشور در تظاهرات بزرگ، امتداد مبارزه مردم داخل کشور است. این حضور از یکسو صدای مردم ایران و «نه» بزرگ آنان به حکومت اسلامی، علی‌خامنه‌ای و رژیمش را بازتاب می‌دهد و از سوی دیگر، با تأکید بر رهبری رضا پهلوی به‌عنوان «رهبر دوران گذار»، به جهانیان نشان می‌دهد که بخش بزرگی از مردم ایران از او حمایت کرده و او بیشترین و منسجم‌ترین میزان حمایت مردمی را در میان هر شخصیت یا حزب اپوزیسیون با خود دارد.

● ماده اول تأکیدی است بر ضرورت «مداخله بشردوستانه» برای حمایت از مردم ایران که از طریق هدف قرار دادن رهبران و فرماندهان حکومت و تخریب مراکز نظامی، انتظامی و اطلاعاتی رژیم امکان‌پذیر است. این بند، یادآوری مستقیم به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا است که پیشتر حمایت خود از مردم ایران را وعده داده بود

● ماده پنجم، یعنی درخواست «آزادی فوری همه زندانیان سیاسی»، نشان می‌دهد که رضا پهلوی به‌عنوان رهبر دوران گذار، رویکردی فرا حزبی، فرا جناحی و

در ۹ ژانویه، همان روزی که «نجاتی» بازداشت شد، نیروهای امنیتی شهاب فلاح‌پور، کشتی‌گیر ۱۹ ساله، را در جریان اعتراض‌های خیابانی در شهر اندیمشک در جنوب غربی کشور کشتند. ایران اینترنشنال به نقل از منابعی نوشت که او توسط تک‌تیراندازی از روی پشت‌بام هدف قرار گرفته بود. پیکر فلاح‌پور سه روز بعد، با مداد ۱۲ ژانویه حدود ساعت ۴ صبح، بدون برگزاری مراسم تشییع و تنها با حضور والدینش - «تحت نظارت نیروهای دولتی» - به خاک سپرده شد.

به گزارش سازمان حقوق بشری هنگاو، یاشار سلطانی‌راد، ستاره‌ی نوظهور ۲۶ ساله‌ی کشتی نیز در جریان اعتراض‌های ۹ ژانویه در تهران با شلیک گلوله کشته شد. این سازمان همچنین اعلام کرد که مجید جلیلیان، ورزشکار ۳۹ ساله کراس‌فیت و پدر یک کودک خردسال، در همان روز در تهران به‌شدت توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفت و با شلیک گلوله جان باخت.

بر اساس گزارش ایران اینترنشنال و پست‌های منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی، صالح محمدی، کشتی‌گیر برجسته‌ی ۱۹ ساله‌ی اهل قم، در ۱۵ ژانویه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و اکنون با خطر اعدام روبه‌رو است.

بنا بر گزارش ایران اینترنشنال، بابک شادگان، پزشک و رئیس کمیسیون پزشکی اتحادیه‌ی جهانی کشتی، روز چهارشنبه از جمهوری اسلامی خواست نجاتی را آزاد کند. اتحادیه‌ی جهانی کشتی نهاد بین‌المللی ناظر بر کشتی آماتور است. شادگان به «نیویورک پست» گفت که این موضع‌گیری بازتاب «دیدگاه‌های شخصی من به‌عنوان پزشک ورزشی» است و نظر رسمی اتحادیه‌ی جهانی کشتی محسوب نمی‌شود.

سردار پاشایی، مربی سابق تیم ملی کشتی فرنگی ایران و قهرمان جهان، به «نیویورک پست» گفت: «در کمتر از ۱۰ روز، رژیم ایران بیش از ۳۰ ورزشکار را در سراسر کشور با شلیک گلوله کشته است. جوان‌ترین قربانی فقط ۱۵ سال دارد. قربانیان شامل ورزشکاران جوان، قهرمانان ملی، مربیان و داوران بین‌المللی بودند... تک‌تک آن‌ها با گلوله کشته شدند.»

نجاتی که طی سال‌های اخیر سه مدال برنز و یک مدال طلا در رقابت‌های بین‌المللی کشتی به دست آورده‌است، از سوی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی به‌عنوان معترضی شناخته‌شده تلقی می‌شد.

او در پستی اخیر در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «می‌توانستم مثل بقیه‌ی ورزشکاران سرم را پایین بیندازم و فقط به ورزشم برسم. اما نتوانستم ساکت بمانم. در ذهنم با همه کسانی که ظلم کردند و حق را ناحق کردند، در جنگ بودم و نمی‌توانستم خاموش بمانم.»

در سال ۲۰۲۰، جمهوری اسلامی کشتی‌گیر قهرمان، نوید افکاری را، پس از اتهام قتل یک مأمور امنیتی در جریان اعتراض‌های سال ۲۰۱۸ اعدام کرد. افکاری با وجود درخواست‌ها از دولت ایران برای عفو او - از جمله درخواست رئیس‌جمهور وقت آمریکا، دونالد ترامپ و کمیته‌ی بین‌المللی المپیک - اعدام شد.

بازرگان در پایان به «نیویورک پست» گفت: «این اعدام‌ها و بازداشت‌ها ربطی به قانون یا نظم ندارند. بلکه هدف آنها ارباب است؛ می‌خواهند این پیام را به مردم بدهند که هیچ‌کس - حتی قهرمانان ملی - اگر جمهوری اسلامی را به چالش بکشند، از مجازات در امان نیستند.»

منبع: نیویورک پست

نویسندگان: ایزابل وینسنت و بنجامین وایتال

ترجمه: لادن بازرگان

آکسیوس: ترامپ با درخواست جمهوری اسلامی برای تغییر محل مذاکرات از ترکیه به عمان موافقت کرد



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا / عکس: رویترز

● پایگاه خبری آکسیوس گزارش داد مذاکرات هسته‌ای میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران قرار است روز جمعه ۱۷ بهمن ۱۴۰۴ در عمان برگزار شود.

● گفته می‌شود دولت دونالد ترامپ با درخواست مقامات جمهوری اسلامی برای انتقال محل مذاکرات از استانبول ترکیه به عمان موافقت کرده است اما همچنان بحث بر سر اینکه آیا کشورهای عربی و اسلامی منطقه در مذاکرات عمان مشارکت خواهند کرد یا نه ادامه دارد.

● یک منبع آگاه گفته است، «ایران فقط می‌خواهد درباره پرونده هسته‌ای با آمریکایی‌ها گفتگو کند، در حالیکه ایالات متحده می‌خواهد موضوعات دیگری مانند موشک‌های بالستیک و فعالیت‌های نیروهای نیابتی ایران در منطقه را نیز در مذاکرات بگنجاند.»

● می بروس معاون سفیر آمریکا در سازمان ملل درباره مذاکرات پیش‌رو بین آمریکا و جمهوری اسلامی می‌گوید، نتیجه مذاکرات در نهایت آن چیزی خواهد بود که دونالد ترامپ می‌خواهد. او گفت که ترامپ به هر شکل ممکن همه را پای میز می‌آورد و از همان ابتدا روشن کرد که تهران نباید غنی‌سازی کند. می بروس تأکید کرد ترامپ به تعهد خود به مردم ایران پایبند است.

پایگاه خبری آکسیوس گزارش داد مذاکرات هسته‌ای میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران قرار است روز جمعه ۱۷ بهمن ۱۴۰۴ در عمان برگزار شود. گفته می‌شود دولت دونالد ترامپ با درخواست مقامات جمهوری اسلامی برای انتقال محل مذاکرات از استانبول ترکیه به عمان

به‌عنوان فرصتی برای حمایت از رضا پهلوی تلقی کرده و فارغ از اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک، از او پشتیبانی کنند.

مهمترین خواست

ماده ششم، یعنی درخواست از رهبران کشورهای مختلف برای «آمادگی به رسمیت شناختن دولت انتقالی مشروع برای گذار ایران به دموکراسی»، مهم‌ترین خواست این فراخوان است. این بند پیام روشنی دارد: ایران پس از جمهوری اسلامی قرار نیست به هرج‌ومرج یا جنگ داخلی کشیده شود و به کانون بحرانی جدید در خاورمیانه تبدیل گردد. برای کشورهای دموکراتیک غربی که مخاطبان اصلی این پیام هستند، دانستن مسیر آینده ایران پس از جمهوری اسلامی و علی‌خامنه‌ای اهمیت اساسی دارد. آنان می‌خواهند بدانند آیا نیرویی یا شخصیتی سیاسی وجود دارد که بتواند خلأ قدرت پس از جمهوری اسلامی را پر کند؛ نیرویی که از حمایت واقعی مردم برخوردار باشد.

رضا پهلوی این نگرانی جامعه جهانی را به‌درستی تشخیص داده است. از همین رو، حضور هرچه پشمارتر ایرانیان خارج از کشور در ۱۴ فوریه، به‌ویژه در سه شهر اعلام‌شده، و حمایت گسترده‌تر نیروهای سیاسی مختلف، موقعیت رضا پهلوی را به‌غایتی از بخش بزرگی از مردم ایران در گفت‌وگوهای آتی با دولت‌های غربی تقویت خواهد کرد.

اشاره ای به یک کمبود

اما در ارتباط با همین ماده ششم، نکته مهم دیگری نیز جلب توجه می‌کند. وقتی در این پیام از «آمادگی به رسمیت شناختن دولت انتقالی مشروع برای گذار ایران به دموکراسی» سخن گفته می‌شود، هر سیاستمداری بلافاصله خواهد پرسید: «کدام دولت انتقالی؟» اگر منظور، دولت انتقالی پس از سرنگونی جمهوری اسلامی است، این موضوع نیازمند شفاف‌سازی بیشتر است. اما اگر منظور دولتی انتقالی است که هم‌اکنون تأسیس شده، وجود دارد و آماده است تا بلافاصله خلأ قدرت را پر کرده و با طرف‌های غربی وارد گفت‌وگو و مذاکره شود، در این صورت پرسش سیاستمداران، روزنامه‌نگاران و افکار عمومی - از جمله ایرانیان حامی رضا پهلوی - این خواهد بود که چنین دولتی کجاست، اعضای آن چه کسانی هستند و چگونه می‌توان با آن ارتباط برقرار کرد؟

ماده ششم و تأکید بر «دولت انتقالی» نشان می‌دهد که رضا پهلوی به‌خوبی به ضرورت ایجاد و تأسیس چنین دولتی آگاه است و می‌داند در صورت اعلام رسمی آن، نقش او به‌عنوان رهبر آلترناتیو از سوی کشورهای مختلف جهان، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و متحدانش، بسیار جدی‌تر گرفته خواهد شد.

در واقع، ماده ششم در عین آن‌که قوی‌ترین بخش این مطالبات است، کمبود و نقطه ضعفی را نیز آشکار می‌کند که ضرورت دارد هرچه سریع‌تر برطرف شود. شاید روز ۱۴ فوریه، یا چند روز پیش از آن، بهترین زمان برای اعلام «دولت انتقالی» باشد. چنین اقدامی نه تنها موقعیت رضا پهلوی در برابر کشورهای غربی را تقویت می‌کند، بلکه به مردم در داخل و خارج کشور نیز امید بیشتری می‌دهد که شمارش معکوس پایان این رژیم ضدایرانی آغاز شده است.

در صورت اعلام دولت موقت، رضا پهلوی نشان خواهد داد که اگر از دولت‌های خارجی درخواست «اقدام» می‌کند، خود نیز پیش‌تر چنین «اقدام» راهبردی و مهمی را آغاز کرده است.

پس از راهپیمایی‌های بزرگ ده‌ها هزار نفره ایرانیان در دو هفته گذشته در شهرهای مختلف جهان، چنین فراخوانی، به‌ویژه با مشخص کردن سه شهر «مونپز، لس‌آنجلس و تورنتو» به‌عنوان شهرهای اصلی برای تمرکز جمعیت، اقدامی بسیار به‌موقع است. مردم ایران - چه در داخل و چه در خارج از کشور - هنوز در داغ سنگین ده‌ها هزار هموطن خود که به فرمان خامنه‌ای و توسط جنایتکاران سپاه، بسیج و نیروهای نیابتی رژیم در دی ماه گذشته کشته شده‌اند، در سوگ و اندوه به سر می‌برند. حمایت ایرانیان از هموطنان مبارز در داخل کشور به آنان روحیه داده و این پیام را منتقل می‌کند، که تنها نیستند. حضور ایرانیان خارج از کشور در تظاهرات بزرگ، امتداد مبارزه مردم داخل کشور است. این حضور از یکسو صدای مردم ایران و «نه» بزرگ آنان به حکومت اسلامی، علی‌خامنه‌ای و رژیمش را بازتاب می‌دهد و از سوی دیگر، با تأکید بر رهبری رضا پهلوی به‌عنوان «رهبر دوران گذار»، به جهانیان نشان می‌دهد که بخش بزرگی از مردم ایران از او حمایت کرده و او بیشترین و منسجم‌ترین میزان حمایت مردمی را در میان هر شخصیت یا حزب اپوزیسیون با خود دارد.

شرکت هرچه گسترده‌تر ایرانیان خارج از کشور در این روز و در این تظاهرات، به‌ویژه در سه شهری که اعلام شده‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

رضا پهلوی در فراخوان خود می‌نویسد:

«برای واداشتن جامعه جهانی به اقدام عملی و فوری در حمایت از ملت ایران.

شش مطالبه روشن ما:

- ۱- درهم‌شکستن ماشین سرکوب رژیم و حفاظت از مردم ایران
- ۲- قطع کامل منابع مالی رژیم
- ۳- آزادی اینترنت و ارتباطات برای مردم ایران
- ۴- اخراج «دبلمات»‌های رژیم و پیگرد جنایتکاران
- ۵- آزادی فوری همه زندانیان سیاسی
- ۶- آمادگی به رسمیت شناختن دولت انتقالی مشروع برای گذار ایران به دموکراسی.»

ضرورت «مداخله بشردوستانه» و یادآوری به ترامپ

ماده اول تأکیدی است بر ضرورت «مداخله بشردوستانه» برای حمایت از مردم ایران که از طریق هدف قرار دادن رهبران و فرماندهان حکومت و تخریب مراکز نظامی، انتظامی و اطلاعاتی رژیم امکان‌پذیر است. این بند، یادآوری مستقیم به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا است که پیشتر حمایت خود از مردم ایران را وعده داده بود؛ هرچند در این پیام، فراتر از ایالات متحده، همه کشورهای آزاد مورد خطاب قرار گرفته‌اند. چنین درخواستی از سوی رضا پهلوی و راهپیمایی احتمالا میلیونی ایرانیان در روز ۱۴ فوریه در حمایت از او، دست دونالد ترامپ و دیگر رهبران جهان را باز می‌کند تا در برابر افکار عمومی کشورهای خود، از نظر حقوقی و اخلاقی، «اقدام» نظامی علیه جمهوری اسلامی را بهتر توضیح داده و آن را به خواست مردم ایران و رهبری اپوزیسیون ایران پیوند دهند.

رهبری فراجانبی

ماده پنجم، یعنی درخواست «آزادی فوری همه زندانیان سیاسی»، نشان می‌دهد که رضا پهلوی به‌عنوان رهبر دوران گذار، رویکردی فراجنبی، فراجانبی و فرامسلکی دارد. این ماده فرصتی است برای همه نیروهای دموکراتیکی که به آینده ایران و نجات کشور می‌اندیشند تا این فراخوان را

مارکو روبیو: جمهوری اسلامی قادر نیست به مطالبات مردم ایران پاسخ دهد

وزیر خارجه آمریکا تأکید کرد: «رهبری مذهبی جمهوری اسلامی [علی خامنه‌ای] بازتاب‌دهنده جامعه و فرهنگ ایران نیست و در هیچ کشور دیگری چنین شکاف عمیقی میان حاکمان و مردم وجود ندارد.» او همچنین به موضع دونالد ترامپ درباره سرکوب اعتراضات اشاره کرد و گفت اظهارات علنی رئیس‌جمهوری آمریکا «مانع اجرای اعدام‌های گسترده‌ای شد که در آستانه اجرا قرار داشت.»



مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا

اسلامی پیش‌تر با قالب مشخصی برای مذاکره موافقت کرده بود اما «به هر دلیلی این موضوع تغییر کرده است.» او افزود آمریکا آماده دیدار است و این دیدار برای روز جمعه برنامه‌ریزی شده بود. روبیو گفت: «اگر ایرانی‌ها بخواهند دیدار کنند، ما آماده‌ایم. آنها علاقه‌مندی خود را اعلام کرده‌اند و اگر نظرشان را عوض کنند، با این هم مشکلی نداریم.» او در پایان تأکید کرد دولت ترامپ مذاکره را به رویارویی ترجیح می‌دهد. او افزود: «مطمئن نیستیم بتوان با این افراد به توافق رسید، اما می‌خواهیم تلاش کنیم. این رئیس‌جمهوری همیشه راه‌حل مسالمت‌آمیز را به هر درگیری یا چالش دیگری ترجیح می‌دهد.»

نتیجه مذاکرات چه خواهد بود؟

تهی بروس معاون سفیر آمریکا در سازمان ملل درباره مذاکرات پیش‌رو بین آمریکا و جمهوری اسلامی می‌گوید، نتیجه مذاکرات در نهایت آن چیزی خواهد بود که دونالد ترامپ می‌خواهد. او گفت که ترامپ به هر شکل ممکن همه را پای میز می‌آورد و از همان ابتدا روشن کرد که تهران نباید غنی‌سازی کند.

تهی بروس با اشاره به اینکه ترامپ به تعهد خود به مردم ایران پایبند است، گفت که مسئله اکنون ثبات خاورمیانه است و خواست دونالد ترامپ است که دولت آمریکا را در این مسیر هدایت می‌کند. به گفته او رژیم ایران هم می‌داند چه کسی الان مسئول است و به همین خاطر هم پای میز مذاکره آمده است.

● مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا، در یک نشست خبری تأکید کرد: «ترامپ آماده است با هر کسی در جهان مذاکره و تعامل کند» اما آمریکا دیدار و مذاکره را «امتیازدهی یا مشروعیت‌بخشی» تلقی نمی‌کند. او افزود، «این صرفاً نشان‌دهنده آمادگی ما برای نشست، شنیدن و صحبت کردن با هر کسی است، چه دشمن و چه متحد.»

● وزیر خارجه آمریکا تأکید کرد موضوعات مورد مذاکره با جمهوری اسلامی شامل «ساخت موشک‌های بالستیک، حمایت از سازمان‌های تروریستی در سراسر منطقه، برنامه هسته‌ای و نحوه رفتار حکومت با مردم خودش» است.

● وزیر خارجه آمریکا همچنین گفت: «مشکل اصلی جمهوری اسلامی این است که مطالبات مردم معترض در خیابان‌ها ریشه اقتصادی دارد اما حکومت قادر به پاسخگویی به آن نیست.»

● او افزود: «یکی از دلایل ناتوانی حکومت ایران در تأمین کیفیت زندگی شایسته برای مردم، این است که منابع و ثروت کشور صرف حمایت از تروریسم، گروه‌های نیابتی و صدور انقلاب می‌شود.»

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا، در یک نشست خبری تأکید کرد: «ترامپ آماده است با هر کسی در جهان مذاکره و تعامل کند» اما آمریکا دیدار و مذاکره را «امتیازدهی یا مشروعیت‌بخشی» تلقی نمی‌کند. او افزود، «این صرفاً نشان‌دهنده آمادگی ما برای نشست، شنیدن و صحبت کردن با هر کسی است، چه دشمن و چه متحد.»

وزیر خارجه آمریکا تأکید کرد موضوعات مورد مذاکره با جمهوری اسلامی شامل «ساخت موشک‌های بالستیک، حمایت از سازمان‌های تروریستی در سراسر منطقه، برنامه هسته‌ای و نحوه رفتار حکومت با مردم خودش» است.

وزیر خارجه آمریکا همچنین گفت: «مشکل اصلی جمهوری اسلامی این است که مطالبات مردم معترض در خیابان‌ها ریشه اقتصادی دارد اما حکومت قادر به پاسخگویی به آن نیست.»

او افزود: «یکی از دلایل ناتوانی حکومت ایران در تأمین کیفیت زندگی شایسته برای مردم، این است که منابع و ثروت کشور صرف حمایت از تروریسم، گروه‌های نیابتی و صدور انقلاب می‌شود.»

روبیو با تفکیک میان مردم ایران و حکومت جمهوری اسلامی گفت مردم ایران و حکومت ایران کاملاً با هم متفاوت‌اند.

خبر»

تحرکات پریسک نظامی جمهوری اسلامی علیه آمریکا از جمله تلاش برای ربودن یک نفتکش آمریکایی و همچنین پرواز پهپادهای سپاه پاسداران نزدیک ناوهایاب‌بر آبراهم لینکلن مواردی بود که برخی از مقامات آمریکایی درباره آن به تهران هشدار دادند.

مخالفان جمهوری اسلامی می‌گویند دونالد ترامپ نباید پس از قتل‌عام مردم ایران توسط جمهوری اسلامی با نمایندگان آن مذاکره کند و هدف فقط باید تقویت خیزش ضدحکومتی برای سرنگونی رژیم باشد، در مقابل برخی دیگر معتقدند مناسبات بین‌المللی اقدام فوری علیه رژیم را محدود می‌کند اما ترامپ در نهایت مجبور خواهد بود علیه جمهوری اسلامی اقدام نظامی کند.

➡ موافقت کرده است اما همچنان بحث بر سر اینکه آیا کشورهای عربی و اسلامی منطقه در مذاکرات عمان مشارکت خواهند کرد یا نه ادامه دارد.

آکسیوس همچنین گزارش داد که حکومت ایران خواستار تغییراتی در قالب مذاکرات هسته‌ای با ایالات متحده شده است و این گزارش به نقل از دو منبع آگاه از موضوع منتشر شد.

یک دیپلمات منطقه‌ای آگاه از خواسته‌های جمهوری اسلامی گفت: «آنها می‌خواهند قالب را تغییر دهند، می‌خواهند دامنه مذاکرات را تغییر دهند.»

او افزود: «ایران فقط می‌خواهد درباره پرونده هسته‌ای با آمریکایی‌ها گفتگو کند، در حالیکه ایالات متحده می‌خواهد موضوعات دیگری مانند موشک‌های بالستیک و فعالیت‌های نیروهای نیابتی ایران در منطقه را نیز در مذاکرات بگنجانند.» عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد که رایزنی‌ها درباره محل برگزاری مذاکرات با ایالات متحده در جریان است و تأیید کرد که این گفتگوها اواخر همین هفته برگزار خواهد شد.

او همچنین گفت که محل و زمان مذاکرات «مسائل پیچیده‌ای» نیستند و نباید از این موضوعات به‌عنوان «بهانه‌ای برای بازی‌های رسانه‌ای» استفاده شود.

دیدار ایران و آمریکا در اواخر فوریه

این تحولات پس از آن رخ می‌دهد که استیو ویتکاف نماینده ویژه ترامپ و عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، اعلام کرده بودند روز جمعه در استانبول دیدار خواهند کرد. منابعی که با روزنامه «اورشلیم پست» گفت‌وگو کرده‌اند تأیید کردند که انتظار می‌رفت مقامات ارشد، احتمالاً وزرای خارجه قطر، مصر، عربستان سعودی، عمان و ترکیه در این مذاکرات حضور داشته باشند. جرد کوشنر مشاور و داماد ترامپ نیز در این مذاکرات شرکت خواهد کرد. یکی از منابع گفت: «باید دید آیا ایالات متحده قصد دارد وارد مذاکره‌ای جدی و نتیجه‌محور شود یا نه.»

اورشلیم‌پست همچنین گزارش داد که ایران به میانجی‌ها گفته آماده گفتگو درباره مسئله هسته‌ای است و حتی تمایل دارد برخی امتیازات را در نظر بگیرد.

علاوه بر این، به گفته یک منبع آگاه از جزئیات، جمهوری اسلامی آمادگی خود را برای بررسی موضوع موشک‌های بالستیک و نیروهای نیابتی‌اش در مذاکرات بعدی نشان داده است. بر اساس این گزارش، ایران بر این باور است که دستیابی به توافق هسته‌ای باعث خواهد شد ترامپ از ایده جنگ صرف‌نظر کند. این منبع افزود که در صورت حصول توافق هسته‌ای، احتمالاً اسرائیل نیز از انجام حملات علیه تأسیسات ذخیره‌سازی موشک‌های ایران خودداری خواهد کرد.

با این حال، در اسرائیل و ایالات متحده این ارزیابی وجود دارد که شانس دستیابی به توافق با جمهوری اسلامی بسیار اندک، یا نزدیک به صفر است.

به‌طور جداگانه، روز سه‌شنبه مقامات ایرانی تهدید کردند که ممکن است از مذاکرات پیش‌روی استانبول خارج شوند. روزنامه «والاستریت ژورنال» با استناد به افرادی آگاه از موضوع این خبر را منتشر کرد، هرچند مشخص نیست چه چیزی باعث این اظهارات شده است.

یک منبع دیپلماتیک ایرانی نیز به رویترز گفت که نگاه تهران به این مذاکرات نه خوشبینانه است و نه بدبینانه، و افزود که توانمندی‌های دفاعی جمهوری اسلامی قابل مذاکره نیست و ایران برای هر سناریویی آماده است.

این منبع گفت: «هنوز مشخص نیست که آیا ایالات متحده نیز قصد دارد مذاکره‌ای جدی و نتیجه‌محور انجام دهد یا

ائتلاف فرا حزبی در مجلس اعیان بریتانیا: زمان تعامل با اپوزیسیون ایران فرا رسیده است



دموکراسی» شده است.

به گفته این گروه، این مرحله با اعتصاب بازار آغاز شد و به سرعت به دانشگاه‌ها، تشکلهای کارگری و انجمن‌های صنفی گسترش یافت. بنا بر گزارش‌ها، در نهم ژانویه، با وجود قطع تقریباً کامل ارتباطات که مقامات از شامگاه روز پیش اعمال کرده بودند، میلیون‌ها ایرانی به خیابان‌ها آمدند. این خیزش همگانی از مرزهای جمعیتی، قومی و منطقه‌ای فراتر رفت و گسترش پیدا کرد. دامنه‌ای از مشارکت که به گفته فعالان، بیانگر نفی و رد یکپارچه و ملی جمهوری اسلامی از سوی مردم ایران است.

این گروه ناآرامی‌های کنونی را ادامه خیزش «زن، زندگی، آزادی» می‌داند. جنبشی که در سال ۲۰۲۲ در پی جان باختن مهسا ژینا امینی شعله‌ور شد، ماهیت سرکوب سازمان‌یافته حکومت را آشکار ساخت و موجی از محکومیت‌های بین‌المللی را برانگیخت.

ولیعهد رضا پهلوی؛ چهره‌ای وحدت بخش در اپوزیسیون
بخش چشمگیری از گزارش ارائه شده از سوی «صحنه آزادی» (Stage of Freedom) به برجسته شدن نقش رضا پهلوی، ولیعهد در تبعید، به‌عنوان محور اصلی همبستگی و بسیج نیروهای معترض در داخل ایران می‌پردازد؛ چهره‌ای که به گفته این گروه، به تدریج به نقطه تمرکز امیدها و مطالبات بخش گسترده‌ای از جامعه معترض کشور بدل شده است.

این نهاد نوشته است: «یکی از واقعیت‌های روشن سیاسی که از دل انقلاب ملی کنونی ایران سر برآورده، آن است که تنها نامی که بطور پیوسته و آشکار از خیابان‌های داخل کشور شنیده شده، نام ولیعهد رضا پهلوی بوده است.»

به گفته این گروه، بزرگ‌ترین تجمعات و اعتصابات،

اعیان بریتانیا، وزیر امور خارجه این کشور را فراخوانده‌اند تا بطور مستقیم با یک سازمان زنان ایرانی مستقر در این کشور وارد گفتگو شود. آنان هشدار داده‌اند که ایران وارد مرحله‌ای سرنوشت ساز از بسیج سراسری شده است. مرحله‌ای که می‌تواند مسیر آینده سیاسی کشور را به گونه‌ای بنیادین دگرگون سازد.

بیش از سی تن از اعضای مجلس اعیان در نامه‌ای به تاریخ ۲۸ ژانویه، از دولت خواسته‌اند تا به روایت و گزارش ارائه شده از سوی نهاد «صحنه آزادی» (Stage of Freedom) متشکل از گروهی از ایرانیان خارج از کشور به رهبری بانوان ایرانی، «توجه جدی» نشان دهد.

امضاکندگان این نامه، از جمله لرد والنی، لرد بردی آلترینچم، لرد پولاک، بارونس ایتن، بارونس دیچ، لرد هرینگتون، بارونس لادفورد و شماری دیگر از طیف‌های مختلف محافظه کار، کارگر، لیبرال دموکرات و اعضای مستقل مجلس اعیان هستند.

در این نامه، شهادت و روایت این گروه به‌عنوان «گزارشی تکان‌دهنده از رنج و مشقت مردم ایران» توصیف شده و از وزیران دولت خواسته شده است تا با این فعالان دیدار کنند «تا سخنان این افراد شجاع را به‌طور مستقیم بشنوند».

جنبشی که مهار آن از توان حکومت خارج شده است
درخواست اعضای مجلس اعیان در پی گزارشی تفصیلی مطرح شده است که گروه «صحنه آزادی» (Stage of Freedom) در تاریخ ۱۹ ژانویه برای نخست وزیر، وزیر امور خارجه و اعضای هر دو مجلس بریتانیا ارسال کرده بود.

در این سند تأکید شده است که ایران وارد «مرحله‌ای سرنوشت ساز از یک انقلاب ملی با هدف پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی و فراهم ساختن زمینه گذار به

● اعضای ارشد مجلس اعیان بریتانیا از دولت این کشور خواسته‌اند تا بطور جدی با نیروهای اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی وارد تعامل شود. این در حالی است که یک نهاد از جامعه ایرانیان مهاجر اعلام کرده که تحولات کنونی این کشور به «مرحله‌ای تعیین کننده و سرنوشت ساز» رسیده است.

● امضاکندگان این نامه، از جمله لرد والنی، لرد بردی آلترینچم، لرد پولاک، بارونس ایتن، بارونس دیچ، لرد هرینگتون، بارونس لادفورد و شماری دیگر از طیف‌های مختلف محافظه کار، کارگر، لیبرال دموکرات و اعضای مستقل مجلس اعیان هستند.

● بخش چشمگیری از گزارش ارائه شده از سوی «مرحله آزادی» به برجسته شدن نقش رضا پهلوی، ولیعهد در تبعید، به‌عنوان محور اصلی همبستگی و بسیج نیروهای معترض در داخل ایران می‌پردازد. به گفته این گروه، بزرگ‌ترین تجمعات و اعتصابات، پس از فراخوان عمومی او در هشتم ژانویه برای برگزاری اعتراضات هماهنگ سراسری شکل گرفت؛ امری که از دید نویسندگان گزارش، گواهی بر «اعتبار سیاسی و توانایی او در بسیج گسترده افشار مختلف جامعه ایران» به شمار می‌رود.

● وزارت امور خارجه بریتانیا تاکنون اعلام نکرده است که آیا قصد دارد با شاهزاده رضا پهلوی یا گروه «صحنه آزادی» (Stage of Freedom) دیدار کند یا خیر. در چنین شرایطی، بریتانیا ناگزیر است تصمیم بگیرد که آیا در مقطعی که بسیاری از فعالان، آن را نقطه عطفی تاریخی در سرنوشت آینده ایران می‌دانند، نقشی فعال‌تر و قاطع‌تر ایفا خواهد کرد یا نه؟

لندن- ائتلافی فرا حزبی متشکل از اعضای ارشد مجلس



مب افکن رادارگریز B-2 / عکس: رویترز

«فرانکفورتر روندشاو»:

عملیات فریب با ناو آبراهام لینکلن؛ مباران احتمالی مراکز وابسته به خامنه‌ای و سپاه با مب افکن‌های «B-2»

● کریستوف گشوسمان روزنامه‌نگار آلمانی در تحلیلی که ۳۰ ژانویه (۱۰ بهمن) در روزنامه «فرانکفورتر روندشاو» منتشر شد پیش‌بینی کرده است ناوهایمبار آبراهام لینکلن که برای اقدام احتمالی علیه جمهوری اسلامی به منطقه اعزام شده، بخشی از یک عملیات پوششی فریب است و آمریکا با هواپیماهای پنهانکار B-2 مراکز وابسته به علی خامنه‌ای و زیرساخت‌های سپاه پاسداران و مراکز اتمی جمهوری اسلامی را هدف قرار می‌دهد.

● تهران با مقاومت و ترس همزمان واکنش نشان می‌دهد. نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل تهدید کرده که «به روشی پاسخ خواهد داد که هرگز دیده نشده است». اما کارشناسان پس از خسارات سنگین جنگ ۱۲ روزه توانایی‌های جمهوری اسلامی ایران را زیر سوال می‌برند. جنگ روانی قبلاً اثر خود را نشان داده است: ناوگان لینکلن هفته‌ها بدون حمله در موقعیت خود باقی می‌ماند، وضعیتی خسته‌کننده برای پدافند هوایی جمهوری اسلامی ایران که در آماده‌باش دائمی قرار دارد.

کریستوف گشوسمان روزنامه‌نگار آلمانی در تحلیلی که ۳۰ ژانویه (۱۰ بهمن) در روزنامه «فرانکفورتر روندشاو» منتشر شد پیش‌بینی کرده است ناوهایمبار آبراهام لینکلن که برای اقدام احتمالی علیه جمهوری اسلامی به منطقه اعزام شده، بخشی از یک عملیات پوششی فریب است و آمریکا با هواپیماهای پنهانکار B-2 مراکز وابسته به علی خامنه‌ای و زیرساخت‌های سپاه پاسداران و مراکز اتمی جمهوری اسلامی را هدف قرار می‌دهد.

در مقدمه این تحلیل آمده، دونالد ترامپ نیروی دریایی خود را در خلیج فارس مستقر می‌کند، اما خطر واقعی برای حکومت ایران از آسمان می‌آید: چگونه مب افکن‌های B-2 می‌توانند رژیم را هدف قرار دهند؟ آیا واقعاً به یک درگیری نظامی بین آمریکا و رژیم ملایا خواهیم رسید؟ نیروهای آمریکایی چگونه می‌توانند عمل کنند؟ ناوهایمبار آبراهام لینکلن در حال گشت‌زنی آب‌های منطقه است و ۱۰ ناو موقعیت گرفته‌اند. اما کارشناسان نظامی حدس می‌زنند که این ناوگان قابل مشاهده، ممکن است فقط یک عملیات فریب باشد. ضربه واقعی به جمهوری اسلامی ایران احتمالاً مثل سایه از آسمان می‌آید با همان مب افکن‌های B-2 که قبلاً تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی را نابود کردند.

براساس گزارش منابع اطلاعاتی، دونالد ترامپ و آمریکا مب افکن‌های پنهانکار B-2 بیشتری مستقر کرده‌اند. براساس گزارش شورای روابط خارجی در عملیات موفق «چکش نیمه‌شب» که سه سایت اتمی فردو، اصفهان و نطنز

پس از فراخوان عمومی او در هشتم ژانویه برای برگزاری اعتراضات هماهنگ سراسری شکل گرفت؛ امری که از دید نویسندگان گزارش، گواهی بر «اعتبار سیاسی و توانایی او در بسیج گسترده اقبال مختلف جامعه ایران» به شمار می‌رود.

بر اساس این نامه، نام او در شهرها، مناطق و میان جوامعی با پیشینه‌های قومی و گرایش‌های سیاسی گوناگون طنین‌انداز شده است. این گروه تأکید می‌کند که حمایت از وی، نه بر پایه وفاداری ایدئولوژیک، بلکه مبتنی بر «احترام به اراده‌ای است که مردم در داخل ایران ابراز کرده‌اند.» در این گزارش، از او به‌عنوان شخصیتی یاد شده است که توانایی آن را دارد تا در دوران گذار، جامعه‌ای از نظر سیاسی متکثر – شامل جمهوری خواهان، مشروطه خواهان، لیبرال‌ها و محافظه کاران – را زیر یک چتر واحد گرد آورد.

این نهاد به موضع اعلام شده او اشاره می‌کند مبنی بر آن که قصد دارد ایران را از مسیری دموکراتیک و منظم به دوران گذار هدایت کند؛ گذاری که در آن، شکل نهایی نظام سیاسی کشور از طریق همه‌پرسی آزاد و عادلانه تعیین خواهد شد. در این گزارش همچنین به نقشه راه پیشنهادی او برای دوران انتقال، از جمله «پروژه شکوفایی ایران»، اشاره شده است. طرحی که هدف آن جلوگیری از فروپاشی نهادها، بروز درگیری‌های داخلی و گسست حقوقی پس از پایان جمهوری اسلامی عنوان شده است. بر پایه این برنامه، تدارک برگزاری مجلس مؤسسان و انجام یک همه پرسی سراسری به منظور تعیین نظام آینده حکمرانی ایران پیش بینی شده است.

گروه «صحنه آزادی» (Stage of Freedom) بر این باور است که موضع بریتانیا در مقطع کنونی اهمیتی تعیین‌کننده دارد؛ هم از نظر نمادین و هم از حیث راهبردی. به گفته این گروه، موضع‌گیری‌های علنی دولت‌های دموکراتیک، هزینه سیاسی سرکوب را افزایش می‌دهد و این پیام را مخابره می‌کند که نقض سازمان‌یافته حقوق بشر با سکوت مواجه نخواهد شد.

آنان همچنین تأکید کرده‌اند که افکار عمومی در ایران با دقت تحولات و تصمیمات پارلمان‌های دموکراتیک را دنبال می‌کند.

این گروه به‌عنوان «گام عملی بعدی» از دولت و پارلمان بریتانیا خواسته است که در سطحی عالی و به‌طور مستقیم با ولیعهد رضا پهلوی وارد گفت‌وگو شوند؛ از جمله از طریق برگزاری دیدارهای رسمی.

به گفته آنان، چنین تعاملی این امکان را برای مقامات بریتانیایی فراهم می‌سازد تا ارزیابی او از تحولات شتابان داخل ایران، و نیز چارچوب پیشنهادی‌اش برای مدیریت یک گذار مسالمت‌آمیز را به‌صورت مستقیم بشنوند.

وزارت امور خارجه بریتانیا تاکنون اعلام نکرده است که آیا قصد دارد با شاهزاده رضا پهلوی یا گروه «صحنه آزادی» (Stage of Freedom) دیدار کند یا خیر. با این حال، در حالی که ناآرامی‌ها در سراسر ایران ادامه دارد و صداهای برخاسته از جامعه ایرانیان خارج از کشور خواستار نقش‌آفرینی پررنگ‌تر جامعه جهانی هستند، فشارها بر وست مینستر برای روشن کردن موضع خود رو به افزایش است.

در چنین شرایطی، بریتانیا ناگزیر است تصمیم بگیرد که آیا در مقطعی که بسیاری از فعالان، آن را نقطه عطفی تاریخی در سرنوشت آینده ایران می‌دانند، نقشی فعال‌تر و قاطع‌تر ایفا خواهد کرد یا نه؟

ترجمه: کیهان لندن

را هدف قرار داد، مب افکن‌های B-2 تأسیسات هسته‌ای زیرزمینی جمهوری اسلامی را با ۱۴ مب Bunker-Buster نابود کردند. براساس اطلاعات منابع نظامی، شش مب افکن B-2 به عنوان طعمه به صورت نمایی از اقیانوس آرام به سمت گوام پرواز کردند. نیروی واقعی به‌طور مخفیانه از میسوری از طریق اقیانوس اطلس حرکت کرد. تحلیل WION News نشان می‌دهد که این عملیات فریب ممکن است دوباره تکرار شود. در حالیکه ناوگان لینکلن توجه همه را به خود جلب می‌کند، مب افکن‌های پنهانکار ممکن است به‌طور مخفیانه در پایگاه‌های آمریکا مانند دیگو گارسیا در اقیانوس هند فرود آیند.

هشدار آمریکا درباره حمله پیشگیرانه

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا تهدید را مشخص کرد: «اگر شواهدی داشته باشیم که واقعاً حمله‌ای به نیروهای ما در منطقه انجام می‌گیرد، برای دفاع از پرسنل خود اقدام خواهیم کرد.» حدود ۳۰ هزار سرباز آمریکایی در هشت تا نه پایگاه مستقر هستند که همه در بُرد موشک‌های ایران. دونالد ترامپ با لحن تهدیدآمیز گفته «زمان کم است. حمله بعدی بسیار شدیدتر خواهد بود.» پیام او این است: یا درباره توافق هسته‌ای مذاکره کنید یا شاهد تکرار عملیات «چکش نیمه شب».

بازگشت آزمایش‌های هسته‌ای: تهدید هسته‌ای دوباره مطرح می‌شود

نشریه «فوربس» درباره سه هدف احتمالی حمله آمریکا به ایران می‌نویسد: اهداف محتمل شناسایی شده‌اند مراکز رهبری وابسته علی خامنه‌ای، تأسیسات هسته‌ای باقی‌مانده و مراکز فرماندهی سپاه پاسداران. برخلاف حمله اول، ترامپ این بار ممکن است مستقیماً رژیم را هدف قرار دهد. مب افکن‌های B-2 تنها هواپیماهای جهان هستند که می‌توانند مب‌های سنگین Bunker-Buster را حمل کنند. این تسلیحات می‌توانند ۹۰ متر سنگ و بتن را بشکنند که برای هر تأسیسات زیرزمینی در ایران کافی‌ست.

تهران با مقاومت و ترس همزمان واکنش نشان می‌دهد. نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل تهدید کرده که «به روشی پاسخ خواهد داد که هرگز دیده نشده است». اما کارشناسان پس از خسارات سنگین جنگ ۱۲ روزه توانایی‌های جمهوری اسلامی ایران را زیر سوال می‌برند. جنگ روانی قبلاً اثر خود را نشان داده است: ناوگان لینکلن هفته‌ها بدون حمله در موقعیت خود باقی می‌ماند، وضعیتی خسته‌کننده برای پدافند هوایی جمهوری اسلامی ایران که در آماده‌باش دائمی قرار دارد.

در اعتراضات دی ماه ۴۰۴ چه گذشت؛

بخش چهارم؛ در آریاشهر به سوی مردم رگبار گشودند؛ پیرمردی در محل جان باختن حمیدرضا روحی جان باخت



استقرار تیربار در آریاشهر (صادقیه)، تهران، دی ۱۴۰۴

چند دقیقه و تا ساعت ۸ شب به یکباره جمعیت به بالای حداقل هزار نفر رسید و همینطور مردم به جمعیت اضافه می شدند تا ساعت ۸:۳۰ دیگه سر و ته جمعیت معلوم نبود. با افزایش جمعیت شعارها شروع شد: «ایران ایران ایران»، «جاویدشاه»، «مرگ بر دیکتاتور». صدای شعارهایی که جمعیتی که به برآورد شهیار بیش از بالای هزار یا دو هزار نفر با هم می دادند شور عجیبی ایجاد کرده بود و صحنه ای بی نظیر را رقم زده بود؛ «برای ما که سالها آرزوی جمعیت میلیونی داشتیم جمعیتی که به سرعت به هزاران نفر رسید، تحقق یک رویا بود.»

شهیار توضیح می دهد حضور جمعیت چند هزار نفره سبب عقب نشینی نیروی سرکوب شد: «نیروهای سرکوبگر به صورت گرویی در فاصله حدود ۲۰۰ یا ۳۰۰ متر از جمعیت حضور داشتند و چندین ماشین و ون پلیس هم اونجا بود اما جمعیت چند هزار نفره باعث شد که نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی از محل خارج بشوند بطوریکه یک ساعت بعد در خیابان کاشانی تا نرسیده به ۵۰۰ متری صدای هیچ نیرویی نبود و فقط ۲۰ نفر نیرو در میان مردم گیر کردند که بدون حرکت و درگیری به دیوار تکیه دادند و هیچ کاری نکردند. جمعیت رفته رفته زیاد و زیادتر می شد و ماشین ها بوق می زدند و مردم همچنان شعارهای «مرگ بر خامنیه ای»، «مرگ بر دیکتاتور»، «جاویدشاه»، «این آخرین نبرده پهلوی برمی گردد» و «شاه میاد به خونه ضحاک سرنگونه» سر می دادند.

«بعد از نیم ساعت جمعیت به چند هزار نفر رسید و یک صدا فقط «جاوید شاه» می گفتند و همه به طرز عجیبی یکپارچه و متحد شدند. جمعیت از پیرمرد و پیرزن تا بچه های ده ساله بودند. همه دست همدیگر را می گرفتند یک گروه هم با پرچم شیروخورشید روی کاغذ گلاسه و عکس شاهزاده رضا پهلوی آمدند و یکباره حدود ۵۰ تا پرچم شیروخورشید کاغذی دیدیم. مردم پرچم ها را بلند

در بیش از ۲۰۰ شهر، بزرگترین اعتراضات ضدحکومتی در تاریخ جمهوری اسلامی بوده است. در پایتخت نیز اعتراضات در ده ها محله در جریان بود و در این میان آریاشهر از جمله مناطقی بود که با حضور چند هزار نفره شهروندان و سرکوبی شدید روبرو شد و ده ها تن در این محله کشته و صدها تن مجروح و بازداشت شدند.

شهیار مرد جوانی است که در اعتراضات حضور فعال داشته و در محله آریاشهر شاهد رویدادها بوده است. «کیهان لندن» در گفتگو با شهیار بر چهار روز ۱۸ تا ۲۱ دی ماه تمرکز کرده است؛ روزهایی که اعتراضات در نقطه اوج قرار گرفت و با سرکوب حکومتی بی سابقه و خونینی روبرو شد.

شهیار در گفتگو با «کیهان لندن» می گوید «اعتراضات در تهران تا قبل از فراخوان شاهزاده رضا پهلوی و در یازده روز اول به صورت پراکنده در بازارها به خصوص بازار بزرگ تهران بود که با سرکوب شدید داشت به پایان می رسید. چند بار در مکان های دیگر مثل صادقیه (آریاشهر) تجمع شکل گرفت تا اینکه شاهزاده فراخوان قیام سراسری دادند. در تاریخ ۱۸ دی و در اولین روز فراخوان من با دوستانم از ساعت حدود شش در حوالی خیابان کاشانی بودم. تعداد زیادی لباس شخصی به خصوص موتورهای حرکت می کردند و اجازه تشکیل تجمع اولیه رو نمی دادند.»

به گفته شهیار، در شلوغی خیابان های آن محدوده لباس شخصی های حکومت قابل تشخیص بودند چون اکثرا سوار موتور بودند و کوله پشتی خاکی و کرم رنگ داشتند؛ این هماهنگی شاید برای این بوده که در جریان اعتراضات این نیروها برای هم قابل شناسایی باشند؛ نوعی گد ظاهری! شهیار می گوید حدود ساعت ۷:۳۰ غروب در خیابان کاشانی مردم به صورت گرویی و بعضی ها تنها در رفت و آمد بودند و کاملاً مشخص بود آماده تجمع هستند. در عرض

«بعد از نیم ساعت جمعیت به چند هزار نفر رسید و یک صدا فقط «جاوید شاه» می گفتند و همه به طرز عجیبی یکپارچه و متحد شدند. جمعیت از پیرمرد و پیرزن تا بچه های ده ساله بودند. همه دست همدیگر را می گرفتند یک گروه هم با پرچم شیروخورشید روی کاغذ گلاسه و عکس شاهزاده رضا پهلوی آمدند.»

«یکباره حدود ۵۰ تا پرچم شیروخورشید کاغذی دیدیم. مردم پرچم ها را بلند کرده بودند. یکی فریاد می زد پیوند شاه و ملت زنده شده، پاینده ایران، پاینده ایران، جاوید شاه، جاوید شاه ... و مردم همه یکصدا فریاد می زدند جاوید شاه.»

به گفته شهیار، در شلوغی خیابان های آن محدوده لباس شخصی های حکومت قابل تشخیص بودند چون اکثرا سوار موتور بودند و کوله پشتی خاکی و کرم رنگ داشتند؛ این هماهنگی شاید برای این بوده که در جریان اعتراضات این نیروها برای هم قابل شناسایی باشند؛ نوعی گد ظاهری! «در شب نوزدهم دی ما همه نیروها را دیدیم که حمله می کردند؛ نیروی انتظامی و سپاه و بسیج و ضد شورش به صورت یونینفرم دار و مسلح با اسلحه های کلت و مسلسل های خودکار و همینطور گاز اشک آور، اسپری فلفل، شوکر برقی و ... حتی لباس شخصی های مسلح با سلاح گرم و سرد آمدند به خصوص در صادقیه. اول شلیک با انواع اسلحه گرم و بعد با مسلسل خودکار شروع به شلیک کردند. باورکردنی نبود. مردم ردیف ردیف روی زمین می افتادند.»

او می گوید فقط چند نفر در محله آنها کشته شده اند، ده ها نفر در همین محله مجروح و بازداشت هستند و حداقل سه خانواده را می شناسد که فرزندان شان مفقودالاثر هستند؛ نه در میان کشته ها و نه در سردخانه ها بوده اند، نه در بازداشتگاه ها و نه در بیمارستان ها.

روز ۲۱ دی خیابان در دست نیروهای حکومتی بود: «کلی نیروی سپاهی و بسیجی با موتور و ماشین ضدشورش و مسلسل خودکار و کلاشینکف، گشت می زدند و فریاد «مرگ بر منافق» و «مرگ بر ضد ولایت فقیه» می کشیدند.

روشنک آسترکی - سرکوب مسلحانه اعتراضات دی ۴۰۴ در ایران جمهوری اسلامی را در صدر جدول حکومت های سرکوبگر قرن بیست و یکم قرار داده است. در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی ماه ده ها هزار نفر در شهرهای مختلف ایران هدف گلوله و تیراندازی نیروهای حکومتی قرار گرفتند. اگر چه قطع سراسری اینترنت، همچنان در چهارمین هفته اعتراضات، دسترسی به آمار دقیق جان باختگان، مجروحان، بازداشت شدگان و مفقودشدگان را غیرممکن کرده است اما گزارش ها از کشته شدن رقمی بین ۱۶ تا بیش از ۴۰ هزار شهروند، مجروح شدن ده ها هزار نفر و بازداشت ده ها هزار تن دیگر حکایت دارد. «کیهان لندن» تلاش کرده در مجموعه گزارش هایی مشاهدات عینی شهروندان حاضر در اعتراضات، در شهرها و مناطق مختلف، را بازتاب دهد تا به عنوان بخشی از مستندات تاریخ انقلاب ملی ایرانیان علیه جمهوری اسلامی ثبت شود. برای حفظ امنیت شهروندان راوی، از نام مستعار برای آنها استفاده شده است. آمارها نشان می دهد اعتراضات دی ۴۰۴ با حضور مردم

بخش پنجم؛ سرکوب کودکان؛ «پسرم را مجبور به امضای برگه‌های اعترافاتی کردند که از محتوای آن خبر نداشت»

● خبرگزاری «هرانا» هویت ۱۴۶ کودک جان‌باخته در اعتراضات را احراز کرده اما پیش‌بینی می‌شود شمار کودکانی که در جریان اعتراضات جان خود را از دست دادند بیش از آمارهایی باشد که تا کنون منتشر شده است.

● گزارش‌ها درباره کودکان جان‌باخته نشان می‌دهد مأموران جمهوری اسلامی با همان خشونت و قساوتی که شهروندان بزرگسال را هدف قرار می‌دادند کودکان را هم به قصد گشت هدف گلوله قرار می‌دادند.

● سینا اشکبوسی، نوجوان ۱۶ ساله و تک فرزند خانواده شامگاه ۱۸ دی‌ماه با دیگر نوجوان هم‌سن و سالش به پارک محله در خیابان ۱۹۶ شرقی تهرانپارس رفتند ... مأموران حکومتی آمدند و در ناباوری به سوی نوجوانان اسلحه گشودند و آنها را به رگبار بستند. تیر به سینه سینا اصابت کرد و در آغوش مادرش جان باخت.

● «بیش از ۱۰ روز حتی از محل نگهداری فرزندانم خبر نداشتیم و بعد فهمیدیم او را به همراه تعداد زیاد دیگری از بازداشت‌شدگان در یک سیلو نگه می‌دارند. افراد بالای ۱۸ سال هم در بین افرادی که در این سیلو نگهداری می‌شوند هستند اما اغلب زیر ۲۵ سال هستند.»

● «پسرم و چند نوجوان دیگر را زیر کتک مجبور کرده‌اند برگه اعترافاتی را امضا کنند که از محتوای نوشته‌ها خبر نداشته‌اند. این موضوع نگرانی ما و بقیه والدین را درباره حکم صادر شده علیه فرزندانمان بر اساس اعترافات اجباری افزایش داده است.»

● بخشی از کودکان در جریان اعتراضات در خیابان بازداشت نشده‌اند بلکه بعد از سرکوب اعتراضات خیابانی و طی روزهای گذشته، در پی شناسایی از سوی نهادهای امنیتی به شکلی خشونت‌بار بازداشت شده‌اند. در برخی موارد خانواده‌ها از سرنوشت فرزندان خود بی‌اطلاع هستند.

● یک آموزگار به «کیهان لندن» گفته «نهادهای امنیتی تلاش کردند مسئولان مدارس را زیر فشار بگذارند که دانش‌آموزانی که غیبت داشته و احتمالا زخمی بوده‌اند را گزارش دهند یا اگر معلمان و مدیران متوجه شدند دانش‌آموزی ساچمه خورده او را گزارش دهند. البته اغلب معلمان و مدیران این کار را نکردند.»

● این آموزگار افزوده «در نبود آموزش و عدم حمایت‌های لازم نگران این هستم که موجی از خودکشی میان نوجوانان و جوانان در پی این کشتار وحشیانه و غمی که روی دل جامعه سنگینی می‌کند به راه بیافتد. حالا در این شرایط تشدید فشارهای امنیتی روی دانش‌آموزان می‌تواند محرکی برای افزایش انگیزه خودکشی باشد.»

روشنک آسترکی - بر اساس گزارش‌ها تا کنون هویت دست‌کم ۱۴۶ کودک جان‌باخته در اعتراضات دی‌۴۰۴ احراز شده است. ده‌ها کودک در خیابان بازداشت شده و شماری از کودکان نیز پس از پایان اعتراضات خیابانی و در روندی که از سوی خانواده‌ها «ربایش» خوانده شده بازداشت شده و از وضعیت آنها اطلاعی در دست نیست.

با گذشت بیش از یک ماه از آغاز اعتراضات دی‌۴۰۴

امنیتی تلاش کردند او را به عنوان «بسیجی» جا بزنند که توسط معترضان کشته شده اما پایداری خانواده حمیدرضا و اسنادی که دوستانش منتشر کردند این سناریو را باطل کرد. ویدئویی که در آن حمیدرضا روی موتور نشسته و ترانه «بارون اومد و یادم داد ...» را می‌خواند در سال ۱۴۰۱ و پس از جانباختن او ویرال شد.

شهریار می‌گوید در اعتراضات امسال در آریاشهر هم دو جوان دیگر در کوچه‌ای که خانه حمیدرضا روحی در آن قرار داشت جان‌باختند.

با وجود سرکوب شدید اعتراضات آریاشهر در شامگاه جمعه ۱۹ دی و به رگبار بستن شماری از مردم، اما باز معترضان پایداری کردند و در شب سوم، ۲۰ دی، به خیابان‌ها آمدند؛ مأموران جمهوری اسلامی هم آماده برای جلوگیری از برگزاری تظاهرات.

شهریار می‌گوید: «در شب سوم وقتی جمعیت به شهرزیا رسیدند نیروی انتظامی و بسیج مستقر شده بود و با گاز اشک‌آور و تفنگ ساچمه‌ای شروع کردند. چند نفر ساچمه خوردند و زخمی شدند. یک دفعه لیزر سبز رنگ از آسمان و زمین روی ما افتاد و شلیک کردند. غی‌دونم چطور تیر به من نخور و سالم موندم چون تیراندازی شدید و بی‌وقفه بود. مجبور شدم با بقیه فرار کنم. فقط می‌دویدیم. به خیابانی دورتر از محل تیراندازی رسیدیم و همچنان می‌دویدیم. چند لباس شخصی با کلت و اسلحه‌های دیگری بودند که حمله کردند و افتادند دنبلمان. غی‌دانم از کجا رسیدند و آمدند اما ما توانستیم فرار کنیم. بیشتر مردم آنجا را با سطل آشغال و تابلوهای راهنمایی‌راندگی راه بندان کرده بودند و همین سرعت مأموران لباس‌شخصی را گرفت. نرسیدند به ما ولی شروع به شلیک کردند. یکی از ما چندین نفری که همچنان بدون اینکه همدیگر را بشناسیم مسیری طولانی را در خیابان‌های شهر زیبا دویده و فرار کرده بودیم تیر خورد. پشت سر من بود. برگشتم که برم کمک اما اطرافیان گفتند بیا بیا و من فرار کردم. هنوز عذاب وجدان دارم. چند شب برای اینکه برگشتم نجاتش بدهم خوابم نمی‌برد. هر چند مطمئنم من بر می‌گشتم هم تیر می‌خوردم چون مأموران چند نفر و همگی مسلح بودند.

شهریار می‌گوید سه‌شب سرکوب مسلحانه و بی‌محابا کار خودش را کرد و از روز چهارم یعنی ۲۱ دی خیابان در دست نیروهای حکومتی بود: «کلی نیروی سپاهی و بسیجی با موتور و ماشین ضدشورش و مسلسل خودکار و کلاشینکف، گشت می‌زدند و فریاد «مرگ بر منافق» و «مرگ بر ضد ولایت فقیه» می‌کشیدند و مردم نتوانستند حلقه اعتراضی تشکیل بدهند. مأموران حیدر حیدر کنان و با فریاد «مرگ بر منافق» و «مرگ بر ضد ولایت فقیه» در کوچه‌ها هم گشت می‌زدند و اجازه حضور مردم در کوچه را هم نمی‌دادند و همه را به خانه‌ها می‌راندند.

شهریار می‌گوید طی شبهای هجدهم و نوزدهم دی‌ماه کشته‌ها در بلوار فردوس و آریاشهر خیلی زیاد بود بطوریکه صبح فردای این دو شب خیابانها پر از رد خون بود؛ حتی در کوچههای اطراف خیابان اصلی. می‌گوید روی پشت‌بام‌ها از جمله بالای ساختمان بانک پارسیان روبروی پاساژ گل‌دیس صادقیه تک تیرانداز مستقر شده بود و به سوی مردم شلیک میکردند.

شلیک شات‌گان ساچمه‌ای سر و نواحی جنسی شهروندان را هدف قرار می‌داد اما تیراندازی با دیگر اسلحه‌ها سر و سینه. شهریار می‌گوید هدف مأموران حکومت کشتن معترضان بود. تأکید می‌کند تیراندازی ممتد به سوی جمعیت چند هزار نفره و استقرار تک تیرانداز روی ساختمان‌ها برای متفرق کردن جمعیت نبود، برای کشتار بود.

➡ کرده بودند. یکی فریاد می‌زد پیوند شاه و ملت زنده شده، پاینده ایران، پاینده ایران، جاوید شاه، جاوید شاه ... و مردم همه یکصدا فریاد می‌زدند جاوید شاه.»

شهریار می‌گوید از حدود ساعت هشت و نیم تا یک ساعت بعدش به طرز خیلی عجیبی نیروی سرکوب ضدشورش و انتظامی رفت و فقط لباس شخصی‌ها حضور داشتند که آنها هم اقدامی نمی‌کردند. او می‌گوید آن بی‌عملی نیروی سرکوب نگرانش کرد و حدس زد که ممکن است نیروی انتظامی در حال آمادگی برای سرکوبی شدید است.

«من تا ساعت ۹ و ۴۵ در وسط جمعیت بودم که همین موقع‌ها چندین گاز اشک‌آور شلیک شد که مردم در آب انداختند و خاموش شد بعدا به چند نفر در جلوی صادقیه که تنها بودند شلیک کردند و ضرب و شتم با باتوم توسط لباس‌شخصی‌ها شروع شد. جمعیتی هم از بالای صادقیه از اشرفی اصفهانی و پونک به ما رسید و یک جمعیت هم از شهرزیا و بلوار تعاون و جنت آباد آمدند.»

او می‌گوید حدود ساعت ۱۰ شب که متوجه قطع اینترنت و قطع شدن خطوط موبایل شده به خانه برگشته است: «در شب اول سرکوب بود، هم تعدادی کشته و زخمی و هم تعدادی بازداشت شدند». او توضیح می‌دهد که اینقدر تعداد جمعیت زیاد بود که نتوانستند کشتار بزرگی انجام دهند. بازداشتی‌ها در شب اول هم بیشتر کسانی بودند که از جمعیت دور بودند. واقعا جمعیت آنقدر زیاد بود که نیروی سرکوب توان آمدن به میان جمعیت را نداشت.»

او سرکوبی که «وحشیانه» را در شب دوم شاهد بوده است: «در شب اول فراخوان هم ضد شورش و هم سپاه و نیروی انتظامی حضور داشتند به صورت مسلح که با سیل عظیم جمعیت همه جمع کردند و رفتند غی‌دونم چرا و کجا. تا زمانیکه من در جمعیت بودم بیشتر نیروهای بسیج و لباس‌شخصی سرکوب را انجام می‌دادند. اما شب دوم سرکوب خیلی شدید بود و همه نیروهای نظامی و انتظامی با هم در آریاشهر دیده می‌شدند.»

«در شب نوزدهم دی ما همه نیروها را دیدیم که حمله می‌کردند؛ نیروی انتظامی و سپاه و بسیج و ضد شورش به صورت یونیفرمدار و مسلح با اسلحه‌های کلت و مسلسل‌های خودکار و همینطور گاز اشک‌آور، اسپری فلفل، شوکر برقی و ... حتی لباس شخصی‌های مسلح با سلاح گرم و سرد آمدند به خصوص در صادقیه. اول شلیک با انواع اسلحه گرم و بعد با مسلسل خودکار شروع به شلیک کردند. باورکردنی نبود. مردم ردیف ردیف روی زمین می‌افتادند.»

او می‌گوید فقط چند نفر در محله آنها کشته شده‌اند، ده‌ها نفر در همین محله مجروح و بازداشت هستند و حداقل سه خانواده را می‌شناسد که فرزندانشان مفقودالاثرا هستند؛ نه در میان کشته‌ها و نه در سردخانه‌ها بوده‌اند، نه در بازداشتگاه‌ها و نه در بیمارستان‌ها.

شهریار می‌گوید محسن دربندی و عرفان عبدی‌پور از جان‌باختگان خیابان محل سکونت او هستند. او شاهد کشته شدن یک پیرمرد بوده که در کنار مسجد خیابان نوروزی برای نجات یک دختر جوان که مأموران در حال بازداشتش بودند وارد عمل شد و هدف گلوله مأموران قرار گرفت و جان باخت.

شهریار که در اعتراضات ۱۴۰۱ نیز حضور داشته می‌گوید این پیرمرد دقیقا در همان نقطه‌ای هدف قرار گرفت که حمیدرضا روحی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان باخت. دو هم محله‌ای در سالهای ۱۴۰۱ و ۱۴۰۴ در یک نقطه مشخص و مقابل مسجد خیابان نوروزی آریاشهر توسط جمهوری اسلامی کشته شدند. حمیدرضا روحی دانشجوی ۱۹ ساله و از جانباختگان اعتراضات ۱۴۰۱ بود که نیروهای

دارند. سازمان عفو بین‌الملل همچنین خواستار اقدام فوری نهادهای بین‌المللی در اینباره شد.

«کیهان لندن» توانسته با خانواده یک نوجوان ۱۷ ساله بازداشت‌شده در شهر اهواز گفت‌وگو کند. این نوجوان در جریان اعتراضات ۱۹ دی‌ماه در محله کیانپارس بازداشت شده است و خانواده به دلیل نگرانی از تشدید فشارها



بر فرزندشان خواسته‌اند نام او منتشر نشود. والدین این نوجوان موفق شده‌اند چهارشنبه هفتم بهمن‌ماه فرزندشان را به مدت ۱۵ دقیقه ملاقات کنند.

مادر این نوجوان می‌گوید فرزندش بعد از بازداشت به همراه تعداد دیگری نوجوان و جوانان حدود ۲۰ تا ۲۳ سال مورد ضرب‌وجرح قرار گرفتند تا اعتراف اجباری کنند: «با شلنگ و لوله پلیکا بچه‌ها را زده‌اند. کتکشان هم زده بودند. پسر می‌گفت یک پسر نوجوان بعد از آنکه با سیلی توی گوشش زدند دچار آسیب شده و از گوشش خون آمده با اینحال او را به درمانگاه نبرده‌اند و تا آن روزی که ما پسرمان را ملاقات کردیم آن نوجوان را به درمانگاه نبرده بودند. پسر ما هم زده بودند. بچه من فقط مدرسه می‌رفت. نه عضو گروهی بود نه با جریانی کار می‌کرد اما باورتان می‌شود که بچه نوجوان را بازجویی کردند که اعتراف کند با اسرائیل همکاری داشته یا نه.»

این مادر می‌گوید برای فرزندش پرونده قضایی تشکیل شده و چهارشنبه در دادگاه بازپرسی داشته و باید منتظر تاریخ برگزاری دادگاه باشد: «ما هنوز نمی‌دانیم اتهام بچه ما چیست. اجازه نداده‌اند وکیل انتخابی داشته باشیم. توضیحی هم ندادند. در بازپرسی گفتند وقتش که برسد خودشان وکیل تسخیری می‌دهند یا ما می‌توانیم از وکلای مورد تأیید قوه قضاییه یکی را انتخاب کنیم. وکلایی که می‌گویند اغلب قبلاً بازجو یا قاضی یا بازپرس بوده‌اند. یعنی از خودشان هستند. چطور اعتماد کنیم؟»

پدر این نوجوان به «کیهان لندن» می‌گوید «بیش از ۱۰ روز حتی از محل نگهداری فرزندمان خبر نداشتیم و بعد فهمیدیم او را به همراه تعداد زیاد دیگری از بازداشت‌شدگان در یک سیلو نگه می‌دارند. افراد بالای ۱۸ سال هم در بین افرادی که در این سیلو نگهداری می‌شوند هستند اما اغلب زیر ۲۵ سال هستند. آن روزی که ما پسرمان را ملاقات کردیم در دادرسی بود و گفتند به کانون اصلاح و تربیت می‌رود اما هنوز منتقل نشده است.»

مرجع ملی حقوق کودک» روز یکشنبه ۱۲ بهمن بازداشت شماری کودک در جریان اعتراضات را تأیید کرد.

وزیر دادگستری دولت پزشکیان بدون اعلام تعداد نوجوانان بازداشت‌شده گفته «تعدادی از افراد زیر سن ۱۸ سال که در زمان حوادث اخیر در صحنه بوده و توسط ضابطین آن زمان دستگیر شده‌اند، سریعاً در دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان

تهران، تعیین تکلیف و تحویل خانواده‌هایشان شدند.» او همچنین مدعی شده «عده کمی از افراد بازداشت‌شده که ۱۶ تا ۱۸ سال سن دارند در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند که پرونده آنها نیاز به تحقیقات داشته و آنها نیز پس از تکمیل تحقیقات و ارائه وثایق قانونی به زودی آزاد می‌شوند.»

دو روز پیش، کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی با تأیید بازداشت شماری دانش‌آموز زیر ۱۸ سال در جریان اعتراضات از بی‌پاسخ ماندن نامه این کمیسیون به فرماندهی نیروی انتظامی در مورد دانش‌آموزان کشته‌شده و بازداشت‌شده خبر داده بود.

علیرضا منادی سفیدان، رئیس کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی، روز جمعه ۱۰ بهمن به خبرگزاری «ایلنا» گفته در این نامه علاوه بر سؤال در مورد دانش‌آموزان بازداشت‌شده، درباره آمار دانش‌آموزان کشته و مجروح‌شده نیز سؤال شده، «اما تاکنون پاسخی به این نامه دریافت نکرده‌ایم». فرشاد ابراهیم‌پور نورآبادی، نایب‌رئیس کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی، نیز گفته «آنچه مسلم است، در میان این افراد، تعدادی دانش‌آموز زیر ۱۸ سال وجود دارند». فرشاد ابراهیم‌پور همچنین در واکنش به موضع اخیر وزارت آموزش و پرورش مبنی بر این‌که «بیشتر بازداشت‌شدگان بازمانده از تحصیل بوده‌اند و تنها در سن دانش‌آموزی قرار داشتند»، گفته «مطابق قوانین، تمام افراد در سن پیش‌دستانی تا پایه دوازدهم دانش‌آموز محسوب می‌شوند.»

شرایط نگهداری و فشارهای روانی و شکنجه نوجوانان بازداشت‌شده اما با هشدارهای نهادهای حقوق بشری روبرو شده است.

سازمان عفو بین‌الملل روز شنبه ۱۱ بهمن‌ماه با انتشار هشدار فوری اعلام کرد هزاران نفر از جمله کودکان که در جریان اعتراضات به‌طور خودسرانه بازداشت شده‌اند، در معرض شکنجه شدید، بدرفتاری و محاکمات ناعادلانه منجر به زندان طولانی‌مدت و مجازات اعدام توسط حکومت قرار

→ آمار دقیق جان‌باختگان، مجروحان و بازداشت‌شدگان مشخص نیست اما خبرگزاری حقوق بشری «هرانا» در آخرین آمار به‌روزرسانی شده درباره اعتراضات دی ۴۰۴ هویت ۱۴۶ کودک زیر ۱۸ سال جان‌باخته در اعتراضات را تأیید کرده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران نیز دهم بهمن‌ماه با انتشار گزارشی با عنوان «نیمکت‌های خالی» نام ۱۰۰ دانش‌آموزی را که در جریان سرکوب اعتراضات دی‌ماه به دست مأموران حکومت جمهوری اسلامی جان‌باخته‌اند، تأیید و منتشر کند.

آمارهای منتشر شده از سوی خبرگزاری «هرانا» و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران مربوط به موارد احراز هویت شده است؛ این در حالیست که قطع اینترنت و تهدید خانواده‌ها از سوی نهادهای امنیتی روند اطلاع‌رسانی درباره همه کودکان جان‌باخته در اعتراضات را با اختلال روبرو کرده است. در نتیجه پیش‌بینی می‌شود شمار کودکانی که در جریان اعتراضات جان خود را از دست دادند بیش از آمار باشد که تا کنون منتشر شده است.

در این میان علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش روز گذشته اعلام کرده که آمار دانش‌آموزان جان‌باخته در اعتراضات هنوز مشخص نیست و «چون در شهرها و بخش‌های مختلف این اتفاق افتاده آمار دقیق و رسمی هنوز اعلام نشده است.»

وزارت آموزش و پرورش البته با سلب مسئولیت درباره سرنوشت بخشی از کودکان جان‌باخته و بازداشت‌شده اعلام کرده شماری از نوجوانان بازداشت‌شده ترک تحصیل کرده بودند و دانش‌آموز به شمار نمی‌آمدند!

این موضوع را سمیه سادات ابراهیمی مدیرکل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی وزارت آموزش و پرورش گفته است. او همچنین افزوده شرکت بخشی از دانش‌آموزان در اعتراضات نیز «به دلیل هیجانات بوده یعنی رسانه‌های معاند بر هیجانات نوجوانان سوار شدند!»

گزارش‌ها درباره کودکان جان‌باخته نشان می‌دهد مأموران جمهوری اسلامی با همان خشونت و فساداتی که شهروندان بزرگسال را هدف قرار می‌دادند کودکان را هم به قصد گشت هدف گلوله قرار می‌دادند.

سینا اشکبوسی، نوجوان ۱۶ ساله و تک فرزند خانواده‌ای میهن‌دوست، در تهرانپارس از جمله کودکانی است که هدف گلوله مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفت و جان باخت. یک منبع آگاه به «کیهان لندن» گفته سینا با دیگر نوجوان هم‌سن و سالش شامگاه ۱۸ دی‌ماه به پارک محله در خیابان ۱۹۶ شرقی تهرانپارس رفتند و همانجا تجمع کرده و شعار می‌دادند. مأموران حکومتی رسیدند و در ناباوری به سوی نوجوانان اسلحه گشودند و آنها را به رگبار بستند.»

به گفته این منبع آگاه، هدفگیری مأموران سینه و سر جمعیت بود؛ سینا یک گلوله به قلبش اصابت کرد. پدر و مادرش که در محل حضور داشتند به سرعت او را به بیمارستان فلکه سوم تهرانپارس رساندند اما او در آغوش مادرش جان باخت.

این منبع آگاه با بیان اینکه «سینا تک فرزند خانواده و پسری باهوش، نخبه و مهربان بود» گفته پس از جانباختن سینا مأموران پیکر او را با شرط برگزاری مراسم در خلوت و سکوت به والدینش تحویل دادند و مراسم خاکسپاری این نوجوان زیر فشار امنیتی برگزار شد.

در آنسو شمار زیادی از نوجوانان نیز بازداشت شده‌اند که آمار دقیقی از آنها هم در دست نیست. امین حسین رحیمی وزیر دادگستری و رئیس «شورای سیاست‌گذاری

ضرورت حمایت هرچه قوی‌تر از فراخوان شاهزاده رضا پهلوی در ۱۴ فوریه



مختلف برای «آمادگی به رسمیت شناختن دولت انتقالی مشروع برای گذار ایران به دموکراسی»، مهم‌ترین خواست این فراخوان است. این بند پیام روشنی دارد: ایران پس از جمهوری اسلامی قرار نیست به هرج و مرج یا جنگ داخلی کشیده شود و به کانون بحرانی جدید در خاورمیانه تبدیل گردد.

● ماده ششم و تأکید بر «دولت انتقالی» نشان می‌دهد که رضا پهلوی به‌خوبی به ضرورت ایجاد و تأسیس چنین دولتی آگاه است و می‌داند در صورت اعلام رسمی آن، نقش او به‌عنوان رهبر آلترناتیو از سوی کشورهای مختلف جهان، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و متحدانش، بسیار جدی‌تر گرفته خواهد شد.

حنیف حیدرژاد- رضا پهلوی در پیام خود با عنوان «روز جهانی اقدام در همبستگی با انقلاب شیروخورشید ایران»، در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۴۰۴ / ۲ فوریه ۲۰۲۶، خطاب به «ایرانیان خارج از کشور و آزادی‌خواهان جهان»، از آنان درخواست کرد «شنبه ۱۴ فوریه، در همراهی با مردم ایران به پا خیزید» و تأکید کرد: «همبستگی شما اهمیت دارد. وقتی متحد باشیم، دولت‌ها ناچار به شنیدن‌اند.»

پس از راهپیمایی‌های بزرگ ده‌ها هزار نفره ایرانیان در دو هفته گذشته در شهرهای مختلف جهان، چنین فراخوانی، به‌ویژه با مشخص کردن سه شهر «مونبخ، لس‌آنجلس و تورنتو» به‌عنوان شهرهای اصلی برای تمرکز جمعیت، اقدامی بسیار به‌موقع است. مردم ایران - چه در داخل و چه در خارج از کشور - هنوز در داغ سنگین ده‌ها هزار هموطن خود که به فرمان خامنه‌ای و توسط جنایتکاران سپاه، بسیج و نیروهای نیابتی رژیم در دی ماه گذشته کشته شده‌اند، در سوگ و اندوه به سر می‌برند. حمایت ایرانیان از هموطنان مبارز در داخل کشور به آنان روحیه داده و این پیام را منتقل می‌کند، که تنها نیستند.

حضور ایرانیان خارج از کشور در تظاهرات بزرگ،

● رضا پهلوی در پیام خود با عنوان «روز جهانی اقدام در همبستگی با انقلاب شیروخورشید ایران»، در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۴۰۴ / ۲ فوریه ۲۰۲۶، خطاب به «ایرانیان خارج از کشور و آزادی‌خواهان جهان»، از آنان درخواست کرد «شنبه ۱۴ فوریه، در همراهی با مردم ایران به پا خیزید» و تأکید کرد: «همبستگی شما اهمیت دارد. وقتی متحد باشیم، دولت‌ها ناچار به شنیدن‌اند.»

● حضور ایرانیان خارج از کشور در تظاهرات بزرگ، امتداد مبارزه مردم داخل کشور است. این حضور از یکسو صدای مردم ایران و «نه» بزرگ آنان به حکومت اسلامی، علی‌خامنه‌ای و رژیمش را بازتاب می‌دهد و از سوی دیگر، با تأکید بر رهبری رضا پهلوی به‌عنوان «رهبر دوران گذار»، به جهانیان نشان می‌دهد که بخش بزرگی از مردم ایران از او حمایت کرده و او بیشترین و منسجم‌ترین میزان حمایت مردمی را در میان هر شخصیت یا حزب اپوزیسیون با خود دارد.

● ماده اول تأکیدی است بر ضرورت «مداخله بشردوستانه» برای حمایت از مردم ایران که از طریق هدف قرار دادن رهبران و فرماندهان حکومت و تخریب مراکز نظامی، انتظامی و اطلاعاتی رژیم امکان‌پذیر است. این بند، یادآوری مستقیم به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا است که پیشتر حمایت خود از مردم ایران را وعده داده بود.

● ماده پنجم، یعنی درخواست «آزادی فوری همه زندانیان سیاسی»، نشان می‌دهد که رضا پهلوی به‌عنوان رهبر دوران گذار، رویکردی فرا حزبی، فرا جناحی و فرامسلکی دارد. این ماده فرصتی است برای همه نیروهای دموکراتیک که به آینده ایران و نجات کشور می‌اندیشند تا این فراخوان را به‌عنوان فرصتی برای حمایت از رضا پهلوی تلقی کرده و فارغ از اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک، از او پشتیبانی کنند.

● ماده ششم، یعنی درخواست از رهبران کشورهای

او از فرزندش شنیده که در جریان بازجویی بعضی از کودکان به اعدام تهدید شده‌اند. همچنین می‌گوید «پسرم و چند نوجوان دیگر را زیر کتک مجبور کرده‌اند زیر فشار و تهدید برگه‌های اعتراضی را امضا کنند که از محتوای نوشته‌ها خبر نداشته‌اند. این موضوع نگرانی ما و بقیه والدین را درباره حکم صادر شده علیه فرزندانشان بر اساس اعترافات اجباری افزایش داده است.»

بخشی از کودکان در جریان اعتراضات در خیابان بازداشت نشده‌اند بلکه بعد از سرکوب اعتراضات خیابانی و طی روزهای گذشته، در پی شناسایی از سوی نهادهای امنیتی به شکلی خشونت‌بار بازداشت شده‌اند. در برخی موارد خانواده‌ها از سرنوشت فرزندان خود بی‌اطلاع هستند.

در همین رابطه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران گزارش داده روز پنجشنبه ۹ بهمن‌ماه مأموران امنیتی یک نوجوان هفده ساله به نام عرفان جوادی را در مقابل منزلش در دهدشت بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کرده‌اند.

این نهاد صنفی افزوده «تاسو کیخسروی، ۱۷ ساله و اهل جوانرود، سه روز پس از بازداشت توسط نیروهای امنیتی همچنان ناپدید است و هیچ اطلاعی از وضعیت جسمی، روانی و محل نگهداری او در دست نیست.»

در گزارشی دیگر از سوی این تشکل آمده علی عیوضی، دانش‌آموز ۱۶ ساله اهل باغملک استان خوزستان، در بامداد ۱۹ دی در جریان یورش بیش از ۶۰ نیروی نقاب‌دار و مسلح به خانه‌اش بازداشت شده و هم‌اکنون تحت بازجویی قرار دارد. این گزارش افزوده نیروهای امنیتی او را تحت فشار گذاشته‌اند تا علیه برخی از نزدیکانش اعتراف کند.

یک آموزگار در استان تهران در گفت‌وگو با «کیهان لندن» موضوع بازداشت نوجوان در روزهای گذشته را تأیید کرده و گفته «حتی نهادهای امنیتی تلاش کردند مسئولان مدارس را زیر فشار بگذارند که دانش‌آموزانی که غیبت داشته و احتمالاً زخمی بوده‌اند را گزارش دهند یا اگر معلمان و مدیران متوجه شدند دانش‌آموزی ساچمه خورده او را گزارش دهند. البته اغلب معلمان و مدیران این کار را نکردند.»

او افزوده «در مدرسه ما این اتفاق نیفتاد اما خبر داریم در چند دبیرستان دانش‌آموزان را مقابل مدرسه و یا در راه مدرسه بازداشت کرده‌اند. در بین بازداشت‌شدگان هم دختر بوده و هم پسر. یکی از مسائل دیگری که نهادهای امنیتی روی آن حساس بودند برگزاری هر گونه یادبودی در مدرسه برای دانش‌آموزان جان‌باخته بوده است. بعضی از دانش‌آموزان هم که در شبکه‌های اجتماعی عکس و مطالب درباره اعتراضات و جاویدنامان منتشر کرده بودند با تماس تهدیدآمیز پلیس فتا روبرو شدند.»

این آموزگار تأکید می‌کند «نوجوانان بعد از اعتراضات به شدت زیر فشار روانی هستند. من مشخصاً در میان دانش‌آموزان خودم شاهد موجی از رنج و خشم همزمان هستم. فکر می‌کنم این بچه‌ها هم مثل بزرگسالان و اغلب مردم حال و روز خوبی ندارند. با این تفاوت که در نبود آموزش و عدم حمایت‌های لازم نگران این هستم که موجی از خودکشی میان نوجوانان و جوانان پس از این کشتار وحشیانه و غمی که روی دل جامعه سنگینی می‌کند به راه بیافتد. حالا در این شرایط تشدید فشارهای امنیتی روی دانش‌آموزان می‌تواند محرکی برای افزایش انگیزه خودکشی باشد. متأسفانه نظام آموزشی در اینباره کاملاً منفعل است و وضعیت نوجوانانی که شاهد این سرکوب بوده‌اند، آسیب دیده‌اند، یکی از اعضای خانواده، دوستان یا آشنایانشان کشته شده‌اند، و به طور کلی تحقیر شده‌اند به عقیده من هشدراآمیز است.»

واکنش یک حقوقدان به سومین بیانیه ۱۷ فعال سیاسی و فرهنگی: سرنگونی جمهوری اسلامی و اجرای رفراندوم نیازمند یک استراتژی روشن است

● مهدی محمودیان، عبدالله مومنی و ویدا ربانی
سه تن از نویسندگان بیانیه معروف به ۱۷ تن روز شنبه
۱۱ بهمن توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان
نامعلومی منتقل شدند.

● نویسندگان این بیانیه خطاب به «مردم شریف، شجاع
و داغدار ایران»، نوشتند مسئول اصلی وقایع هولناک دی
ماه ۱۴ شخص علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی و
ساختار فاسد نظام حاکم است.

● امضاکندگان تنها راه نجات ایران را «در محاکمه
تمامی آمران و عاملان دستگاه سرکوب و پایان بخشی به
نظام ناجمهوری و غیر انسانی حاکم» دانسته‌اند تا «با
تشکیل جبهه فراگیر ملی برای برگزاری رفراندوم و تشکیل
مجلس مؤسسان، همه مردم ایران از تمام سلاقی سیاسی
توانند در فرآیند دموکراتیک و آگاهانه برای آینده
سیاسی خود تصمیم بگیرند».

● حسین رئیسی حقوقدان می‌گوید: «با وجود این که در
بیانیه گفته می‌شود که دواطلبانه امکان برگزاری رفراندوم
نیست اما راهی هم برای زمینه‌سازی برای برگزاری رفراندوم
ارائه می‌دهد».

● به گفته حسین رئیسی «نیروهای سیاسی باید توجه
کنند ما نیاز به استراتژی داریم که به زمان صدور دستور و
اجرای رفراندوم برسیم، اجرای رفراندوم هم بدون سرنگونی
تا زمان بقای جمهوری اسلامی ممکن نیست».

فیروزه نوردستروم - هشتم بهمن ۱۴۰۴، ۱۷ تن از
فعالان مدنی، حقوق‌دانان، هنرمندان و کنشگران سیاسی
سومین بیانیه خود درباره تحولات سیاسی ایران را منتشر
کردند.

دیوانروپسی مردم در جریان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱
نویسندگان این بیانیه خطاب به «مردم شریف، شجاع
و داغدار ایران»، نوشتند مسئول اصلی وقایع هولناک
دی ماه ۱۴ شخص علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی
و ساختار فاسد نظام حاکم است. امضاکندگان تنها راه
نجات ایران را «در محاکمه تمامی آمران و عاملان دستگاه
سرکوب و پایان بخشی به نظام ناجمهوری و غیر انسانی
حاکم» دانسته‌اند تا «با تشکیل جبهه فراگیر ملی

گذار، رویکردی فراجزبی، فراجحای و فرامسلکی دارد. این
ماده فرصتی است برای همه نیروهای دموکراتیک که به
آینده ایران و نجات کشور می‌اندیشند تا این فراخوان را
به‌عنوان فرصتی برای حمایت از رضا پهلوی تلقی کرده و فارغ
از اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک، از او پشتیبانی کنند.

مهمترین خواست

ماده ششم، یعنی درخواست از رهبران کشورهای مختلف
برای «آمادگی به رسمیت شناختن دولت انتقالی مشروع برای
گذار ایران به دموکراسی»، مهم‌ترین خواست این فراخوان
است. این بند پیام روشنی دارد: ایران پس از جمهوری
اسلامی قرار نیست به هرج‌ومرج یا جنگ داخلی کشیده
شود و به کانون بحرانی جدید در خاورمیانه تبدیل گردد.
برای کشورهای دموکراتیک غربی که مخاطبان اصلی این پیام
هستند، دانستی مسیر آینده ایران پس از جمهوری اسلامی و
علی خامنه‌ای اهمیت اساسی دارد. آنان می‌خواهند بدانند
آیا نیرویی یا شخصیتی سیاسی وجود دارد که بتواند خلأ
قدرت پس از جمهوری اسلامی را پر کند؛ نیرویی که از
حمایت واقعی مردم برخوردار باشد.

رضا پهلوی این نگرانی جامعه جهانی را به‌درستی تشخیص
داده است. از همین رو، حضور هرچه پرشمارتر ایرانیان
خارج از کشور در ۱۴ فوریه، به‌ویژه در سه شهر اعلام‌شده،
و حمایت گسترده‌تر نیروهای سیاسی مختلف، موقعیت
رضا پهلوی را به‌نمایدگی از بخش بزرگی از مردم ایران در
گفت‌وگوهای آتی با دولت‌های غربی تقویت خواهد کرد.

اشاره ای به یک کمبود

اما در ارتباط با همین ماده ششم، نکته مهم دیگری
نیز جلب توجه می‌کند. وقتی در این پیام از «آمادگی
به رسمیت شناختن دولت انتقالی مشروع برای گذار ایران
به دموکراسی» سخن گفته می‌شود، هر سیاستمداری
بلافاصله خواهد پرسید: «کدام دولت انتقالی؟» اگر منظور،
دولت انتقالی پس از سرنگونی جمهوری اسلامی است، این
موضوع نیازمند شفاف‌سازی بیشتر است. اما اگر منظور
دولتی انتقالی است که هم‌اکنون تأسیس شده، وجود دارد و
آماده است تا بلافاصله خلأ قدرت را پر کرده و با طرف‌های
غربی وارد گفت‌وگو و مذاکره شود، در این صورت پرسش
سیاستمداران، روزنامه‌نگاران و افکار عمومی - از جمله
ایرانیان حامی رضا پهلوی - این خواهد بود که چنین دولتی
کجاست، اعضای آن چه کسانی هستند و چگونه می‌توان با
آن ارتباط برقرار کرد؟

ماده ششم و تأکید بر «دولت انتقالی» نشان می‌دهد
که رضا پهلوی به‌خوبی به ضرورت ایجاد و تأسیس چنین
دولتی آگاه است و می‌داند در صورت اعلام رسمی آن، نقش
او به‌عنوان رهبر آلترناتیو از سوی کشورهای مختلف جهان،
به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و متحدانش، بسیار جدی‌تر گرفته
خواهد شد. در واقع، ماده ششم در عین آن که قوی‌ترین بخش
این مطالبات است، کمبود و نقطه ضعفی را نیز آشکار می‌کند
که ضرورت دارد هرچه سریع‌تر برطرف شود. شاید روز ۱۴
فوریه، یا چند روز پیش از آن، بهترین زمان برای اعلام «دولت
انتقالی» باشد. چنین اقدامی نه تنها موقعیت رضا پهلوی در
برابر کشورهای غربی را تقویت می‌کند، بلکه به مردم در داخل
و خارج کشور نیز امید بیشتری می‌دهد که شمارش معکوس
پایان این رژیم ضدایرانی آغاز شده است.

در صورت اعلام دولت موقت، رضا پهلوی نشان خواهد
داد که اگر از دولت‌های خارجی درخواست «اقدام» می‌کند،
خود نیز پیش‌تر چنین «اقدام» راهبردی و مهمی را آغاز
کرده است.

→ امتداد مبارزه مردم داخل کشور است. این حضور
از یکسو صدای مردم ایران و «نه» بزرگ آنان به حکومت
اسلامی، علی خامنه‌ای و رژیمش را بازتاب می‌دهد و از
سوی دیگر، با تأکید بر رهبری رضا پهلوی به‌عنوان «رهبر
دوران گذار»، به جهانیان نشان می‌دهد که بخش بزرگی از
مردم ایران از او حمایت کرده و او بیشترین و منسجم‌ترین
میزان حمایت مردمی را در میان هر شخصیت یا حزب
اپوزیسیون با خود دارد.

شرکت هرچه گسترده‌تر ایرانیان خارج از کشور در این روز
و در این تظاهرات، به‌ویژه در سه شهری که اعلام شده‌اند،
از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.



رضا پهلوی در فراخوان خود می‌نویسد:
«برای واداشتن جامعه جهانی به اقدام عملی و فوری در
حمایت از ملت ایران.
شش مطالبه روشن ما:

- ۱- درهم‌شکستن ماشین سرکوب رژیم و حفاظت از مردم ایران
- ۲- قطع کامل منابع مالی رژیم
- ۳- آزادی اینترنت و ارتباطات برای مردم ایران
- ۴- اخراج «دیپلمات‌های رژیم و پیگرد جنایتکاران
- ۵- آزادی فوری همه زندانیان سیاسی
- ۶- آمادگی به رسمیت شناختن دولت انتقالی مشروع برای
گذار ایران به دموکراسی».

ضرورت «مداخله بشردوستانه» و یادآوری به ترامپ

ماده اول تأکیدی است بر ضرورت «مداخله بشردوستانه»
برای حمایت از مردم ایران که از طریق هدف قرار دادن
رهبران و فرماندهان حکومت و تخریب مراکز نظامی،
انتظامی و اطلاعاتی رژیم امکان‌پذیر است. این بند،
یادآوری مستقیم به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات
متحده آمریکا است که پیشتر حمایت خود از مردم ایران را
وعده داده بود؛ هرچند در این پیام، فراتر از ایالات متحده،
همه کشورهای آزاد مورد خطاب قرار گرفته‌اند. چنین
درخواستی از سوی رضا پهلوی و راهپیمایی احتمالا میلیونی
ایرانیان در روز ۱۴ فوریه در حمایت از او، دست دونالد
ترامپ و دیگر رهبران جهان را باز می‌کند تا در برابر افکار
عمومی کشورهای خود، از نظر حقوقی و اخلاقی، «اقدام»
نظامی علیه جمهوری اسلامی را بهتر توضیح داده و آن را به
خواست مردم ایران و رهبری اپوزیسیون ایران پیوند دهند.

رهبری فراجحای

ماده پنجم، یعنی درخواست «آزادی فوری همه زندانیان
سیاسی»، نشان می‌دهد که رضا پهلوی به‌عنوان رهبر دوران

یک اتحادی برسیم برای عبور از جمهوری اسلامی. چرا که جمهوری اسلامی تا زمانی که می‌داند برخی از کشورهای منطقه از او حمایت می‌کنند مطمئن می‌شود که امکان تغییر به سادگی نیست.»

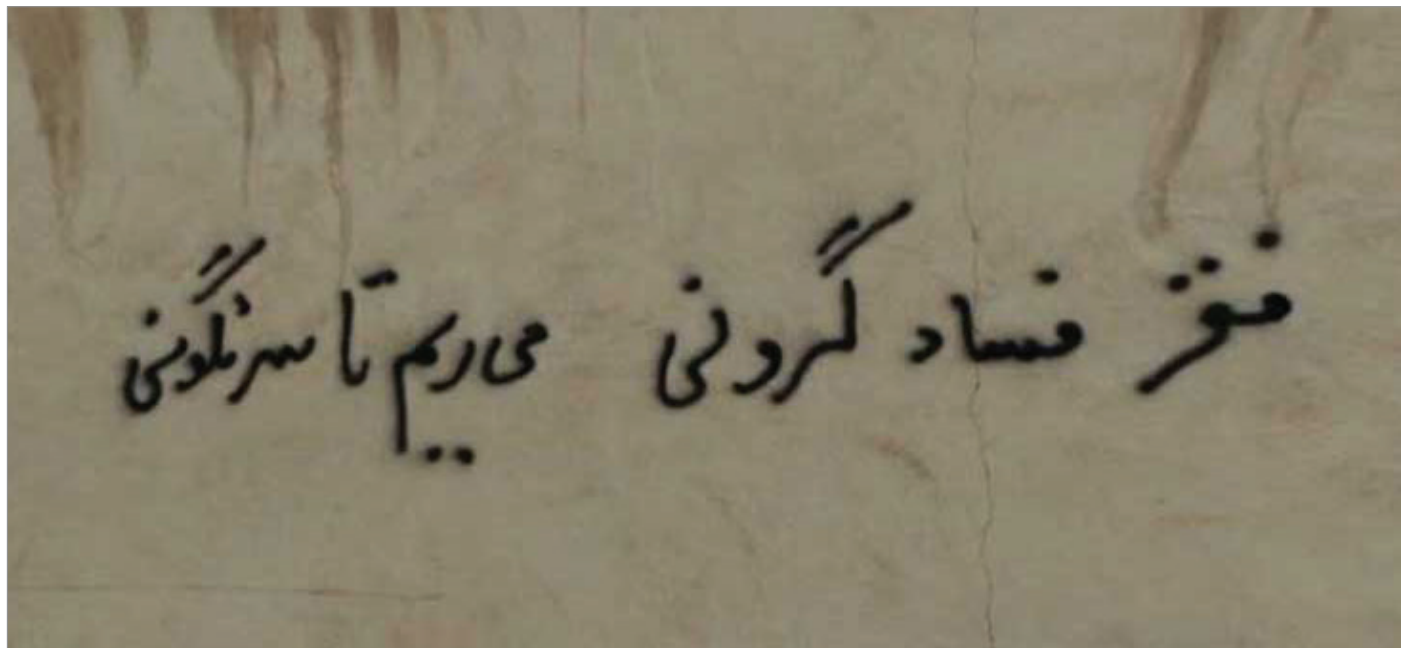
موضوع دیگری که رئیسی آن را بسیار حائز اهمیت می‌داند «تکیه بر جنایت بسیار هولناکی است که در

زمینه‌سازی برای برگزاری رفراندوم ارائه نمی‌دهد.»

این کنشگر سیاسی معتقد است: «نیروهای سیاسی باید توجه کنند ما نیاز به استراتژی داریم که به زمان صدور دستور و اجرای رفراندوم برسیم، اجرای رفراندوم هم بدون سرنگونی تا زمان بقای جمهوری اسلامی ممکن نیست، بنابراین یک فعال سیاسی در هر تفکری که قرار دارد چه

→ برای برگزاری رفراندوم و تشکیل مجلس مؤسسان، همه مردم ایران از تمام سلاقی سیاسی بتوانند در فرآیندی دموکراتیک و آگاهانه برای آینده سیاسی خود تصمیم بگیرند.»

آنها در بخشی از این بیانیه تأکید کرده‌اند: «تکرار تلخ تجارب چند دهه اخیر نشان داده است، که مانع اصلی



اعتراضات دی‌ماه» رخ داد.

به گفته وی، ما باید از این جنایت بسیار هولناک، به نحوی استفاده کنیم که خون عزیزانی که کشته شده‌اند به هیچ عنوان فراموش نشود، این خون‌ها به ما انرژی می‌دهند و ما را امیدوار می‌کنند و ثربخش هستند، از این رو نیروسازی باید حول این محور باشد به باور من، به عنوان کسی که بی طرف هستم و جانبدار هیچ گروه سیاسی نیستم و صرفا تلاش می‌کنم از نظر حقوقی بین نیروهای سیاسی ارتباط برقرار کنم.

او در ادامه توضیح می‌دهد: «من در شورای حقوقدانان برای ایران دموکراتیک، گروه بزرگی از وکلای دادگستری را دور خودمان جمع کردیم، با هم در حال فعالیت هستیم، برای ایران و برای گذار از جمهوری اسلامی و مشخصا با تأکید بر اصول حقوقی، نه سیاسی، بدون اینکه خودمان بخواهیم جانبدار باشیم، بلکه اعلام آمادگی می‌کنیم که بین همه نیروهای سیاسی میانجی‌گری کنیم و نظارت حقوقی انجام دهیم، تا امکان نزدیک شدن گروه‌های سیاسی به یکدیگر، برای هم پیمان شدن و تدوین یک استراتژی واحد برای عبور از جمهوری اسلامی بدست آید.»

او در پایان تأکید می‌کند که «ما ناچاریم به جوانان و نسل ضد ایران توجه کنیم، بدون توجه به نسل ضد و آینده و خواست آنها ما از هیچ مسیری نمی‌توانیم آینده ایران را طراحی کنیم، ضمن این که جامعه ما جامعه بسیار آسیب دیده‌است که در فضای آسیب و تروما به سر می‌برد و لازم است امید به آن داده شود، امید جامعه نباید از بین برود و امید ما را به موفقیت می‌رساند. اما من در مقامی نیستم که بتوانم آن استراتژی را به تنهایی برای سرنگونی جمهوری اسلامی تبیین کنم، بلکه نیروهای سیاسی باید در کنار یکدیگر، استراتژی عبور از جمهوری اسلامی را تبیین کنند، سپس دعوت به انتخابات آزاد و محاکمه عوامل کشتار مردم شریف ایران را داشته باشند.»

پادشاهی‌خواه و چه جمهوری‌خواه لازم است که بتواند به مردم امید بدهد و راهی ارائه کند که چگونه سرنگونی اتفاق می‌افتد، این روش، تکلیف ما را روشن می‌کند که آیا سرنگونی از طریق جنگ و دخالت خارجی ممکن است یا از طریق هدایت نیروهای داخل کشور. طبیعی است که همیشه اولویت با داخل کشور و نیروهای داخل و تمرکز بر اراده خواست و توان مردم است.»

رئییسی، با اشاره به سرکوب شدید و قتل عام بسیار فجیع مردم در اعتراضات اخیر و بهت و غم مردم در این شرایط توضیح می‌دهد: «در حقیقت لازم بود پیش از این اتفاقات، یک روشی در پیش گرفته شود تا از چنین فجایعی جلوگیری شود. البته به این معنا نیست که مسئولیت خامنه‌ای و سپاه پاسداران، نیروهای امنیتی و شورای عالی امنیت ملی در قتل و کشتار، تجاوز و بی‌حرمتی به پیکرهای جانبازان و بازداشت گسترده مردم کاهش پیدا می‌کند. مسئولیت، صرفا متوجه حکومت خامنه‌ای در راس آن و شورای عالی امنیت ملی، سه قوه و به خصوص نیروهای سپاه پاسداران و نیروهای ویژه انتظامی است، البته نیروهای سیاسی مراقبت کنند که از راهی روشن و با ارائه استراتژی روشن و گام به گام به سمت سرنگونی حرکت کنند، یکی از گام‌های موثر، اتحاد نیروهای مختلف و استفاده از امکانات مختلف است.»

این استاد حقوق بشر با تأکید بر اینکه این استراتژی باید تکیه بر دخالت نظامی نباشد توضیح می‌دهد: «البته این به این معنا نیست که مردم ایران بتوانند حکومتی که تا بن دندان مسلح است از ارتش و سپاه و نیروهای امنیتی متعدد تا بی‌شمار نیروهای اطلاعاتی را بتوانند به سادگی سرنگون کنند، بدین منظور لازم است نیروهایی باشند که با جامعه بین‌الملل در تماس باشند، منظور از جامعه بین‌الملل، آقای پرزیدنت ترامپ نیست، منظورم مجموع جامعه بین‌الملل است و همسایگان ما و کشورهای منطقه تا به

نجات ایران از مهلکه‌ی حاضر شخص علی خامنه‌ای و نظام استبداد دینی است، که هر روز بقای آن، گرد مرگ و نابودی بیشتر می‌باشد، فروپاشی جامعه را گسترده‌تر می‌کند و سقوط میهن را در ورطه ویرانی عمیق‌تر. چنانچه دهه‌ها ایران را در میان بحران‌های ناشی از سیاست‌های ستیزه‌جویانه نگه داشت و اکنون احتمال جنگ در نتیجه‌ی تداوم این حاکمیت، بیش از همیشه بر کشور سایه انداخته است.»

قربان بهزادبان‌نژاد، جعفر پناهی، امیرسالار داودی، ویدا ربانی، محمد رسول‌اف، حسین رزاق، نسرين ستوده، ابوالفضل قدیانی، حاتم قادری، عباس صادقی، منظر ضرابی، بنیاد نرگس، مهدی محمودیان، سعید مدنی، عبدالله مومنی، محمد نجفی، صدیقه وسمقی امضاکنندگان این بیانیه هستند.

مدتی پس از انتشار این بیانیه روز شنبه ۱۱ بهمن، مهدی محمودیان، عبدالله مومنی و ویدا ربانی سه تن از نویسندگان این بیانیه توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

در ارتباط با اهمیت این بیانیه و شکاف در بدنه نظام حسین رئیسی حقوقدان در گفتگو با «کیهان لندن» معتقد است: «ما جامعه متکثری هستیم و لازم است که نیروهای سیاسی بیانیه‌های دقیق و روشنی بدهند. این بیانیه از جهاتی مثبت ارزیابی می‌شود، اینکه ساختار قدرت را هدف قرار می‌دهد و در برهه‌ای صادر می‌شود که جامعه ایران نیاز به یک انسجام جدی دارد، مفید است، اما نویسندگان بیانیه می‌بایست تلاش می‌کردند در کنار سایر نیروها قرار بگیرند و یک صدا روشی برای مخالفتشان با ساختار اساسی ارائه بدهند.»

نکته دیگری که این حقوقدان به آن اشاره می‌کند این است که «با وجود این که در بیانیه گفته می‌شود که داوطلبانه امکان برگزاری رفراندوم نیست اما راهی هم برای

موج گسترده بازداشت و احضار کادر درمان به علت معالجه مجروحان اعتراضات دی ۴۰۴

یک منبع مطلع درباره سرکوب کادر درمان به سازمان حقوق بشر ایران گفته «یک پزشک طی روزهای گذشته به دلیل پذیرش و درمان مجروحانی که در جریان اعتراضات اردبیل دچار آسیب شده بودند، به دست نیروهای امنیتی بازداشت شده است.»

یک منبع آگاه دیگر در اینباره به سازمان حقوق بشر ایران گفته «دست کم چهار پزشک به دلیل کمک به مجروحان اعتراضات بازداشت شده اند و از سرنوشت ایشان اطلاعی در دست نیست. همچنین یک امدادگر داوطلب به نام خ. م. حدوداً ۴۵ ساله که منزل شخصی خود را به پناهگاهی برای آسیب دیدگان تبدیل کرده بود، ۲۴ دی ماه با یورش به منزلش بازداشت شده است. او بیش از ۲۰ زخمی را در خانه خود پناه داده و آن‌ها را مداوا کرده بود. حتی دو تن از زخمی‌ها به دلیل شدت جراحات در منزل او فوت شدند.»

این منبع آگاه افزوده «او را با وحشیانه ترین شکل ممکن همراه با ضرب و شتم شدید بردند. مأموران تمام شیشه‌های خانه را شکستند، کلیه وسایل منزل را تخریب کردند و حتی ماشین او را که یک پژو پارس بود، به طور کامل ویران کردند.»

نامه‌ها و بیانیه‌های منتشر شده از سوی پزشکان و انجمن‌های پزشکی نیز نشان می‌دهد فشار امنیتی و قضایی بر پزشکان به علت درمان مجروحان بوده است.

برای نمونه دکتر افشین زرین رئیس نظام پزشکی باغملک و صیدون در نامه‌ای به دکتر رئیس‌زاده رئیس کل سازمان نظام پزشکی نوشته «اعتراض خود را نسبت به برخوردهای صورت گرفته اخیر با جامعه کادر درمان و عدم تامین امنیت در برخی بیمارستان‌های سطح کشور اعلام می‌دارم.»

انجمن‌های علمی «گوش، حلق و بینی و جراحی سر و گردن» و «راینولوژی» نیز در بیانیه‌ای با «تأکید قاطع بر اصول انسانی اخلاق پزشکی و مسئولیت‌های حرفه‌ای جامعه پزشکی» اعلام کردند که «حفظ جان، سلامت و کرامت بیماران در چارچوب موازین علمی و اخلاقی نه تنها یک تعهد حرفه‌ای بلکه تکلیفی بنیادین مستمر و غیر قابل چشم‌پوشی در حرفه پزشکی است.»

در این بیانیه آمده که «ارزیابی و درمان به موقع آسیب‌ها جزء الزامات مسلم درمانی بوده و هرگونه تأخیر می‌تواند منجر به بروز عوارض جدی و پیامدهای ناخواسته گردد» و تأکید شده «اعضای این دو انجمن در چارچوب ضوابط علمی اخلاق حرفه‌ای و قوانین و مقررات جاری کشور آمادگی کامل و مستمر برای ارائه خدمات درمانی لازم به بیماران را دارند و انجام این وظیفه را مسئولیتی قانونی و حرفه‌ای می‌دانند.»

انی دو انجمن تخصصی تأکید کرده‌اند که «بر اساس قوانین و مقررات جاری کشور ارائه خدمات درمانی به بیماران با رعایت اصول اخلاق پزشکی و حفظ کرامت انسانی از وظایف قانونی پزشکان محسوب می‌شود و انجام این وظیفه نباید موجب ایجاد تردید نگرانی یا دغدغه برای کادر درمان گردد. بدیهی است هرگونه بررسی احتمالی، صرفاً می‌بایست ناظر بر خروج احتمالی از چارچوب‌های علمی و حرفه‌ای بوده و اصل درمان و کمک‌رسانی پزشکی به عنوان انجام وظیفه نباید محل خدشه تردید یا بازخواست قرار گیرد.»



بازداشت به سر می‌برند.

در آنسو مقامات حکومتی در حال فرافکنی درباره بازداشت کادر درمان هستند و تلاش دارند بازداشت آن‌ها را غیرمرتبط با درمان و کمک آن‌ها به مجروحان بخوانند.

احمد نجابتان، رئیس نظام پرستاری، به روزنامه «شرق» گفته «تا این لحظه در میان پرستاران هیچ بازداشتی در محیط کار نداشتیم. بازداشت‌هایی که رخ داده، مربوط به فعالیت حرفه‌ای و درمانی این افراد نیست. پیگیری‌ها را انجام داده‌ایم، در حال جمع‌بندی داده‌ها هستیم و به‌زودی آمار بازداشتی‌ها را که البته عدد بزرگی نیست، اعلام خواهیم کرد.»

محمد رئیس‌زاده رئیس کل سازمان نظام پزشکی با اشاره به پیگیری وضعیت ۱۷ عضو سازمان نظام پزشکی دارای پرونده قضایی و امنیتی مدعی شده بازداشت این افراد به دلیل انجام اقدامات درمانی «صرف» نبوده است.

حسینعلی شهریاری، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی هم گفته «اطلاعی از بازداشت پزشکان ندارم اما اگر هم کسی بازداشت شده، به این دلیل نبوده که به مجروحان کمک کرده و قطعاً مسائل دیگری داشته است.»

منابع حقوق بشری اما گزارش‌هایی متفاوت دارند و گزارش‌هایی از اعضای کادر درمان بازداشت شده منتشر کرده‌اند که نشان می‌دهد خدمات‌رسانی به مجروحان و درمان آن‌ها علت بازداشت ده‌ها تن از پزشکان و پرستاران و دیگر اعضای کادر درمان در دیگر شهرها بوده است.

سازمان حقوق بشر ایران نوشته گزارش‌های متعددی از برخورد امنیتی با کادر درمان و پزشکانی که به وظایف انسانی خود در قبال مجروحان عمل کرده‌اند، به دست سازمان حقوق بشر ایران رسیده است. نهادهای امنیتی با هدف ایجاد رعب و وحشت و جلوگیری از درمان آسیب‌دیدگان، اقدام به بازداشت پزشکان و یورش به پناهگاه‌های موقت درمانی کرده‌اند.

● طی روزهای گذشته همچنان شمار زیادی از کادر درمان احضار و یا در محل کار و خانه بازداشت شده‌اند. علت موج گسترده فشار بر کادر درمان معالجه مجروحان و آسیب‌دیدگان اعتراضات دی ۴۰۴ است.

● روزنامه «شرق» چاپ تهران در گزارشی نام ۲۵ پزشک و پرستار بازداشت‌شده در اعتراضات را منتشر و تأکید کرده وضعیت این افراد در ابهام قرار دارد. همچنین تأکید شده آمار دقیق کادر درمان بازداشت‌شده مشخص نیست.

● مقامات حکومتی در حال فرافکنی درباره بازداشت کادر درمان هستند و تلاش دارند بازداشت آن‌ها را غیرمرتبط با کمک آن‌ها به مجروحان بخوانند.

● حسینعلی شهریاری، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی: اطلاعی از بازداشت پزشکان ندارم اما اگر هم کسی بازداشت شده، به این دلیل نبوده که به مجروحان کمک کرده و قطعاً مسائل دیگری داشته است.

● سازمان حقوق بشر ایران گزارش داده نهادهای امنیتی با هدف ایجاد رعب و وحشت و جلوگیری از درمان آسیب‌دیدگان، اقدام به بازداشت پزشکان و یورش به پناهگاه‌های موقت درمانی کرده‌اند.

● دکتر افشین زرین رئیس نظام پزشکی باغملک و صیدون در نامه‌ای به دکتر رئیس‌زاده رئیس کل سازمان نظام پزشکی نوشته «اعتراض خود را نسبت به برخوردهای صورت گرفته اخیر با جامعه کادر درمان و عدم تامین امنیت در برخی بیمارستان‌های سطح کشور اعلام می‌دارم.»

فشار بر کادر درمان با بازداشت، احضار و تماس‌های تهدیدآمیز از سوی نهادهای امنیتی ادامه دارد. به گزارش منابع صنفی طی روزهای گذشته همچنان شمار زیادی از کادر درمان احضار و یا در محل کار و خانه بازداشت شده‌اند. علت موج گسترده فشار بر کادر درمان معالجه مجروحان و آسیب‌دیدگان اعتراضات دی ۴۰۴ است.

روزنامه «شرق» چاپ تهران در گزارشی نام ۲۵ پزشک و پرستار بازداشت‌شده در اعتراضات را منتشر و تأکید کرده وضعیت این افراد در ابهام قرار دارد. همچنین تأکید شده آمار دقیق کادر درمان بازداشت‌شده مشخص نیست.

حسین ضرابیان (اصفهان)، فرهاد نادعلی (گرگان)، علیرضا گلچینی، مسعود عبادی‌فرد، پریسا پرکار (قزوین)، امیر خسروانی، امیر پورصالح، فاطمه افشاری، گلنار نراقی، علیرضا رضایی (تهران)، معین مرادیان، اصغر شاکری، غزل امیدی (آبدانان)، سبحان اسماعیل‌دوست (رشت)، موهبت غفوری (لار)، فریبا حسینی (شیراز)، آمنه سلیمانی، محمدعلی جعفری‌زارع (اردبیل)، صابر دهقان (سیمرجان)، شمس‌عباسعلی‌زاده (تبریز)، احمد زبني، حسین کریمی، حسین کریمی، احسان احمدی، احمد خسروی (دهلران) پزشکانی هستند که نام آن‌ها در گزارش روزنامه «شرق» منتشر شده است.

در این میان دکتر علیرضا گلچینی و دکتر فرهاد نادعلی که با قید وثیقه آزاد شده‌اند. دکتر گلچینی ظهر یازدهم بهمن و دکتر نادعلی دوازدهم بهمن آزاد شدند.

اطلاعات منتشر شده از سوی نهادهای حقوق بشری نشان می‌دهد به جز پزشکان، شماری از دیگر اعضای کادر درمان از جمله پرستاران، تکنسین‌های اتاق عمل و ... نیز در

نامه سرگشاده فعالان حقوق کودک به رئیس سازمان زندان‌ها: خشونت علیه کودکان را پایان دهید و کودکان بازداشت‌شده در اعتراضات را آزاد کنید



● در شرایطی گزارش‌ها از بازداشت شمار قابل توجهی نوجوان زیر ۱۸ سال در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ خبر می‌دهند، نهادها و تشکل‌های فعال در حوزه حقوق کودکان در ایران در نامه‌ای خواستار توقف خشونت حکومتی علیه کودکان و آزادی همه کودکان بازداشت‌شده شدند.

● ۲۴ انجمن و نهاد مدنی فعال در حوزه حقوق کودکان و نوجوانان در این بیانیه که خطاب به رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نوشته شده خواستار متوقف شدن خشونت نیروهای حکومتی علیه کودکان در جریان خیزش ملی ایرانیان شدند و اعمال خشونت‌بار علیه آنان را محکوم کردند.

● امضاکنندگان همچنین خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال بازداشت‌شده، به‌ویژه دانش‌آموزان شد.

جمعی از نهادهای مدنی و فعال در زمینه حقوق کودکان با انتشار نامه‌ای خطاب به رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط کودکان و نوجوانان بازداشتی زیر ۱۸ سال شده‌اند.

در شرایطی گزارش‌ها از بازداشت شمار قابل توجهی نوجوان زیر ۱۸ سال در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ خبر می‌دهند، نهادها و تشکل‌های فعال در حوزه حقوق کودکان در ایران در نامه‌ای خواستار توقف خشونت حکومتی علیه کودکان و آزادی همه کودکان بازداشت‌شده شدند.

۲۴ انجمن و نهاد مدنی فعال در حوزه حقوق کودکان و نوجوانان در این بیانیه که خطاب به رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نوشته شده خواستار متوقف شدن خشونت نیروهای حکومتی علیه کودکان در جریان خیزش ملی ایرانیان شدند و اعمال خشونت‌بار علیه آنان را محکوم کردند. امضاکنندگان همچنین خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال بازداشت‌شده، به‌ویژه دانش‌آموزان شد.

در این نامه با استناد به آیین دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان تأکید شده است که اصل بر حمایت، اصلاح، بازپروری و پرهیز از سلب آزادی برای افراد زیر سن قانونی است و نگهداری کودکان و نوجوانان در محیط‌های کیفری می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری بر سلامت روانی، اجتماعی و تحصیلی آنان بر جای بگذارد. امضاکنندگان این درخواست باتأکید بر رعایت مصلحت‌عالیه کودک، خواستار بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های قانونی موجود، اقدامات تأمینی و ارفاقی، فقدان مسئولیت کیفری و سایر تدابیر حمایتی پیش‌بینی‌شده در قوانین کشور شده‌اند. در این نامه همچنین با اشاره به شرایط آسیب‌پذیر اغلب این کودکان و تلقی اعمال حق اعتراض به‌عنوان یک حق شهروندی، بر ضرورت آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان با لحاظ ویژگی‌های سنی تأکید شده است.

«شبکه کمک» از جمله انجمن‌های فعال در حوزه حقوق کودک و از امضاکنندگان این نامه اعلام کرده است که پس از آزادی این افراد، آمادگی کامل دارد خدمات حمایتی، روانشناختی، مددکاری اجتماعی، مشاوره حقوقی و معرفی وکیل معاضدتی را در راستای تسهیل بازگشت سالم کودکان و نوجوانان به خانواده، جامعه و فرآیند تحصیل ارائه دهد.

او همچنین مدعی شده «عده کمی از افراد بازداشت‌شده که ۱۶ تا ۱۸ سال سن دارند در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند که پرونده آنها نیاز به تحقیقات داشته و آنها نیز پس از تکمیل تحقیقات و ارائه وثایق قانونی به زودی آزاد می‌شوند.»

دو روز پیش، کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی با تأیید بازداشت شماری دانش‌آموز زیر ۱۸ سال در جریان اعتراضات از بی‌پاسخ ماندن نامه این کمیسیون به فرماندهی نیروی انتظامی در مورد دانش‌آموزان کشته‌شده و بازداشت‌شده خبر داده بود.

علیرضا منادی سفیدان، رئیس کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی، روز جمعه ۱۰ بهمن به خبرگزاری «ایلنا» گفته در این نامه علاوه بر سؤال در مورد دانش‌آموزان بازداشت‌شده، درباره آمار دانش‌آموزان کشته و مجروح‌شده نیز سؤال شده، «اما تاکنون پاسخی به این نامه دریافت نکرده‌ایم.»

فرشاد ابراهیم‌پور نورآبادی، نایب‌رئیس کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی، نیز گفته «آنچه مسلم است، در میان این افراد، تعدادی دانش‌آموز زیر ۱۸ سال وجود دارند.» مدیرکل مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی آموزش و پرورش هفتم بهمن‌ماه اعلام کرده بود «بسیاری از نوجوانان دستگیرشده در حوادث اخیر بازماندگان از تحصیل بودند» و روز چهارشنبه هشتم بهمن هم دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک درباره رسیدگی به پرونده افراد زیر ۱۸ سال که در این حوادث بازداشت شده‌اند، گفت: «عدد و آمار مشخصی ندارم که نشان دهد فردی زیر ۱۸ سال بازداشت شده باشد.»

او همچنین در بخش دیگری از صحبت‌های خود در گفت‌وگو با «ایلنا» گفته بود «اجازه نمی‌دهیم برای افراد زیر ۱۸ سال در محاکم و دادگاه‌ها از عنوان مجرمانه استفاده شود» و «اگر جایی در معارض با قانون شناخته شوند، به مراکز اصلاح و تربیت منتقل می‌شوند.»

«شبکه کمک» همچنین اعلام کرده رونوشت این نامه برای وزیر دادگستری، دادستان کل کشور، دادستان تهران، کمیسیون آموزش مجلس و مرجع ملی حقوق کودک ارسال شده و پیگیری‌ها برای تسریع در بررسی پرونده‌ها و آزادی هرچه سریع‌تر بازداشت‌شدگان زیر ۱۸ سال ادامه دارد. فهرست نهادها و تشکل‌های امضاکننده این نامه به شرح هستند:

شبکه کمک، انجمن حمایت از حقوق کودکان، مؤسسه ندای ماندگار دروازه غار، انجمن پرند درخت کوچک، گروه فرهنگی اجتماعی کیانا، بنیاد توسعه صلح و مهریانی‌های کوچک، مؤسسه نوید زندگی کوشا، مؤسسه مهر و ماه، کانون صنفی معلمان (تهران)، زنان آبیار محله، انجمن دوستداران کودک پویش، مؤسسه شکوفایی استعدادهای کودکان، گروه تلاشگران یاری همدل، مؤسسه یاری‌گران کودکان کار پویا، انجمن پژوهش‌های آموزشی پویا، مؤسسه رحمان، انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری، انجمن حمایت از کودکان و نوجوانان توانیاب، مؤسسه انسان دشواری وظیفه، مؤسسه دانش، آموزش و توانمندی، مؤسسه توسعه پایدار اردیبهشت، انجمن حمایت از بیماران اسکیزوفرنیا (احبا)، انجمن یاران دانش و مهر.

آمار بازداشت‌شدگان اعتراضات بیش از ده‌ها هزار نفر برآورد می‌شود اما همچنان که آمار دقیق بازداشتی‌ها مشخص نیست، هنوز آمار دقیقی از افراد زیر ۱۸ سال بازداشت‌شده نیز از سوی هیچ نهادی منتشر نشده است.

امین حسین رحیمی وزیر دادگستری و رئیس «شورای سیاست‌گذاری مرجع ملی حقوق کودک» روز یکشنبه ۱۲ بهمن بازداشت شماری کودک در جریان اعتراضات را تأیید کرد. وزیر دادگستری دولت پزشکیان بدون اعلام تعداد نوجوانان بازداشت‌شده گفته «تعدادی از افراد زیر سن ۱۸ سال که در زمان حوادث اخیر در صحنه بوده و توسط ضابطین آن زمان دستگیر شده‌اند، سریعاً در دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان تهران، تعیین تکلیف و تحویل خانواده‌هایشان شدند.»

از هولوکاست تا کشتارهای ایران در ۲۰۲۶؛ وقتی جهان می‌دانست و سکوت کرد



● برآوردها از سی‌وشش تا پنجاه هزار کشته تنها در دو بعدازظهر پیاپی، در بیش از چهارصد شهر حکایت دارد. نزدیک به دویست هزار نفر زخمی شدند. به گزارش روزنامه‌ی «جروزالم پست»، تنها رویداد قابل مقایسه در تاریخ معاصر، کشتار بابلین‌یار در سال ۱۹۴۱ است؛ زمانی که طی دو روز، سی‌وسه هزار یهودی در حومه‌ی کی‌یف قتل‌عام شدند.

● به گزارش روزنامه‌ی «جروزالم پست»، تنها رویداد قابل مقایسه در تاریخ معاصر، کشتار بابلین‌یار در سال ۱۹۴۱ است؛ زمانی که طی دو روز، سی‌وسه هزار یهودی در حومه‌ی کی‌یف قتل‌عام شدند.

● گزارش‌ها از تکتیراندازی که مستقیماً به سوی جمعیت شلیک می‌کردند، خودروهای مجهز به تیربار، بیمارستان‌هایی مملو از اجساد، آمبولانس‌هایی که اجازه‌ی حرکت نداشتند و گلوله‌هایی که به سر و سینه شلیک می‌شد، حکایت دارد.

● ابعاد فاجعه به خیابان‌ها محدود نماند. مجروحانی که برای درمان به بیمارستان منتقل شدند، به‌طور سیستماتیک اعدام شدند. اجساد ثبت شده‌اند که همچنان الکترودهای قلبی، لوله‌های تنفسی و تجهیزات درمانی بر بدن داشتند، اما با شلیک گلوله به سر کشته شده بودند.

● آنچه امروز در ایران رخ می‌دهد صرفاً سرکوب نیست؛ این نابودی سیستماتیک هر انسانی است که جرأت اعتراض دارد و جهان نظاره‌گر است؛ دقیقاً همان‌گونه که در سال ۱۹۴۲ بود.

دکتر فرامرز نوروزی - در روزهای هشتم و نهم ژانویه سال ۲۰۲۶، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج؛ با اتکا به نیروهای شبه‌نظامی و مزدورانی که از عراق، لبنان، سوریه، سودان، چین، پاکستان و افغانستان به ایران منتقل شده بودند یکی از خون‌بارترین کشتارهای دوران معاصر را رقم زدند.

برآوردها از سی‌وشش تا پنجاه هزار کشته تنها در دو بعدازظهر پیاپی، در بیش از چهارصد شهر حکایت دارد. نزدیک به دویست هزار نفر زخمی شدند. به گزارش روزنامه‌ی «جروزالم پست»، تنها رویداد قابل مقایسه در تاریخ معاصر، کشتار بابلین‌یار در سال ۱۹۴۱ است؛ زمانی که طی دو روز، سی‌وسه هزار یهودی در حومه‌ی کی‌یف قتل‌عام شدند.

اما هولناک‌ترین شباهت، خود تعداد قربانیان نیست، بلکه واکنش جهان - یا دقیق‌تر، نبود واکنش - است.

هولوکاست: سه سال آگاهی، بدون اقدام؛ جهان از همان ابتدا می‌دانست

در سال ۱۹۴۱، سرویس اطلاعاتی بریتانیا گزارش‌های آلمان نازی را شنود می‌کرد.

در سال ۱۹۴۲، بان کارسکی شهادت‌های شاهدان عینی را از لهستان به خارج منتقل کرد. در همان سال، متفقین سیاست نابودی یهودیان را محکوم کردند.

با این حال، هنگامی که پیشنهاد شد خطوط راه‌آهن منتهی به اردوگاه آشویتس بمباران شود، این پیشنهاد رد شد. سه سال میان دانستن و اقدام فاصله افتاد. و در این فاصله، میلیون‌ها انسان جان باختند.

نشان می‌دهد که این خشونت، خودجوش نبوده است. در این ویدیوها، فرماندهان به نیروهای زیرمجموعه دستور می‌دهند: با حداکثر خشونت عمل کنید، هیچ مجروحی را زنده نگذارند، آن‌قدر بکشند که «هیچ‌کس فردا جرأت بیرون آمدن نداشته باشد».

همچنین شهادت‌های متعددی از تجاوز گروهی به دختران بازداشت‌شده به‌عنوان «غنیمت جنگی» وجود دارد و در مواردی قطع سر قربانیان برای ایجاد رعب گزارش شده است. این‌ها موارد پراکنده نیستند. این‌ها خشونت دولتی آمرانه و برنامه‌ریزی شده هستند.

من در ایران به دنیا آمدم و خشونت این رژیم را در جوانی، شخصاً تجربه کرده‌ام. آنچه امروز در ایران رخ می‌دهد صرفاً سرکوب نیست؛ این نابودی سیستماتیک هر انسانی است که جرأت اعتراض دارد و جهان نظاره‌گر است؛ دقیقاً همان‌گونه که در سال ۱۹۴۲ بود.

گامی رو به جلو؛ اما بسیار دیر ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۹ سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد. کانادا در سال ۲۰۲۴ و استرالیا در سال ۲۰۲۵ اقدام کردند. وقتی جامعه‌ی جهانی سرانجام در پایان ژانویه ۲۰۲۶ واکنش نشان داد، سال‌ها از قتل، شکنجه و کشتار گذشته بود.

اعلام تروریستی بودن، گلوله را متوقف نمی‌کند. تکتیرانداز را پایین نمی‌آورد و کامیون‌های پر از جسد را متوقف نمی‌سازد.

سخن پایانی

در سال ۱۹۴۳، بان کارسکی به واشنگتن رفت تا رئیس‌جمهور ایالات متحده، فرانکلین روزولت، را از گتوها، تبعیدها و مرگ آگاه کند.

روزولت گوش داد و سپس، به‌جای واکنش یا اقدام، پرسید وضعیت پرورش اسب در لهستان چگونه است..

تاریخ کسانی را که دانستند و سکوت کردند به یاد نمی‌سپارد. تاریخ کسانی را به یاد می‌سپارد که عمل کردند.

ایران ۲۰۲۶: همان الگو، همان سکوت

وقتی خبر سی تا پنجاه هزار کشته در دو روز منتشر شد، بسیاری آن را غیرقابل باور دانستند. اما خشونت در بیش از چهارصد شهر رخ داد. اگر در هر شهر به‌طور میانگین صد تا پانصد نفر کشته شده باشند، و در کلان‌شهرها چند هزار نفر، این ارقام نه‌تنها ممکن، بلکه از نظر ریاضی کاملاً منطقی‌اند. با این وجود، گزارش‌ها با تردید مواجه شدند. اینترنت در سراسر کشور قطع شد و جهان این تاریکی اطلاعاتی را به‌عنوان «وضعیتی نامشخص» پذیرفت.

سازمان‌های معتبر حقوق بشری، از جمله دیدبان حقوق بشر و سازمان عفو بین‌الملل، همراه با رسانه‌هایی چون ایران اینترنشنال و مجله‌ی تایم، این کشتارها را مستند کرده‌اند.

گزارش‌ها از تکتیراندازی که مستقیماً به سوی جمعیت شلیک می‌کردند، خودروهای مجهز به تیربار، بیمارستان‌هایی مملو از اجساد، آمبولانس‌هایی که اجازه‌ی حرکت نداشتند و گلوله‌هایی که به سر و سینه شلیک می‌شد، حکایت دارد.

اعدام در بیمارستان‌ها؛ وقتی درمان به جرم تبدیل شد
ابعاد فاجعه به خیابان‌ها محدود نماند. مجروحانی که برای درمان به بیمارستان منتقل شدند، به‌طور سیستماتیک اعدام شدند. اجساد ثبت شده‌اند که همچنان الکترودهای قلبی، لوله‌های تنفسی و تجهیزات درمانی بر بدن داشتند، اما با شلیک گلوله به سر کشته شده بودند.

حدود بیست نفر از کادر درمانی تنها به جرم مداوای زخمی‌ها بازداشت شده‌اند.

پزشکان و پرستارانی نیز در حین انجام وظیفه در بیمارستان‌ها اعدام شدند. در منطق سپاه، نجات جان انسان‌ها «همدستی با مجرم» تلقی شد.

این اقدامات، نقض آشکار کنوانسیون‌های ژنو و مصداق جنایت علیه بشریت است.

خشونتی برنامه‌ریزی شده

وجود ویدیوهای قاچاق‌شده از جلسات داخلی نظامی

والاستریت ژورنال: زمان معامله با حکومت ایران گذشته، اکنون وقت «تغییر رژیم» است



حضور میلیون‌ها نفر در انقلاب ملی ایران، دی ۱۴۰۴

خیانت آشکار به معترضان

در بخش پایانی این نوشتار آمده کاهش تحریم‌ها در این مقطع، خیانتی آشکار به معترضان خواهد بود؛ مردمی که روی وعده‌های ترامپ حساب کردند. چنین اقدامی به رژیم می‌دهد که در آستانه فروپاشی و تبدیل شدن به یک دولت شکست‌خورده است، فرصتی دوباره می‌دهد و هم‌زمان این پیام را به منطقه مخابره می‌کند که ترامپ عقب‌نشینی کرده است؛ پیامی که در سه سال باقی‌مانده از ریاست‌جمهوری ترامپ پیامدهای سنگینی به همراه خواهد داشت.

به‌نوشته این روزنامه، نمونه آشکار این خطا را می‌توان در عملکرد باراک اوباما رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا در مورد رژیم سابق سوریه دید. او به اسد هشدار داد که از سلاح شیمیایی استفاده نکند، اما پس از آنکه حکومت پیشین سوریه از این خط قرمز عبور کرد، اقدامی انجام نداد. در پی این عقب‌نشینی و ایجاد خلاء قدرت، روسیه وارد شد، سپس به اوکراین حمله کرد و نتیجه آن خونریزی و فاجعه‌ای گسترده‌تر بود؛ چرا که بازدارندگی آمریکا بی‌اعتبار شد.

به باور نویسندگان، اکنون گزینه‌ای بهتر پیش روی ترامپ قرار دارد: کمک به معترضان برای سرنگونی رهبر جمهوری اسلامی و دستگاه سرکوب او.

والاستریت ژورنال تأکید می‌کند نباید امید مردم ایران را از بین برد؛ بلکه باید به آن‌ها اعتماد به نفس داد تا فشار بر رژیم را ادامه دهند که پاسخی جز گلوله به خواست شهروندانش ندارد ادامه دهند.

سقوط حکومت انقلابی ایران، کل منطقه را به جای امن‌تری تبدیل خواهد کرد و چین و روسیه یکی از اضلاع اصلی محور ضدآمریکایی خود را از دست خواهند داد.

همچنین تأکید شده قیمت نفت امروز پایین‌تر از آغاز جنگ ۱۲ روزه است و آمریکا ابزارهایی برای مدیریت اختلالات احتمالی در بازار انرژی دارد. جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش در ضعیف‌ترین وضعیت خود قرار دارند و مردم ایران در انتظارند. ترامپ اکنون فرصت تاریخی خود را ساخته است؛ این لحظه‌ای است که باید آن را غنیمت شمرد.

فارس در برابر هرگونه اقدام تلافی‌جویانه جمهوری اسلامی مستقر شده‌اند. تهدیدهای ایران در جنگ ۱۲ روزه چندان موثر نبود، اما آمریکا به‌طور آرام در حال ایجاد برتری کامل نظامی، هم در دفاع و هم در حمله است. این تحرکات هزینه‌بر است و بعید به نظر می‌رسد ترامپ این هزینه را بدون هدف پرداخت کند.

در ادامه، این مقاله با اشاره به پیام‌های متناقض ترامپ و ابراز تمایل او برای رسیدن به توافقی با جمهوری اسلامی نوشته است: «پرسش اساسی این است که چه چیزی برای مذاکره باقی مانده است؟»

والاستریت ژورنال تشریح می‌کند، پیش از جنگ ۱۲ روزه، ترامپ به علی خامنه‌ای دو ماه فرصت داده بود تا برنامه هسته‌ای ایران را برچیند اما او این درخواست را رد کرد و در نهایت، اسرائیل و آمریکا تاسیسات کلیدی اقیانوس را هدف قرار دادند. در چنین شرایطی، هرگونه امتیازدهی جدید درباره غنی‌سازی اورانیوم، حتی اگر حکومت ایران حاضر به آن باشد، دیگر معنای چندانی ندارد. شورای سردبیری والاستریت ژورنال در ادامه می‌افزاید: «تهران احتمالاً در ازای هر توافقی خواستار کاهش تحریم‌ها خواهد شد؛ اقدامی که عملاً به رژیم امکان می‌دهد با منابع مالی بیشتر، پایه‌های قدرت خود را تقویت کند و سرکوب را ادامه دهد. چنین پیامی پس از آنکه هزاران ایرانی جان خود را برای اعتراض به خطر انداختند، چه معنایی خواهد داشت؟»

به‌نوشته والاستریت ژورنال، ایالات متحده همچنین خواستار محدود شدن برنامه موشکی جمهوری اسلامی و پایان حمایت تهران از گروه‌های نیابتی تروریستی است. هرچند این مطالبات منطقی به نظر می‌رسند، اما در عمل چیزی جز تعهدات کاغذی نخواهند بود؛ تعهداتی که بعید است حکومت ایران به آن‌ها پایبند ماند. جمهوری اسلامی بارها نشان داده برای پیشبرد سیاست «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل»، حاضر است کشور خود را فقیر و ناامن کند. این حکومتی است که به دنبال صدور انقلاب است، نه همزیستی مسالمت‌آمیز.

● پس از قتل‌عام مردم ایران توسط حکومت، در شرایطی که گفته می‌شود نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا در ترکیه مذاکره خواهند کرد، شورای سردبیری روزنامه «والاستریت ژورنال»، شامگاه دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴ در سرمقاله‌ای، نوشت که زمان معامله با حکومت ایران گذشته است و توافق با ایران یعنی «تغییر رژیم».

● شورای سردبیری والاستریت ژورنال می‌نویسد: «تهران احتمالاً در ازای هر توافقی خواستار کاهش تحریم‌ها خواهد شد؛ اقدامی که عملاً به رژیم امکان می‌دهد با منابع مالی بیشتر، پایه‌های قدرت خود را تقویت کند و سرکوب را ادامه دهد. چنین پیامی پس از آنکه هزاران ایرانی جان خود را برای اعتراض به خطر انداختند، چه معنایی خواهد داشت؟» ● کاهش تحریم‌ها در این مقطع، خیانتی آشکار به معترضان خواهد بود؛ مردمی که روی وعده‌های ترامپ حساب کردند. چنین اقدامی به رژیم می‌دهد که در آستانه فروپاشی و تبدیل شدن به یک دولت شکست‌خورده است، فرصتی دوباره می‌دهد و هم‌زمان این پیام را به منطقه مخابره می‌کند که ترامپ عقب‌نشینی کرده است؛ پیامی که در سه سال باقی‌مانده از ریاست‌جمهوری ترامپ پیامدهای سنگینی به همراه خواهد داشت.

● در این مقاله تأکید شده اوباما در برابر قتل‌عام مردم سوریه توسط اسد ساکت ماند، در پی این عقب‌نشینی و ایجاد خلاء قدرت، روسیه وارد شد، سپس به اوکراین حمله کرد و نتیجه آن خونریزی و فاجعه‌ای گسترده‌تر بود؛ چرا که بازدارندگی آمریکا بی‌اعتبار شد.

پس از قتل‌عام مردم ایران توسط حکومت، در شرایطی که گفته می‌شود نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا در ترکیه مذاکره خواهند کرد، شورای سردبیری روزنامه «والاستریت ژورنال»، شامگاه دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴ در سرمقاله‌ای، نوشت که زمان معامله با حکومت ایران گذشته است و توافق با ایران یعنی «تغییر رژیم».

در این مقاله آمده از خردادماه (زمان جنگ ۱۲ روزه) تا کنون، تحولات بسیاری رخ داده و همین تحولات باعث شده تلاش دوباره دولت دونالد ترامپ برای رسیدن به توافق با جمهوری اسلامی، بیش از هر زمان دیگری مورد تردید باشد. این روزنامه با اشاره به شکست سنگین جمهوری اسلامی در جنگ ۱۲ روزه و حضور گسترده مردم در خیابان‌ها در اعتراضات ضد حکومتی با هدف سرنگونی نظام، تأکید می‌کند حکومت ایران با وجود هشدارهای مکرر ترامپ، هزاران شهروند ایرانی را به خاک و خون کشید.

ترامپ پیش‌تر هشدار داده بود: «اگر مثل گذشته شروع به کشتن مردم کنند، ما وارد عمل می‌شویم. بهتر است شروع به تیراندازی نکنید، چون ما هم شروع می‌کنیم.» از آن گذشته، زمانی که نیروهای حکومتی به سوی معترضان آتش گشودند، رئیس‌جمهوری آمریکا به ایرانیان اطمینان داد که «کمک در راه است».

شورای سردبیری والاستریت ژورنال، با تکرار هشدارهای ترامپ، افزوده است: «اکنون، هرچند با تاخیر، یک ناوگان بزرگ نظامی آمریکا وارد منطقه شده است. سیستم‌های پدافندی تاد و پاتریوت نیز برای محافظت از پایگاه‌های آمریکا و متحدانش در اسرائیل و کشورهای حوزه خلیج

از استانبول تا عمان؛ مذاکره زیر سایه قایق‌های تندرو و پهپاد



برای تهران قابل پیش‌بینی‌تر است.

بخش دوم: چه چیزی دو طرف را پای میز کشانده است؟
انگیزه‌های آمریکا

برای واشنگتن، مذاکره ابزاری برای مدیریت بحران است: هم برای جلوگیری از لغزش به جنگ منطقه‌ای، هم برای ارائه یک روایت سیاسی که نشان دهد مسیر دیپلماسی طی شده است. در هفته‌های اخیر گزارش‌هایی از افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه منتشر شده و این همزمانی «فشار و گفتگو» را به یک الگوی قابل انتظار تبدیل می‌کند. انگیزه‌های جمهوری اسلامی

برای تهران، مذاکره در درجه اول ابزار کاهش خطر است: کاهش خطر ضربه نظامی، کاهش خطر تشدید تحریم، و کاهش خطر انفجار بحران‌های داخلی. هدف دوم، تنفس اقتصادی است: حتی اگر موقت و محدود. هدف سوم، حفظ اصل ظرفیت به عنوان بیمه بقاست: چانه‌زنی روی درصد، حجم، سرعت و شکل نظارت، اما حفظ «اصل توانمندی» به عنوان کارت آینده.

بخش سوم: قصد آمریکا چیست؟

اهداف واشنگتن را می‌توان در سه سطح دید: سطح فوری: مهار تنش و جلوگیری از جنگ. سطح میانی: طولانی کردن فاصله ایران تا مواد شکافت‌پذیر و تقویت نظارت.

سطح بلندمدت: نگه داشتن امکان فشار و بازدارندگی، حتی اگر توافقی محدود حاصل شود. در چنین چارچوبی، حتی اگر مرحله نخست فقط هسته‌ای باشد، آمریکا می‌تواند موضوعات دیگر را به صورت «گام بعد» یا «شرط استمرار» وارد کند.

بخش چهارم: قصد جمهوری اسلامی چیست؟

قصد تهران را باید میان دو زبان تفکیک کرد: زبان رسمی و زبان عملی. زبان رسمی بر «حق غنی‌سازی» و «صلح‌آمیز بودن» می‌چرخد. زبان عملی اما ترکیبی است از

چنین همزمانی، یک پرسش مرکزی می‌سازد: اگر هدف کاهش تنش است، چرا در همان روزها تنش تولید می‌شود؟ پاسخ در منطق دوگانه جمهوری اسلامی نهفته است: «میز» برای کاهش فشار و خرید زمان، «میدان» برای تولید اهرم و جلوگیری از فرسایش بازدارندگی.

بخش اول: چرا تهران میز را از استانبول به عمان برد؟

(۱) کنترل دست‌ورکار و حذف تماشاگران منطقه‌ای استانبول، به‌ویژه با نقش‌آفرینی علنی میزبان و احتمال حضور یا اثرگذاری بازیگران منطقه‌ای، ریسک بازشدن پرونده‌های موازی را بالا می‌برد: موشک‌های بالستیک، نیروهای نیابتی، امنیت انرژی و کشتیرانی. انتقال به عمان یعنی کوچک کردن اتاق و کاهش احتمال «چند پرونده، یک میز».

(۲) ادامه یک کانال کم‌حاشیه و امتحان‌پس‌داده عمان برای گفتگوهای حساس، مزیت ثابت دارد: کانال‌های آرام، سطح پایین‌تر غم‌خیز سیاسی و امکان مدیریت نشتی رسانه‌ای. همین ویژگی‌ها، برای تهران که از هزینه داخلی مذاکره می‌ترسد، جذاب است.

(۳) بیرون نگه داشتن پرونده‌های غیرهسته‌ای از متن مذاکرات

گزارش‌ها نشان می‌دهد تهران از ابتدا بر محدود شدن گفتگوها به هسته‌ای تأکید داشته، در حالی که واشنگتن مایل به گنجاندن موضوعات دیگر بوده است. تغییر مکان و قالب، ابزار عملی همین محدودسازی است.

(۴) کاهش هزینه سیاسی داخلی مذاکره در صحنه‌ای پررنگ مثل استانبول، با دوربین‌های بیشتر و نقش‌آفرینی میزبان، می‌تواند در داخل ایران به عقب‌نشینی تعبیر شود. عمان امکان می‌دهد مذاکرات کارکردی‌تر و کم‌غم‌خیزتر پیش برود و رژیم با حداقل هزینه روایی، آن را «تدبیر» معرفی کند.

(۵) بی‌طرفی نسبی میزبان ترکیه در مدار ناتو و درگیر بازی‌های چندلایه منطقه‌ای است. عمان در مقایسه، سیاست خارجی آرام‌تری دارد و

● تغییر مسیر گفتگوهای ایران و آمریکا از استانبول به عمان، صرفاً یک جابه‌جایی جغرافیایی نیست؛ جابه‌جایی در معماری فشار است.

● عمان برای گفتگوهای حساس، مزیت ثابت دارد: کانال‌های آرام، سطح پایین‌تر غم‌خیز سیاسی و امکان مدیریت نشتی رسانه‌ای. همین ویژگی‌ها، برای تهران که از هزینه داخلی مذاکره می‌ترسد، جذاب است.

● مذاکره در صحنه‌ای پررنگ مثل استانبول، با دوربین‌های بیشتر و نقش‌آفرینی میزبان، می‌تواند در داخل ایران به عقب‌نشینی تعبیر شود. عمان امکان می‌دهد مذاکرات کارکردی‌تر و کم‌غم‌خیزتر پیش برود و رژیم با حداقل هزینه روایی، آن را «تدبیر» معرفی کند.

● برای واشنگتن، مذاکره ابزاری برای مدیریت بحران است: هم برای جلوگیری از لغزش به جنگ منطقه‌ای، هم برای ارائه یک روایت سیاسی که نشان دهد مسیر دیپلماسی طی شده است.

● برای تهران، مذاکره در درجه اول ابزار کاهش خطر است: کاهش خطر ضربه نظامی، کاهش خطر تشدید تحریم، و کاهش خطر انفجار بحران‌های داخلی. هدف دوم، تنفس اقتصادی است؛ حتی اگر موقت و محدود. هدف سوم، حفظ اصل ظرفیت به عنوان بیمه بقاست.

● قصد تهران را باید میان دو زبان تفکیک کرد: زبان رسمی و زبان عملی. زبان رسمی بر «حق غنی‌سازی» و «صلح‌آمیز بودن» می‌چرخد. زبان عملی اما ترکیبی است از خرید زمان، شکست فشار و نگه داشتن ظرفیت. در این میان، یک متغیر تعیین‌کننده وجود دارد: تصمیم نهایی در وزارت خارجه متوقف نمی‌شود. ساختار تصمیم‌سازی چندگلوگاهی است.

● برای تشخیص «توافق واقعی» از «غمایش زمان بر»، باید به علامت‌های عملی نگاه کرد: بازگشت پایدار نظارت و داده‌ها، تعریف دقیق سقف‌ها و زمان‌بندی‌ها، تناسب گشایش اقتصادی با اجرای تعهدات، و مهم‌تر از همه کاهش ملموس رفتارهای اهرم‌ساز در دریا.

● انتقال میز از استانبول به عمان، بخشی از تلاش تهران برای کنترل دامنه و زمان است؛ و تحریک دریایی سپاه، بخشی از تلاش برای تولید اهرم و جلوگیری از فرسایش بازدارندگی. در چنین صحنه‌ای، مذاکره نه نقطه پایان بحران، بلکه یکی از ابزارهای بحران‌زبستی رژیم است. اگر توافقی حاصل شود، به احتمال زیاد محدود، مرحله‌ای و شکننده خواهد بود؛ و اگر حاصل نشود، هر دو طرف آماده‌اند روایت خود را بسازند: یکی با عنوان «فرصت دادیم»، دیگری با عنوان «ایستادگی کردیم».

حمیدرضا سلیمانی - تغییر مسیر گفتگوهای ایران و آمریکا از استانبول به عمان، صرفاً یک جابه‌جایی جغرافیایی نیست؛ جابه‌جایی در معماری فشار است. وقتی تهران درخواست می‌کند محل دیدار از ترکیه به عمان منتقل شود و همزمان بر دوجانبه بودن و محدود شدن دست‌ورکار به پرونده هسته‌ای تأکید می‌گذارد، می‌کوشد تعداد بازیگران مؤثر را کم کند، دامنه امتیازدهی را کنترل کند و زمان بیشتری بخرد. این تصویر دیپلماتیک همزمان با یک تصویر میدانی همراه شد: نزدیک شدن یک پهپاد ایرانی به ناو هواپیمابر آمریکا و سپس مزاحمت قایق‌های تندرو و یک پهپاد بر یک نفتکش با پرچم آمریکا در تنگه هرمز.

نمای نزدیک؛ «هولوکاست» در ایران



ویدیو

معترضان مسالمت‌آمیز را آغاز کند همانطور که همیشه کرده، ایالات متحده آمریکا به کمک آنها خواهد شتافت. ما همه چیز را برای اقدام نظامی آماده کرده‌ایم و آماده حرکت هستیم».

تهیه و تنظیم از فرید خلیفی

سناریو چهارم: لغزش به درگیری محدود
یک حادثه دریایی، یک اشتباه محاسباتی یا یک اقدام نیابتی کافی است تا گفتگوی عمان دود شود. رخدادهای تنگه هرمز نشان می‌دهد فاصله تا سوءمحاسبه کم است.

بخش هفتم: شاخص‌هایی که مسیر واقعی را روشن می‌کند

برای تشخیص «توافق واقعی» از «غایش زمان بر»، باید به علامت‌های عملی نگاه کرد: بازگشت پایدار نظارت و داده‌ها، تعریف دقیق سقف‌ها و زمان‌بندی‌ها، تناسب گشایش اقتصادی با اجرای تعهدات، و مهم‌تر از همه کاهش ملموس رفتارهای اهرم‌ساز در دریا. اگر همزمان با مذاکرات، قایق‌های تندرو و پهپادها همچنان نقش چکش را بازی کنند، پیام روشن است: هدف اصلی، مدیریت زمان و فشار است نه حل ریشه‌ای بحران.

جمع‌بندی

انتقال میز از استانبول به عمان، بخشی از تلاش تهران برای کنترل دامنه و زمان است؛ و تحریک دریایی سپاه، بخشی از تلاش برای تولید اهرم و جلوگیری از فرسایش بازدارندگی. در چنین صحنه‌ای، مذاکره نه نقطه پایان بحران، بلکه یکی از ابزارهای بحران‌زیستی رژیم است. اگر توافقی حاصل شود، به احتمال زیاد محدود، مرحله‌ای و شکننده خواهد بود؛ و اگر حاصل نشود، هر دو طرف آماده‌اند روایت خود را بسازند: یکی با عنوان «فرصت دادیم»، دیگری با عنوان «ایستادگی کردیم».

اعتراضات دی ۴۰۴ چگونه شکل گرفت؟
پیش از آنکه شاهزاده رضا پهلوی در یکی از پیام‌های صریح و تاریخی خود، مردم ایران را به «انقلاب ملی» فرا بخواند، یک متغیر خارجی مهم نیز به صحنه آمد. جمعه ۱۲ دی ۱۴۰۴ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در بیانیه‌ای با صراحت از مردم ایران حمایت کرد: «اگر رژیم کشتن

(۹) ساختن حادثه قابل معامله: نزدیک شو، عقب بکش، امتیاز بگیر.

(۱۰) شکاف‌اندازی میان بازیگران مقابل درباره شدت واکنش.

(۱۱) حفظ اقتصاد تنش: آرامش پایدار، توجیه بسیاری از رانته‌ها را کم می‌کند.

(۱۲) پوشاندن بحران داخلی و تولید همبستگی مصنوعی با «تهدید خارجی».

(۱۳) داشتن گزینه خرابکاری: اگر توافق نخواست به حادثه مسیر را مسموم می‌کند.

(۱۴) نگه داشتن ابهام راهبردی: چیزی که نظارت موثر از رژیم می‌گیرد.

بخش ششم: سناریوهای محتمل

سناریو اول: توافق محدود «فریز در برابر فریز»
توقف بخشی از فعالیت‌ها در برابر امتیازهای محدود اقتصادی و کاهش مقطعی تنش. سریع‌ترین خروجی است، اما بیشترین خطر بازگشت را دارد.

سناریو دوم: توافق مرحله‌ای با نظارت موثر
گام‌های کوچک و قابل راستی‌آزمایی در برابر گشایش‌های مرحله‌ای. پایدارتر است، اما با منطق «ابهام» در تهران اصطکاک جدی دارد.

سناریو سوم: شکست کنترل‌شده
گفتگوها انجام می‌شود اما نتیجه ملموس نمی‌دهد. آمریکا روایت «فرصت دادیم» را تقویت می‌کند و فشار و ائتلاف‌سازی را افزایش می‌دهد؛ ایران هم زمان می‌خرد و تنش میدانی را نزدیک آستانه نگه می‌دارد.

→ خرید زمان، شکست فشار و نگه داشتن ظرفیت. در این میان، یک متغیر تعیین‌کننده وجود دارد: تصمیم نهایی در وزارت خارجه متوقف نمی‌شود. ساختار تصمیم‌سازی چندگلوگاهی است و هر گلوگاه می‌تواند سرعت را کم کند یا مسیر را عوض کند: بیت رهبری، شورای عالی امنیت ملی، سپاه، و شبکه‌های اقتصادی-امنیتی. همین چندگلوگاهی به رژیم امکان می‌دهد همزمان مذاکره کند و مسئولیت توقف را به نهادهای دیگر حواله دهد و زمان بخرد.

در بیش از دو دهه گذشته، این الگو بارها تکرار شده است: توافقی‌های موقت، تعلیق‌های مقطعی، اختلاف روایت میان نهادهای و بازگشت به نقطه تنش. نتیجه عملی چنین چرخه‌ای روشن است: اگر ضمانت اجرا و شاخص‌های قابل سنجش وجود نداشته باشد، مذاکره به «مدیریت بحران» تقلیل می‌یابد، نه حل بحران.

ده موتور رایج «بازی با زمان» در تهران
(۱) تغییر قالب و محل گفتگو برای بازتنظیم فشار.
(۲) محدود کردن دستورکار به یک پرونده و قفل کردن بقیه.

(۳) چندصدایی سازمانی برای مبهم کردن تعهدات.
(۴) حواله دادن تصمیم‌ها به «مراجع بالاتر» و عقب انداختن لحظه قطعیت.

(۵) پیشنهادهای کلی و قابل تفسیر برای فرار از شاخص‌های دقیق.

(۶) تولید بحران‌های کوچک و قابل کنترل برای امتیازگیری.
(۷) پیوند زدن اقتصاد به امتیازگیری سیاسی و ایجاد باج‌خواهی مرحله‌ای.

(۸) استفاده از میانجی‌ها برای انتقال پیام‌های متناقض و سنجش واکنش.

(۹) بازی با افکار عمومی داخلی: مذاکره برای آرام کردن بازار و خیابان.

(۱۰) تکیه بر تغییرات سیاسی در آمریکا و اروپا به عنوان امید زمانی.

بخش پنجم: چرا سپاه همزمان با مذاکره تنش دریایی تولید می‌کند؟

رخدادهای گزارش‌شده، یک الگوی قدیمی را به روز کرده‌اند: پهپاد نزدیک ناو و سرنگونی آن، سپس نزدیک شدن قایق‌های تندرو و یک پهپاد به نفتکش با پرچم آمریکا و تهدید به توقف و سوار شدن.

این رفتارها تناقض نیست؛ مکمل است. سپاه نشان می‌دهد که مذاکره بدون تهدید، برای تهران امتیازساز نیست. انگیزه‌های محتمل این رفتار را می‌توان به ترتیب بسامد چنین ردیف کرد:

(۱) تولید اهرم برای چانه‌زنی: ناامن‌سازی کنترل‌شده یعنی بالا بردن قیمت امتیاز.

(۲) تعیین مرز دستورکار: پیام عملی برای بیرون نگه داشتن موشک و منطقه از میز.

(۳) غمایش محوریت میدان: کلید آرامش و بحران نزد سپاه است.

(۴) جلوگیری از تصویر ضعف داخلی هنگام مذاکره و تزریق چهره تهاجمی.

(۵) آزمون قواعد درگیری آمریکا و سنجش آستانه واکنش.

(۶) ایجاد روایت رسانه‌ای برای مصرف داخلی: «اخطار به دشمن».

(۷) اثرگذاری بر بازار انرژی از مسیر ریسک بیمه و کشتیرانی.

(۸) ارسال پیام به متحدان منطقه‌ای آمریکا: امنیت انرژی شکننده است.

تورم ۱۰۰ درصدی در راه است؟



این اقتصاددانان با اشاره به تداوم رکود کسب و کارها و تاثیر آن بر عدم رشد اقتصادی، گفت: یک ماه است که کسب و کارهای آنلاین به شدت تحت فشارند و این در حالی است که تمام کسب و کارها در رکود به سر می‌برند. این رکود در رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی (GDP) تاثیرگذار است. پیمان مولوی معتقد است این شرایط بحران را دامنگیر همه کسب و کارها می‌کند و رشد اقتصادی را نزدیک به صفر یا حتی منفی خواهد کرد. ترجمه رشد اقتصادی منفی و یا حتی صفر به همراه خلق نقدینگی تورم است و تمام ریسک‌ها روی آن تاثیر می‌گذارد.

او افزوده که یکی دیگر از متغیرهایی که روی تورم تاثیر می‌گذارد، عدم سرمایه‌گذاری است. بسیاری از فعالان اقتصادی در شرایط کنونی، روند سرمایه‌گذاری خود را متوقف کرده‌اند و در حال کوچک کردن کسب و کارشان هستند. پیمان مولوی در مورد پیش‌بینی قیمت دلار تا پایان سال هم گفته که «وقتی تورم ۶۰ درصدی در دی ماه را شاهد هستیم، این تورم خود را تا پایان سال در قیمت دلار نشان خواهد داد. ادامه این روند تورمی به این معناست که تورم نقطه به نقطه تا دی‌ماه ۱۴۰۵ بین ۶۰ تا صد درصد خواهد شد.»

مرتضی افقه، اقتصاددان نیز شرایط کنونی اقتصاد ایران که درگیر رکود تورمی عمیق است متأثر از شرایط «نه جنگ نه صلح» می‌داند. مرتضی افقه گفته در این شرایط نه سرمایه‌گذار می‌تواند تصمیم‌گیری درستی داشته باشد و نه مصرف‌کنندگان می‌توانند تصمیم‌گیری درستی داشته باشند. با توجه به این شرایط پساندازهای مردم که معمولاً در شرایط عادی به بانک یا بازارهای سرمایه می‌روند و از آن طریق وارد تولید می‌شوند، در حال حاضر تبدیل به دارایی‌هایی می‌شود که در فرایند تولید قرار نمی‌گیرند.

مرتضی افقه با هشدار نسبت به این وضعیت، گفته «در چنین شرایطی، زمینه فرار سرمایه و خروج نیروهای انسانی از کشور و بسیاری موارد دیگر فراهم می‌شود؛ بنابراین این وضعیت نه تنها کمکی به اقتصاد نمی‌کند، بلکه روز به روز شرایط اقتصاد را بدتر می‌کند؛ آن هم در اقتصادی که ۸ سال است که در تحریم به سر می‌برد و امسال هم کاملاً

در دی‌ماه به ۹۰ درصد رسید که این رقم نیز رکورد جدیدی به حساب می‌آید. رکورد دیگر ثبت شده در آمارهای تورم دی‌ماه مربوط به تورم ماهانه گروه خوراکی و آشامیدنی‌ها است که رقم بی‌سابقه ۱۳/۷ درصد اعلام شد.

اینهمه در حالیست که کارشناسان اقتصادی معتقدند حتی در صورت عدم بروز جنگ نظامی هم روند افزایشی تورم ادامه پیدا خواهد کرد و همچنان مواد خوراکی در صدر جدول افزایش تورم قرار خواهند داشت؛ موضوعی که سرعت گسترش فقر در ایران را نیز بیشتر خواهد کرد.

پیمان مولوی، اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی در گفتگو وبسایت «اقتصاد۲۴» گفته «افزایش مداوم قیمت دلار و ارز به نظر من طبیعی است، زیرا زمانی که اقتصاد کشور با رشد اقتصادی نزدیک به صفر و تورم بالا روبروست، طبیعی است که با افزایش قیمت دلار و ارز روبرو خواهیم شد.» به گفته پیمان مولوی «طبق آمار اعلام‌شده از سوی مرکز آمار، تورم ماهانه دی ماه معادل ۸ درصد و تورم نقطه به نقطه نزدیک به ۶۰ است. اگر تورم ۸ درصدی دی ماه به ترتیب در همه ماه‌ها تا یکسال آینده تکرار شود، تورم نقطه به نقطه دی ماه سال ۱۴۰۵ نزدیک به ۹۰ تا ۱۰۰ درصد خواهد بود و این میزان تورم خود را در قیمت دلار و حوزه‌های دیگر نشان می‌دهد.»

این اقتصاددانان با بیان اینکه تورم دلیل گرانی دلار نیست، گفته که «تورم ترجمه تمام ریسک‌های سیاسی، بین‌المللی، تحریم و اقتصادی است و خطر جنگ خود را در عدم رشد اقتصادی و خلق نقدینگی نشان می‌دهد.»

او توضیح داده که «این مولفه‌ها وقتی خود را در آنجا نشان می‌دهد، می‌بینیم که در دی ماه تورم یک ماه به ۸ درصد رسیده است. طبق این روند، اگر اتفاق دیگری ازجمله جنگ نیافتد و همین روند ادامه پیدا کند، به این معنا که تورم ۸ درصدی دی‌ماه در بهمن‌ماه هم تکرار شود و به همین منوال ادامه یابد، تورم نقطه به نقطه دی‌ماه سال آینده به ۹۰ درصد خواهد رسید؛ یعنی ما به سمت تورم‌های بالاتر در حال حرکت هستیم و عدم رشد اقتصادی تقریباً مشخص است.»

● کارشناسان اقتصادی معتقدند حتی در صورت عدم بروز جنگ نظامی هم روند افزایشی تورم ادامه پیدا خواهد کرد و همچنان مواد خوراکی در صدر جدول افزایش تورم قرار خواهند داشت؛ موضوعی که سرعت گسترش فقر در ایران را نیز بیشتر خواهد کرد.

● پیمان مولوی تحلیلگر اقتصادی گفته «افزایش مداوم قیمت دلار و ارز به نظر من طبیعی است، زیرا زمانی که اقتصاد کشور با رشد اقتصادی نزدیک به صفر و تورم بالا روبروست، طبیعی است که با افزایش قیمت دلار و ارز روبرو خواهیم شد.»

● پیمان مولوی افزوده در صورت تداوم شرایط موجود، «تورم نقطه به نقطه دی‌ماه سال آینده به ۹۰ درصد خواهد رسید؛ یعنی ما به سمت تورم‌های بالاتر در حال حرکت هستیم و عدم رشد اقتصادی تقریباً مشخص است.»

● مرتضی افقه اقتصاددان: اگر مذاکرات منجر به رفع تحریم نشود، دوباره بازارها به روند افزایشی بازخواهند گشت، زیرا هنوز اقتصاد ما وابسته به درآمدهای نفتی است و چون درآمد نفتی نداریم، عملاً ارزی نداریم که بتواند بازار را مدیریت کند و بنابراین مشکلات همچنان ادامه پیدا می‌کند.

تیم اقتصادی دولت پزشک‌بان کارنامه‌ای منفی را طی یک سال و نیم فعالیت دولت چهاردهم ثبت کرده است. در شرایطی از ابتدای زمستان امسال دولت پزشک‌بان با اجرای طرح تک نرخی کردن ارز با هدف ساماندهی قیمت ارز شد، اما یک کارشناس اقتصادی تأکید دارد ارزش پول ملی همچنان روند سقوط را ادامه می‌دهد و با تداوم این شرایط تورم طی ماه‌های آینده به ۱۰۰ درصد می‌رسد.

ارقام اعلام شده برای نرخ تورم دی‌ماه امسال در تاریخ فعالیت مرکز آمار ایران بی‌سابقه بوده است. به گزارش مرکز آمار ایران تورم در دی امسال نسبت به دی سال گذشته ۶۰ درصد افزایش داشته و طی تنها چهار هفته، از ابتدا تا انتهای دی‌ماه، ۸ درصد افزایش یافته است. نرخ تورم سالانه برای گروه خوراکی و آشامیدنی‌ها نیز

گزارش «وال استریت ژورنال» درباره ادعای «لابیگری» تریتا پارسی برای جمهوری اسلامی



شنبه ۲۵ ماه مه ۲۰۱۹ (چهار خرداد) هزاران نفر از کاربران توییتر با ترمز کردن هشتگ «#NIACLobbies4Mullah» (لابی نایاک برای ملایا) اعلام کردند «شورای ملی ایرانیان آمریکا» (نایاک) صدای مردم ایران نیست

و مشاور رسانه‌ای سپاه پاسداران که در تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی حضور دارد، درباره تلاش‌های لابی‌گری جمهوری اسلامی سوال شد. او پاسخ داد: «این موضوع باید خارج از ضبط و به صورت غیررسمی مطرح شود.» دانشجویی که با او گفتگو می‌کرد پرسید: «منظورتان همان تریتا پارسی است، درست است؟» ایزدی در پاسخ گفت: «بله نه، صبر کنید، این برنامه در حال ضبط است!»

او در ادامه توضیح داد که یکی از روسای جمهوری پیشین (روحانی) به دنبال ایجاد «لابی ایرانی» در آمریکا بود. در ادامه گزارش «وال استریت ژورنال» آمده است: تریتا پارسی در واکنش، بیانیه‌ای از سوی نایاک منتشر کرد که در آن آمده بود: «نایاک صد درصد یک سازمان ایرانی-آمریکایی است و هیچ ارتباطی با جمهوری اسلامی ندارد.»

با این حال، در همان ویدئو، طرف گفتگوی ایزدی صریح‌تر سخن گفت و اظهار داشت: «شما آنجا لابی‌ای به نام نایاک ساختید که با ناکامی خود، ایران را بی‌آبرو کرد.»

وال استریت ژورنال در ادامه این یادداشت به خبر دوم می‌پردازد که درباره سازمان دیده‌بان حقوق بشر است که مدت‌هاست تحت نفوذ فعالان منتقد اسرائیل قرار گرفته است که مواضعی افراطی دارند. جمال عیدی رئیس فعلی شورای ملی ایرانیان آمریکا ۷ مارس ۲۰۲۵ (۱۷ اسفندماه) با انتشار بیانیه‌ای از ترامپ رئیس جمهور آمریکا تقاضا کرده بود، شروطی برای خامنه‌ای بگذارد که او بتواند بپذیرد!

در این بیانیه آمده بود نامه ترامپ به خامنه‌ای «حاکمی از علاقه وی به توافق است... اما آنچه مهم است، محتوای آن نامه است... باید به ایران پیشنهادی برای مذاکره تحت شرایطی بدهد که بتواند بپذیرد، نه اینکه به دنبال اطمینان از این باشد که ایران نمی‌تواند آن را رد کند.»

تریتا پارسی و همکاران سابق او در نایاک همواره در دهه‌ی اخیر گزارش‌ها در باره «لابیگری» برای جمهوری اسلامی یا همسویی با سیاست‌های رژیم ایران را رد کرده‌اند. اشاره عیدی به نامه‌ای بود که ترامپ در نخستین روزهای دور دوم ریاست جمهوری خود به علی خامنه‌ای ارسال کرده بود.

● شورای سردبیری روزنامه «وال استریت ژورنال» پنجشنبه ۵ فوریه (۱۶ بهمن ۱۴۰۴)، در گزارشی با عنوان «لابی ایرانی و دیده‌بان حقوق بشر؛ پرسش‌های ناخوشایند خاورمیانه‌ای برای دو سازمان غیردولتی آمریکایی» نوشت: این هفته دو خبر درباره سازمان‌های غیردولتی (NGO) هایی که خبرنگاران اغلب برای نقل قول آوردن از آن‌ها استفاده می‌کنند تا دیدگاه‌های خود را در قالب تحلیل دیگران مطرح کنند توجه ما را جلب کرد.

● فؤاد ایزدی مشاور سپاه پاسداران در یک جلسه پرسش و پاسخ تأیید کرد که تریتا پارسی از بنیانگذاران «نایاک» لابی جمهوری اسلامی در آمریکاست. او در بخشی از برنامه دیالوگ بر لزوم شکل‌گیری لابی ایران در آمریکا تأکید کرد و در واکنش به صحبت شرکت‌کنندگان این برنامه که لابی به سبک ما می‌شود: تریتا پارسی گفت: یکی از اشتباهات آقای روحانی این بود که در بازگشت از اولین سفر خود به نیویورک، در فرودگاه اعلام کرد که ما نیاز به «لابی ایرانی» داریم. در حالی که باید می‌گفت ما «لابی ایران» می‌خواهیم.

شورای سردبیری روزنامه «وال استریت ژورنال» پنجشنبه ۵ فوریه (۱۶ بهمن ۱۴۰۴)، در گزارشی با عنوان «لابی ایرانی و دیده‌بان حقوق بشر؛ پرسش‌های ناخوشایند خاورمیانه‌ای برای دو سازمان غیردولتی آمریکایی» نوشت: این هفته دو خبر درباره سازمان‌های غیردولتی (NGO) هایی که خبرنگاران اغلب برای نقل قول آوردن از آن‌ها استفاده می‌کنند تا دیدگاه‌های خود را در قالب تحلیل دیگران مطرح کنند توجه ما را جلب کرد. مورد نخست مربوط به تریتا پارسی معاون اجرایی «مؤسسه کوئینسی» مربوط می‌شود؛ تشکیلاتی که از سیاست خارجی انزواگرایانه آمریکا حمایت می‌کند. پارسی پیش‌تر بنیانگذار و رئیس «شورای ملی ایرانیان آمریکا» (نایاک) بود؛ سازمانی که از سیاستی نرم‌تر از سوی آمریکا در قبال حکومت تهران دفاع می‌کند.

در برنامه تلویزیونی «دیالوگ» که یکشنبه ۱۲ بهمن‌ماه پخش شد، از فواد ایزدی کارشناس ایرانی مسائل آمریکا

→ تحت تأثیر متغیرهای بیرونی مثل جنگ ۱۲ روزه، اسنپ‌ک، تنش‌های داخلی و... است.»

این اقتصاددان در مورد سناریوهای پیش روی بازار طلا و ارز، تأکید کرده «اگر مذاکره انجام شود و موفق باشد، قیمت طلا و ارز ریزش خواهد کرد؛ اما به صورت مقطعی، زیرا اگر مذاکرات منجر به رفع تحریم نشود، دوباره بازارها به روند افزایشی بازخواهند گشت، زیرا هنوز اقتصاد ما وابسته به درآمدهای نفتی است و چون درآمد نفتی نداریم، عملاً ارزی نداریم که بتواند بازار را مدیریت کند و بنابراین مشکلات همچنان ادامه پیدا می‌کند.»

فرامرز توفیقی فعال کارگری نیز معتقد است که دولت پزشکیان توانایی جلوگیری از افزایش تورم را ندارد چرا که «اصلاً تسلطی بر شاخص‌های بازار ندارد و از سوی دیگر، اراده‌ای هم برای کنترل بازار نیست. دولت چیزی برای ارائه حتی برای کارفرما و صنعتگر هم ندارد، فقط حرف و حرف و حرف؛ حرف درمانی هم در اوضاع فعلی دیگر جواب نمی‌دهد.» فرامرز توفیقی افزوده که «تشدید و تداوم گرانی اتفاقی غیر قابل اجتناب است که ادامه خواهد داشت. از سوی دیگر حق اعتراض نیز بیش از همیشه از همه گروه‌ها از جمله کارگران و مزدبگیران سلب شده است؛ با زدن برچسب‌های امنیتی و این گزاره که «اغتشاش نکنید» حق اعتراض را از مردم گرفته‌اند؛ با این اوصاف، نتیجه چه می‌شود؟ قیمت‌ها بدون توقف بالا می‌رود و زندگی مردم به خصوص فرودستان روز به روز بدتر می‌شود.»

این فعال کارگری که محاسبات مستقل سبد معیشت خانوارهای کارگری را محاسبه می‌کند، تأکید کرده که «تا آخر سال به راحتی تورم بالای ۱۲۰ درصد خوراکی‌ها را خواهیم داشت و سبد معیشت تصنعی شورایی‌کاری که اسفند سال قبل ۲۴ میلیون محاسبه شده بود، در ایده آل‌ترین شرایط نزدیک ۶۰ میلیون تومان خواهد بود؛ نرخ سبد واقعی بسیار بالاتر از اینهاست، بسیار بسیار بالاتر...»

همانطور که این کارشناسان اشاره کرده‌اند تیم اقتصادی دولت پزشکیان، برخلاف وعده‌های انتخاباتی او، نتوانسته در مدیریت اقتصادی کشور موفق عمل کند. از سوی دیگر عبدالناصر همتی که در چند ماه نخست دولت پزشکیان وزیر اقتصادی و از اواخر پاییز امسال رئیس کل بانک مرکزی است، سیاست تک‌نرخی کردن ارز را اجرایی کرده که بر افزایش تورم، به ویژه در بخش مواد خوراکی و دارو، موثر بوده است. اگرچه تک‌نرخی کردن ارز به صورت تئوری اقدامی اصولی به شمار می‌رود اما کارشناسان معتقدند در بدترین زمان ممکن اجرایی شده است.

از سوی دیگر دولت با کسری شدید بودجه روبروست؛ تشدید تحریم‌های بین‌المللی در ماه‌های گذشته درآمدهای دولت را به شدت کاهش داده و مسائل سیاسی از جمله احتمال بروز جنگ نظامی و اعتراضات سراسری هفته‌های گذشته سبب بالارفتن ریسک در اقتصاد ایران شده و روند خروج سرمایه را افزایش داده است.

بودجه سال ۱۴۰۵ با کسری عملیاتی روبروست و از سوی دیگر اگر جمهوری اسلامی با دولت دونالد ترامپ به توافق نرسد، بحران‌های اقتصادی افزایش یافته، و کسری بودجه دولت نیز بیشتر می‌شود.

در چنین شرایطی اقدامات دولت برای جبران کسری بودجه، مانند برداشت از صندوق ملی و استقراض از نظام بانکی و چاپ پول بدون پشتوانه، رقم نقدینگی در اقتصاد را افزایش و در نتیجه تورم را بیشتر خواهد کرد. اینهمه تصویری مبهم و نکاندننده درباره آینده اقتصاد ایران ترسیم کرده و سبب می‌شود کارشناسان نسبت به افزایش تورم در ماه‌های آینده هشدار دهند.

اختصاصی؛ حسن شاخصی در اعتراضات ۱۸ دی ماه هنگام کمک به مجروحان هدف شلیک مأموران قرار گرفت و جان باخت

یکی از دوستان نزدیک حسن شاخصی در گفتگو با «کیهان لندن» گفته «جاوید نام حسن شاخصی مشروطه‌خواه بود که در اعتراضات جان باخت اما یکی از افرادی است که کمتر به او پرداخته شد.»

به گفته این فرد، حسن شاخصی ۳۹ ساله، متأهل و دارای دو فرزند ۱۶ و ۱۳ ساله بود. او مالک یک کارگاه کانال‌سازی کولر بود و در ۱۸ دی‌ماه در اعتراضات هدف گلوله مأموران سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار گرفت و جان باخت.

او می‌گوید «حسن برای ساخت آینده‌ای روشن برای فرزندان و ایران با شعار «جاوید شاه» و «می‌جنگیم می‌گیریم ایران رو پس می‌گیریم به خیابان رفت.»

دوست حسن شاخصی افزوده «پس از تیراندازی مأموران جمهوری اسلامی به مردم او وقتی زخمی و کشته شدن هموطنانش را به چشم می‌بیند، فریاد می‌زند «نترسید من بادیگارد شما هستم» و سپس چند نفر زخمی را از مهلکه نجات می‌دهد و به پارکینگ خانه‌های مجاور حمل می‌کند. در نهایت وقتی دوباره برای کمک به نفر بعدی می‌رود مأموران ضحاک از پشت به قلب پاکش شلیک می‌کنند.»

دوست حسن شاخصی به «کیهان لندن» می‌گوید «او آن لحظه می‌دانسته که جانش در خطر است اما اوج انسانیت را به رخ جهانیان می‌کشد...»

او همچنین با بیان اینکه «خانواده تحت فشار بودند تا شهید بسیجی اعلام شوند اما با پاسخ محکم و قاطع همسرش مواجه شدند» می‌گوید پیکر حسن هم با ترفند از سردخانه خارج کردند و به خاک سپردند.



حسن شاخصی

حسن شاخصی متولد ۱۳۶۵ پدر دو کودک ۱۶ و ۱۳ ساله از جمله جان‌باختگان اعتراضات دی ۴۰۴ است. او شامگاه پنجشنبه ۱۸ دی در تهرانپارس و در جریان سرکوب معترضان، مجروحان را به محل امن حمل می‌کرد اما از سوی مأموران امنیتی هدف قرار گرفت و بر اثر اصابت گلوله جنگی به قلبش جان باخت.

● حسن شاخصی متولد ۱۳۶۵ پدر دو کودک ۱۶ و ۱۳ ساله، شامگاه پنجشنبه ۱۸ دی در تهرانپارس و در جریان سرکوب معترضان، مجروحان را به محل امن حمل می‌کرد اما از سوی مأموران امنیتی هدف قرار گرفت و بر اثر اصابت گلوله جنگی به قلبش جان باخت.

● یکی از دوستان حسن شاخصی در گفتگو با «کیهان لندن» با بیان اینکه «حسن مشروطه‌خواه بود و برای ساخت آینده‌ای روشن برای فرزندان و ایران با شعار «جاوید شاه» و «می‌جنگیم می‌گیریم ایران رو پس می‌گیریم به خیابان رفت.»

● دوست حسن شاخصی توضیح داده «پس از تیراندازی مأموران جمهوری اسلامی به مردم او وقتی زخمی و کشته شدن هموطنانش را به چشم می‌بیند، فریاد می‌زند «نترسید من بادیگارد شما هستم» و سپس چند نفر زخمی را از مهلکه نجات می‌دهد و به پارکینگ خانه‌های مجاور حمل می‌کند. در نهایت وقتی دوباره برای کمک به نفر بعدی می‌رود مأموران ضحاک از پشت به قلب پاکش شلیک می‌کنند.»

● دوست حسن شاخصی به «کیهان لندن» می‌گوید «او آن لحظه می‌دانسته که جانش در خطر است اما اوج انسانیت را به رخ جهانیان می‌کشد...»

● او همچنین با بیان اینکه «خانواده تحت فشار بودند تا شهید بسیجی اعلام شوند اما با پاسخ محکم و قاطع همسرش مواجه شدند» می‌گوید پیکر حسن هم با ترفند از سردخانه خارج کردند و به خاک سپردند.

اختصاصی؛ بی‌خبری از حسین مزینانی، بازداشت‌شده در اعتراضات ۲۰ دی ۴۰۴

از بازداشت او در اعتراضات ۲۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ خبر داده و گفته همچنان با گذشت بیش از سه هفته از بازداشت حسین خبری از او در دست نیست.

به گفته این منبع آگاه برادر حسین، مهدی، هم بازداشت شده است و از این دو برادر خبری در دست نیست. خانواده‌شان بازداشت دو فرزندشان را تأیید کرده‌اند اما از محل و شرایط نگهداری و حتی سلامت آنها خبری در دست نیست. او افزوده حسین فرزند شهید محمد مزینانی است. یک عمو و دو دایی حسین هم در جنگ ایران و عراق شهید شدند. حسین به شدت جوان میهن‌دوست و شریف و آزاده است. او پیشتر هم در اعتراضات حضور داشته؛ سال ۸۸ بازداشت و زندانی شد.

حسین مزینانی فارغ‌التحصیلی مهندسی کامپیوتر از دانشگاه خواجه‌نصرالدین طوسی در تهران، و فارغ‌التحصیل کارشناسی نوازندگی موسیقی ایرانی از دانشگاه هنر تهران، نوازنده و استاد ساز و سه‌تار است.

او همچنین به صورت حرفه‌ای در ورزش‌های کوهنوردی، سنگ‌نوردی، و کاراته فعالیت دارد.

با توجه به بی‌خبری مطلق از وضعیت حسین مزینانی بیم آن می‌رود که حسین مزینانی قربانی سناریوهای اعتراف‌گیری اجباری، یا ناپدیدسازی در جمهوری اسلامی شود.



حسین مزینانی

مزینانی بازداشت شده و اطلاعی از او در دست نیست. یکی از دوستان حسین مزینانی در گفتگو با «کیهان لندن»

● بر اساس اطلاعات رسیده به «کیهان لندن» حسین مزینانی متولد ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۲ در جریان اعتراضات شامگاه جمعه ۲۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ در تهران به همراه برادرش مهدی مزینانی بازداشت شده و اطلاعی از او در دست نیست.

● حسین مزینانی فارغ‌التحصیلی مهندسی کامپیوتر از دانشگاه خواجه‌نصرالدین طوسی در تهران، و فارغ‌التحصیل کارشناسی نوازندگی موسیقی ایرانی از دانشگاه هنر تهران، نوازنده و استاد ساز و سه‌تار است.

● یک منبع آگاه به «کیهان لندن» گفته «حسین فرزند شهید محمد مزینانی است. یک عمو و دو دایی حسین هم در جنگ ایران و عراق شهید شدند. حسین به شدت جوان میهن‌دوست و شریف و آزاده است. او پیشتر هم در اعتراضات حضور داشته؛ سال ۸۸ بازداشت و زندانی شد.»

حسین مزینانی مهندس کامپیوتر و نوازنده و استاد موسیقی از ۲۰ دی ۴۰۴ در جریان اعتراضات بازداشت شده و همچنان هیچ خبری از او در دست نیست.

بر اساس اطلاعات رسیده به «کیهان لندن» حسین مزینانی متولد ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۲ در جریان اعتراضات شامگاه جمعه ۲۰ دی‌ماه ۱۴۰۴ در تهران به همراه برادرش مهدی

محمد هادی مهرتاشفر قرار بود به آلمان برود ولی مأموران سرکوب قلبش را نشانه گرفتند



محمد هادی مهرتاشفر

این فرد آگاه در ادامه اضافه کرد: «محمد هادی فرزند وسط خانواده بود که یک خواهر کوچکتر و یک برادر بزرگتر داشت. او جوانی بلند قد و سر به زیر و محبوب بود که همیشه لبخند بر لب داشت. همه همکاران، دوستان و اطرافیانش او را دوست داشتند. این جوان مهندس آیتی، خیلی مهربان بود، پیتزا را به صورت حرفه‌ای درست می‌کرد و همه عاشق پیتزاهای او بودند. زبان انگلیسی او هم عالی بود و آیلنس داشت. همچنین او در حال یاد گرفتن زبان آلمانی بود تا برای ادامه تحصیل به این کشور برود. البته قبلاً قرار بود برای مهاجرت به انگلستان ویزا بگیرد که اپیدمی کرونا اتفاق افتاد و برنامه مهاجرتش به انگلستان لغو شد.»

او در ادامه می‌گوید: «بنویسید دایی ۱۹ ساله هادی، در جنگ ایران و عراق برای وطن شهید شد. پدر هادی هم در جنگ ایران و عراق، جانباز شد چون برای وطن رفت ولی همان کسانی که قرار بود امنیت خاک و مردمش را تامین کنند. پسر برومند این جانباز جنگ را کشتند. با این همه در سالهای پس از جنگ، پدر هادی با وجود داشتن ۱۵ درصد جانبازی از پدر و مادر همسر خود که داغدار پسر جوانشان بودند تا سالها نگهداری کرد تا غم از دست دادن پسرشان را تحمل کنند. پدری که با مشکلات جانبازی پسر رشید، مهربان با استعداد و تحصیلکرده به وطن هدیه داد ولی محافظان امنیت به او گلوله‌ای تقدیم کردند!»

این فرد نزدیک به خانواده محمد هادی مهرتاشفر در پایان تأکید کرد «هرچند هادی طرفدار شاهزاده رضا پهلوی نبود ولی پس از فراخوان ایشان برای داشتن آینده بهتر برای وطن و هم‌وطنانش در این اعتراضات شرکت کرد و جان عزیز خود را در راه وطن تقدیم کرد.»

علی زندیه از طرف مأموران حکومتی تحت فشار زیادی قرار دارند ولی با این وجود، دوستان و اطرافیان او خواستند که خبر کشته شدن او بدست مأموران سرکوب، اطلاع‌رسانی شود تا نام و یاد او فراموش نشود.

● محمد هادی مهرتاشفر ۲۷ ساله ساعت ۱۰ شب روز جمعه ۱۹ دی‌ماه حوالی پارک شرافت کرج مقابل چشمان دوستانش توسط مأموران سرکوب به ضرب گلوله از ناحیه قلب هدف قرار گرفته و کشته شد.

● خانواده او پیکر فرزندشان را بعد از دو روز پیدا کردند و برای تحویل پیکرش ۳۵۰ میلیون تومان پرداخت کردند.

● محمد هادی دارای مدرک کارشناسی ارشد آیتی بود و در حال برنامه‌ریزی برای مهاجرت به آلمان بود.

● «هرچند محمد هادی طرفدار شاهزاده رضا پهلوی نبود ولی پس از فراخوان ایشان برای داشتن آینده بهتر برای وطن و هم‌وطنانش در این اعتراضات شرکت کرد و جان عزیز خود را در راه وطن تقدیم کرد.»

مأموران سرکوب جمهوری اسلامی در شامگاه ۱۹ دی‌ماه و در جریان اعتراضات سراسری با گلوله اسلحه جنگی سینه محمد هادی مهرتاشفر ۲۷ ساله ساکن کرج را شکافتند و او را کشتند.

محمد هادی مهرتاشفر یک فرد نزدیک به خانواده محمد هادی مهرتاشفر در گفت‌وگو با «کیهان لندن» توضیح داده «در جریان اعتراضات دی ماه، محمد هادی مهرتاشفر ۲۷ ساله دارای مدرک کارشناسی ارشد آیتی در ساعت ۱۰ شب روز جمعه ۱۹ دی‌ماه حوالی پارک شرافت کرج در مقابل چشمان دوستانش توسط مأموران سرکوب به ضرب گلوله از ناحیه قلب هدف قرار گرفته و کشته شد. خانواده او پیکر فرزندشان را بعد از دو روز پیدا کردند و برای تحویل پیکرش ۳۵۰ میلیون تومان پرداخت کردند.»

تکیه‌گاه مادر و چهار خواهرش بود، علی بعد از همه این سختی‌هایی که کشیده بود قرار بود به آرزوی خودش و کسی که دوستش داشت برسد اما نگذاشتند. علی خیلی با غیرت بود، خیلی مرد بود.» او در پایان تأکید کرد که خانواده

اختصاصی؛ علی زندیه پری ۲۵ ساله اهل ملایر که از پشت‌بام سرش را نشانه گرفتند



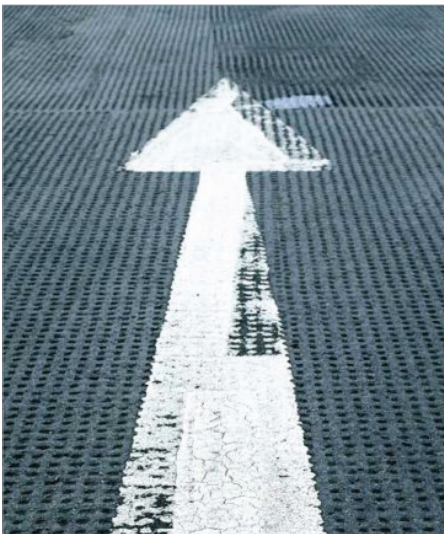
حسین مزینانی

● علی زندیه پری ۲۵ ساله اهل ملایر، در جریان اعتراضات ۲۰ دی‌ماه با شلیک تک‌تیراندازها از پشت‌بام یک خانه هدف قرار گرفت و بر اثر اصابت تیر به سرش جان باخت.

علی زندیه پری ۲۵ ساله اهل ملایر، نان‌آور خانواده و تکیه‌گاه مادر و چهار خواهرش بود و قرار بود با دختر مورد علاقه‌اش عقد کند اما در ۲۰ دی‌ماه تک‌تیراندازها از پشت‌بام یک خانه سرش را هدف گلوله قرار دادند و او را کشتند. یک فرد نزدیک به خانواده علی زندیه پری در گفت‌وگو با «کیهان لندن» گفت: «علی ۲۵ ساله بود، پدرش فوت شده بود، از ابتدایی درسش را رها کرده بود و در باتری‌سازی کار می‌کرد تا نان‌آور خانه باشد. تمام سعی خودش را می‌کرد تا مادرش غصه نخورد. برای سه خواهرش جهیزیه و سیسمونی خرید. ۲۰ آذر امسال عروسی کوچکترین خواهرش بود. شب عروسی خواهرش، علی کت و شلوار پوشیده بود و با ذوق می‌گفت بعدش دیگه نوبت منه عروسی منه، حتی خانه خریده بود و یک دختر را خیلی دوست داشت برایش انگشتر خریده بود و شیرینی خورده بودند که بروند عقد کنند.» این فرد در ادامه توضیح داد: «در ۲۰ دی‌ماه علی از باشگاه برگشته بود که دید که یک مأمور با قنداق اسلحه دارد بچه مردم را می‌زند، رفت که جلوی او را بگیرد از پشت سر مأمور را گرفت تا جلوی شلیک او را بگیرد اما تک‌تیراندازها از پشت‌بام یکی از خانه‌های اطراف، سرش را هدف گلوله قرار گرفتند و او را کشتند.»

به گفته این فرد نزدیک به خانواده علی زندیه پری «علی

وحشت از صندوق رأی؛ آزمون دموکراسی خواهی اپوزیسیون ایران



● مخالفت برخی جریان‌های اپوزیسیون با اصل رجوع به صندوق رأی در چارچوبی که شاهزاده رضا پهلوی بارها بر آن تأکید کرده، نه تنها تناقض آمیز، بلکه افشاگر ماهیت واقعی این جریان‌هاست.

● اپوزیسیونی که سال‌ها جمهوری اسلامی را به درستی به دلیل مهندسی انتخابات، حذف رقبا و بی‌اعتنایی به رأی ملت نقد کرده است، امروز چگونه می‌تواند خود در برابر اصل انتخابات آزاد، رقابتی و نظارت‌پذیر بایستد؟

● چارچوبی که شاهزاده رضا پهلوی پذیرفته است و بر آن پافشاری می‌کند، مبتنی است بر: تمامیت ارضی ایران، سکولاریسم و جدایی نهاد دین از دولت، حقوق برابر شهروندی و تعیین شکل نهایی حکومت (پادشاهی یا جمهوری) از طریق همه‌پرسی آزاد.

● جریانی که می‌داند در اقلیت است، اما حاضر نیست این اقلیت بودن را بپذیرد و تنها راه بقا را در حذف صندوق رأی یا تخریب گزینه‌ای می‌بیند که شانس رأی‌آوری دارد، نه دموکرات است و نه آلترناتیوی قابل اعتماد برای آینده ایران.

● اگر اپوزیسیون می‌خواهد جایگزین استبداد باشد، باید از امروز به قواعد دموکراسی پایبند بماند، نه آن‌که صندوق رأی را فقط زمانی بپذیرد که نتیجه‌اش مطابق میل اوست.

● ایران آزاد، با رأی مردم ساخته می‌شود؛ نه با ترس از آن.

دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی - در ماه‌ها و سال‌های اخیر، هم‌زمان با خیزش‌های اجتماعی و سیاسی در ایران و فروپاشی تدریجی مشروعیت جمهوری اسلامی، یک شکاف مهم در درون اپوزیسیون بیش از پیش آشکار

عاری از تهدید و به دور از توقعات بی‌منطق، زمینه مذاکره عادلانه و منصفانه بر اساس اصل عزت، حکمت و مصلحت را در چارچوب منافع ملی فراهم سازد.

پس از آنکه مقامات آمریکایی آشکار هشدار دادند که گزینه جمهوری اسلامی انتخاب بین پذیرش شروط ترامپ یا حمله نظامی است، برخی منابع از جمله خبرگزاری فارس به نقل از «یک منبع در دولت» نوشت که «رئیس‌جمهور دستور آغاز مذاکرات را صادر کرده است» و تسنیم نیز گزارش داد «شورای عالی امنیت ملی» دستور مذاکره را صادر کرده است.

دونالد ترامپ دوشنبه ۱۳ بهمن در جمع خبرنگاران در کاخ سفید هشدار داد که «همین حالا ناوهای را در مسیر ایران داریم؛ ناوهای بزرگ، بهترین و بزرگ‌ترین‌ها، مذاکره با ایران در جریان هستند. خواهیم دید چه می‌شود».



در جریان خیزش ضدحکومتی ایرانیان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دست به کشتار وسیع مردم زد

یکی از خبرنگاران از ترامپ پرسید که آیا می‌تواند برنامه نظامی خود را درباره ایران بگوید؟ رئیس‌جمهور آمریکا پاسخ داد: «من نمی‌توانم به شما بگویم چون اکنون یک نیروی بزرگی داریم که به آنجا می‌رود. مانند ونزوئلا. حتی بزرگ‌تر».

ترامپ افزود: «می‌خواهم بر سر یک توافق مذاکره شود. نمی‌دانم این اتفاق خواهد افتاد یا نه... اگر بتوانیم به نتیجه برسیم، عالی خواهد بود. اگر نتوانیم احتمالاً اتفاقات بدی خواهد افتاد».

گفته می‌شود عباس عراقچی و استیو ویتکاف فرستاده ترامپ روز جمعه ۱۷ بهمن‌ماه با میانجیگری رجب طیب اردوغان در استانبول دیدار خواهند کرد.

شروط دونالد ترامپ برای مذاکره، برچیدن تمام ظرفیت غنی‌سازی در ایران، توقف تولید موشک‌های بالستیک دوربرد، توقف پشتیبانی از شبه‌نظامیان و خارج کردن بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌سازی شده ۶۰ درصدی در ایران است. برخی منابع گفته بودند از دیگر شروط ترامپ «به رسمت شناختن اسرائیل» توسط جمهوری اسلامی است.

پیش از این علی شمخانی مشاور خامنه‌ای در مصاحبه با شبکه «المیادین» گفته بود، دلیلی ندارد اورانیوم‌ها از ایران خارج شود و آمریکا حمله کند.

حکومت دو هفته پس از قتل‌عام هزاران ایرانی، در شرایطی که به شدت از حمله نظامی آمریکا احساس نگرانی می‌کند به دنبال راهی برای مذاکره و توافق با آمریکاست هرچند تمام شروط دونالد ترامپ که در یک سال گذشته روی آن اصرار داشته پابرجاست.

دو هفته پس از قتل عام مردم ایران؛ پزشکیان: به عراقچی دستور دادم زمینه مذاکره با آمریکا را فراهم سازد

● پزشکیان روز سه‌شنبه ۱۴ بهمن در «ایکس» نوشت: «با توجه به درخواست دولت‌های دوست در منطقه برای پاسخ به پیشنهاد رئیس‌جمهور آمریکا جهت مذاکره، به وزیر خارجه دستور دادم در صورت وجود فضای مناسب و عاری از تهدید و به دور از توقعات بی‌منطق، زمینه مذاکره عادلانه و منصفانه بر اساس اصل عزت، حکمت و مصلحت را در چارچوب منافع ملی فراهم سازد».

● دونالد ترامپ دوشنبه ۱۳ بهمن در جمع خبرنگاران در کاخ سفید هشدار داد که «همین حالا ناوهای را در مسیر ایران داریم؛ ناوهای بزرگ، بهترین و بزرگ‌ترین‌ها، مذاکره با ایران در جریان هستند. خواهیم دید چه می‌شود».

ترامپ افزود: «می‌خواهم بر سر یک توافق مذاکره شود. نمی‌دانم این اتفاق خواهد افتاد یا نه... اگر بتوانیم به نتیجه برسیم، عالی خواهد بود. اگر نتوانیم احتمالاً اتفاقات بدی خواهد افتاد».

● پیش از این علی شمخانی مشاور خامنه‌ای در مصاحبه با شبکه «المیادین» گفته بود، دلیلی ندارد اورانیوم‌ها از ایران خارج شود و آمریکا حمله کند.

پس از اولتیماتوم دونالد ترامپ به جمهوری اسلامی در مورد ضرورت توافق یا استفاده از گزینه نظامی، مسعود پزشکیان از دستور خود به عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی برای فراهم کردن زمینه مذاکره با آمریکا خبر داد.

پزشکیان روز سه‌شنبه ۱۴ بهمن در «ایکس» نوشت: «با توجه به درخواست دولت‌های دوست در منطقه برای پاسخ به پیشنهاد رئیس‌جمهور آمریکا جهت مذاکره، به وزیر خارجه دستور دادم در صورت وجود فضای مناسب و

اسلامی بود که مقامات تهران نپذیرفتند و آمریکایی‌ها اعلام کردند مذاکره لغو شد. اما با اصرار دولت‌های عربی و مسلمان از جمله ترکیه آمریکا به میز مذاکره بازگشت تا حرف‌های عراقچی را بشوند. با این وجود «آکسیوس» به نقل از چند مقام آمریکایی نوشت که آنها به نتیجه‌بخش بودن مذاکره بدبین هستند. روزنامه «وال استریت ژورنال» اعلام کرد برد کوپر فرمانده سنتکام نیز در محل مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در عمان حضور دارد.

آزمایش موشکی سپاه همزمان با مذاکره عراقچی و ویتکاف در عمان، پیام مستقیم به آمریکاست، آنهم در شرایطی که حکومت گفتگوهای موشکی را نپذیرفت. روزنامه «نیویورم تایمز» پیش از آغاز مذاکره، به نقل از مقام‌های ایرانی گزارش داده بود که ایران اندکی در مورد بحث‌های موشکی و منطقه‌ای عقب‌نشینی کرده است اما صداوسیما

آزمایش موشکی سپاه پاسداران همزمان با مذاکره عراقچی و ویتکاف در عمان



عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران

حکومتی این خبر را تکذیب کرد.

پاسدار اسماعیل کوثری، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی درباره از سرگیری مذاکرات میان ایران و ایالات متحده گفت: «محکم بگویم از مذاکرات هیچ نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد. علت این است که آمریکایی‌ها می‌خواهند ما را بازی بدهند و ما هم با آنها بازی خواهیم کرد اما سیاست‌های خودمان این کار را انجام خواهیم داد.»

کوثری عنوان کرد، آمریکایی‌ها خیال می‌کنند به قول معروف بیایند «هی شل کن و سفت کن» کنند مثلاً ما نظمان بازخواهد گشت. خیر اینگونه نیست. اگر می‌خواهند درباره مسائل هسته‌ای مذاکره کنند بیایند مذاکره کنند، اما رژیم اشغالگر قدس به آنها فشار می‌آورد که باید درباره مسئله موشکی ما و منطقه هم مذاکره شود و لذا این اصلاً مورد قبول ما نبوده و نیست و نخواهد بود.

او افزود: «امروز هم می‌خواهیم به دنیا نشان دهیم و تفهیم کنیم ما از مذاکره نمی‌ترسیم اما مذاکره‌ای که از قبل برای ما تعیین تکلیف شده باشد را اصلاً قبول نداریم، من هم قطعاً و یقیناً نظرم بر این است که این مذاکره به جایی نخواهد رسید.»

کوثری در پرسش به اینکه امروز جامعه هراس جنگ بعد از به نتیجه نرسیدن مذاکرات را دارد، گفت: «چه باید کنیم؟ مطمئن باشید آن موقع هم ما می‌زنیم و لت و پارشان خواهیم کرد. نه اینکه همین طوری چنین حرفی را بزنیم؛ بلکه با اطلاع دقیق می‌گویم.»

ترامپ به جمهوری اسلامی هشدار داده بود که این آخرین فرصت برای توافق است در غیراینصورت اتفاقا بدی خواهد افتاد.

● مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا، روز جمعه ۱۷ بهمن ۱۴۰۴ در مسقط پایتخت عمان آغاز شد. براساس گزارش منابع منطقه‌ای، عباس عراقچی و استیو ویتکاف «غیرمستقیم» با میانجی‌گری مقامات عمانی گفتگوها را آغاز کردند. همزمان سپاه پاسداران یک آزمایش موشکی انجام داد و برخی فرماندهان اعلام کردند مذاکره نتیجه‌ای نخواهد داشت.

● روزنامه «وال استریت ژورنال» اعلام کرد برد کوپر فرمانده سنتکام نیز در محل مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در عمان حضور دارد.

● پاسدار اسماعیل کوثری، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی درباره از سرگیری مذاکرات میان ایران و ایالات متحده گفت: «محکم بگویم از مذاکرات هیچ نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد. علت این است که آمریکایی‌ها می‌خواهند ما را بازی بدهند و ما هم با آنها بازی خواهیم کرد اما با سیاست‌های خودمان این کار را انجام خواهیم داد.»

مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا، روز جمعه ۱۷ بهمن ۱۴۰۴ در مسقط پایتخت عمان آغاز شد. براساس گزارش منابع منطقه‌ای، عباس عراقچی و استیو ویتکاف «غیرمستقیم» با میانجی‌گری مقامات عمانی گفتگوها را آغاز کردند. همزمان سپاه پاسداران یک آزمایش موشکی انجام داد و برخی فرماندهان اعلام کردند مذاکره نتیجه‌ای نخواهد داشت.

از شروط آمریکا برای مذاکره، بحث درباره مسائل موشکی و شبه نظامیان علاوه بر فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری

→ شده‌است: شکاف میان نیروهایی که به صندوق رأی و اراده مردم باور دارند و گروه‌هایی که – آگاهانه یا ناآگاهانه – از آن هراس دارند.

در این میان، مخالفت برخی جریان‌های اپوزیسیون با اصل رجوع به صندوق رأی در چارچوبی که شاهزاده رضا پهلوی بارها بر آن تأکید کرده، نه تنها تناقض‌آمیز، بلکه افشاگر ماهیت واقعی این جریان‌هاست. از این‌رو آنان در روزهای اخیر به شاهزاده می‌تازند و او را مسئول کشتاری می‌دانند که جمهوری اسلامی انجام داده‌است.

ترس از صندوق رأی، نه دفاع از دموکراسی

اپوزیسیونی که سال‌ها جمهوری اسلامی را به‌درستی به دلیل مهندسی انتخابات، حذف رقبا و بی‌اعتنایی به رأی ملت نقد کرده است، امروز چگونه می‌تواند خود در برابر اصل انتخابات آزاد، رقابتی و نظارت‌پذیر بایستد؟

واقعیت ساده اما تلخ است: بخش‌هایی از این اپوزیسیون به‌خوبی می‌دانند که در یک انتخابات آزاد و ملی، پایگاه اجتماعی گسترده‌ای ندارند. از همین رو، به‌جای رقابت سالم، با حمله به شاهزاده و بی‌اعتبار کردن صندوق رأی، به تخطئه اکثریت خاموش، یا القای این ایده خطرناک روی آورده‌اند که «مردم هنوز آماده انتخاب نیستند».

این همان منطق قیّم‌آبانه‌ای است که جمهوری اسلامی نیز چهار دهه با آن حکومت کرده است.

شاهزاده رضا پهلوی و خط قرمز روشن: رأی مردم

موضع شاهزاده رضا پهلوی در این زمینه شفاف و بدون ابهام است: نه بازگشت به استبداد، نه تحمیل هیچ شکل از حکومت و نه حذف هیچ جریان سیاسی – جز از مسیر صندوق رأی.

چارچوبی که او پذیرفته است و بر آن پافشاری می‌کند، مبتنی است بر: تمامیت ارضی ایران، سکولاریسم و جدایی نهاد دین از دولت، حقوق برابر شهروندی و تعیین شکل نهایی حکومت (پادشاهی یا جمهوری) از طریق همه‌پرسی آزاد.

مخالفت با این چارچوب، در عمل مخالفت با دموکراسی است، حتی اگر با واژگان زیبا تزئین شود.

اقلیت بودن، نه جرم است نه ننگ

در هر نظام دموکراتیک سالم، اقلیت‌ها وجود دارند و حق فعالیت، نقد و رقابت دارند؛ اما مشروط به پذیرش قواعد بازی دموکراتیک.

جیرانی که می‌داند در اقلیت است، اما حاضر نیست این اقلیت‌بودن را بپذیرد و تنها راه بقا را در حذف صندوق رأی یا تخریب گزینه‌ای می‌بیند که شانس رأی‌آوری دارد، نه دموکرات است و نه آلت‌رناتیوی قابل اعتماد برای آینده ایران. دموکراسی یعنی پذیرش این حقیقت ساده: ممکن است بیازی.

آینده ایران از صندوق رأی می‌گذرد

ایران پس از جمهوری اسلامی، بیش از هر چیز نیازمند اعتمادسازی ملی است. هیچ ابزار مشروعی برای این کار وجود ندارد جز رجوع به رأی آزاد مردم.

هر نیرویی که در برابر این اصل بایستد – فارغ از نام، سابقه یا شعارهایش – خود را در حاشیه تاریخ قرار می‌دهد. اگر اپوزیسیون می‌خواهد جایگزین استبداد باشد، باید از امروز به قواعد دموکراسی پایبند ماند، نه آن‌که صندوق رأی را فقط زمانی بپذیرد که نتیجه‌اش مطابق میل اوست. ایران آزاد، با رأی مردم ساخته می‌شود؛ نه با ترس از آن.

رئیس حزب لیبرال دموکرات‌های بلژیک:

ائتلاف بین‌المللی باید از مردم ایران در مقابل رژیم حاکم حمایت کند



جورج لویی بوشه رئیس حزب لیبرال دموکرات‌های بلژیک

● جورج لویی بوشه رئیس حزب لیبرال دموکرات‌های بلژیک پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۴ طی سخنانی در پارلمان بلژیک قتل‌عام زنان و مردان ایرانی را «یک رسوایی تمام‌عیار» خواند و گفت: «ما باید به‌طور جدی وارد عمل شویم تا به آن‌ها برای بازپس‌گیری آزادی‌شان کمک کنیم؛ آنها را نباید در این مبارزه تنها گذاشت.»

● لویی پیشنهاد داد: «پشتیبانی نظامی از مردم ایران، ایجاد و تقویت یک ائتلاف بین‌المللی را پیگیری کنیم.»

● او همچنین خواستار اعلام سفیر جمهوری اسلامی ایران به عنوان «عنصر نامطلوب» و اخراج فوری او شد.

جورج لویی بوشه رئیس حزب لیبرال دموکرات‌های بلژیک پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۴ طی سخنانی در پارلمان بلژیک قتل‌عام زنان و مردان ایرانی را «یک رسوایی تمام‌عیار» خواند و گفت: «ما باید به‌طور جدی وارد عمل شویم تا به آن‌ها برای بازپس‌گیری آزادی‌شان کمک کنیم؛ آنها را نباید در این مبارزه تنها گذاشت.»

لویی پیشنهاد داد: «پشتیبانی نظامی از مردم ایران، ایجاد و تقویت یک ائتلاف بین‌المللی را پیگیری کنیم.»

یکی از درخواست‌های بوشه لغو «توافق ننگین» انتقال زندانیان بود که به گفته او توافقی است که در عمل برای تروریست‌های جمهوری اسلامی مصونیت فراهم می‌کند.

در جریان انقلاب ضدحکومتی در ایران ۳۰ هزار کشته و ۵۰ هزار بازداشت‌شده؛ اما بدون هیچ پیامد انتخاباتی در سطح ملی بلژیک، و همین باعث شده بسیاری بی‌تفاوت بمانند... این وضعیت مطلقاً قابل قبول نیست.»

او همچنین خواستار اعلام سفیر جمهوری اسلامی ایران به عنوان «عنصر نامطلوب» و اخراج فوری او شد. رئیس حزب لیبرال دموکرات‌های بلژیک در بخشی از سخنرانی خود به اعضای پارلمان یادآوری کرد که «تاکتیک



سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه

سرگئی لاوروف: وضعیت میان جمهوری اسلامی و آمریکا تا مرز انفجار پیش رفته است

● وزیر خارجه روسیه، می‌گوید وضعیت میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا تا مرز انفجار پیش رفته است. او تأکید کرد، «روسیه خود را به‌عنوان میانجی تحمیل نمی‌کند، اما نسبت به تحولات خاورمیانه بی‌تفاوت نیست.»

● سرگئی لاوروف روز چهارشنبه ۴ ژانویه (۱۵ بهمن) در مصاحبه با شبکه «راشادودی» عنوان کرد: «در حال حاضر ما خودمان را به‌عنوان میانجی به ایران، اسرائیل یا ایالات متحده تحمیل نمی‌کنیم. در تماس‌هایی که با آن‌ها داریم، صرفاً درباره وضعیت گفتگو می‌کنیم. ایران شریک نزدیک و همسایه ماست. ما نسبت به نحوه پیشرفت اوضاع بی‌تفاوت نیستیم؛ به‌ویژه از آن جهت که این وضعیت نه تنها برای خود ایران، بلکه برای کل خاورمیانه در آستانه انفجار است.»

سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه، می‌گوید وضعیت میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا تا مرز انفجار پیش رفته است.

وجود دارد که منتظرند با یک قدم اشتباه منفجر شوند. ایرانی‌ها و اسرائیلی‌ها می‌دانند که ما در صورت دستیابی به هرگونه توافق، آماده کمک برای اجرای آن هستیم.» پیشتر، وبسایت آکسیوس گزارش داده بود که مذاکرات میان آمریکا و جمهوری اسلامی ایران قرار است ۱۷ بهمن‌ماه در عمان برگزار شود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا بارها تهدید کرده است که «ناوگان عظیم» به سمت ایران در حرکت است. او ابراز امیدواری کرده بود که تهران پای میز مذاکره بنشیند و به یک توافق «منصفانه و عادلانه» دست یابد؛ توافقی که به‌طور ضمنی به معنای چشم‌پوشی کامل از سلاح‌های هسته‌ای بود.

او تأکید کرد، «روسیه خود را به‌عنوان میانجی تحمیل نمی‌کند، اما نسبت به تحولات خاورمیانه بی‌تفاوت نیست.» وزیر خارجه روسیه روز چهارشنبه ۴ ژانویه (۱۵ بهمن) در مصاحبه با شبکه «راشادودی» عنوان کرد: «در حال حاضر ما خودمان را به‌عنوان میانجی به ایران، اسرائیل یا ایالات متحده تحمیل نمی‌کنیم. در تماس‌هایی که با آن‌ها داریم، صرفاً درباره وضعیت گفتگو می‌کنیم. ایران شریک نزدیک و همسایه ماست. ما نسبت به نحوه پیشرفت اوضاع بی‌تفاوت نیستیم؛ به‌ویژه از آن جهت که این وضعیت نه تنها برای خود ایران، بلکه برای کل خاورمیانه در آستانه انفجار است.» لاوروف افزود: «در چنین وضعیتی هم‌ب‌های ساعتی زیادی

بودن یا نبودن؛ نقد تاریخی و تحلیلی سلبریتی‌های حکومتی در جمهوری اسلامی



اقتصادی آنان را که ناشی از عدم همکاری با قدرت حاکم است، پوچ و بی‌ارزش و مضحک قلمداد می‌کند. همین موارد باعث می‌شوند، بسیاری به انگیزه رسیدن به نان و نوا، اندیشه سالم و ارزش‌های بشری را کنار گذاشته و به اصطلاح همرنگ جماعت شوند. اما چنان‌که لوئیس بونوئل گفته: آیا غم نان، دلیل بر فاحشگی هنر است؟

در چنین اجتماعی شاهد حضور سلبریتی‌هایی وابسته هستیم که در همین فرهنگ منحط رشد کرده و میوه این قدرت حاکم هستند. آنان که در بدترین شرایط و حتی پس از نسل‌کشی آشکار حکومت اسلامی، انگیزه‌ای برای اعلام حضور یا موضع‌گیری در سمت کشته‌شدگان و مظلومان ندارند. بلکه برعکس تلاش می‌کنند تا بند ناف خونین و متعفن رانتی خود را با مادر حکومت، محکم‌تر کرده و از این طریق به ارتزاق انگلوار خود ادامه دهند.

ای شکم خیره به نانی بساز
تا نکنی پشت به خدمت دوتا

اما این ماجرا از کجا آغاز شد و ریشه آن به چه باز می‌گردد؟ به اعتقاد نگارنده، پایه‌گذار تئوری کارکرد امنیتی سلبریتی‌ها، اصلاح‌طلبان بودند و این داستان به دوران محمد خاتمی باز می‌گردد. خاتمی با توجه به سابقه‌ای که در معاونت فرهنگی و همچنین ستاد تبلیغات جنگ داشت، تمرکز خود را بر نفوذ در طبقه فرهنگی قرار داده بود. او که مدتی وزیر ارشاد اسلامی بود، افرادی را مأمور نزدیک شدن به شبه‌همنمندان کرد تا سیاست‌های استمراری او را بر زبان جاری کرده و موجبات شرکت حداکثری مردم در انتخابات فرمایشی رژیم و در نتیجه، مشروعیت‌بخشی به آن فراهم شود.

گروهی از نویسندگان، سیاسیون، سلبریتی‌ها و

اینترنتی/ و از جمله جشنواره حکومتی فجر، اوضاع کشور را آرام و عادی جلوه دهد. بارها درباره هدف برگزاری این جشنواره و عایدات حکومتی آن سخن گفته شده است. اما این بار می‌خواهیم در چند گفتار، با نگاهی تحلیلی و تاریخی ابتدا به فرایند تاکتیکی حکومت اسلامی در مواجهه با فرهنگ و هنر بپردازیم و سپس به ذهن و خیال کسانی نفوذ کنیم که این راه را انتخاب کرده و خود را در چنین نمایشی در معرض دید و قضاوت عموم قرار می‌دهند.

یکی از مشکلاتی که با آن روبه‌رو هستیم و خوشبختانه امروز در نسل جوان کم‌رنگ‌تر شده، خیانت به مفاهیم و واژه‌هاست. سال‌هاست به‌خصوص پس از شورش سال ۵۷، معانی و کارکرد برخی واژه‌ها دستخوش تغییرات اساسی شده‌اند. مثلاً واژه‌های زیرکی، زرنگی، جنم، پشتکار، استعداد، پرکاری، و... گاه به‌شدت از معنا تهی شده و در بیشتر موارد، قلب معنا شده‌اند. به‌طوری‌که شاهد هستیم، اتصال پیدا کردن به منبع قدرت یا ثروت و پیشرفت از این طریق، متأسفانه در بدنه جامعه ما به‌نوعی ارزش تبدیل شده و از آن با واژه‌های زیرکی و زرنگی یا توانایی شخصی یاد می‌شود، حال آن‌که جامعه در ناخودآگاه خود آگاه است که در سیستم جمهوری اسلامی، پیشرفت کردن یا حتی وارد شدن به عالم هنر یا دنیای سلبریتی‌ها در زمینه‌های دیگر، مواردی غیر از پشتکار یا استعداد را می‌طلبد. به‌عبارت ساده می‌توان گفت که هر شخص باشراف یا دارای کرامت نفس، نمی‌تواند قدم در این راه بگذارد.

معنای این واژه‌های قلب‌شده را بایستی دوباره بازیابی کرد. بازتولید ارزش‌های مد نظر رژیم اسلامی از سوی مردم باعث شده، فرهنگ جامعه به‌طور کلی دچار اضمحلال شده و افرادی که به اصول و ضوابط انسانی پایبند هستند، شکست‌خورده و ضعیف جلوه کنند. چنین جامعه‌ای روشنفکران واقعی خود را تمسخر می‌کند. شکست‌های

● در چنین اجتماعی شاهد حضور سلبریتی‌هایی وابسته هستیم که در همین فرهنگ منحط رشد کرده و میوه این قدرت حاکم هستند. آنان که در بدترین شرایط و حتی پس از نسل‌کشی آشکار حکومت اسلامی، انگیزه‌ای برای اعلام حضور یا موضع‌گیری در سمت کشته‌شدگان و مظلومان ندارند.

● پایه‌گذار تئوری کارکرد امنیتی سلبریتی‌ها، اصلاح‌طلبان بودند و این داستان به دوران محمد خاتمی باز می‌گردد. خاتمی با توجه به سابقه‌ای که در معاونت فرهنگی و همچنین ستاد تبلیغات جنگ داشت، تمرکز خود را بر نفوذ در طبقه فرهنگی قرار داده بود.

● در دوره خاتمی، برخی روزنامه‌نگاران و شبه‌روشنفکران تن به تبلیغات رژیم دادند و زمینه شهرت و تثبیت چهره‌های مورد تأیید حکومت را فراهم کردند. عده‌ای دیگر کوشیدند در لباس هنرمند، طبق سفارش حکومت، با خلق آثاری تزئینی و جشنواره‌ای، ویتزین فرهنگی رژیم را بیارایند.

● جشنواره تئاتر فجر که در سال ۱۳۷۷ عنوان «بین‌المللی» گرفت، با میزبانی از گروه‌های خارجی می‌کوشید چهره خشن، مذهبی و تروریستی حکومت را در داخل و خارج سفیدشویی کند. روندی مشابه که در سینما، تلویزیون، نشر و ورزش نیز دنبال شد؛ روندی که اگرچه رانت اندکی را به گروهی محدود می‌رساند، اما در مجموع به استمرار حکومت کمک می‌کرد.

● سینمای شبه‌روشنفکری در دوره خاتمی رونق گرفت. فیلم‌هایی شاعرانه، در ستایش فقر، در ستایش دین و جدا از بدنه اجتماع، الگو و سرلوحه قرار گرفتند. جمهوری اسلامی در دوران خاتمی نخل طلای جشنواره کن را به‌دست آورد و در دیگر جشنواره‌ها مانند: ونیز، برلین و غیره، نام خود را ثبت کرد. سینما همچنان در ایران دولتی و رانتی رابطه‌ای بود اما غربی‌ها این سینما را می‌ستودند و حامدانه برای حکومت تبلیغ می‌کردند.

سارا پور صبری - سؤال قرار گرفتن در خدمت شر خواسته یا ناخواسته و قدم برداشتن در سمت‌وسوی اهداف آن، یا در مقابل، پشت پا زدن به منافع شخصی و سنگر گرفتن در جبهه‌ی مخالف این شر، این روزها برای برخی از به‌اصطلاح سلبریتی‌ها که در حوزه‌های مختلف به شهرت و اعتبار رسیده‌اند، به یک پرسش و انتخاب جدی بدل شده است. ما امروز با همان پرسش جاودانه‌ی شکسپیر مواجهیم: بودن یا نبودن؛ (در کنار مردم یا در کنار حکومت)

شکسپیر می‌گوید: بودن، یا نبودن: مسئله این است. آیا شایسته‌تر آن است که به تیر و تازیانه تقدیر جفاپیشه تن دردهیم، یا این‌که ساز و برگ نبرد برداشته، به جنگ مشکلات فراوان رومیت تا آن دشواری‌ها را از میان برداریم؟ به‌راستی که این سؤال، پاسخ خود را نیز به روشنی در بر دارد. هملت با خود می‌اندیشد که آیا باید در برابر ناراستی و خیانتی که به او و پدرش روا شده بایستد و انتقام بگیرد یا روند عادی زندگی خود را طی کرده و قتل پدر و خیانت مادر و عمویش را به فراموشی بسپارد؟

حکومت جمهوری اسلامی این روزها سعی دارد با گرم نگه‌داشتن بازار مکاره سریال‌ها / شوهای تلویزیونی و

دانشجویان در دهها دانشگاه ایران در اعتراض به کشتار دی ۴۰۴ امتحانات را تحریم کردند

● دانشجویان دانشگاه تهران، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه آزاد علوم پزشکی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی «بهشتی»، دانشگاه چمران اهواز و دانشگاه علوم پزشکی نیشابور در بیانیه‌هایی جداگانه امتحانات را در همه دانشکده‌ها تحریم کردند.

● بیش از ۳۰ واحد دانشگاهی و دانشکده علوم پزشکی دیگر نیز در واکنش به کشتار مردم با صدور بیانیه‌هایی از تحریم امتحانات حمایت کردند.

● دانشجویان مدیریت دانشگاه تهران نوشته‌اند: «تحریم امتحانات، امتناع از علم نیست؛ بلکه اعتراضی است به تحقیر انسانیت، به پایمال شدن آشکار حقوق بشر و ایستادگی تاریخی در برابر فراموشی ساختاریافته.»

● دانشجویان دانشکده دامپزشکی دانشگاه «چمران» اهواز اعلام کرده‌اند تا زمان بازگشت حداقلی از آرامش روانی، در امتحانات شرکت نخواهند کرد و این تصمیم را «کنشی مسئولانه و اعتراضی» دانسته‌اند.

● دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران: «عزیزانمان در بندگان، داغداریم برای هم‌دانشگاهی‌های ازدست‌رفته‌مان و البته همه‌ی ما خاک‌برسر و سوگواریم برای هزاران نفر از مردم ایران که کشته شده‌اند، امتحان دادن را گستاخی و دهن‌کجی به تمام آرمان‌های انسانی و اخلاقی‌مان می‌دانیم.»

● گستردگی تحریم امتحانات سبب شد وزارت بهداشت اعلام کند «غیبت» دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی را «موجه» قلمداد خواهد کرد. وزارت علوم اما هنوز واکنشی به تحریم امتحانات از سوی دانشجویان نداشته است.

دانشجویان در دهها دانشگاه ایران با صدور بیانیه‌هایی در اعتراض به کشتار دهها هزار شهروند از سوی نیروی سرکوب جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ امتحانات را تحریم کردند. گستردگی تحریم امتحانات سبب شد وزارت بهداشت اعلام کند «غیبت» دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی را «موجه» قلمداد خواهد کرد.

در روزهای گذشته کارزاری با صدور بیانیه تحریم امتحانات از سوی دانشجویان دانشگاه‌های مختلف ایران شکل گرفته است و امتحانات دانشگاه در دست‌کم ۳۰ دانشگاه ایران تحریم شده است؛ بیانیه‌هایی که بر «ناممکن بودن آموزش در شرایط غیرانسانی» تأکید کرده و تحریم امتحانات را شکلی از کنش مدنی آگاهانه توصیف می‌کنند. دانشجویان در این بیانیه‌ها، برگزاری امتحانات را «تلاشی سازمان‌یافته برای عادی‌سازی وضعیتی که عادی نیست» می‌دانند و تأکید دارند که اصرار بر روندهای آموزشی

در هر زمانی که حکومت نیاز داشت، هادیان راهکارهای حکومت را به سلب‌ریتی‌های تحت امر خود منتقل می‌کردند. این سلب‌ریتی‌ها نیز، پیام‌ها را با گنجاندن در آثار خود، در جامعه، انتشار می‌دادند و باعث عادی‌سازی می‌شدند. این روش امروز نیز همچنان کاربرد دارد. برای نمونه، زمانی که گروهی شبه‌هنرمند از سوی جمهوری اسلامی در جشنواره کن حضور داشتند، یکی از بازیگران مشهور این گروه از مأموران حکومت خواسته بود که هادیان مشخص کنند چه بگویند و چه نگویند.

زمانی که یک سلب‌ریتی، راه موفقیت، شهرت و رسیدن به رفاه اقتصادی را در خدمت به حکومت و انجام اعمال ضدانسانی و فرهنگی، تشریح می‌کند، جامعه هدف او نیز، به این روش گرایش پیدا می‌کند. مثلاً کافی است تا یک سلب‌ریتی، شعارهایی درباره همبستگی داخلی، مقابله با بیگانه، یا بازگشت به ارزش‌های ۵۷ سر بدهد تا بخشی از جامعه، این شعارها را دنبال کرده و موجی را که در مخالفت با حمله اسرائیل به تأسیسات حکومتی دیدیم، راه بیندازد.

سیاست‌های کلی دولت خاتمی به‌خصوص در زمینه فرهنگ و هنر، برای ایجاد رانت و کنترل نامحسوس طراحی شده بودند. مثلاً در دوران او برخی از هنرمندان قدیمی به صحنه تئاتر بازگشتند و تئاتر شاهد حضور برخی از پیشکسوتان قدیمی بود. در این دوران چند تماشاخانه، اداره تئاتر و خانه تئاتر دوباره راه‌اندازی شدند. اما نکته اصلی اینجا بود که هرکدام از این‌ها در واقع رانت‌هایی را برای افرادی خاص ایجاد می‌کردند تا حکومت بتواند در موقع لازم از آن‌ها استفاده کند. مثلاً نویسندگانی قدیمی که کتابش در این دوره، دوباره مجوز نشر گرفت به یکی از بلندگوهای حکومت بدل شد و به کنفرانس برلین رفت. یا تئاتری‌هایی که به واسطه خانه تئاتر، از مواهب دولتی و برخی رانت‌های کوچک اجرایی بهره‌مند شده بودند، سیاهی‌لشکر این بازی لقب گرفتند.

جشنواره تئاتر فجر که در سال ۱۳۷۷ عنوان «بین‌المللی» گرفت، با میزبانی از گروه‌های خارجی می‌کوشید چهره خشن، مذهبی و تروریستی حکومت را در داخل و خارج سفیدشویی کند. روندی مشابه که در سینما، تلویزیون، نشر و ورزش نیز دنبال شد؛ روندی که اگرچه رانت اندکی را به گروهی محدود می‌رساند، اما در مجموع به استمرار حکومت کمک می‌کرد.

سینمای شبه‌روشنفکری در دوره خاتمی رونق گرفت. فیلم‌هایی شاعرانه، در ستایش فقر، در ستایش دین و جدا از بدنه اجتماع، الگو و سرلوحه قرار گرفتند. جمهوری اسلامی در دوران خاتمی نخل طلای جشنواره کن را به‌دست آورد و در دیگر جشنواره‌ها مانند: ونیز، برلین و غیره، نام خود را ثبت کرد. سینما همچنان در ایران دولتی و رانتی رابطه‌ای بود اما غربی‌ها این سینما را می‌ستودند و حامدانه برای حکومت تبلیغ می‌کردند. این فیلم‌ها اغلب با سیاست کاری نداشتند و جامعه‌ای عقب‌افتاده را برای بینندگان مشتاق خود تصویر می‌کردند. در واقع دولت، سینماگران را تشویق می‌کرد که آثاری خنثی و جایزه‌گیر بسازند. فیلم‌سازان با تقلید از این الگوها و تمکین در برابر خواست جشنواره‌های جهانی، به نوعی سینما دست یافتند که هدفش راضی کردن منتقدین خارجی و کسب جایزه و فاند بود. این فیلم‌ها از ارزش تکنیکی و سینمایی اندکی بهره می‌بردند اما خود ژانری را شکل دادند که در میان منتقدان به نام «گداگراف» شناخته شد.

ادامه دارد...

→ شبه‌فرهنگیان گرد او جمع شدند. عباي شکلاتی بر تنش پوشانند. ریشش را رنگ کردند. سخنرانی‌هایش را نوشتند. در دهانش کلماتی چون: آزادی، برابری، مردم‌سالاری، فرهنگ، و گفت‌وگوی تمدن‌ها گذاشتند. و این چنین بود که یک آخوند به روشنفکر بدل شد. آخوندی که تنها برای روضه‌خوانی و گرفتن خمس و ذکات آموزش دیده بود؛ حال قرار بود سیاست یک کشور را تعیین کند.

اما همین محمد خاتمی در ابتدای انقلاب نقش مهمی در استحکام حکومت اسلامی داشت و باعث و بانی بسیاری از بدعت‌های ویرانگر بود. مثلاً او بود که در کنار برخی از تندروترین عناصر رژیم، باعث ممنوع‌الکار شدن بازیگران و خوانندگان و در کل هنرمندان دوران پهلوی شد. چهره‌هایی چون محمدعلی فردین، بهروز وثوقی، و ناصر ملک‌مطیعی با دخالت مستقیم خاتمی، از زندگی و کار خود ساقط شدند. طبق شیوه خاتمی بود که احضار دسته‌ای و فله‌ای هنرمندان به دادگاه‌ها و کمیته‌ها صورت گرفت. بسیاری از این افراد با دلایل واهی محاکمه و ممنوع‌الکار شدند. اموال آن‌ها توقیف شد، شلاق خوردند، حبس کشیدند و بعضاً از ترس جانشان به تبعید اجباری تن دادند.

در چنین شرایطی برخی نام‌های به‌ظاهر هنرمند، به دلالی که می‌توان حدس زد، وارد این فهرست‌ها نشدند و توانستند در بدنه هنر حکومتی بمانند و کار کنند. این‌ها احتمالاً همکاران خود را فروختند یا مانند امروز به شکلی وقیحانه، بی‌طرف ماندند. همین‌جا بود که واژه‌ها از معنا تهی شدند و «باید نان خورد»، «جای «باید شرف داشت» را گرفت. این استاندارد دوگانه چیزی بود که خاتمی به دنیای هنر ایران تزریق کرد؛ تجسمی از همان سیاست کهنه: تفرقه بینداز و حکومت کن.

در دوره خاتمی، برخی روزنامه‌نگاران و شبه‌روشنفکران تن به تبلیغات رژیم دادند و زمینه شهرت و تثبیت چهره‌های مورد تأیید حکومت را فراهم کردند. عده‌ای دیگر کوشیدند در لباس هنرمند، طبق سفارش حکومت، با خلق آثاری تزئینی و جشنواره‌ای، ویتترین فرهنگی رژیم را بیارایند. نتیجه آن بود که ایران در جشنواره‌های هنری جهان با آثاری ضعیف، سیاست‌زده و بریده از زندگی واقعی مردم مطرح شد و جوایزی را از دست اروپاییان - و حتی آکادمی اسکار - دریافت کرد؛ نهادهایی که هدفشان چیزی جز تحمیق توده‌ها نبود.

مرحله بعدی این بود که خاتمی با استفاده از سلب‌ریتی‌های آن روز، جریانی امنیتی به راه انداخت. او برخی از نخبگان واقعی را از طریق قتل‌های زنجیره‌ای با حذف کاری و تبعید اجباری، خنثی کرد تا سفیران فرهنگی سرسپرده خود را به کنفرانس‌ها بفرستد و در روزنامه‌ها، نمایش‌ها، فیلم‌ها، ورزش و سخنرانی‌ها مطرح سازد. با استفاده از این افراد، تولید محتوای استمراری شکل گرفت تا اصلاحات بتواند، مقاومت درونی مردم در برابر حکومت دینی را فرو بریزد. اما چگونگی نفوذ خاتمی و دستگاهش در میان مردم، یکی از ریاکارانه‌ترین روش‌ها برای نابود کردن حرکت‌های اعتراضی مردم بود.

به گفته برخی از کارگزاران امنیتی دولت اصلاحات از جمله سعید حجاریان، خاتمی سعی داشت حرف حکومت را از زبان سلب‌ریتی‌ها بیان کند تا در میان اقشار مختلف مردم جا بیفتد. شعارهای حکومت، به هدایتگران خاصی در وزارت اطلاعات منتقل می‌شد. این هادیان، هرکدام مسئول یک یا چند سلب‌ریتی بودند. اشخاص مشهوری که در میان هنرمندان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، ورزشکاران یا دیگر اقشار از محبوبیت و شهرتی برخوردار بودند.

هم‌زمان، دانشجویان علوم پزشکی نیشابور نیز در بیانیه‌ای نوشته‌اند: «ادامه چرخه عادی آموزش در هنگام فروپاشی بنیان‌های جامعه، تلاشی برای انکار عمق فاجعه است.» گستردگی تحریم امتحانات سبب شد وزارت بهداشت اعلام کند «غیبت» دانشجویان دانشکده‌های علوم پزشکی را «موجه» قلمداد خواهد کرد.

معاونت آموزش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرده «غیبت احتمالی دانشجویان در امتحانات پایان ترم، با توجه به اهمیت حفظ آرامش روانی دانشجویان توأم با تأمین کیفیت قابل قبول آزمون‌ها، «موجه» تلقی خواهد شد.»

در این اطلاعیه آمده است که نمره درس این گروه از

برخاسته از دل دانشگاه تهران، از وجدان بیدار جامعه.» در ادامه این بیانیه، با اشاره به جنایت آشکار حکومت آمده است: «حداقل و بدیهی‌ترین کنشی که قشر آکادمیک می‌تواند در برابر جریان سازمان‌یافته عادی‌سازی اتخاذ کند، تحریم امتحانات است.»

دانشجویان مدیریت دانشگاه تهران افزوده‌اند: «تحریم امتحانات، امتناع از علم نیست؛ بلکه اعتراضی است به تحقیر انسانیت، به پایمال شدن آشکار حقوق بشر و ایستادگی‌ای تاریخی در برابر فراموشی ساختار یافته.»

در بیانیه دیگری دانشجویان دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران نیز اعلام کردند در امتحانات پایان ترم شرکت نخواهند کرد. دانشجویان این دانشکده تأکید کردند:

➔ معمول، در شرایطی که جامعه با سوگ، اضطراب، ناامنی و سرکوب مواجه است، نه‌تنها واجد ماهیت آموزشی نیست، بلکه به سلامت روان و کرامت انسانی دانشجویان آسیب می‌زند. بیانیه‌های منتشر شده تاکنون از سوی دانشجویان دانشگاه تهران، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه آزاد علوم پزشکی مشهد، دانشگاه علوم پزشکی «بهشتی»، دانشگاه چمران اهواز و دانشگاه علوم پزشکی نیشابور صادر شده است.

علاوه بر این، بیش از ۳۰ واحد دانشگاهی و دانشکده علوم پزشکی دیگر نیز در واکنش به کشتار مردم با صدور بیانیه‌هایی از تحریم امتحانات حمایت کردند که شامل دانشکده پزشکی، دانشکده داروسازی، دانشکده تغذیه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشکده پیراپزشکی و دانشکده



دانشجویان می‌توانند به صورت «نا تمام» در سامانه ثبت شود و دانشجو مجاز خواهد بود که در نیم‌سال دوم، انتخاب واحد را (بدون الزام به نمره قبولی دروس پیش نیاز ارائه شده در نیم‌سال اول) انجام دهد. در بخشی از این اطلاعیه همچنین آمده که «دانشگاه‌ها حسب شرایط در طول نیم‌سال دوم یا نیم‌سال تابستان نسبت به هماهنگی و برگزاری آزمون‌های جبرانی برای این دانشجویان اقدام خواهند کرد.»

اعتراضات دی ۴۰۴ از اعتصاب بازاریان در تهران آغاز و بلافاصله جنبش دانشجویی از این اعتصاب حمایت کرد. اعتصاب بازاریان طی دو روز و با پیوستن دیگر اقشار به اعتراضات به اعتراضات سراسری علیه حکومت تبدیل شد. این اعتراضات طی دو هفته در بیش از ۲۰۰ شهر گسترده شد.

جمهوری اسلامی در ز شامگاه ۱۸ دی هم‌زمان با قطع سراسری اینترنت کشتاری بی‌سابقه را رقم زد و بر روی شهروندان بی‌دفاع اسلحه گشود. گزارش‌ها نشان می‌دهد نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، انتظامی، ارتش، بسیج و حتی شماری از نیروهای خارجی و نیابتی جمهوری اسلامی در عملیات سرکوب ملت ایران شرکت داشتند.

اگرچه همچنان آمار دقیق جان‌باختگان، مجروحان و بازداشت‌شدگان، به علت قطع اینترنت و فضای امنیتی حاکم بر کشور، روشن نشده است اما تا کنون جان‌باختن دست‌کم ۳۵ هزار شهروند، و زخمی و بازداشت شدن ده‌ها هزار تن دیگر برآورد شده است.

«عزیزان‌مان در بندگان، داغ داریم برای هم‌دانشگاهی‌های از دست‌رفته‌مان و البته همه‌ی ما خاک‌برسر و سوگواریم برای هزاران نفر از مردم ایران که کشته شده‌اند، امتحان دادن را گستاخی و دهن‌کجی به تمام آرمان‌های انسانی و اخلاقی‌مان می‌دانیم.»

در مشهد، دانشجویان دانشکده مهندسی دانشگاه فردوسی با اشاره به فشارهای روانی گسترده و ناامنی حاکم، اعلام کرده‌اند: «سکوت در برابر این وضعیت، به معنای پذیرش آن است و ما نمی‌توانیم پذیرای عادی‌سازی رنج، اضطراب و فرسودگی باشیم.»

در تهران، دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، برگزاری امتحانات را «غیرعادلانه و غیرواقع‌بینانه» توصیف کرده و اعلام کرده‌اند: «انتظار تمرکز و حضور مؤثر در امتحانات، در فضایی آکنده از اضطراب و ناامنی روانی، انتظاری غیرانسانی است.»

دانشجویان پزشکی همین دانشگاه ورودی بهمن ۱۴۰۳ نیز تأکید کرده‌اند: «هرگونه ارزیابی آموزشی زمانی که دانشجو در وضعیت مناسب روانی قرار ندارد، فاقد معنا و اعتبار خواهد بود.»

دانشجویان دانشکده دامپزشکی دانشگاه «چمران» اهواز اعلام کرده‌اند تا زمان بازگشت حداقلی از آرامش روانی، در امتحانات شرکت نخواهند کرد و این تصمیم را «کنشی مسئولانه و اعتراضی» دانسته‌اند.

توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی «بهشتی»، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور، دانشکده پزشکی دانشگاه‌های علوم پزشکی تبریز، شاهرود و بابل، دانشگاه‌های علوم پزشکی کردستان، یزد، مشهد، لرستان، البرز، کاشان، سمنان، قم، بجنورد، ایران، کرمانشاه، گرگان، اردبیل، زاهدان و مازندران، دانشکده‌های داروسازی دانشگاه‌های علوم پزشکی شیراز، همدان، زنجان و کرمان و دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد نجف‌آباد می‌شود. دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند که در اعتراض به سرکوب خشونت‌بار اعتراضات مردمی و آنچه «عادی‌سازی خشونت» از سوی حاکمیت می‌نامند، از شرکت در امتحانات پایان نیم‌سال خودداری کرده و امتحانات را تحریم می‌کنند. در این بیانیه تأکید شده است که تحریم امتحانات، کنشی «آگاهانه و مسئولانه» در برابر تلاش سیستماتیک برای عادی جلوه‌دادن خشونت، بازداشت و سرکوب در زندگی روزمره جامعه است. دانشجویان اعلام کرده‌اند که مشارکت در روندهای عادی دانشگاهی، در شرایطی که سرکوب و نقض گسترده حقوق انسانی جریان دارد، به معنای همراهی ناخواسته با این عادی‌سازی است.

دانشجویان دانشکده‌های مدیریت دانشگاه تهران نیز با صدور بیانیه‌ای نوشته‌اند: «بیانیه‌ای که پیش‌روی شماست، صرفاً یک متن نیست؛ این بیانیه، یک صداست، صدایی

گفت‌وگو با شاکه ماکاریان خواننده اپرا؛ هنرمندی در دوران درخشان اپرای ایران



در حضور محمدرضا شاه فقید و شهبانو فرح پهلوی

سانتا چچیلیا دوره خوانندگی اپرا را گذراندم؛ علاوه بر آن، در شهر سیه‌نا هم دوره تکمیلی عالی خوانندگی را طی کردم.

بعد از اتمام تحصیلاتم در ایتالیا به ایران برگشتم. پس از بازگشت بلافاصله از سال ۱۹۵۸، به عنوان سولیست، کنسرت‌ها و رستپال‌های متعددی با همراهی پیانو در شهرهای مختلف ایران و نیز چندین کشور اروپایی داشتم. سه بار در داخل ایران تور داشتم و در شهرهای ارومیه، تبریز، مشهد، شیراز، کرمانشاه و تهران برنامه اجرا کردم. این تورها به ابتکار انجمن فیلارمونیک تهران و انستیتو گوته اجرا می‌شدند. یک بار هم در تالار فرهنگ در سال ۱۹۶۵، قبل از افتتاح رودکی، با همراهی ارکستر فونونیک، آریای معروف اپرای فیدلیو بتهوون را اجرا کردم. از کشورهای اروپایی در یونان، بلغارستان و ایتالیا و چند کشور دیگر برنامه اجرا کردم. در جامعه ارمنی ایران، مشخصاً در کلوب ارامنه و در باشگاه آارات صدها اجرا داشتم. هیچ موقع هم تقاضای اجرای برنامه را در جامعه ارمنی رد نکرده‌ام.

۱۸ سال بعد از ترک تحصیل و کار و نقش آفرینی در اپرا و دادن کنسرت و رستپال، به تصیلات آکادمیک برگشتم و وارد دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران شده و در رشته موزیکولوژی مشغول تحصیل شدم. پایان‌نامه من روی موسیقیدان و آهنگساز بزرگ ارمنی، کومیتاس بود. استاد راهنمای من در نوشتن این پایان‌نامه شاهین فرهت بود. در جلسه دفاع از ترم ۶ قطعه از کومیتاس اجرا کردم. من روی آن پایان‌نامه بسیار به دقت کار کردم و به آن بسیار افتخار می‌کنم.

● از چه زمانی به گروه اپرای رودکی پیوستید؟

من از اواخر دهه ۶۰ میلادی وارد گروه اپرای رودکی شدم. یادآور شوم که صدای من لیریک سپرانو است که صدایی است که بین خوانندگان زن بسیار شایع است و نقش‌های زیادی برای این صدا نوشته شده است.

● «در ۱۸ سالگی، بعد از اتمام دوره کنسرواتوار، به ژنر رفتیم و در آکادمی سانتا چچیلیا دوره خوانندگی اپرا را گذراندم؛ علاوه بر آن، در شهر سیه‌نا هم دوره تکمیلی عالی خوانندگی را طی کردم.»

● «ر اپراهای غربی که متن آنها به فارسی ترجمه شده بود ایفاگر نقش بوده‌ام؛ از جمله در ترجمه فارسی اپرای «The Bartered Bride» اثر بردریخ اسمتانا»

● بواسطه دانستن زبان ایتالیایی بیشتر در اپراهای ایتالیایی بازی کرده‌ام از جمله در «آرایشگر شهر سویل» و «سیندرلا»، هر دو اثر جیاکومو روسینی و نیز اپراهایی از دُنیزتی. علاوه بر اپراها به زبان ایتالیایی، در اپراهای آلمانی و به زبان چک هم نقش‌آفرینی کرده‌ام.

● در حضور پادشاه فقید و شهبانو فرح و آقای پهلبد، وزیر فرهنگ و هنر، روی صحنه رفته‌ام. بعد از اجرا شهبانو مرا مورد لطف قرار دادند و از نوع صدایم پرسیدند.

آدوم صابونچیان - در سفر اخیرم به ارمنستان این فرصت دست داد تا با خانم شاکه ماکاریان، یکی از اعضای گروه اپرای رودکی در دوران درخشان این هنر در ایران در دو دهه چهل و پنجاه دیدار و مصاحبه‌ای داشته باشم. خانم ماکاریان، مدتی است که مقیم پایتخت ارمنستان، ایروان، شده است و با خواهرش در آن کشور زندگی می‌کند.

در دوره درخشان اپرا در ایران چهره‌هایی مانند منیر وکیلی، اولین باغچه‌بان و عنایت رضایی در عرصه این هنر فعال بودند.

● خانم ماکاریان چطور شد به موسیقی کلاسیک علاقه پیدا کردید و تصمیم گرفتید در عرصه خوانندگی و اپرا و نواختن پیانو و آموزش آن فعالیت داشته باشید؟

تمام چهار برادر و دو خواهر پدرم عشق و علاقه زیادی به موسیقی کلاسیک داشتند. علاقه پدرم و یکی از عموهایم

دو چندان بود. ما در خانه یک گرامافون قدیمی داشتیم که صفحه‌های سی و سه دور روی آن پخش می‌شدند. من خوب یادم است که پدرم آریای معروف اپرای توسکای پوچینی را بسیار دوست داشت و صفحه آن را می‌گذاشت و همراه آن خودش هم می‌خواند.

طبیعتاً منی که در چنین محیطی بزرگ شده‌ام، از نوجوانی علاقمند به موسیقی کلاسیک شدم و به کنسرواتوار تهران راه یافتم. در کنسرواتوار دوره پیانو را گذراندم. بعدها دوره پداگوژی ماریا مونته سوری را گذراندم که این دانش و مهارت به من در آموزش نواختن پیانو به کودکان بسیار کمک کرده است. در ۱۸ سالگی، بعد از اتمام دوره کنسرواتوار، به ژنر رفتیم و در آکادمی



با آرام خاچاطوریان

نشست اندیشه هنر و ادب «بوهیما»؛ خیزش‌ها در ایران



ویدئو

روز پنجشنبه نهم بهمن ۱۴۰۴ برابر با ۲۹ ژانویه ۲۰۲۶ و همزمان با سی و سومین روز از انقلاب ملی در ایران نشست اندیشه، هنر و ادب «بوهیما» در شمال لندن، برگزار شد.

در این نشست موضوع «تاریخچه و ویژگی، خیزش‌ها و اعتراضات ایرانیان، در ۴۷ سال حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی» مورد بررسی قرار گرفت.

سخنران این نشست دکتر ابول فروشان، اندیشمند فرهنگی، نویسنده و شاعر، بحثی با عنوان «هندسه بازگشت، خوانشی از خیزش‌های ایران، از ۱۳۵۷ تا امروز ما» را ارائه کرد. او تاریخچه قیام‌های ایرانیان مورد تحلیل و بررسی قرار داد و تأکید کرد روند سینوسی انقلاب‌ها همواره پویایی خود را حفظ کرده، و هرچند به صورت موقتی از سمت حاکمیت خاموش شده، اما هربار، با فواصلی کوتاه‌تر از قبل، از نو با شدت و انگیزه و نوآوری بیشتری، آغاز شده است.

او افزود این رسوب خشم و خواست‌های مردم، در نهایت به پیکره قدرت حاکمیت آسیب جدی رسانده و باعث شکاف در دیواره ضخیم آن شده است.

در اپراهای زیادی آنهم به زبان‌های مختلف نقش‌آفرینی کرده‌ام. متأسفانه در اپراهای ایرانی نقش‌آفرینی نکرده‌ام و تنها در اپراهای غربی که متن آنها به فارسی ترجمه شده بود ایفاگر نقش بوده‌ام؛ از جمله در ترجمه فارسی اپرای «The Bartered Bride» اثر بردریخ اسمتانا نقش‌آفرینی کرده‌ام. بواسطه دانستن زبان ایتالیایی بیشتر در اپراهای ایتالیایی بازی کرده‌ام از جمله در «آرایشگر شهر سویل» و «سیندرلا»، هر دو اثر جیاکومو روسینی و نیز اپراهایی از دُپزتی. علاوه بر اپراها به زبان ایتالیایی، در اپراهای آلمانی و به زبان چک هم نقش‌آفرینی کرده‌ام. شرکت من در اپرا در دوره درخشان آن هنر در ایران بیشتر در مقام ایفاگر نقش‌های دوم بوده‌است. اضافه کنم برای اجرای اپرای «The Little Sweep» اثر بنیامین بریتین انگلیسی به زبان فارسی در تهران، گرگان و شیراز روی صحنه رفته‌ام.

در آن زمان اپراهایی که در رودکی و ایران اجرا می‌شدند، بیشتر توسط خارجی‌ها کارگردانی می‌شدند. از رهبران ارکستر خوبی که با گروه ما همکاری داشتند از زنده یاد حشمت سنجری می‌توانم نام ببرم.

● چه خاطرات خوبی از آن دوره درخشان اپرا در ایران و همکاری با گروه اپرای رودکی دارید؟

دوره بی‌نهایت دلپذیری بود که رضایت خاطر عمیقی در من بوجود می‌آورد. روی صحنه رفتن، اپرا را اجرا کردن - هر چند گاه همراه بود با مشکلاتی- و مورد تقدیر و تشویق تماشاگران قرار گرفتن همه همه بسیار دلپذیر و رضایت‌بخش بود. بیاد دارم که چند بار همبازی‌های من قسمت‌های خودشان را فراموش کرده بودند که من به کمک آنها شتافتم. در حضور پادشاه فقید و شهبانو فرح و آقای پهلبد، وزیر فرهنگ و هنر، روی صحنه رفته‌ام.

در مورد اجرا برنامه در برابر شهبانو فرح باید بگویم که من متخصص گل آرایشی به سبک ژاپنی که «اکی بانا» معروف است، هم هستم. یکبار سفارت ژاپن در هتل هیلتون تهران نمایشگاه گل‌آرایی برگزار می‌کرد که من هم با گل‌های تزئین شده خودم در آن شرکت داشتم. سفارت ژاپن تصمیم گرفت که در این نمایشگاه تشریفات چای‌خوری مخصوص ژاپنی هم داشته باشد. از من هم تقاضا کردند که دو قطعه با همراهی پیانو اجرا کنم که من سرنا د شوبرت و یک قطعه فولکلوریک ایرانی اجرا کردم. بعد از اجرا شهبانو مرا مورد لطف قرار دادند و از نوع صدایم پرسیدند که من در جواب گفتم متأسفانه «لیریک سوپرانو» زیرا که این نوع صدا در نزد خوانندگان زن اپرای بسیار شایع است. همین باعث می‌شود که رُل‌های کمتری به خوانندگان این صدا برسد.

خواهر شوهر من، خواننده معروف اپرا، هاکینت وارتانیان است که از خیلی وقت پیش در ایتالیا زندگی می‌کند و در آنجا در عرصه اپرا فعال بوده است. اساساً در ایران ارامنه در اپرا مانند دیگر رشته‌های هنری، با وجود اینکه اقلیت کوچکی بودند و هستند حضور فعالی داشته‌اند.

● خانم ماکاریان، بعد از انقلاب چکار کردید؟

بعد از انقلاب من تنها سولیستی بودم که در ایران ماندم. در ماه‌های اول انقلاب هنوز فضای هنری برای خوانندگان زن شدیداً محدود نشده بود و ما اجازه خواندن داشتیم. من معاون دو معلم خارجی پرورش صدا بودم که به خوانندگان زن آموزش می‌دادم.

من بعد از ۳۵ سال تدریس خوانندگی و پیانو به دوره بازنشستگی رسیدم و از خدمات خودم به دنیای موسیقی در ایران بسیار راضی هستم.

یادبود بهرام بیضایی در کانون فرهنگی پارس



ویدئو

کانون فرهنگی پارس شامگاه شنبه ۲۴ ژانویه ۲۰۲۶ مراسمی در یادبود زنده یاد بهرام بیضایی نویسنده و فیلمساز برجسته ایرانی برگزار کرد. در این مراسم منوچهر حسین‌پور، پروانه سلطانی و بردیا جلالی، سه هنرمند تئاتر از سه نسل مختلف، با اشاره به مشکلاتی که سانسور در جمهوری اسلامی برای بهرام بیضایی ایجاد کرد؛ به بررسی میراث با ارزش او پرداختند. سانسور باعث شد که علاقمندان بهرام بیضایی در ایران طی ۱۸ سال گذشته که او ناچار به کوچ ناخواسته از میهن شد، از دیدن نمایش‌ها و فیلم‌های او محروم شدند. منوچهر حسین پور نه فقط به آسیب‌های سانسور بر

خلافت هنری بیضایی پرداخت بلکه سهم عمده او را در فرهنگ و هنر معاصر ایران در یافتن و بکار بستن زبان نمایشی ویژه ایرانی و بیان قوی و تأثیرگذار دراماتیک دانست. پروانه سلطانی با اشاره به نقش برجسته‌ای که بیضایی به زنان در نمایش‌ها و فیلم‌هایش داد، از او در کنار داریوش مهرجویی به عنوان گنجینه‌های فرهنگ ایران نام برد که مانند ندارند. بردیا جلالی نیز با اشاره به اهمیت محوری زنان در آثار بیضایی، نقش برجسته او در عرصه تئاتر و سینما را به درجه اهمیت کار فردوسی در پاسداشت زبان فارسی و فرهنگ ایرانی دانست و از او به عنوان فردوسی ایران مدرن یاد کرد.

روز جهانی تالاب‌ها؛ شهروندان ایرانی قربانیان خاموش بحران ۱۱ تالاب خشک شده



تالاب انزلی

تبدیل کامل آن‌ها به کانون گردوغبار جلوگیری نشود، کنترل پایدار آلودگی هوا و ریزگرد عملاً امکان‌پذیر نخواهد بود.. خشک شدن تالاب‌ها به‌عنوان یک فاجعه زنجیره‌ای زیست‌محیطی چه پیامدهای منفی در پی دارد؟ خشک شدن تالاب‌ها یک رویداد صرفاً محیط‌زیستی نیست، بلکه آغاز یک فاجعه زنجیره‌ای است که پیامدهای آن از طبیعت آغاز می‌شود و به سلامت، اقتصاد، جامعه و امنیت سرزمینی گسترش می‌یابد. این زنجیره اثرات، معمولاً برگشت‌ناپذیر یا بسیار پرهزینه است. نخستین پیامد، فروپاشی اکوسیستم‌های تالابی است. تالاب‌ها زیستگاه گونه‌های متنوع گیاهی و جانوری، به‌ویژه پرندگان مهاجر، هستند. با خشک شدن تالاب، چرخه‌های طبیعی آب، مواد مغذی و حیات، مختل می‌شود و تنوع زیستی به‌سرعت کاهش می‌یابد. بسیاری از گونه‌ها یا منقرض می‌شوند یا برای همیشه منطقه را ترک می‌کنند. برای نمونه می‌توان به درناهای دریاچه ارومیه اشاره کرد که بعد از خشک شدن آن، دیگر مهاجرت درنا به این دریاچه صورت نگرفت.

در گام بعد، تولید گسترده گردوغبار و ریزگردهای نمکی رخ می‌دهد. بستر خشک تالاب‌ها به‌دلیل بافت نرم و شور، به کانون‌های فعال گردوغبار تبدیل می‌شود. این گردوغبارها نه تنها کیفیت هوا را به‌شدت کاهش می‌دهند، بلکه به‌واسطه ترکیب شیمیایی خود، اثرات مستقیم و طولانی‌مدتی بر سلامت انسان دارند و موجب افزایش بیماری‌های تنفسی، قلبی و مرگومیر زودرس می‌شوند.

پیامد مهم دیگر، شورش و تخریب خاک‌های پیرامونی است. نمک‌های برخاسته از بستر تالاب‌های خشک‌شده روی زمین‌های کشاورزی می‌نشیند، حاصل‌خیزی خاک را از بین می‌برد و زمین‌های قابل کشت را به اراضی غیر قابل استفاده تبدیل می‌کند. این فرایند، بیابان‌زایی را تسریع کرده و توان تولید سرزمین را به‌طور جدی کاهش می‌دهد. در ۱۰ سال گذشته مناطق تحت تاثیر بیابان‌زایی در ایران حدود ۳۰ درصد افزایش یافته و وسعت بیابان‌های کشور به ۳۲ میلیون هکتار رسیده است که خشک شدن تالاب‌ها در این

رو اغلب به تالاب‌ها «کلیه‌های زمین» گفته می‌شود. نقش تالاب‌های خشک‌شده در آلودگی هوای ایران بسیار برجسته، ساختاری و در بسیاری از مناطق تعیین‌کننده است. تالاب‌ها در شرایط طبیعی با نگه داشتن رطوبت سطحی، تثبیت رسوبات و حفظ پوشش گیاهی از تبدیل شدن بستر زمین به منبع گردوغبار جلوگیری می‌کنند. زمانی که تالاب‌ها خشک می‌شوند، این سازوکار حفاظتی فرو می‌ریزد و بستر تالاب به یکی از فعال‌ترین کانون‌های تولید ریزگرد داخلی بدل می‌شود.

ویژگی مهم ناشی از تالاب‌های خشک‌شده این است که صرفاً یک گردوغبار طبیعی نیست. این ذرات، اغلب ریزتر، ماندگارتر و از نظر شیمیایی، خطرناک‌تر از گردوغبار بیابانی‌اند. وجود نمک‌ها، فاضلاب، بقایای کودهای کشاورزی، فلزات سنگین و آلاینده‌های انباشته‌شده در رسوبات تالاب، باعث می‌شود این گردوغبارها مستقیماً بر سلامت انسان اثر بگذارند و موجب افزایش غلظت ذرات معلق در هوای شهرها شوند. به‌عنوان مثال خشک شدن تالاب گاوخونی، موجب شیوع گسترده سرطان و بیماری خودایمنی برای اهالی جرقویه و ورزنه شده است.

از سوی دیگر، گردوغبار تولیدشده در بستر تالاب‌های خشک‌شده می‌تواند در مقیاس منطقه‌ای جابه‌جا شود و حتی شهرهایی را که چندین کیلومتر با منبع فاصله دارند، درگیر کند. این موضوع نشان می‌دهد که سهم تالاب‌های خشک‌شده در آلودگی هوا محدود به مناطق پیرامونی نیست، بلکه بر کیفیت هوای کلان‌شهرها و مناطق صنعتی نیز اثرگذار است. به‌عنوان مثال ریزگرد تالاب خشک‌شده صالحیه در استان قزوین، شهر کرج را به مدت چندین روز با کیفیت هوای خطرناک مواجه کرده بود.

در نهایت باید تأکید کرد که بخش مهمی از بحران ریزگردها در ایران، برخلاف تصور رایج، دارای منشأ داخلی و ناشی از خشک شدن تالاب‌ها است. خشک شدن تالاب‌ها حاصل مدیریت ناپایدار منابع آب، سدسازی، انتقال آب، عدم داشت برنامه‌ای برای توسعه پایدار و رشد نامتوازن است. بنابراین، تا زمانی که تالاب‌ها احیا نشوند یا دست‌کم از

ایران تا سال ۱۳۵۰، ۴۲ تالاب بزرگ فعال داشت اما در این ۱۰ سال اخیر حدود ۹۰ درصد آنها خشک یا در آستانه نابودی‌اند و تنها ۴ تالاب هنوز زنده‌اند! در چندسال اخیر ۱۱ تالاب مهم کشور خشک شده‌است: تالاب‌های امدژ، حوض سلطان، دریاچه نمک، شیمبار، بختگان، گاوخونی، مهارلو، میانگران، هورالعظیم، هامون، و دریاچه ارومیه.

خشک شدن تالاب‌ها همچنین معیشت و اقتصاد محلی را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. صیادی، دامداری سنتی، کشاورزی محلی و فعالیت‌های وابسته به تالاب از بین می‌رود و فقر ساختاری گسترش می‌یابد. در نتیجه، مهاجرت اجباری از مناطق تالابی آغاز می‌شود و فشار اجتماعی و اقتصادی به شهرها افزایش می‌یابد.

در سطح کلان‌تر، این روند به ناپایداری اجتماعی و امنیتی و مخصوصاً به ناپایداری سرزمینی منجر می‌شود. تخلیه روستاها، افزایش حاشیه‌نشینی، بروز تنش‌های اجتماعی و حتی منازعات محلی بر سر منابع محدود آب، از پیامدهای شناخته‌شده این وضعیت است. به همین دلیل، خشک شدن تالاب‌ها نه تنها یک بحران محیط‌زیستی، بلکه تهدیدی برای سلامت عمومی، انسجام اجتماعی و پایداری سرزمینی به شمار می‌آید.

فیروزه نوردستروم- در ۱۳ بهمن ۱۳۴۹ خورشیدی برابر با ۲ فوریه ۱۹۷۱ در شهر رامسر ایران، برای حفاظت از تالاب‌ها در دنیا، پیمانی جهانی به نام «کنوانسیون رامسر» تصویب شد و این روز به نام روز جهانی تالاب‌ها نامگذاری شد.

۹ تالاب معروف ایران شامل تالاب‌های بامدژ، حوض سلطان، دریاچه نمک، شیمبار، بختگان، گاوخونی، مهارلو، میانگران و هامون از جمله تالاب‌هایی هستند در پایان سال آبی گذشته خشک شدند.

اگرچه مقامات دولتی تلاش دارند وضعیت بحرانی ذخایر آبی را به کاهش بارندگی‌ها و افزایش دمای هوا ارتباط دهند اما کارشناسان تأکید دارند شرایط کنونی بیش از هر چیز به سوء مدیریت منابع آبی و الگوی نادرست کشاورزی با برداشت بی‌رویه از ذخایر آب زیرزمینی باز می‌گردد.

«کیهان لندن» در ارتباط با آخرین وضعیت تالاب‌های کشور، نقش تالاب‌های خشک‌شده در آلودگی هوا، پیامدهای خشک شدن تالاب‌ها و راهکارهای برون رفت از این وضعیت با محمودرضا مومنی، پژوهشگر تاریخچه محیط‌زیست و توسعه پایدار، گفتگو کرده است.

آقای مومنی گفته می‌شود دو سوم تالاب‌های ایران نابود و به کانون گردوغبار تبدیل شده‌اند نقش تالاب‌های خشک‌شده در آلودگی هوا چقدر برجسته است؟

تالاب‌ها تنها در حدود ۶ درصد از سطح خشکی‌های زمین را دربر می‌گیرد ولی ۴۰ درصد از گونه‌های گیاهی و جانوری در آن زندگی می‌کنند. تالاب‌ها برای انسان‌ها، اقلیم، و اکوسیستم ما حیاتی هستند چون خدمات ضروری اکوسیستم مانند تنظیم‌آب، از جمله کنترل سیلاب و تصفیه آب، را فراهم می‌کنند. تنوع زیستی در تالاب برای سلامتی، تأمین مواد غذایی، گردشگری، و مشاغل بسیار مهم است. تالاب‌ها همچنین دی‌اکسیدکربن را جذب می‌کنند و به کند کردن گرمایش جهانی و کاهش آلودگی کمک می‌کنند، از این

آمریکا شماری از افراد و شرکت‌های حکومتی مرتبط با سرکوب مردم ایران را تحریم کرد



وزارت خزانه‌داری آمریکا

پردازش کرده‌اند. این اقدام، نخستین بار است که اوفاک یک صرافی دارایی دیجیتال را به دلیل فعالیت در بخش مالی اقتصاد ایران تحریم می‌کند.

درباره این تحریم‌ها اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده، گفت: «آنها به‌جای ساختن ایرانی آباد و شکوفا، این رژیم ترجیح داده است آنچه از درآمدهای نفتی کشور باقی مانده را صرف توسعه سلاح‌های هسته‌ای، موشک‌ها و نیروهای نیابتی تروریستی در سراسر جهان کند.»

او تأکید کرد، «رئیس‌جمهور ترامپ در کنار مردم ایران ایستاده و به وزارت خزانه‌داری دستور داده است اعضای این رژیم را تحریم کند. وزارت خزانه‌داری همچنان به هدف قرار دادن شبکه‌های ایرانی و نخبگان فاسدی که به بهای رنج مردم ایران خود را ثروتمند می‌کنند ادامه خواهد داد.»

بسنت افزود: «این اقدامات شامل تلاش‌های رژیم برای سوءاستفاده از دارایی‌های دیجیتال به‌منظور دور زدن تحریم‌ها و تأمین مالی عملیات مجرمانه سایبری نیز می‌شود.»

او همچنین تأکید کرد، «مانند موش‌هایی بر عرشه کشتی در حال غرق شدن، رژیم با شتاب در حال انتقال پول‌هایی است که از خانواده‌های ایرانی دزدیده شده و به بانک‌ها و مؤسسات مالی در سراسر جهان می‌فرستد. اطمینان داشته باشید که وزارت خزانه‌داری اقدام خواهد کرد.»

گیرد. تجربه نشان داده است که راه‌حل‌های شیمیایی و نمایشی نه‌تنها پایدار نیستند، بلکه گاه به تخریب بیشتر محیط منجر می‌شوند.

کنترل کانون‌های گردوغبار نیازمند اولویت‌بندی علمی است. همه تالاب‌های خشک شده به یک اندازه بحرانی نیستند و منابع محدود باید بر مناطقی متمرکز شود که بیشترین سهم را در تولید گردوغبار و تهدید سلامت عمومی دارند. در این مسیر، پایش مستمر و شفاف کیفیت هوا، خاک و آب نقش کلیدی دارد. تصمیم‌گیری بدون داده علمی دقیق، به سیاست‌گذاری‌های کم‌اثر می‌انجامد.

در نهایت، مشارکت جوامع محلی و افزایش آگاهی عمومی شرط موفقیت هر برنامه احیای تالاب است. معیشت‌های محلی باید به سمت فعالیت‌های سازگار با تالاب هدایت شوند و مردم منطقه به بخشی از راه‌حل تبدیل شوند، نه قربانیان خاموش بحران. تنها با ترکیب اصلاحات ساختاری، اقدامات میدانی مبتنی بر علم و مشارکت اجتماعی می‌توان امیدوار بود که مسیر خروج از بحران تالاب‌ها هموار شود.

● براساس بیانیه وزارت خزانه‌داری، اسکندر مؤمنی وزیر کشور جمهوری اسلامی که بر نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران نظارت دارد در فهرست تحریم قرار گرفت.

● همچنین بابک زنجانی دلال اختلاسگر نیز به تحریم‌ها اضافه شد. در این بیانیه تأکید شده زنجانی میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی ایران را که حق مردم ایران بود اختلاس کرد و این مبالغ هرگز بازنگشت. زنجانی که برای پولشویی به نفع رژیم از زندان آزاد شده بود، پشتیبانی مالی پروژه‌های بزرگی را فراهم کرده است که از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و به‌طور کلی رژیم ایران حمایت می‌کنند.

● اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده، او همچنین تأکید کرد، «مانند موش‌هایی بر عرشه کشتی در حال غرق شدن، رژیم با شتاب در حال انتقال پول‌هایی است که از خانواده‌های ایرانی دزدیده شده و به بانک‌ها و مؤسسات مالی در سراسر جهان می‌فرستد. اطمینان داشته باشید که وزارت خزانه‌داری اقدام خواهد کرد.»

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC)، جمعه ۳۰ ژانویه (۱۰ بهمن) شماری از مقام‌های جمهوری اسلامی را که مسئول سرکوب خشن مردم در اعتراضات بودند تحریم کرد.

براساس بیانیه وزارت خزانه‌داری، اسکندر مؤمنی وزیر کشور جمهوری اسلامی که بر نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران نظارت دارد در فهرست تحریم قرار گرفت.

همچنین بابک زنجانی دلال اختلاسگر نیز به تحریم‌ها اضافه شد. در این بیانیه تأکید شده زنجانی میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی ایران را که حق مردم ایران بود اختلاس کرد و این مبالغ هرگز بازنگشت. زنجانی که برای پولشویی به نفع رژیم از زندان آزاد شده بود، پشتیبانی مالی پروژه‌های بزرگی را فراهم کرده است که از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و به‌طور کلی رژیم ایران حمایت می‌کنند.

علاوه بر این، اوفاک برای نخستین بار دو صرافی دارایی دیجیتال مرتبط با زنجانی را تحریم کرد که حجم بالایی از وجوه مرتبط با طرف‌های وابسته به سپاه پاسداران را

بگیرد و به‌سمت مدیریت یکپارچه حوضه‌های آبریز حرکت کند. با توجه به اینکه تالاب را نمی‌توان جدا از بالادست آن نجات داد تصمیم‌گیری درباره آب باید در مقیاس کل حوضه و با درنظر گرفتن همه ذی‌نفعان انجام شود. از سوی دیگر، لازم است موضوع تالاب‌ها از سطح یک مسئله صرفاً محیط زیستی به سطح یک دغدغه امنیتی و سرزمینی ارتقا یابد. تالاب‌های خشک‌شده منشأ گردوغبار، مهاجرت، فقر و ناپایداری اجتماعی‌اند و نادیده گرفتن آن‌ها پیامدهای بلندمدت و پرهزینه‌ای برای کشور دارد.

در سطح عملیاتی و میدانی، اقدام‌های فوری برای مهار بحران ضروری است. مرطوب‌سازی اضطراری تالاب‌های بحرانی، حتی با حجم‌های محدود اما هدفمند، می‌تواند از فعال شدن کانون‌های گردوغبار جلوگیری کند و فرصت لازم برای اجرای برنامه‌های احیای بلندمدت را فراهم آورد. هم‌زمان، تثبیت بستر تالاب‌ها از طریق روش‌های طبیعی و کم‌خطر، مانند احیای پوشش گیاهی بومی مقاوم به شوری و خشکی و ایجاد بادشکن‌های زنده، باید در اولویت قرار

➔ موضوع بسیار تأثیرگذار است.

خشک‌شدن تالاب‌ها همچنین معیشت و اقتصاد محلی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. صیادی، دامداری سنتی، کشاورزی محلی و فعالیت‌های وابسته به تالاب از بین می‌رود و فقر ساختاری گسترش می‌یابد. در نتیجه، مهاجرت اجباری از مناطق تالابی آغاز می‌شود و فشار اجتماعی و اقتصادی به شهرها افزایش می‌یابد.

در سطح کلان‌تر، این روند به ناپایداری اجتماعی و امنیتی و مخصوصاً به ناپایداری سرزمینی منجر می‌شود. تخلیه روستاها، افزایش حاشیه‌نشینی، بروز تنش‌های اجتماعی و حتی منازعات محلی بر سر منابع محدود آب، از پیامدهای شناخته‌شده این وضعیت است. به همین دلیل، خشک‌شدن تالاب‌ها نه تنها یک بحران محیط‌زیستی، بلکه تهدیدی برای سلامت عمومی، انسجام اجتماعی و پایداری سرزمینی به شمار می‌آید.

ایران تا سال ۱۳۵۰، ۴۲ تالاب بزرگ فعال داشت اما در این ۱۰ سال اخیر حدود ۹۰ درصد آنها خشک یا در آستانه نابودی‌اند و تنها ۴ تالاب هنوز زنده‌اند! در چندسال اخیر ۱۱ تالاب مهم کشور خشک شده‌است: تالاب‌های امدژ، حوض سلطان، دریاچه نمک، شیمبار، بختگان، گاوخونی، مهارلو، میانگران، هورالعظیم، هامون، و دریاچه ارومیه.

برای خروج از بحران خشک‌شدن تالاب‌ها، چه راهکارهایی در سطح کلان و عملیاتی وجود دارد؟

برای خروج از بحران خشک‌شدن تالاب‌ها، لازم است مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ در دو سطح کلان و عملیاتی به‌طور هم‌زمان اجرا شود. این بحران، حاصل تصمیم‌های مقطعی یا یک عامل منفرد نیست و بنابراین راه‌حل آن نیز، نمی‌تواند محدود به پروژه‌های نمایشی باشد. پیش از هر چیز باید به این واقعیت توجه کرد که احیای تالاب‌ها پروژه‌ای کوتاه‌مدت نیست، بلکه فرایندی میان مدت و بلندمدت است. چنین فرایندی تنها در بستری از حکمرانی کارآمد و ثبات اقتصادی و سیاسی امکان‌پذیر است. احیای تالاب‌ها نیازمند برنامه‌ریزی پیوسته، سرمایه‌گذاری پایدار، اصلاح الگوی تخصیص آب، تغییرسیاست‌های توسعه‌ای و پایش مستمر است. اقداماتی که بدون ثبات سیاسی و اقتصادی یا به‌طور کامل اجرا نمی‌شوند یا در میانه راه رها می‌شوند.

در شرایط بی‌ثباتی، تصمیم‌ها اغلب مقطعی، واکنشی و کوتاه‌نگر می‌شوند و اولویت‌های زیست‌محیطی به‌راحتی قربانی فشارهای فوری اقتصادی و سیاسی می‌گردند. در مقابل، ثبات سیاسی و اقتصادی این امکان را فراهم می‌کند که برنامه‌های احیای تالاب‌ها با افق‌های زمانی روشن، ضمانت اجرایی و تداوم مدیریتی دنبال شوند. به‌همین دلیل، پیش‌شرط واقعی خروج از بحران تالاب‌ها نه صرفاً اجرای پروژه‌های فنی، بلکه استقرار حکمرانی پایدار و ایجاد ثباتی است که اجرای برنامه‌های بلندمدت توسعه پایدار را ممکن و قابل اتکا کند.

در سطح کلان، نخستین و بنیادی‌ترین اقدام، به‌رسمیت شناختن حقابه محیط‌زیستی تالاب‌هاست. تالاب‌ها باید به‌عنوان بخشی از نیازهای حیاتی سرزمین در نظر گرفته شوند، نه مصرف‌کننده‌ای که تنها در صورت وجود مازاد آب سهم می‌برد. بدون تضمین حداقل جریان آب به تالاب‌ها، هرگونه برنامه احیا محکوم به شکست خواهد بود. در کنار آن، الگوی توسعه آب‌محو کشور نیازمند بازنگری جدی است. سدسازی‌های گسترده، انتقال‌های بین حوضه‌ای آب و گسترش کشاورزی پرمصرف، بدون ارزیابی‌های اکولوژیک دقیق، از عوامل اصلی خشک‌شدن تالاب‌ها بوده‌اند و ادامه این روند به معنای تعمیق بحران است.

مدیریت منابع آب باید از نگاه بخشی و جزیره‌ای فاصله

هشدار درباره گسترش فقر غذایی در ایران؛ طرح یارانه کالا برگ شکست خورده است



● تورم فزاینده خواهد بود و فشار تورم به طور مستقیم خوراک و سفره خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ خانواده‌های حداقل‌بگیر مانند کارگران و بازنشستگان نه تنها توان تهیه مواد غذایی ضروری مانند پروتئین و لبنیات را ندارند بلکه حتی برای تهیه خوراک حداقلی نیز با بحران روبرو هستند.

● سودابه کاظمی رئیس انجمن متخصصین زنان و زایمان در نامه‌ای به معاون بهداشت وزیر بهداشت با هشدار نسبت به گرانی‌های افسارگسیخته و تبعات جبران‌ناپذیر فقر غذایی برای مادران باردار، مادران شیرده و نوزادان، خواستار ارائه بسته‌های حمایتی غذایی ویژه برای این گروه شد. ● اسعد صالحی فعال کارگری معتقد است طرح کالا برگ که از ماه گذشته از سوی دولت پزشک‌پس‌پس اجرا شده است تنها در کوتاه مدت جواب می‌دهد و مبلغ یک میلیون تومان با میزان مصرف یک خانوار در ماه تناسبی ندارد.

● در شرایطی که از یک سو فعالان صنفی و کارشناسان این رقم یارانه را ناکافی و بی‌اثر بر معیشت خانوار ارزیابی می‌کنند، در آنسو فروشگاه‌ها نیز از مشکل در تسویه دولت با این فروشگاه‌ها بابت کالاهای ارائه شده به متقاضیات خبر می‌دهند؛ موضوعی که به طور مشخص شکست همه‌جانبه طرح کالا برگ را تأیید می‌کند.

با تداوم تورم و گرانی مواد غذایی و در حالیکه دستمزد بیش از نیمی از جمعیت کشور کفاف ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد و برنامه‌های حمایتی دولت نیز بی‌اثر بوده کارشناسان و فعالان صنفی درباره تشدید فقر غذایی در میان شهروندان هشدار می‌دهند.

دولت پزشک‌پس‌پس در حالی مدعی بود با پرداخت یارانه یک میلیون تومانی فاصله میان دستمزد و هزینه خوراک را جبران خواهد کرد که با گذشت یک ماه از اجرای این طرح مشخص شده به اهداف خود دست پیدا نکرده است. در آنسو حذف ارز ترجیحی که از بیش از یک ماه پیش به صورت رسمی اجرا شد موجی از گرانی در کالاهای خوراکی ایجاد کرده و قیمت برخی اقلام خوراکی طی فقط پنج هفته دو تا سه برابر افزایش یافته است.

در این میان تورم فزاینده خواهد بود و فشار تورم به طور مستقیم خوراک و سفره خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ خانواده‌های حداقل‌بگیر مانند کارگران و بازنشستگان نه تنها توان تهیه مواد غذایی ضروری مانند پروتئین و لبنیات را ندارند بلکه حتی برای تهیه خوراک حداقلی نیز با بحران روبرو هستند.

سودابه کاظمی رئیس انجمن متخصصین زنان و زایمان در نامه‌ای به معاون بهداشت وزیر بهداشت با هشدار نسبت به گرانی‌های افسارگسیخته و تبعات جبران‌ناپذیر فقر غذایی برای مادران باردار، مادران شیرده و نوزادان، خواستار ارائه بسته‌های حمایتی غذایی ویژه برای این گروه شد.

در این نامه آمده «در شرایط کنونی که گرانی‌های افسارگسیخته، قدرت خرید خانوارها را به شدت کاهش داده و تأمین برخی اقلام اساسی را عملاً غیرممکن ساخته است، گروه‌های آسیب‌پذیری همچون مادران باردار، مادران شیرده و نوزادان نیازمند توجه و حمایت ویژه می‌باشند.» این نامه تأکید کرده «نظر به اینکه فقر غذایی می‌تواند

رقم دستمزد کارگران، بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی حدود ۱۵ میلیون تومان است. درآمد بخش زیادی از کارمندان و بازنشستگان دولت، از جمله آموزگاران و پرستاران، نیز حدود ۲۰ میلیون تومان است. رقم درآمدها با مقایسه هزینه زندگی نشان از فقر گسترده در میان اقشار مختلف دارد.

بر اساس طرح کالا برگ یارانه‌ای دولت، حدود ۶۰ میلیون نفر از جمعیت ایران ماهانه یک میلیون تومان یارانه دریافت می‌کنند که این رقم برای خرید مواد غذایی اساسی در برخی فروشگاه‌ها قابل هزینه کردن است.

در شرایطی که از یک سو فعالان صنفی و کارشناسان این رقم یارانه را ناکافی و بی‌اثر بر معیشت خانوار ارزیابی می‌کنند، در آنسو فروشگاه‌ها نیز از مشکل در تسویه دولت با این فروشگاه‌ها بابت کالاهای ارائه شده به متقاضیات خبر می‌دهند؛ موضوعی که به طور مشخص شکست همه‌جانبه طرح کالا برگ را تأیید می‌کند.

بر اساس گزارش خبرگزاری «ایلنا» خانوارها می‌گویند میزان اعتبار دریافتی آن‌ها کمتر از رقم وعده‌داده شده بوده و امکان خرید همه کالاهای مشمول یا دریافت سبد کالای با قیمت‌های قبلی برایشان فراهم نیست.

این گزارش افزوده در کنار نارضایتی مصرف‌کنندگان، خرده‌فروشان طرف قرارداد نیز با مشکلات جدی مواجه شده‌اند. به گفته فروشندگان، پس از اجرای طرح، بخش قابل توجهی از کالاهای فروشگاه‌ها با اعتبار کالا برگ فروخته شده اما دولت در پرداخت مطالبات آن‌ها تأخیر داشته است. این تأخیر در شرایطی رخ می‌دهد که قیمت کالاها به صورت مستمر در حال افزایش است و فروشندگان برای تأمین مجدد اجناس خود نیاز فوری به نقدینگی دارند.

-خبرگزاری «ایلنا» تأکید کرده «برخی فروشندگان هشدار می‌دهند که ادامه این روند می‌تواند باعث کاهش موجودی کالا در فروشگاه‌ها و حتی امتناع برخی واحدهای صنفی از پذیرش کالا برگ شود؛ مسئله‌ای که در نهایت دسترسی خانوارها به کالاهای اساسی را با مشکل مواجه خواهد کرد.»

عوارض و تبعات جبران‌ناپذیری به ویژه در دوران بارداری و رشد نوزادان به دنبال داشته باشد پیشنهاد می‌گردد در اولویت رسیدگی و اقدام عاجل، بسته‌های حمایتی غذایی ویژه‌ای برای مادران باردار مادران شیرده و نوزادان در نظر گرفته شود؛ به گونه‌ای که تأمین اقلام ضروری به ویژه در دو گروه اصلی پروتئینی و لبنی مورد تأکید قرار گیرد.»

فقر غذایی در ایران به سرعت در حال گسترش است و بسیاری از اقشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد ناچار شده‌اند مواد غذایی مفید و ضروری را به علت گرانی از سفره‌های خود حذف کنند. دولت پزشک‌پس‌پس اما ادعا می‌کند با ارائه یارانه یک میلیون تومانی که به صورت کالا برگ برای خرید مواد غذایی قابل استفاده است توانسته از سفره خانوارها حمایت کند؛ ادعایی که از سوی فعالان صنفی و تحلیل‌گران رد می‌شود.

اسعد صالحی فعال کارگری معتقد است طرح کالا برگ که از ماه گذشته از سوی دولت پزشک‌پس‌پس اجرا شده است تنها در کوتاه مدت جواب می‌دهد و مبلغ یک میلیون تومان با میزان مصرف یک خانوار در ماه تناسبی ندارد.

این فعال کارگری توضیح داده که «این طرح یک مسکن موقتی است و نمی‌تواند تأمین کننده معیشت خانوار در کوتاه مدت باشد. کسانی که کالا برگ را طراحی کرده‌اند باید این طرح را در جهت تقویت قدرت معیشت مردم طراحی می‌کردند. همین حالا هزینه ماهانه سبد معیشت کارگران به ۳۵ میلیون تومان رسیده است و برای آنکه زندگی یک خانوار کارگری بر اساس معیار ۳/۳ نفر بچرخد باید ماهی ۳۰ میلیون تا ۳۵ میلیون تومان درآمد داشته باشد تا بتواند هزینه‌های زندگی را تأمین کند.»

این فعال کارگری در حالی بر درآمد دست‌کم ۳۵ میلیون تومانی تأکید دارد که بر اساس محاسبات تحلیل‌گران اقتصادی یک خانواده چهار نفره ساکن در تهران نیازمند درآمدی ۵۲ میلیون تومانی برای پوشش «هزینه‌های ضروری» زندگی هستند و خانواده‌های ساکن در دیگر شهرها به طور میانگین نیازمند درآمدی ۴۰ میلیون تومانی هستند.

دفاع نماینده مجلس شورای اسلامی از مصادره اموال شهروندان به بهانه حمایت از اعتراضات



● بهروز محبی نماینده سبزوار در مجلس شورای اسلامی: «اینکه عده‌ای که شاید در بین آن‌ها چهره‌های برجسته باشند و توقیف اموال‌شان به واسطه کمک به «اغتاشگران» صورت گرفته، کاملاً قانونی است و این به تشخیص قاضی برمی‌گردد.»

● علی بهادری جهرمی، سخنگوی سابق دولت ابراهیم رئیسی که او هم دانش‌آموخته حقوق است اما گفته که بر اساس قانون جدید جاسوسی، سلبریتی‌های خارج‌نشین هم در صورت تخلف، مشمول مصادره کل اموال می‌شوند.

● غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی، نیز در کنفرانس خبری روز یکشنبه ۵ بهمن اعلام کرد کسانی که «به اموال عمومی و خصوصی خسارت وارد کرده‌اند باید نسبت به جبران آن اقدام کنند.»

● آغاز روند توقیف و مصادره اموال شهروندان به بهانه شرکت در اعتراضات یا حمایت از اعتراضات در حالیست که حتی شماری از حقوق‌دانان حکومتی نیز چنین روندی را مغایر با قوانین جمهوری اسلامی می‌دانند.

یک نماینده مجلس شورای اسلامی توقیف اموال سلبریتی‌ها و افرادی که به شهروندان معترض در جریان خیزش ملی دی ۴۰۴ کمک کرده‌اند را «قانونی» خواند. قوه قضاییه جمهوری اسلامی توقیف و مصادره اموال شهروندان را به بهانه حمایت و شرکت در اعتراضات در دستور کار قرار داده است.

بهروز محبی نماینده سبزوار در مجلس شورای اسلامی روز جمعه دهم بهمن‌ماه در گفتگو با وبسایت «رویداد ۲۴» گفته «اینکه عده‌ای که شاید در بین آن‌ها چهره‌های برجسته باشند و توقیف اموال‌شان به واسطه کمک به «اغتاشگران» صورت گرفته، کاملاً قانونی است و این به تشخیص قاضی برمی‌گردد، یعنی دست قاضی برای اعلام‌نظر باز است. بسیاری از جوانان دستگیر شده گفتند ما تحت تاثیر سلبریتی‌ها و فضای مجازی چنین اقداماتی کردیم و متأسفانه خسارت زیادی به کشور وارد شد. حال، وقتی علت تامة این خسارت یک‌سری افراد سرشناس یا سلبریتی‌ها باشند، باید تنبیه شوند و جبران خسارت کنند و این در قانون مجازات اسلامی دیده شده است.»

بهروز محبی افزوده «با توضیحات داده شده و روشن کردن موضوع، حال باید توجه داشت که در ماده ۲ قانون تشدید مجازات جاسوسی، دست قاضی باز است که افرادی که وارد این میدان می‌شوند را متناسب با میزان و نوع خسارتی که وارد کار کردند، تنبیه کنند. حتی قاضی می‌تواند به موضوعات مربوط به محارب وارد شود و تشخیص خود را اعمال کند. قاضی همچنین می‌تواند درجه ۲ تا ۴ زندانی را برای این افراد لحاظ کند.»

غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی، نیز در کنفرانس خبری روز یکشنبه ۵ بهمن اعلام کرد کسانی که «به اموال عمومی و خصوصی خسارت وارد کرده‌اند باید نسبت به جبران آن اقدام کنند.»

رئیس قوه قضاییه دستور داد که «مقامات قضایی ذریبط، فرآیندهای قانونی مرتبط با توقیف اموال عناصری که به نحوی از انحاء در اغتشاشات مدخلیت داشتند، اعم از آمرین، مسببین، محرکین و مباشرین، را انجام دهند.»

«یک محبوب من» از سوی مراجع قضایی احضار و در کنار تهدید به زندان، به توقیف اموال نیز تهدید شده‌اند. بر اساس این اطلاعات، احضار جدید این دو فیلمساز در پی موضع‌گیری‌های علنی آنان در حمایت از معترضان و محکوم کردن صریح جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است.

آغاز روند توقیف و مصادره اموال شهروندان به بهانه شرکت در اعتراضات یا حمایت از اعتراضات در حالیست که حتی شماری از حقوق‌دانان حکومتی نیز چنین روندی را مغایر با قوانین جمهوری اسلامی می‌دانند.

از جمله محسن برهانی حقوق‌دان و استاد دانشگاه و از حامیان جمهوری اسلامی و دولت مسعود پزشکیان گفته مصادره اموال مردم «منطبق بر موازین قانون و شرعی نیست. چرا که اولاً اگر شخصی سابرین را به اعتراض یا درگیری یا آشوب تحریک نماید، چنین تحریکی باید صریح و مستقیم باشد.»

محسن برهانی افزوده «نوشتن یک متن یا قرار دادن یک استوری در فضای مجازی که به صورت کلی تأییدکننده اعتراض یا اغتشاش یا آشوب باشد نمی‌تواند به عنوان تحریک مستقیم مطرح گردد. به عبارت دیگر، تنها زمانی می‌توان شخص را معاون در ایجاد خسارت دانست که مستقیماً به شخص خاصی یا به افراد خاصی گفته باشد که فلان ساختمان یا فلان خودرو را آتش زنید و تخریب کنید. برای تحقق معاونت، تحریک کلی یا تأیید کلی کفایت نمی‌کند. حتی اگر شخص بگوید که باید تخریب کرد، باید به آتش کشید و... باز هم این گزاره برای تحقق سببیت و مداخله در خسارت جنایت، کفایت نمی‌کند. ثانیاً از نظر شرعی و حقوقی بدون هیچ تردیدی مسوولیت با مباشر است و نه با سبب. از نگاه عالمان و آشنایان به فقه و حقوق، زمانی که سبب و مباشر جمع شوند، اصل تحمیل مسوولیت بر مباشر است.»

علی بهادری جهرمی، سخنگوی سابق دولت ابراهیم رئیسی که او هم دانش‌آموخته حقوق است اما گفته که بر اساس قانون جدید جاسوسی، سلبریتی‌های خارج‌نشین هم در صورت تخلف، مشمول مصادره کل اموال می‌شوند.

پیشتر نیز خبرهایی درباره توقیف و مصادره اموال افرادی که به علت حضور یا حمایت از اعتراضات خیزش ملی دی ۴۰۴ شرکت داشته‌اند منتشر شده است.

کاظم موسوی رئیس کل دادگستری قم اوایل دی‌ماه اعلام کرد محمد ساعدی‌نیا، مالک مجموعه کافه‌های ساعدی‌نیا به علت آنچه «تشویق به اغتشاشات» خوانده شده بازداشت شده است. او همچنین از تشکیل پرونده قضایی علیه این شهروند با استناد به اصل ۴۹ قانون اساسی خبر داده است؛ اصلی که امکان مصادره اموال شهروندان را برای حکومت فراهم کرده است. رئیس کل دادگستری قم اعلام کرده «کلیه مراکز فعالیت این فرد، اعم از کافه و رستوران، تعطیل شدند. همچنین پروانه کسب و مجوزهای فعالیت این فرد جهت ابطال به کمیسیون‌های مربوطه ارجاع داده شدند.»

کاظم موسوی همچنین از تشکیل پرونده علیه این شهروند و کارآفرین با استناد به اصل ۴۹ قانون اساسی اصلی که مصادره اموال شهروندان را برای حکومت امکان‌پذیر کرده داده است. این مقام قضایی مدعی شده محمد ساعدی‌نیا متهم به «تشویق به اغتشاشات و تخریب اموال عمومی» است و همچنین مدعی شده که «اقدامات او منجر به کشته شدن شماری از نیروهای انتظامی-امنیتی شده است.»

رئیس کل دادگستری قم همچنین گفته «همچنین با تشکیل کارگروه حقوق و درخواست عمومی، جهت مطالبه خسارت‌های وارده به شهر در جریان اغتشاشات اخیر اقدامات لازم درحال انجام است.»

اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی بر وظیفه دولت برای بازپس‌گیری و استرداد ثروت‌های نامشروع از راه‌هایی چون ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار و سوءاستفاده تأکید دارد و آن را به صاحب حق بازگرداند یا به بیت‌المال بسپارد، که اجرای آن نیازمند رسیدگی و ثبوت شرعی و صدور حکم آن در دادگاه‌های ویژه اصل ۴۹ در دادگاه‌های انقلاب انجام می‌شود.

همچنین بر اساس اطلاعات منتشرشده از سوی منابع نزدیک بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم، کارگردانان فیلم

قیمت دلار ظرفیت افزایش تا ۱۸۰ هزار تومان را دارد



بالای ۷۰ یا ۸۰ درصد، و حتی سه‌رقمی، دیده می‌شود و عملاً کنترلی بر افزایش نرخ ارز و تورم مشاهده نمی‌شود. در چنین شرایطی، فعالیت اقتصادی بلندمدت شکل نخواهد گرفت.

غلامرضا سلامی افزوده «صادرات هم با توجه به خطوط و محدودیت‌هایی که اروپا و آمریکا برای ایران ترسیم کرده‌اند، تحت تأثیر قرار گرفته است. من متأسفانه آینده نامطلوب‌تری را برای اقتصاد ایران پیش‌بینی می‌کنم؛ آینده‌ای که خیلی هم دور نیست و شاید در چند ماه آینده به نقطه‌ای از واکنش اجتماعی شدید برسیم.»

در حالیکه پیش‌بینی‌ها از افزایش تورم در هفته‌ها و ماه‌های آینده حکایت دارد که دولت هم در برابر افزایش درآمد‌ها متناسب با نرخ تورم مقاومت دارد.

در همین رابطه حبیب صادق‌زاده فعال کارگری گفته «با اشاره به افزایش شدید قیمت‌ها و حذف ارز ترجیحی از کالاهای اساسی به خبرنگار ایلنا گفت: افزایش شدید قیمت‌ها و آغاز طرح‌های دولت برای حذف ارز ترجیحی و واقعی‌سازی تدریجی قیمت‌ها تبعات بسیاری دارد؛ بخشی از آن را دیده‌ایم و متأسفانه باید بگوییم که در آینده‌ای نزدیک به مرور تبعات اجرای این سیاست را در افزایش بیشتر قیمت‌ها خواهیم دید. در این وضعیت باید نسبت به تبعات فریز کردن دستمزد کارگران هشدار داد. تداوم این سیاست، شکاف معیشتی را عمیق‌تر کرده و زندگی میلیون‌ها خانواده کارگری را به صورت جدی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.»

این فعال کارگری تأکید کرده «هدف از تعیین حداقل حقوق، حفظ کرامت انسانی و تأمین حداقل‌های معیشت است، در حالی که دستمزد فعلی، فاصله‌ای نجومی با سبد واقعی معیشت کارگران دارد. سبد حداقل‌های زندگی بالای ۵۰ میلیون تومان است. قیمت همه‌ی کالاهای خوراکی اساسی خانواده‌ها افزایش یافته و در این شرایط حداقل حقوق کارگران بین ۱۵ تا ۱۸ میلیون تومان است. با این حقوق حتی بخش ناچیزی از هزینه‌های ماهانه هم تأمین نمی‌شود.»

به یکی دو هزار تومان در ماه نیست و ممکن است در بازه‌های کوتاه، بالغ بر ۱۰ تا ۱۵ هزار تومان جابه‌جا شود.» او افزوده در صورت افزایش ریسک‌های اقتصادی قیمت طلا هم می‌تواند حتی تا ۲۵ میلیون تومان برای هر گرم افزایش پیدا کند. قیمت طلا هم‌اکنون در کانال ۱۹ میلیون تومان برای هر گرم طلای ۱۸ عیار است. اینهمه در حالیست که اقتصاد ایران به علت واردات‌محور بودن به شدت به افزایش قیمت ارز واکنش نشان می‌دهد؛ افزایش قیمت دلار به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، و در یک بازه زمانی کوتاه، بر قیمت همه کالاها و خدمات اثر خواهد گذاشت.

در آنسو تورم در اقتصاد ایران نیز با شیب تندی در حال افزایش است و پیش‌بینی می‌شود در صورت تداوم شرایط تحریم و مشکلات ساختاری اقتصاد کشور، تورم در ماه‌های آینده رکوردهای جدیدی را ثبت کند. این شرایط به معنای گرانی بیشتر کالاها و خدمات، و تشدید مشکلات معیشتی اقشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد است.

بر اساس آخرین آمارهای اقتصادی مربوط به دی‌ماه ۴۰۴ نرخ تورم نقطه به نقطه به ۶۰ درصد رسیده است. غلامرضا سلامی، اقتصاددان، معتقد است نشانه‌های تورم بالای ۱۰۰ درصد دیده می‌شود.

این اقتصاددان توضیح داده که جدا از مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران که تورم را تشدید کرده، فاصله میان حکومت و مردم بر تشدید تورم موثر خواهد بود. او با اشاره به سرکوب شدید مردم در اعتراضات اخیر گفته این خشونت علیه مردم «نشان داد که قرار نیست انعطافی در رویکرد سیاست داخلی و رفتار با مردم ایجاد شود. اتفاقات و صحبت‌هایی که این روزها مطرح می‌شود نیز این پیام را منتقل می‌کند که آشتی میان دولت و اکثریت مردم در کار نیست. به نظر من اگر این روند ادامه پیدا کند و این شکاف عمیق‌تر شود، امیدی به اصلاح اقتصادی نخواهد بود؛ چون در چنین شرایطی انگیزه‌ای برای کار و فعالیت اقتصادی باقی نمانده است.»

او تأکید کرده در چنین شرایطی نشانه‌هایی از تورم‌های

● برزو حق‌شناس کارشناس بازارهای مالی با تأکید بر اینکه «اگر ریسک‌ها افزایش معنادار پیدا کنند، دلار حتی ظرفیت رشد تا ۱۸۰ هزار تومان را هم دارد» گفته «دلار حباب بسیار بزرگی دارد که عمدتاً ناشی از ریسک‌های سیاسی است و باید توجه داشت که ارزش ذاتی دلار می‌تواند به‌سرعت افزایش پیدا کند.»

● اقتصاد ایران به علت واردات‌محور بودن به شدت به افزایش قیمت ارز واکنش نشان می‌دهد؛ افزایش قیمت دلار به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، و در یک بازه زمانی کوتاه، بر قیمت همه کالاها و خدمات اثر خواهد گذاشت.

● تورم در اقتصاد ایران نیز با شیب تندی در حال افزایش است و پیش‌بینی می‌شود در صورت تداوم شرایط تحریم و مشکلات ساختاری اقتصاد کشور، تورم در ماه‌های آینده رکوردهای جدیدی را ثبت کند. این شرایط به معنای گرانی بیشتر کالاها و خدمات، و تشدید مشکلات معیشتی اقشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد است.

● بر اساس آخرین آمارهای اقتصادی مربوط به دی‌ماه ۴۰۴ نرخ تورم نقطه به نقطه به ۶۰ درصد رسیده است. غلامرضا سلامی، اقتصاددان، معتقد است نشانه‌های تورم بالای ۱۰۰ درصد دیده می‌شود.

در شرایطی که دولت نتوانسته برخلاف وعده‌هایش قیمت دلار را کنترل کند، کارشناسان می‌گویند قیمت‌ها در بازار ارز ایران بیش از گذشته به «متغیرهای غیر اقتصادی» وابسته شده و در صورتیکه روند مذاکرات با ایالات متحده به بن‌بست بخورد قیمت ارز با افزایش چشمگیری روبرو خواهد شد.

برزو حق‌شناس، کارشناس بازارهای مالی، با تشریح نقش تعیین‌کننده ریسک‌ها در بازارهای مالی ایران گفت: «قیمت‌ها بیش از هر زمان دیگری به متغیرهای غیراقتصادی وابسته شده‌اند و همین موضوع، تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاران را دشوار کرده است.»

به عقیده این کارشناس «در حال حاضر، تنها مولفه‌ای که باعث شده قیمت دلار بالاتر از ارزش ذاتی خود باقی بماند، ریسک‌ها هستند. هر زمان که این ریسک‌ها حتی به میزان اندکی کاهش یا افزایش پیدا می‌کنند، قیمت دلار بلافاصله واکنش نشان می‌دهد؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت دلار کاملاً به ریسک‌ها وابسته شده است.»

شرایط اقتصادی و سیاسی ایران در این روزها به شدت ملتهب است به‌طوری‌که حتی امکان پیش‌بینی سقف و کف قیمتی مشخصی برای دلار در روزها و هفته‌های پیش‌رو وجود ندارد. در همین رابطه برزو حق‌شناس می‌گوید «در کوتاه‌مدت، عملاً امکان پیش‌بینی قیمت دلار وجود ندارد. تنها عامل تعیین‌کننده مسیر دلار، ریسک‌ها هستند و این ریسک‌ها ممکن است به‌صورت روزانه یا حتی ساعتی تغییر کنند.»

این کارشناس بازارهای مالی با تأکید بر اینکه «اگر ریسک‌ها افزایش معنادار پیدا کنند، دلار حتی ظرفیت رشد تا ۱۸۰ هزار تومان را هم دارد» گفته «دلار حباب بسیار بزرگی دارد که عمدتاً ناشی از ریسک‌های سیاسی است و باید توجه داشت که ارزش ذاتی دلار می‌تواند به‌سرعت افزایش پیدا کند؛ چرا که شرایط کلان اقتصادی به‌گونه‌ای است که نوسان ارزش ذاتی دیگر مانند گذشته محدود

آرایش متناسب با وضعیت جنگی در بازارهای مختلف ایران



موضوع بازتاب مستقیمی از شرایط کلی اقتصاد کشور است.» او افزوده «رویدادهای اقتصادی یک ماه گذشته شرایطی ایجاد کرده‌اند که کسب‌وکارها نتوانند مصرف‌کننده را به سمت خرید با دید بازتر و بودجه مناسب‌تر سوق دهند.»

دیگر بازارهای کشور نیز به دو علت، افزایش احتمال حمله نظامی و تداوم قطع اینترنت، با رکود روبرو هستند. بازار موبایل نیز از جمله بازارهایی است که طی روزهای گذشته با کاهش ۸۰ درصدی در فروش روبرو شده است.

خبرگزاری «ایبنا» در گزارشی درباره وضعیت بازار موبایل علاءالدین تهران، بازاری که اعتراضات دی ۴۰۴ با اعتصاب بازاریان آن در هفتم دی آغاز شد، نوشته «طبقات دوم و سوم تا ششم این پاساژ که همواره مملو از جمعیت بود و افراد برای خرید می‌آمدند، این روزها به راهروهایی بسیار خلوت بدل شده است.»

از سوی دیگر گزارش‌ها حاکی از آنست که در نخستین هفته به‌هم‌ماه کسب‌وکارهای آنلاین با کاهش فروش ۸۰ درصدی روبرو شدند. ستار هاشمی، وزیر ارتباطات نیز به تازگی خسارت روزانه‌ی قطع اینترنت به هسته اقتصاد دیجیتال را حدود ۵۰۰ میلیارد تومان و خسارت روزانه به اقتصاد کلان را هم ۵ هزار میلیارد تومان اعلام کرد.

تحلیلگران معتقدند اقتصاد ایران در وضعیت آماده باش برای شرایط جنگی به سر می‌برد. وضعیتی که ادامه آن همگام با کاهش بیشتر ارزش پول ملی و تشدید رکود تورمی در بازارهای غیرنقدشونده‌ای مانند خودرو و مسکن خواهد بود. هومن زنگنه، عضو هیئت رئیسه اتحادیه طلا در گفتگو با وبسایت «اقتصادنیوز» گفته «بازار ایران با بازار جهانی هماهنگ است؛ اما در داخل کشور حدود دو هفته است که بازار تعطیل بوده و عملاً شرایط قیمت ایده‌آلی نداریم.» او تأکید کرده «پیش‌بینی بنده این است که در یک تا دو ماه آینده، قیمت انس جهانی طلا قطع به یقین از مرز ۵ هزار دلار عبور خواهد کرد. اگر ما خبرهای خوبی از وزارت خارجه نشنوم، قطع به یقین با افزایش قیمت روبه‌رو خواهیم بود و باید دلار ۱۸۰ تا ۲۲۰ هزار تومانی را پیش‌بینی کنیم.»

متناسب با وضعیت جنگی گرفته‌اند. قیمت هر دلار آمریکا مرز ۱۶۰ هزار تومان را رد کرده است. دیگر ارزهای رایج در بازار ارز ایران نیز پایه‌ای دلار افزایش داشته و رکوردهای قیمتی جدیدی را ثبت کرده‌اند.

در بازار طلا نیز وضعیت متلاطم سیاسی، و همچنین افزایش قیمت جهانی طلا، سبب افزایش پرسرعت قیمت‌ها شده است. قیمت هر سکه طلا روز چهارشنبه نهم بهمن‌ماه به ۲۲۴ میلیون و ۷۲۰ هزار تومان و قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز به ۲۲ میلیون و ۱۰ هزار تومان رسید.

در آنسو بازار بورس ایران نیز در هفته‌ای که گذشت ریزش‌های پی‌درپی را تجربه کرد و حجم قابل توجهی پول حقیقی از بازار خارج شد.

شاخص کل بورس که از ابتدای سال بازدهی حدود ۴۰ درصدی را از آن خود کرده بود و در ابتدای هفته روی ۴/۵ میلیون واحد ایستاده بود، تحت تأثیر ترس از آسیب به زیرساخت‌های صنعتی کشور در صورت وقوع جنگ، با سقوطی سنگین به کانال ۴/۱ میلیون واحد عقب‌نشینی کرد. در این بازه زمانی کوتاه، بیش از ۱۷.۲ هزار میلیارد تومان نقدینگی توسط سهامداران حقیقی از بازار خارج شد که نشان‌دهنده عمق بی‌اعتمادی و ترس سرمایه‌گذاران بود.

فشار فروش به حدی بود که بیش از ۹۰ درصد نمادهای بازار «سرخ‌پوش» شدند و صف‌های سنگین فروش در نمادهای شاخص‌سازی مانند فولاد و فملی به طور کامل قفل شد. سهامداران که نگران کاهش ارزش دارایی‌های خود و قطع دسترسی به سامانه‌های معاملاتی بودند، ترجیح دادند سرمایه‌های خود را به سمت صندوق‌های درآمد ثابت یا بازار طلا ببرند.

بازار اتومبیل و مسکن نیز وارد فاز رکود تورمی شدید شده‌اند. در شرایطی که قیمت‌ها در این دو بازار روند افزایش را طی می‌کند اما معاملات به صفر رسیده است و رکود بی‌سابقه و عمیقی در این دو بازار تجربه می‌شود. مسیح فرزانه، کارشناس صنعت اتومبیل‌سازی معتقد است «انتظار شکل‌گیری رونق معمول شب عید در بازار خودرو، مشابه سال‌های گذشته، چندان واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد و این

● بازارهای مختلف ایران نیز آرایشی متناسب با وضعیت جنگی گرفته‌اند. قیمت هر دلار آمریکا مرز ۱۶۰ هزار تومان را رد کرده است. دیگر ارزهای رایج در بازار ارز ایران نیز پایه‌ای دلار افزایش داشته و رکوردهای قیمتی جدیدی را ثبت کرده‌اند.

● در بازار طلا نیز وضعیت متلاطم سیاسی، و همچنین افزایش قیمت جهانی طلا، سبب افزایش پرسرعت قیمت‌ها شده است.

● در آنسو بازار بورس ایران نیز در هفته‌ای که گذشت ریزش‌های پی‌درپی را تجربه کرد و حجم قابل توجهی پول حقیقی از بازار خارج شد.

● بازار اتومبیل و مسکن نیز وارد فاز رکود تورمی شدید شده‌اند. در شرایطی که قیمت‌ها در این دو بازار روند افزایش را طی می‌کند اما معاملات به صفر رسیده است و رکود بی‌سابقه و عمیقی در این دو بازار تجربه می‌شود.

● بازار موبایل نیز از جمله بازارهایی است که طی روزهای گذشته با کاهش ۸۰ درصدی در فروش روبرو شده است.

با افزایش احتمال بروز حمله نظامی میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی، بازارهای مختلف کشور در روزهای گذشته آرایشی متناسب با وضعیت جنگی گرفته‌اند. قیمت‌ها در بازار ارز و طلا روند افزایشی پرسرعتی را طی کرد و شاخص کل بورس ایران نیز با ریزش‌های پی‌درپی و خروج پول حقیقی از بازار روبرو شد.

در روزهای گذشته ناو هواپیمابر آمریکایی «آبراهام لینکلن» و ناوشکن‌های آمریکایی مایکل مورفی و اسپرونس در خلیج فارس مستقر شدند. دونالد ترامپ جمهوری اسلامی را زیر فشار برای انتخاب پذیرش شروط ایالات متحده و توافق، و یا جنگ قرار داده است.

در مقابل مقامات جمهوری اسلامی نیز همچنان به خط‌ونشان کشیدن برای ایالات متحده مشغول هستند. اینهمه احتمال بروز درگیری نظامی بین جمهوری اسلامی و آمریکا را افزایش داده است.

در چنین شرایطی بازارهای مختلف ایران نیز آرایشی

آغاز اثرات تورمی حذف ارز ترجیحی و گرانی دلار بر بازار مواد غذایی



و خوراک روبرو هستند. فعالان کارگری و بازنشستگان معتقدند دولت با حذف ارز ترجیحی موج بلندی از گرانی را ایجاد کرده اما یارانه‌ای بی‌ارزش را به عنوان راهکار جبران فشار مالی تحمیل شده به خانوار ارائه کرده که در عمل بی‌اثر و بی‌فایده است.

اکبر شوکت، فعال کارگری، در گفتگو با «ایلنا» با اشاره به تبعات اقتصادی افزایش نرخ دلار، حذف ارز ترجیحی و پرداخت یارانه یک میلیون تومانی گفته «اعتراضات اولیه از بازار تهران و به دلیل نوسانات شدید نرخ ارز آغاز شد.» این فعال کارگری با اشاره به افزایش شدید هزینه‌های زندگی گفت: «اگر سید معیشت خانوار را با شش ماه قبل مقایسه کنیم، به راحتی می‌توان افزایش حداقل ۵۰ درصدی را مشاهده کرد که عددی بسیار نگران‌کننده است. برخی اقلام، به‌ویژه کالاهای پروتئینی مانند گوشت قرمز، از ابتدای سال تاکنون افزایش قیمتی بین ۲۰۰ تا حتی ۳۰۰ درصد داشته‌اند!»

اکبر شوکت تأکید کرده «در حالی که قیمت‌ها چند برابر شده، یک میلیون تومان کمک معیشتی عملاً تأثیری در زندگی مردم ندارد و بیشتر شبیه پاک کردن صورت مسئله است» و افزوده «ابتدای سال قیمت هر کیلو دام زنده حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار تومان بود، اما اکنون به حدود ۶۰۰ هزار تومان رسیده است. قیمت گوشت گوساله نیز از حدود ۵۰۰ هزار تومان به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان افزایش یافته، یعنی تنها در یک قلم، یک میلیون تومان افزایش قیمت داشته‌ایم. با این وضع نرخ سید معیشت را هر جور هم حساب کنند فکر نمی‌کنم زیر ۷۰ میلیون تومان در بیاید و مشخص نیست دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۵ را چگونه می‌خواهند تعیین کنند؟!»

این فعال کارگری با اشاره به اینکه افزایش قیمت‌ها به‌طور مستقیم باعث کاهش شدید سرانه مصرف شده است گفته قدرت خرید اقشار ضعیف به شدت و به‌صورت فوق‌العاده وحشتناک کاهش پیدا کرده است. ما این موضوع را به‌صورت میدانی و روزمره مشاهده می‌کنیم. با این حجم از افزایش قیمت‌ها، طبیعی است که تقاضا به شدت افت کند، چون مردم دیگر توان خرید این کالاها را ندارند.

به گفته این تحلیلگر اقتصادی، درحال حاضر که دولت تصمیم به پرداخت یارانه به مردم گرفته است، می‌داند که این یارانه جبران افزایش قیمت‌ها طی روزها و ماه‌های آتی را نخواهد کرد. همان یک شانه تخم مرغ کل یارانه را می‌بلعد. کامران ندری، اقتصاددان نیز با انتقاد از عملکرد تیم اقتصادی دولت پزشکیان در حذف ارز ترجیحی گفته «شرایطی که جامعه، ملتهب و بازار ارز دچار نوسانات شدید قیمتی است، حذف ارز ترجیحی آن هم به صورت دفعی، یکباره و شتابزده، کار مدبرانه‌ای نبود.»

او با بیان اینکه «برای اعمال سیاست‌های ارزی، جامعه باید از نظر اجتماعی در آرامش و سکون قرار داشته باشد و التهابات بازار ارز فروکش کند» گفته «هیچ اضطراب و توجیهی در اقتصاد مبنی بر اینکه دولت بخواهد به این سرعت و به یکباره، این شوک را به اقتصاد ملتهب و به جامعه معترض و نگران نسبت به آینده وارد کند، وجود نداشت.»

افزایش تورم در سالهای گذشته به‌طور مستقیم بر سفره خانوارها اثر گذاشته است؛ نه تنها مصرف مواد مغذی کاهش یافته بلکه بسیاری از خانوارها به مصرف مواد خوراکی ارزان‌تر روی آورده‌اند.

داده‌های بانک مرکزی نیز بیانگر کاهش مصرف مواد غذایی در پی افزایش قیمت‌ها است. بر اساس گزارش بانک مرکزی در سال ۱۴۰۳ نسبت به ۱۳۹۴، مصرف گوشت قرمز ۲۰ درصد و گوشت آبزیان ۲۷ درصد کاهش یافته، در حالی که مصرف گوشت طیور ۲۸ درصد و تخم‌مرغ ۴۴ درصد افزایش داشته است.

این گزارش افزوده مصرف گوشت قرمز از ۴۰ به ۳۲ کیلوگرم و آبزیان از ۱۱ به ۸ کیلوگرم کاهش یافته، اما مصرف گوشت طیور از ۹۰ به ۱۱۵ کیلوگرم و تخم‌مرغ از ۳۶ به ۵۲ کیلوگرم افزایش یافته است.

همچنین مصرف شیر ۲۰ درصد و ماست ۶ درصد کاهش داشته، در حالی که پنیر بیشترین رشد مصرف را ثبت کرده است.

در چنین شرایطی خانوارهای حقوق‌بگیر با بحرانی جدی در رابطه با تأمین هزینه‌های ضروری زندگی از جمله مسکن

● کارشناسان معتقدند اثرات تورمی افزایش قیمت ارز در هفته‌های گذشته و حذف ارز ترجیحی بر بازار مواد غذایی، سبب افزایش بیش از پیش قیمت‌ها در هفته‌های آینده خواهد شد.

● شماری از تحلیلگران افزایش قیمت‌ها در پی حذف ارز ترجیحی را یکی از عوامل بروز اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ ارزیابی می‌کنند.

● آلبرت بغزیان اقتصاددان در انتقاد از نحوه اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی گفته «تصمیم دولت مبنی بر حذف ارز ترجیحی نامناسب‌ترین تصمیمی بود که در بدترین زمان گرفته شد.»

● کامران ندری، اقتصاددان گفته «شرایطی که جامعه، ملتهب و بازار ارز دچار نوسانات شدید قیمتی است، حذف ارز ترجیحی آن هم به صورت دفعی، یکباره و شتابزده، کار مدبرانه‌ای نبود.»

تورم مواد غذایی در دی‌ماه امسال رکورد زده است بطوریکه در دی امسال نسبت به دی سال گذشته قیمت مواد خوراکی به‌طور میانگین ۹۰ درصد افزایش یافته است. کارشناسان معتقدند اثرات تورمی افزایش قیمت ارز در هفته‌های گذشته و حذف ارز ترجیحی بر بازار مواد غذایی، سبب افزایش بیش از پیش قیمت‌ها در هفته‌های آینده خواهد شد.

دولت مسعود پزشکیان در ابتدای دی ماه ارز ترجیحی مرتبط با مواد خوراکی را حذف کرد و تحلیلگران معتقدند یکی از دلایل افزایش قیمت مواد غذایی در دی ماه همین موضوع بوده است. در این ماه تورم مواد خوراکی در یک سال ۹۰ درصد بوده و تورم ماهانه گروه خوراکی و آشامیدنی‌ها رقم بی‌سابقه ۱۳/۷ درصد اعلام شد.

بسیاری از کارشناسان حذف ارز ترجیحی را اقدامی بی‌موقع ارزیابی می‌کنند که آسیب زیادی به معیشت خانوارها وارد کرده است. همچنین شماری از تحلیلگران افزایش قیمت‌ها در پی حذف ارز ترجیحی را یکی از عوامل بروز اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ ارزیابی می‌کنند.

آلبرت بغزیان اقتصاددان در گفت‌وگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» در انتقاد از نحوه اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی گفته «تصمیم دولت مبنی بر حذف ارز ترجیحی نامناسب‌ترین تصمیمی بود که در بدترین زمان گرفته شد.» این اقتصاددان به وضعیت بحرانی اقتصاد ناشی از تحریم‌ها اشاره کرد و گفته «از طرفی نرخ ارز به دلیل مشکلات تحریمی و بازنگشتن ارز از سوی تراستی‌ها افزایش پیدا کرده بود و از طرف دیگر حتی این افزایش قیمت هنوز خود را به قیمت ارزاقی مانند حبوبات و برنج نرسانده بود.» آلبرت بغزیان معتقد است که دولت باید لاقابل با افزایش تدریجی نرخ ارز ترجیحی به سمت سیاست حذف آن قدم می‌گذاشت؛ چرا که حذف یکباره آن شوک شدیدی به طبقات پایین جامعه وارد آورد و جامعه به لحاظ درآمدی فرصتی برای هماهنگ شدن با آن نداشت.

به عقیده این اقتصاددان «وقتی کشور دچار مشکلاتی، چون ناترازی بانک‌ها و تحریم‌های مضاعف ناشی از اجرای مکانیسم ماشه است، اصلاً زمان مناسبی نبود که به دهک‌های پایین جامعه یک فشار جدید بیافزاییم. در چنین شرایطی معلوم است که مردم معترض می‌شوند. دولت باید صبر می‌کرد تا دست کم در شرایط عادی این سیاست را اجرایی کند.»

قطع اینترنت واردات کالاهای اساسی و زنجیره تأمین در ایران را مختل کرده است



دیجیتال فعالیت می‌کند و قطع اینترنت به طور مستقیم و غیرمستقیم بر وضعیت معیشت این افراد اثر می‌گذارد. احسان چیت‌ساز نیز با ارائه آماری از خسارت دو هفته‌ای ناشی از قطع اینترنت گفته «تنها در بخش هسته و پلتفرم‌های اقتصاد دیجیتال، ۳۴ هزار میلیارد تومان (همت) خسارت و عدم‌النفع ثبت شده است.»

بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی احسان چیت‌ساز فقط در بخش هسته و پلتفرم‌های اقتصاد دیجیتال، ۳۴ هزار میلیارد تومان (همت) خسارت و عدم‌النفع ثبت شده است. همچنین اپراتورها شامل شرکت ایرانسل با از دست دادن ۸۵ درصد از درآمد خود (حدود ۲۰۰۰ میلیارد تومان) و همراه اول با افت ۵۰ درصد درآمد (حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان) در یک بازه ۱۰ روزه روبرو شده‌اند.

از سوی دیگر پلتفرم‌های بزرگ نظیر مجموعه‌هایی چون دیجی‌کالا در روزهای نخست، تقریباً تمام ترافیک و ورودی خود را از دست داده و در ادامه با افت ۵۰ درصدی فعالیت روبرو شدند. در بخش لجستیک یعنی شرکت ملی پست نیز کاهش ۴۰ درصدی ترافیک مرسولات، با کاهش درآمد ۵۰۰ میلیارد تومانی رخ داده است.

رضا الفت نسبت، رئیس اتحادیه کسب و کارهای مجازی، نیز پیش از این در گفت‌وگو با خبرگزاری «ایسنا» با بیان اینکه «تقریباً از ۱۸ دی ماه، وارد یک وضعیت بسیار ندری در حوزه اینترنت و ارتباطات و حتی تلفن شده‌ایم» گفته بود «کسب‌وکارهای بزرگ از همان روزهای اول اعتراضات شاهد کاهش نزدیک به ۸۰ درصدی فروش بودند.»

او افزوده بود که حدود ۵۵ درصد اقتصاد، بخش خدمات است. شرکت‌ها و کسب‌وکارهای خدماتی امروزه به شدت فعالیت و مدل کسب‌وکار خود را به سمت استفاده از فناوری‌های نوین سوق داده‌اند.

در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ و از شامگاه ۱۸ دی‌ماه جمهوری اسلامی اقدام به قطع سراسری اینترنت در کشور کرد. قطع اینترنت بیش از سه هفته ادامه یافته و همچنان مشخص نیست محدودیت‌های اینترنت چه زمانی برداشته خواهد شد.

اشاره کرد و گفت: «در حال حاضر واردات برخی کالاها به صورت «کراس استاف» انجام می‌شود که یکی از روش‌های پرکاربرد حمل‌ونقل دریایی است. در این روش باید اسناد در کشور واسط به گمرک تحویل داده شود تا کالا به کامیون دیگری برای حمل به ایران منتقل شود، اما اکنون حتی به همان اسناد و کپی آنها نیز دسترسی نداریم و همین موضوع باعث اختلال جدی در فرآیند بارگیری مجدد شده است. این مشکلات مستقیماً ناشی از قطعی اینترنت است.»

مجیدرضا حریری رئیس اتاق ایران و چین، هفته گذشته از دسترسی اعضای اتاق بازرگانی روزانه تنها ۲۰ دقیقه به اینترنت خبر داده و گفته بود استفاده از اینترنت با حضور «ناظر» و در محل اتاق بازرگانی مقدور است و تأکید کرده بود این شیوه دسترسی به اینترنت «به‌هیچ‌وجه پاسخگوی نیازهای تاجر نیست.»

اکنون، رابطه فخرالدین عامریان، رئیس اتاق مشترک ایران و برزیل، گفته «اتاق بازرگانی با وجود اعلام اینکه دسترسی به اینترنت را برای تاجر فراهم می‌کند، تنها این امکان را در اختیار شرکت‌هایی قرار داده که کارت بازرگانی دارند و صرفاً مدیرعامل می‌تواند با امضای فرم تعهد، بین ۲۰ دقیقه تا یک ساعت از اینترنت استفاده کند. در این مدت کوتاه هم فقط می‌توان کارهای جزئی انجام داد که بسیار زمان‌بر است. حتی مشخص نیست کامپیوتری که اسناد به آن متصل می‌شود، از نظر امنیت و ویروس قابل اطمینان باشد یا خیر.»

او افزوده که «با توجه به اینکه اتاق بازرگانی در ساعات مشخصی خدمات ارائه می‌دهد و در روزهای تعطیل نیز دسترسی به اینترنت وجود ندارد، مشکلات ما دوچندان شده است. در نهایت، فقط در روزهای دوشنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه امکان استفاده محدود از اینترنت را داریم.»

در بخش اقتصاد دیجیتال اما خسارت گسترده سبب تعطیلی رخی کسب‌وکارها یا اخراج نیروی کار شده است. اکثر مشاغل اینترنتی با کاهش صد درصدی فروش روبرو شده‌اند. بر اساس آمارهای ارائه شده بیش از ده میلیون ایرانی به طور مستقیم و غیرمستقیم در حوزه اقتدا

● قطع اینترنت با ایجاد اختلال در فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی خسارت گسترده‌ای را رقم زده است؛ خسارتی که به اعتراف وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی روزانه ۵ هزار میلیارد تومان می‌شود.

● اگرچه تصویر بر اینست که قطع اینترنت اقتصاد دیجیتال و استارت‌آپ‌ها را متأثر می‌کند اما خسارت‌ها، بخش‌های مختلف در زنجیره تولید و تأمین را در برمی‌گیرد.

● رئیس اتاق مشترک ایران و برزیل، اعلام کرده «فرآیند تجارت شرکت‌های بازرگانی که در حوزه خرید کالاهای اساسی از کشورهای خارجی فعالیت می‌کنند، از زمان قطعی اینترنت از ۱۸ دی‌ماه تقریباً متوقف شده است.»

● مجیدرضا حریری رئیس اتاق ایران و چین، هفته گذشته از دسترسی اعضای اتاق بازرگانی روزانه تنها ۲۰ دقیقه به اینترنت خبر داده و گفته بود استفاده از اینترنت با حضور «ناظر» و در محل اتاق بازرگانی مقدور است و تأکید کرده بود این شیوه دسترسی به اینترنت «به‌هیچ‌وجه پاسخگوی نیازهای تاجر نیست.»

● رضا الفت نسبت، رئیس اتحادیه کسب و کارهای مجازی، با بیان اینکه «تقریباً از ۱۸ دی ماه، وارد یک وضعیت بسیار ندری در حوزه اینترنت و ارتباطات و حتی تلفن شده‌ایم» گفته «کسب‌وکارهای بزرگ از همان روزهای اول اعتراضات شاهد کاهش نزدیک به ۸۰ درصدی فروش بودند.»

رئیس اتاق مشترک ایران و برزیل اعلام کرده فرآیند تجارت شرکت‌های بازرگانی که در حوزه خرید کالاهای اساسی از کشورهای خارجی فعالیت می‌کنند، از زمان قطعی اینترنت از ۱۸ دی‌ماه تقریباً متوقف شده است؛ چراکه بیشتر مراودات تجاری از طریق ارسال اسناد، پروفارما و پکینگ‌لیست با استفاده از ایمیل، تلگرام و واتس‌آپ انجام می‌شد. قطع اینترنت با ایجاد اختلال در فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی خسارت گسترده‌ای را رقم زده است؛ خسارتی که به اعتراف وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی روزانه ۵ هزار میلیارد تومان می‌شود.

اگرچه تصویر بر اینست که قطع اینترنت اقتصاد دیجیتال و استارت‌آپ‌ها را متأثر می‌کند اما خسارت‌ها، بخش‌های مختلف در زنجیره تولید و تأمین را در برمی‌گیرد.

در همین رابطه فخرالدین عامریان، رئیس اتاق مشترک ایران و برزیل، اعلام کرده «فرآیند تجارت شرکت‌های بازرگانی که در حوزه خرید کالاهای اساسی از کشورهای خارجی فعالیت می‌کنند، از زمان قطعی اینترنت از ۱۸ دی‌ماه تقریباً متوقف شده است؛ چراکه بیشتر مراودات تجاری از طریق ارسال اسناد، پروفارما و پکینگ‌لیست با استفاده از ایمیل، تلگرام و واتس‌آپ انجام می‌شد.»

رئیس اتاق مشترک ایران و برزیل با بیان اینکه مشکلات بازرگانان محدود به قطع اینترنت نیست، گفته «پیش از این نیز مراودات بازرگانی ما از طریق پست DHL به دلیل تحریم‌ها با مشکل مواجه بود و عملاً امکان ارسال اسناد از این طریق را نداریم. به همین دلیل، برخی روند ارسال اسناد را از مسیر کشورهای همسایه انجام می‌دهند که همین موضوع نیز روند کار را دشوارتر کرده است.»

فخرالدین عامریان در ادامه به چالش‌های واردات کالا



استقبال شاهزاده رضا پهلوی از
ترویرستی اعلام شدن سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی



یادداشت وبسایت شبکه «ولت» آلمان:
رضا پهلوی می‌تواند رهبر دوران گذار باشد،
امروز مسئولیت چپ‌های ایرانی درک این
واقعیت است



شاهزاده رضا پهلوی:
ما برای توافق بر سر تسلیم جمهوری اسلامی
در برابر ملت ایران آماده‌ایم!



ائتلاف فرا حزبی در مجلس اعیان بریتانیا:
زمان تعامل با اپوزیسیون ایران
فرا رسیده است



فراخوان شاهزاده رضا پهلوی به ایرانیان خارج از کشور:
۱۴ فوریه، در حمایت از مردم ایران



وال استریت ژورنال:
زمان معامله با حکومت ایران گذشته،
اکنون وقت «تغییر رژیم» است



آکسیوس:
ترامپ با درخواست جمهوری اسلامی
برای تأخیر محل مذاکرات از ترکیه به
عمان موافقت کرد



روایت‌گشی و شاهدگشی:
سیاست پنهان جمهوری اسلامی



انتشار نام ۱۵۰ دانش‌آموز جان باخته در اعتراضات:
صد و پنجاه جان شیرین؛ صد و پنجاه
نیمکت خالی و هزاران چشم گریان



دانیال ابدالی‌پور نماینده هیئت‌مؤکرات پارلمان هامبورگ:
وزیر خارجه آلمان با شاهزاده رضا پهلوی
دیدار کند



بیانیه جمعی از روزنامه نگاران
ایرانی خارج از کشور در حمایت از مبارزات
آزادی‌خواهانه ملت ایران



ضرورت حمایت هرچه قوی‌تر از
فراخوان شاهزاده رضا پهلوی در ۱۴ فوریه



از هولوکاست تا کشتارهای ایران در ۲۰۲۶:
وقتی جهان می‌دانست و سکوت کرد



دعوت از شاهزاده رضا پهلوی برای
حضور در کنفرانس امنیتی مونیخ:
پلیس آلمان:
احتمالاً تا ۱۰۰ هزار نفر به مونیخ می‌آیند



آمریکا پهباد سپاه را که
به ناو آبراهام لینکلن نزدیک
شده بود سرنگون کرد



پولیتیکو: ایرانیان تاریخ می‌سازند؛
اروپا باید اکنون اقدام کند



سقوط ارزش پول ملی؛
ایران چک ۵۰۰ هزار تومانی به بازار آمد



تداوم سرکوب:
مسدودسازی سیم‌کارت شماری از دانشجویان
دانشگاه علوم پزشکی تهران



پنج انفجار نسبتاً همزمان در
پندرعباس، پرند، اهواز، تبریز و
قصر شیرین



دانشجویان در ده‌ها دانشگاه ایران
در اعتراض به کشتار دی ۴۰۴ امتحانات را
تحریم کردند



کوثر کمالی تیم ملی فوتبال را
در واکنش به کشتار مردم ترک کرد



سرکوب قهرمانان:
روایت نیویورک پست از بازداشت و
کشتار ورزشکاران معترض در ایران



بهنام یخچالی تیم ملی بسکتبال
را در همدلی با مردم ترک کرد



کناره‌گیری زهرا علیزاده،
فوتبالیست، از تیم ملی در حمایت
از اعتراضات ملت ایران



اختصاصی:
عرشیا حضوری ساکن تایلند و جان‌باخته
در اعتراضات دی ۴۰۴:
پیکرش را در ازای دریافت ۲ میلیارد تومان
تحويل دادند



اولتیماتوم ترامپ به جمهوری اسلامی:
مهلت نهایی برای توافق رو به
پایان است



درگیری آمریکا بر سر ایران
مذاکرات سه‌جانبه صلح در اوکراین
را به تعویق انداخت



بازداشت دست‌کم ۹ وکیل دادگستری
از ابتدای اعتراضات دی ۴۰۴



پیام شاهزاده رضا پهلوی به مردم دلیر ایران:
قول می‌دهم که از اعتماد و اتحاد شما
با تمام وجود محافظت خواهم کرد



بیش از ۵۰ وکیل کانادایی از دولت
خواستند شاهزاده رضا پهلوی را به عنوان
رهبر دوران گذار به رسمیت بشناسد



دو هفته پس از قتل‌عام مردم ایران:
پزشکیان: به عراقی دستور دادم زمینه
مذاکره با آمریکا را فراهم سازد



اورشلیم پست:
آمریکا و اسرائیل یک کانال نظامی برای
همه‌پانگی درباره ایران ایجاد کرده‌اند



اتحادیه اروپا
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
را «سازمان تروریستی» اعلام کرد



بازداشت دو پزشک در قزوین
به دلیل درمان مجروحان



در اعتراضات دی‌ماه ۴۰۴ چه گذشت:
بخش چهارم:
در آرایشگر به سوی مردم رگبار گشودند;
پیرمردی در محل جان باختن حمیدرضا روحی
جان باخت
روشن آستری



گزارش ویژه: در اعتراضات دی‌ماه ۴۰۴ چه گذشت:
بخش پنجم: سرکوب کودکان;
«پسر» را مجبور به امضای برکه‌های اعتراضاتی
کردند که از محتوای آن خبر نداشت
روشن آستری



میلاد خردمند در اعتراض به
کشتار شهروندان از تیم ملی بسکتبال
با ویلچیر کناره‌گیری کرد



دفاع نماینده مجلس شورای اسلامی
از مصادره اموال شهروندان به بهانه حمایت از
اعتراضات



امیر احمدوند چشم‌انتظار تولد
فرزندش در اعتراضات جان باخت



وزیر دفاع عربستان:
عدم اقدام نظامی ترامپ علیه رژیم ایران
آنها را گستاخ‌تر می‌کند



در اعتراض به کشتار معترضان
محمدرضا اورعی ستاره‌هندبال از تیم ملی
کناره‌گیری کرد



ناپدید شدن یک ورزشکار در
جریان سرکوب حکومتی اعتراضات



خطر صدور حکم اعدام
علیه ملیکا عزیزی از بازداشت‌شدگان
اعتراضات دی ۴۰۴ به اتهام «محاربه»



نیلوفر میرکریمی در اعتراض به
کشتار شهروندان از داوری در فوتسال
زنان کناره‌گیری کرد



فرهاد زبردی در اعتراض به
کشتار مردم از تیم ملی بسکتبال با ویلچر
انصراف داد



اختصاصی:
بی‌خبری از حسین مزینانی،
بازداشت‌شده در اعتراضات ۲۰ دی ۴۰۴



اختصاصی:
علی زندیه پری ۲۵ ساله اهل ملایر که
از پشت‌پام سرش را نشانه گرفتند



محمد امینی، بسکتبالیست،
در اعتراض به کشتار دی ۴۰۴ از تیم
ملی کناره‌گیری کرد



محمد هادی مهرتاشفر قرار بود
به آلمان برود ولی مأموران سرکوب قلبش
را نشانه گرفتند



وضعیت نامعلوم احسان سهرابی;
پرستاری که به مجروحان خیزش ملی
کمک رساند



عکس هفته | مبارزه ملی علیه جمهوری اسلامی ادامه دارد

با وجود سرکوب مسلحانه و خونبار شهروندان معترض توسط جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات دی‌ماه اما مبارزه ضدحکومتی همچنان ادامه دارد. دانش‌آموزان یک دبیرستان پسرانه در تهران روز هشتم بهمن‌ماه پرچم شیروخورشید را در مدرسه به اهتزاز درآوردند.